M.A.LIBRARY, A.M.U.

PE7935

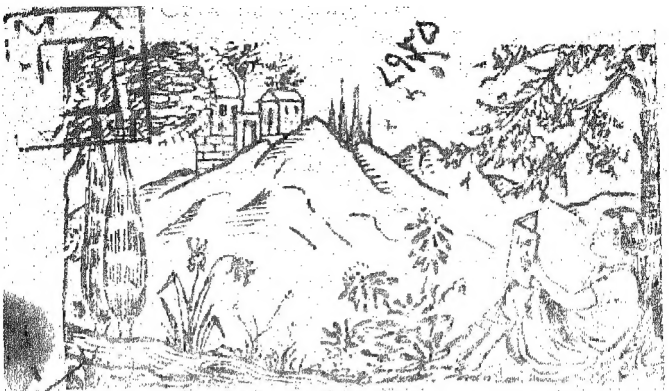

انجمن با آخرین شمارهٔ مخصوص یادگار جنگ

ایران و پایان جنگ

جنگ کنونی بر اثر جانفشانی و کوشش کشورهای بزرگ و کوچک متفق با تسلیم و این بنفع حق و حقیقت منتهی گردید. سیاست کشور گشائی و زورگوئی باز برای بار دیگر مغلوب شد، فرشتهٔ صلح که شش سال بال و پر بسته گرد زمین را ترک کرده بود دوباره باز گسسته و چهرهٔ زیبای خودرا بمردم ستمدیده و رنجر کشیدهٔ گیتی نمود. ساعت ولی متأسفانه این جنگ خونین و خونریزیهای منعش و خانمانسوز برای جهانیان چه آثاری باقی گذاشت؟

کشورهائیکه ویران گردید و رشتهٔ انتظام امور هادی آنها از هم گسیخت، شهرهائی که با خاک یکسان شد و بصورت آثار باستانی چندین هزار سال پیش درآمد، میلیونها خانواده بدون سرپرست و بیمارانی که هستی خود را از دست دادند. برهنگی و گرسنگی

زیانهای فاحش مالی که جبران آنها کار بس دشواریست و بالاخره خرابیها و بدبختیها و مشقاتی که گریبانگیر نسل بشر گردید همگی نتیجهٔ سیاست جابرانه کشور هائیست که اینک خود آنها بیش از دیگران آسیب دیده‌اند و آتشی که روشن کردند ودر آن سوختند ماحصل حرص وخود خواهی شومیست که آنهارا باین روز سیاه نشانید و بیکمده کشورهای کوچك بیگناه هم آسیب رسانیدند که از جملهٔ آنها ایران دلبند ماست که هر چند سربازانش در جنك شرکت نکردند ولی به نسبت خود بیش از سایر ملل متفق درراه پیروزی فداکاری نمود ومتحمل خسارات و مضایق مالی واقتصادی فراوانی گردید که فقط بیك تعارف دیپلماسی یا باسم «ایل پیروزی» نامیده شد ودیگرهیچ (!)

کشورهای متفق باتوسل بیکرشته اقدامات مقتضی برآشفته‌اند که ازتوسع نظائر این جنك که دنیائی را بدبختی کشانید ومدنیت جهانی را بخطر انداخت جلوگیری نمایند . امید است این اقدامات کشورهای متفق را بتشکیل سازمان امنیت جهانی که دولت ایران نیز درآن شرکت دارد بحصول توفیق کامل مقرون سازد و در سایه این سازمان گیتی تا مدت مدیدی از آسیب جنك بر کنار ماند و کشورهای بزرك و کوچك متفق برای اصلاح خرابیها بجدو سعی جنك وجبران مافات بوسیله عقد پیمانهای اقتصادی و تکنیکی و غیره بپردازند و بدینوسیله تا درجه‌ای از فشار کشورهای مصیبت دیده بنفع ملل ضعیف بکاهند و کمر از زیر بارگرانهای مالی فرسای جنك راست کنند . ولی متاسفانه با رقابتهای سیاسی که ظهور نموده باعث نومیدی و نگرانی شده است .

کشور ما ایران درطی جنك کنونی بسهم خود متحمل خسارات بسیاری شده است و فداکاری مهمی برای پیروزی متفقین خود نموده است که راه ترانزیتی ایران بمتفقین و استفاده ای که از لحاظ جنگی متفقین بتصدیق خودشان از این راه حیاتی بایل پیروزی

کرده‌اند محتاج بتذکر و توصیف نیست زیرا فداکاری که کلیه افراد ملت ایران در این خصوص نموده و زیانهای مالی که دیده و فقر و پریشانی که با آن بسختی دست بگریبان بوده و محرومیت هائی که در طی جنگ داشته و هنوز هم دارند بر هیچیک از ملل متفق پوشیده نیست و امیدواریم متفقین ما که چندین سال تمام قوای خودرا در راه برقراری آزادی و عدالت بر علیه زورگوئی و تعدی بملل کوچک در سراسر جهان بکار برده‌اند امیدواریم معنی و حقیقت داشته و این فداکاری ها و محرومیت های فوق العادهٔ ملت ایران را فراموش نکرده باشند و ایران را از دریافت کرایه راه آهن و سهمیهٔ غرامات و کمکهای مؤثر اقتصادی و مالی که وعده داده‌اند بی نصیب ننمایند و همانا فقط از این طریق ممکن است ایران و ایرانی که در راه پیروزی ملل متفق از دستش ساقط شده است و منابع اقتصادی و موسسات صنعتی و جنگی و بالاخره دار و ندار خودرا در طبق اخلاص گذاشته و تقدیم متفقین بزرگ نموده دوباره بتواند تجدید قوا نموده و قد علم نماید.

اینک با پایان یافتن جنگ امیدوار است که دوران بحران و مشقتهای ملت ایران نیز بپایان یابد و این پریشانی و بدبختی که از لحاظ وضع اقتصادی و گرانی فوق العاده کالا هنوز مردم ایران با آن دست بگریبانند خاتمه یافته و پس از سالها سختی و مشقت گرایش کلی و آسایش عمومی در زندگی خانوادگی حاصل شده و بتوانند نفس راحتی بکشند و همانا با وعده و نویدهائی که متفقین بما داده‌اند تجارت ایران هرچه زودتر منبعد تجارت سراسر ایران از قوای متفقین ما گردیده و با فراهم ساختن هر گونه تسهیلاتی از لحاظ آزادی عمل و عدم دخالت در امور داخلی ما کمکی بازگشت اوضاع کشور بحال عادی خود شده و گشایشی در کلیهٔ کارهای کشور حاصل گردد.

علی اکبر [illegible]

نگارش: آقای محمد جناب زاده

تعالیم اسلام و صلح جهان

دومین جنگ جهانسوز با شکست ژاپون پایان یافت ولی تأثیرات مادی و معنوی آن از چند جهت باقی و در حقیقت سنن افکار مالیخولیائی ومطامع فریبنده که موجد جنگ عالمگیر بوده درمغز اجتماعات وروحیهٔ افراددر تلاطم وجامعهٔ بشر بامهٔ امیدواریهای هواخواهان صلح مقدرات تلخ و تاریکی درسر راه دارد.

جامعهٔ بشر بیمار است. صحیح است این بیمار در این بار هم دوره بحران را طی کرده و ظاهر از خطر مرگ رسته ولی جسم آن بپراندازه درمبارزهٔ میکروبهای مهاجم تحلیل کننده وتاحدیه مسمومی هم قوه عقلی او تحت تأثیر حوادث ضعیف و پریشان شده است.

جامعهٔ بشر ازجنگ زیانهای بیشماری دیده و خواهد دید. شر جنگ تنها کشتار های بی حساب انسان شهرها و مدنیتها. گسیختهٔ شدن نظامات خانوادگی واجتماعی. پیدایش انواع امراض و فقر و گرسنگی عمومی وبدبختی میلیونها افراد خانواده... ناقص نیست بلکه جنگ باوضع مخرش واختراعات موحش موجد بیماریهای روحی و عقلی فراوان است که خواهی نخواهی آثار مشئوم آن تاچند نسل یادگار خواهد ماند.

امروز جنگ عناصر قوی و سالم جماعات را میبلعد. شجیعهای دانا و دانشمند را معدوم میسازد ایمان و اخلاق پاك عقاید قویم و مستقیم را مشوش مینماید و در جوامع بشری اعم از غالب ومغلوب اضطراب فکری ایجاد میکند.

ملل غالب تصور میکنند که جهان وسرنوشت انسان در دست آنان است . در نتیجهٔ این تصور عهود و مواعید خود را فراموش مینمایند وآن آزادی وسعادتی را که برای خودوجهانیان آرزومند بودند از لوح خاطر محو میسازند و درفکر استفادهٔ از قدرت و توانائی صوری برآمده موجبات تحول عقیده وحسن نیت خویش را فراهم میآورند وهمین معنی است که درکلام مجید بدان اشاه شده که «ولو رحمانهم وکشفنا مابهم من ضر للجو فی طغیانهم یعمهون» .

تاریخ از اینگونه حوادث و پرده‌های مکرر زیاد در صفحه خاطر ثبت نموده است ولی البته امروز ازلحاظ ترقی عقلی و مدنی وتجارب متمادی طرز فکرملل متمدنه نباید مشابه اقوام منحطه باشد.

تا وقتیکه مالیخولیای جهانگیری بهر نام و عنوان از مغز اجتماعات دور نشود جنگ بامهٔ مفاسد وزیان محسوس ورقت‌انگیز دوام خواهد یافت و یقین است که در این نبرد دائم وسائط غلبه و استیلا و کشورگشائی بمناسبت مقتضیات زمان متفاوت میشود ولی درعین حال بتناوب غالب و مغلوب جای خود را در مرحلهٔ موفقیت بیکدیگر میسپارند .

دراین جنگ خونین ومستمر عالم انسانی ناچار است باتحمل خسارات مادی ومعنوی همواره تمام عناصر فکری و اقتصادی خودرا متوجه جنگ نماید وهمیشه فرزندان عالم را برای مسلخ و کشتارگاه پرورش دهد .

دوام چنین وضعی که همه ارکان هستی و موجودیت انسانی را بلعیدهٔ خود قرار داده هولناک است وپیش‌بینی میشود که انقراض نژاد بشر نزدیک و کره زمین از موجودات زنده تهی خواهد شد .

ما از لحاظ معتقدات دینی نگران چنین پیش آمدی نیستیم و مسلیم جهان را حاصلی باشد شدنی نیست . و اطمینان مثبت هوی

وهوس زبانکاران رانخواهدنمود «ولواتبع الحق اهواءهم لفسدت السموات والارض ومن فیهن» متفکرین ودوستداران عدالت هر روز درایجاد روش و طریقه تازه درخور مقتضیات و افکار مساعد روز برای تأمین صلح جهان مساعی فراوان مبذول میدارند ولی درعین تقدیر ازاین اقدامات باید متوجه شد که تا مبادی تعلیم و تربیت عمومی درهمه کشورها درظاهر وباطن براصل تعلیمات دینی وعواطف انسانی استوار نگردد دمبدم طوفانهای مهیب سیاسی مانع از اجرای دادگستری و اصول عام‌النفعه که ضامن صلح وسعادت بشر باشد خواهد شد.

در تلو دیانتهای آسمانی تعالیم دین انسان ازلحاظ پرورش عواطف انسانی جلوه ومزیت خاصی دارد و درتأمین وتثبیت صلح عمومی ورفع عوالم اختلاف با اصول جامع سعی جمیل بکار برده‌است. یکی از علل بروز اختلاف و موجبات جنگ فکر برتری وتعالی وقومی است که میتوان گفت این فکر یا ابن مالیخولیا مصدر اصلی جنگهای تاریخی بوده و هست.

دیانت اسلام همه افراد بشر را بدون تفاوت نژاد دریك رتبه ومقام ومزایای برای جامعه یا قوم مخصوصی قائل نشده وتقسیم‌بندیهای اجتماعی و پیدایش ملل و طوائف و قبیله را عامل معرفت و شناسائی و حسن تفاهم میان افراد ناس قرار داده است «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر وانثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا».

باید این نکته تعلیم شود که میان اقوام انسانی و نژادها فرق وامتیازی درخلقت صوری ومعنوی نیست وتصور اینکه بعضی از نژادها یا جماعات از مواهب خدا دادمحروم مانده و شعور ادراك و قوای عقلی خاص قوم یا نژاد واحدی شده و دیگران درسطح نازلی قرار گرفته اند تصور و گمان باطلی است.

در هر قوم ونژاد و درهر ملت وجامعه با توجه بطبقه بندی و مجموعهٔ نفوسی که سازنده اجتماع میباشند مدارج عقول مختلف و متفاوت است ولی در عین حال هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که بتوان گفت هویت اجتماعی یك نژاد ازحیث خلقت بطور کلی کمتر یا بالاتر از دیگران است .

در هر قوم و هر نژادی رذائل وفضائل وجود دارد ومحققین گفته اند اگر برجستگان معاریف جماعات را کنار بگذارند تودهٔ همه مثل درمراتب عقلی باهم یکسان میباشند .

سیاست خدعه آمیزی که پیشوایان نازی بقصد تفرقه میان نژادها ابداع واختراع کرده بودند جز یك سلسله وهمیات وتخیلات بی‌اساس چیز دیگری نبود .

نازیها برای‌کرسی نشینان مفاخر موهوم خودشان مبادی تاریخ و لغت و علوم ونژاد شناسی را ازسیر فنی ودانش منحرف نمودند و مجعولات بی پایه وغلطی را وارد فرهنگ ساختند .

آنها بقوه مغالطه میخواستند امتیازاتی درخون وخلقت برای خود زیر عنوان ـ آلمان فوق همه ـ ثابت نمایند وموضوعات ومسائلی را طرح کردند که با زوال خودشان بادگار مشئوم و سرمشق فاسدی بجای گذاردند .

نازیها و شاگردان این مکتب از ترکیب بندی ظاهر جسم و ماده ملوّنه موی وپوست و چشم ولب و شکل بینی و بزرگی و کوچکی جمجمه وپست و تنگی پیشانی بلندی و کوتاهی اندام مدارج عقلی را اندازه میگرفتند ودرتمام موارد سعی داشتند همهٔ مزایای صوری ومعنوی را هم بخود انحصار دهند .

تردید نیست که موقعیت جغرافیائی وعوالم محیط طرز فکر و میزان فرهنگ درتکوین مایهٔ عقلی وخمود یاظهور آن اثر کلی

دارد لیکن هیچگاه نژاد وجنسی از لحاظ رنگ پوست و علائم صوری وابسته علم لدنی نبوده وقومیت مرادف با مدنیت نشده و فرهنگ اکتسابی نشان داده که نژاد سیاه و زرد را هم میتواند بپایه ادراك ومشاعر اقوام سفید پوست برساند.

درهر جنسی ازصفات اولیه فطریه وصفات بارز ترقی وجود دارد واین بحث هنوز بجائی نرسیده که متصدیان علم و معرفت یا موجب مدنیت کدام نژاد ومهد دانش کجا بوده است.

بهراندازه کاوشهای تاریخی پیش میرود زیادترمشهودمیگردد که اقوام بازمانده ازکاروان ترقی سابقه درخشانی درتاریخ مدنیت دارند.

بحکم موازین دین مبین عدل خداوندی شامل حال کلیه عباد وبندگان بوده و هست بمفاد «علم الانسان مالم یعلم» مواهب ایزدی و تعلیمات آسمانی و ودایع عقلی خاص نژاد معین نبوده و خداوند رؤف مهربان فیض خود را عام نموده است امتیاز عقلی نژاد معین بر سایر نژادها و اغفال جماعات بنام لغت وسابقهٔ مدنیت و آتش افروزی باین عناوین و ایجاد عداوت وخصومت که غالباً در گردش زمان سلاح جهانگیران بوده بارها وهم وسستی آن بثبوت رسیدهٔ و دیگر این ماجرا جوئیها نباید برنامهٔ بشر متمدن و آزادیخواه واقع شود.

اسلام همه اقوام و نژادها را شایسته ترقی و تعالی دانسته و استفاده از حق زندگانی و نعمات الهی و عدالت طبیعی را اساس سیات اجتماعی قرار داده وهمه را دربارهٔ یکدیگر بعدل واحسان توصیه وتاکید نموده است.

بنابراین نخستین اصل اصلاح اوضاع آشفته جهان و تحکیم مبانی عدالت و امنیت و تأمین صلح عمومی بسته باین است که مالیخولیای برتری و سیادت قومی و نژادی از مغزها خارج شود.

این فکر بهر صورت در آید و در تحت هر عنوان بحق

حاکمیت و موجودیت اجتماعات لطمه وارد سازد نتایج تلخ آن یکسان است باید جماعات را آزاد گذارد و بهیچ عنوان در مقدرات آنها دخالت ننمود .

یکی از علل ترقی و تأمین آزادی و قوت روح دموکراسی در دول متحدهٔ امریکا شکست سیاست مستعمراتی در آن منطقه بوده است در امریکا نژادهای مختلف که هرکدام دارای نواقصی و یا مزایائی بوده اند باهم تألیف و ترکیب یافته و بدون اینکه دسته و قوم خاصی درصدد تطهیر و برتری خود باشد با حفظ آداب و تقالید موروثی بهم آمیخته و سرمشق عدالت و مظهر آزادی قرار گرفته اند .

اگر باید دنیا روی آرامش بخود به بیند و افراد بشر از زندگانی لرزان و پریشان نجات پیدا کنند باید ترقی وسرنوشت هر کشوری را بعقل واستعداد اهالی آن واگذار کرد .

البته هر کشوری بموقع خود از لحاظ اجرای اصل عدالت وتساوی حقوق وتأمین آزادی فردی عهده‌دار وظایف دشواریست که در سر فصل آن حل معضلات اقتصادی وتوازن زندگانی طبقاتی قرار گرفته و این اصلاحات‌هم بایدبارعایت حقوق عمومی‌بعمل آید .

ما از نظر زندگانی اجتماعی خودمان نیازمند هیچگونه تعلیم وسرمشقی نمیباشیم و چنانچه زیاد تر باحکام و فرائض وسنن مذهبی مراجعه کنیم همه مشکلات و معضلات زندگانی خود را بابهترین برنامه و روش وسیاست بخشی میتوانیم موقع سازیم ولی بشرطیکه حقایق را نادیده نگذارده و هوی و هوس و اغراض و خودکامی را بایگزین اصول و اوامر و نواهی دین قرار ندهیم والبته در این صورت موجبات انحطاط مقام و اجتماعی را فراهم آورده و بناچار پیش آمدهائی که نباید بآن مواجه شویم‌پیشم خود خواهیم دید .

مدیر مسئول روزنامه ندای آسمانی - محمد حجاب‌زاده

پیام اعلیحضرت همایونی

در برابر رادیو

روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴

ساعت ۷ و نیم بعدازظهر روز پنجشنبه اعلیحضرت همایونی بمناسبت پایان جنگ جهانی پیام زیررا در برابر رادیو ایراد فرمودند:

***

خوشبختانه با خبر تسلیم ژاپن جنگ عالمگیر بپایان رسید و دنیا از نوید صلح غرق شادی و مسرت است:

همه میدانند که ازاین جنگ بدنیا چه صدمات و جراحات بزرگی وارد شد و جبران آن مستلزم چقدر کوشش و مجاهدت خواهد بود حالا که این آتش جهانسوز خاموش شده و بهدف اصلی خود که برقراری صلح و آرامش است نائل گردیده ایم باکمال خوشوقتی در جشن شرکت مینمائیم و بتمام ملل مخصوصاً متفقین بزرگ بیدگانه تبریك میگوئیم و بملت ایران که در این نبرد عظیم شریك بوده و پیروزمند و سربلند شده است خوشبختی و سعادت را بشارت میدهیم

در عین حال قلب وروح ما باید شکرگزار و متوجه رحمت واسعهٔ الهی باشد که در این شدائد بما صبر و توانائی عنایت فرمود و میتوانیم از نتایج پیروزی متمتع و بهره مند شویم.

تصمیماتیکه برای بسط عدالت و حفظ حقوق ملل و استقرار مبانی صلح در کنفرانس سانفرانسیسکو اتخاذ شده وسیلهٔ گرانبهائیست که همه را بتهیهٔ موجبات سعادت مطمئن و امیدوار مینماید همه باید این تصمیمات را با اشتیاق کامل پیروی کرده و از مشارکت

در اجرای آن دقیقه‌ای فروگزار نکنند. کشور ما نیز که تابحال دچار مشکلات جنك بود از این ببعد باید با کمال فعالیت درجبران

اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی

سعادت وارده وتهیهٔ سعادت آتیه خود سعی و کوشش نماید و مطرح

زندگی جدیدی ببرد که همانطوریکه مکرر گفته وتأکید کرده‌ام وباز هم تکرار میکنم با اتکاء و اعتماد بنفس استقلال و حاکمیت خود را محفوظ بدارد و برای جامعهٔ ایرانی حد اقل احتیاجات را بطوریکه باتمدن جهان‌وفق‌دهد فراهم کند واین‌منظور عملی‌نمیشود مگر اینکه پایه عدالت قضائی و اجتماعی را محکم نماید تا درسایه آن اشخاص‌صالح‌وشایسته ومردم خیرخواه وباایمان تشویق وترویج شوند و لوازم ترقی وسعادت ورفاهیت تأمین گردد.

بشهادت تاریخ هروقت برای کشور ما مضایق وشدائدی رخ نموده همینکه مشکلات برطرف شده است‌همت وغیرت وفداکاری ملی ایران را بعظمت تاریخی خود رسانیده واز کوشش ومجاهدت فروگزارنشده‌است حالاهم موقع تجدید این امتحان تاریخی است. سعادت وموفقیت همگی را از خداوند تعالی مسئلت داریم.

ارد مارشال ویول نایب السلطنهٔ هندوستان

بمناسبت تسلیم ژاپن و پایان جنگ

بیانات آقای نخست وزیر در مقابل رادیو

آقای سپهبد نخست وزیر درساعت ۷ و نیم بعد ازظهر روز پنجشنبه ۲۵ مرداد بمناسبت پیروزی متفقین و پایان جنگ سخنرانی زیررا در برابر رادیو ایراد نمودند :

هم میهنان عزیز و گرامی :

در اینموقع که آخرین نیرو از کشور های دشمن در مقابل سربازان دلیر متفقین بزرگ ما سر فرود آورده تسلیم و دولت مهاجم ژاپن که ما هم با آندولت در حال جنگ بودیم رسماً باطلاع چهار دولت امریکا ، اتحاد جماهیر شوروی ، بریتانیای کبیر ، وچین و دولتهای متفق ما رسانید که شرایط کنفرانس پوتسدام را قبول وبکلیه قوای خود دستور داده که عملیات جنگی را قطع واسلحه را تسلیم نمایند . اینجانب با افتخار و خوشحالی و مسرت زیاد رسماً خبر خاتمه جنگ جهانی و بشارت وفتح و پیروزی نهائی راباستحضار شما میرسانم و بسیار خوشوقتم که در این ایام نزدیکی بحق وحقیقت این اقبال را داشته ام که بتوانم یك چنین مژدهٔ روح بخشی راکه نوید استقرار آزادی وروزگارهائی بس طولانی از خوشی وسعادت برای ما و برای تمامی مردم جهان است بهمه هموطنان عزیز خود از دور و نزدیك آگهی دهم و خاطر آشفته همه را تسکین داده آسوده و راحت و شاد سازم .

بیش از هشت سال است که هجوم بی آزادی شده علیا دچار جنگ وخونریزی و آسایش و امنیت مسلوب و هزاران هزار مزبران هرروز بخاك هلاکت میافتادند ساکن ساختمانها مؤسسات و شهرها در نتیجه آثار تمدن بشری ویران و رو بنیستی میرفت و اگر این خاتمه و کشمکش باز هم ادامه میافت البته چندین میلیون نفوس بر عده تلفات افزوده شده و باز بناچار بسیاری از نتایج سی و کوشش اینده بشر بتوده خاك مبدل میگردید .

شکر خدایرا که در اثر تدبیر و متانت و برد باری سران کشورهای بزرگ دوست و متفق ما و با شهامت و شجاعت و فداکاری سربازان دلیر آنها ، شیفتگان آزادی و عدالت ، پایان روز های تیره و سخت طلیعهٔ سعادت بشری نمودار و جنگ ناامنسوز عالم با فتح و پیروزی نهائی خاتمه و آزادی و عدالت ظفر یافت ازهم اکنون باید درسراسر دنیا بشکرانه پیروزی همه بهم کمک و مساعدت نمائیم و در ترمیم خرابی ها و اصلاح امور کشور های متفق رنج کشیده و زحمت دیده بکوشیم و مردم بدبخت را در سعادهٔ این کشور ها که در اثر شوم جنگ بدی و سختی شیده اند در همه جا با جدیت و صمیمیت خوشی ورفاه و سعادت زندگی نصیب دهیم

هموطنان عزیز : همه میدانند وهمه هم دیده و شنیده اند که در امتداد این جنگ شما نیز سختی کشیده و دچار صدمات شده اید و در راه پیروزی هم لایق صمیمانه کوشیده و ازهیچ نوع کوشش و مساعدت مضایقه نکرده اید و سران معظم متفقین مکرر باین مراتب اذعان نموده و محل تردید هیچ فردی از افراد نیست که شما آنچه در حد قدرت خود داشته اید بکتب انتظار گذارنموده اید که وسائل پیشرفت و موفقیت در این راه فراهم شود .

البته یقین بدانید که ایام سختی و بدبختی سری شده بروز بروز باید برای رفاه و آسایش شما بهبودی حاصل شود و نوید ها بشنوید و امید هم هست که هرروز نسبت روز ماقبل در سایه اتحاد و اتفاق آن را البته بیش از پیش دارم بتوانیم وسائل رفاه و آسایش شما و امنیت کامل کشور را فراهم و بپوسته باصلاح امور موفقیت حاصل نمائیم دراین راه هم شرط اصلی کمک و مساعدت خود شما است که مقتضی است در اینموقع نا میتوانید سعی نمائید همه باهم نزدیک شده ازمخالفتها و نفاقهای بیهوده که بصلاح کشور نیست کناره جوئید وهمه یکدل و یکجهت برای سعادت مردم و اصلاح کشور بر اساس احترام آزادی و عدالت با هم متفق و متحد شوید

تابمنظور خود برسیم وریشه های سختی و بدبختی را ازجا برکنیم که :
« آری باتفاق جهان میتوان گرفت »

هرچند هموطنان عزیز من از اعلامیه تهران که بامضای سران دول معظم متفق رسیده واستقلال تام و تمام ایران را متضمن ومتعهد شده اند مستحضر هستند دراین موقع که جنگ خاتمه یافته لازم دانستم یکمرتبه دیگر از متفقین عزیز خودمان جهت اعلامیه خاصی که فقط بین تمام ملل متفق منحصراً برای ایران درکنفرانس تهران صادر شده است شخصاً وبنام ملت ایران سپاسگزاری نمایم حال که پایتخت کشور از قشون متفقین تخلیه میشود و چون جنگ باتمام رسیده امیدوارم این تخلیه همانطور که تمام ایرانیان انتظار دارند مقدمه ای برای تخلیه تمام کشور باشد واوضاع ایران نیز که توأم بااوضاع عالم است بحال عادی برگشت نماید و آسایش و عدالت در جهان با کمک متفقین بزرگ ما مستقر گردد .

امر دیگریکه باعث خوشوقتی عالم بشریت است و کشور ایران نیز قسمی میباشد وهموطنان عزیزم نسبت به آن علاقه کامل دارند تشابهی استکه از کنفرانس دول متفق درسانفرانسیسکو گرفته شده واعلیحضرت همایون شاهنشاه معظم ما نیز درفرمایشهای ملوکانه دیروز بدان اشاره فرمودند نمایندگان ایران در این کنفرانس شرکت جسته وبقدر سهم خویش در استقرار مبانی صلح عالم کمک نمودند و مشروری را که بامضای پنجاه دولت متفق رسیده و ضامن صلح آتی عالم میباشد همراه خود بایران آوردند .

من سعی خواهم نمود کشور ما یکی از اولین دولی باشد که این منشور صلح را تصویب نموده بهموطنان عزیزم اطمینان میدهم این منشوری که ضامن صلح و امنیت است هر چه زودتر برای تصویب بمجلس شورای ملی تقدیم نمایم .

درخاتمه بعموم هموطنان وبخانواده های اشخاصی که براثر جنگ عالمگیر مدتی بلا داشت وازعزیزان وخویشاوندان خود دور مانده بودند و اینک آسوده و آزادانه با خانواده های خود بسر میبرند تبریک میگویم .

بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
و سفیر کبیر انگلستان در ضیافت
دربار شاهنشاهی در کاخ سعدآباد

بمناسبت حصول پیروزی قطعی و پایان دومین جنگ عمومی دنیا ازطرف دربار شاهنشاهی ضیافت مجللی در کاخ سفید سعدآباد داده شد.

برحسب دعوتی که ازطرف رئیس تشریفات سلطنتی شده بود آقایان وزیران و رئیس مجلس شورای ملی کلیه سفراء و وزرای مختار ونمایندگان سیاسی خارجی مقیم تهران ازساعت ۸ و نیم بعداز ظهر با خانم های خود در کاخ سفید سعد آباد حضور بهم رسانیدند. در ساعت ۹ بعد از ظهر مدعوین برای صرف شام راهنمائی شده و در پیشگاه ملوکانه شام صرف گردید در سرمیز شام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نطق زیر را ایراد فرمودند.

آقای سفیر کبیر!

خیلی خوشوقتم که امشب از نمایندگان محترم ملل بزرگی میکنم که شعلهٔ آزادی بوده و با نهایت شجاعت برضد کشورهای متجاوز یعنی دشمنان عدالت و دموکراسی قیام نمودند.

ما در اینجا برای جشن پایان پیروزمندانه جنگ خانمانسوزی جمع شده‌ایم که نوع بشر را دچار مصائب بیشمار کرده بود.

کشور ایران مفتخراست ازاینکه درحدود وسائل خود برای موفقیت متفقین بزرگ خویش و عموم ملل متحده همکاری کرده

و ما یقین داریم جان ومالی که بیدریغ در این راه ایثار شده تحت لوای سازمان ملل متحده صلح پایداری را برقرار و احترام حقوق تمام ملل را ازبزرگ یا کوچك وقوی یاضعیف تأمین خواهد نمود .

در این موقع جام خود را بسلامتی رؤسای کشور های ملل بزرگ که به نیرومندی کامل با قوای اهریمنی مبارزه کرده‌اند بلند کرده وسعادت و کامیابی آنهارا صمیمانه آرزو مینمایم .

بسلاطین ورؤسای کشورهای ملل متحد وممالك دوستی هم که نمایندگان آنها در سر این میز حضور دارند درود میفرستم .

البته دراینموقع جشن و شادی قهرمانان وشهدای این جنك را نیز که باکمال شجاعت جان خودرا برای خدمت بآزادی ورستگاری بشر فدا کرده اند نمیتوانیم فراموش کنیم ومن اینك احساسات قلبی خودرا بارواح پاك آنها هدیه میکنم .

ازخداوند متعال درخواست دارم که درگیتی یکدورهٔ آرامش و امنیت طولانی برقرار فرماید تارفاه حال و کامیابی کامل اهالی تمام کشور ها تامین شود .

پس از پایان بیانات اعلیحضرت همایون شاهنشاهی سرریدر بولارد سفیرکبیر انگلستان درتهران باسمت مقدم السفرائی باسخ زیررا ایراد نمودند :

شاهنشاها :

این بنده که از روز های اول جنك در ایران بوده ام ، خوشوقتم ازاینکه این افتخار نصیب من شده است تاعرجم احساسات نمایندگان سیاسی خارجی ، در پاسخ نطق اعلیحضرت همایونی باشم تمام کسانیکه در این مجلس حضور دارند اظهار خوشوقتی

اعلیحضرت همایونی‌را درباره اینکه جنگی که مصائب فراوان‌وارد آورده پایان یافته و از احترامی که برای آنانکه در راه آزادی جان داده اند، قائل شده‌اید، از ته قلب منعکس میسازند تنها مایه تسلی دربرابر اینهمه مصائب وشدایدودر برابر ازبین رفتن اینهمه مردم، امیدواری باین است که سیستم امنیت دنیا که آنرا ملل‌متفق از جمله ایران - تنظیم کرده اند بیشتر از سلف خود یعنی مجمع اتفاق ملل در جلوگیری از تهاجم، توفیق یابد امیدواری به‌اینکه درتحت این سیستم، چنانکه اعلیحضرت همایونی نیز اشاره فرمودید، صلح دائمی، احترام بحقوق، تمام ملل چه بزرگ و چه کوچك بوجود آید.

من بنام تمام نمایندگان سیاسی خارجی در اینجا جام خودرا بسلامتی اعلیحضرت همایونی وبرای خوشبختی کشور شما که مطمئن هستم برمشکلات بعد ازجنك فائق خواهد آمد بلند میکنم.

شب نشینی

پس از صرف شام شب نشینی آغاز گردید وبرحسب دعوتی که بعمل آمده بود هیئت رئیسه مجلس شورایملی، معاونین وزارت خانه‌ها، رجال، دبیران و وابسته‌های نظامی سفارتخانه ها، افسران ارشد ارتش شاهنشاهی از ساعت ۱۰ بعد از ظهر در کاخ سفید سعدآباد حضور بهمرسانیدند. ازطرف رئیس تشریفات سلطنتی از آقایان مدعوین درمحوطه جلو کاخ پذیرائی بعمل آمد. درساعت ۱۱ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بباغ تشریف فرما شدند و بوفه افتتاح گردید، ذات‌ملوکانه نسبت بعموم‌مدعوین اظهار لطف ومرحمت نموده ودر ساعت ۱۲ بکاخ مراجعت فرمودند.

این پذیرائی وشب نشینی که در یك محیط گرم وصمیمانه انجام گردید تا مدتی بعداز نیمه شب دوام داشت.

بیانات آقای نخست وزیر
درجلسهٔ خصوصی مجلس شورای ملی
روز ۲۵ مرداد ۱۳۲۴

بانهایت مسرت وخشنودی رسماً باستحضار آقایان نمایندگان محترم مجلس شورای ملی میرسانم :

«دولت مهاجم ژاپن تسلیم گردید . پس از ۸ سال جنگ و تجاوز های بر خلاف حق و عدالت و برخلاف عهود و اصول بین المللی بالاخره ژاپن در برابر سربازان دلیر و مشعلداران آزادی و عدالت که جان برکف برای حفظ شرافت و حقوق بشر ایستادگی میکردند سر تسلیم فرود آورده وزانو برزمین زد (صحیح است) .

دولت ژاپن در پایان روز ۳۳مرداد ماه جاری رسماً باطلاع چهار دولت ، دول متفق ما امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و بریتانیای کبیر وچین رسانید که شرایط کنفرانس پوتسدام را قبول نموده و بفرماندهان ارتش و کلیه قوای کشور خود در هر نقطه‌ای که هستند دستور داده است عملیات جنگی را قطع و اسلحه راتسلیم نمایند . باین ترتیب آخرین دولت متجاوز دشمن ما ودشمن متفقین ما در برابر پرچم آزادی و دمکراسی سر تسلیم فرود آورد و پیروزی جهانی بنفع ملل متفق اعلام و تأمین میگردد (صحیح است صحیح است)

اینجانب برحسب امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بنام دولت وملت ایران که بحقانیت اصولی که پیشروان دول بزرگ دمکراسی هدف مشترک خود قرار داده ایمان و اعتقاد کامل دارد و در راه

قبل باین منظور مقدس از هیچگونه کمك و همراهی دریغ نکرده است (صحیح است صحیح است)

این پیروزی بزرك راکه فتح و ظفر، حق وعدالت باافتخار و سربلندی بهمه ملل متفق شیفته آزادی مخصوصاً بچهار دولت بزرك امریکا و اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان و چین صمیمانه شادباش میگویم وموفقیت آنها رادرحفظ صلح جهانی و تأمین آزادی و استقلال ملل خواستارم .

عظمت و اهمیت بشر بآزادی و اجرای عدالت است واگر این دواصل برای افراد و ملل وکشورها در سراسر جهان مورد ستایش و احترام نباشد ووسیله حفاظت آن تأمین نگردد همه این کوششها و جدیت ها عبث و بیهوده بوده شئون و حیثیات جامعه بشری درخطر واقع میگردد،

شکر خدارا که شهامت و مردانگی، فداکاری و از خود گذشتگی سربازان دلیر شجاع دولت های دوست و متفق ما شئون و مقام معنوی بشر وتمدن دنیا راکه در نتیجهٔ هزاران سال زحمات و مجاهدت های زیاد بدست آمده و بازهم باید در راه تکامل آن سعی و کوشش شود از خطرنابودی و فنا نجات داد ، همه واجب و متحتم است برای سپاسگزاری از دلاوران بیباك و با ایمانی که در راه این مقصود و در این جنك خانمانسوز جهانی بخاك هلاك افتادند اصول مقدسه آزادی بشر و احترام استقلال تام و تمام ملل و کشورها را مخصوصا آن کشور هاکه برای حصول این منظور در مدت طولانی جنك متحمل زحمات و صدمات شده اند محترم شماریم وهمیشه هم برای آزادی و اجرای عدالت در سراسرجهان از بذل مساعی وفداکاری مضایقت نورزیم (صحیح است صحیح است کف زدن مبتد حضار)

نطق آقای رئیس مجلس شورای ملی

سه ماه و شش روز قبل در همین مجلس خبر شادی بخش

و مسرت اثر خاتمه جنك اروپا باطلاع فاطبهٔ ملت ایران رسید در آن روزیکی ازبزرگترین ملل متجاوز گیتی دربرابر قوای پیروزمند متفقین در افتاد و از پای درآمد لیکن هنوز ملت متجاوز دیگری که سالها پیش از شروع جنك اروپا نائرهٔ قتال را درصحنهٔ آسیا برافروخته بود چنان به پیکار خویش ادامه میداد درآن هنگام ما همه از صمیم قلب آرزو داشتیم که این کانون ستیزه و جنك نیز هرچه زودتر ازجهان برچیده شده و آتش جنك وقتال در سراسر گیتی یکباره خاموش گردد وعدالت و مساوات و آزادی وبرابری جایگزین ظلم ووحشت و خود سری واستبداد بشود. هرچندحصول این آرزو باقوت عزم و نیرو و ارادهٔ سران ملل متفق و شهامت وشجاعت افسران و سربازان آنها و کوشش و فداکاری خستگی ناپذیر آنان و بسط عدل و نصف تعمیم اصول صحیح و سلم امری محقق و مسلم بود بسیاری جای خرسندی است که این مهم زودتر از آنچه انتظار میرفت صورت تحقق پذیرفت و آتش جنك پیش ازآنکه پنداشته میشد فرو نشست امروز با نهایت مسرت و با قلبی پر از تکریم و احترام نسبت بسران ملل متفق که بر اثر کوشش و تدبیر آنان این آخرین آشیانه ستیزه و کینه جنك نیز ویران گشته است مژده شکست قطعی و غیرقابل تسلیم بدون قید و شرط ژاپون و فرا رسیدن دوران صلح را که جامعه بشر مدتهاست در انتظار آن رنج میبرد بمجلس و ملت ایران اعلام میکنم.

ملت ایران بسیار مباهی ومفتخر است که در راه پیروزی ملل متفق نسبت به توانائی خود از هیچگونه بذل مجهود دریغ نورزیده وسهمی بسزا داشته است هنگامیکه هنوز سرنوشت جنك وملل جنگجو تیره و تاریك بنظر میرسید و طرفین سیاست جهان روشنی امیدی ازهیچ جانب درپیش نبود بلکه بالعکس قوای نیرومند

خصم دامنهٔ سلطه ونفوذ خودرا بدروازه های ایران کشیده داشت کشور وملت ما بدون هیچ تردید ویا درنك و تعلل باکمال میل و علاقه در صف نیرومند ملل متفق قرار گرفت و با دولت متجاوز آلمان وهمدستان اروپائی او از در پیکار درآمد ودرهمان هنگام سیاست خودرا در قبال دولت ژاپون نیز روشن ساخت و در طی اینمدت مدید در این جهاد آزادی کلیهٔ افراد ملت ایران هریك درشغل ومقام خود مانند سربازانی فداکار بانهایت صمیمیت وباعزمی راسخ وایمانی استوار و یا بذل موجود که کمال جود است در راه پیروزی ملل متفق عملا شرکت کرده اند (صحیح است ـ صحیح است) بهر حال امروز که بیاری خداوند قادر متعال جنك جهانی پایان یافته است ودیومرك ووحشت ازپهنهٔ زمین رخت بربسته و فرشته صلح و آزادی برفراز جهان بال گشوده است نخستین آرزوی ما اینستکه این اتحاد ملل بزرك جهان که موجب حصول چنین پیروزی بزرگی گشته است همچنان باکمال صمیمیت و وداد ادامه یابد زیرا اطمینان کامل داریم همانطور کـه بدون این سازش ممکن نبود غوای شگرف خصم بدین سرعت مضمحل و نابود شود و دوران صلح وصفا فرارسید بیشك بدون این یگانگی واتفاق حفظ صلحی که در راه آن ملل گیتی اینهمه قربانی داده و رنج برخود هموار ساخته‌اند امکان پذیر نمیتواند بود .

آرزوی دیگر ما آنست که ملل بزرگ جهان همانطور که درمنشور ملل متفق پیش بینی وتأیید شده است اساس صلح آینده را برشالودهٔ حسن تفاهم وحفظ معاهدات ومواثیق واحترام بانهال و تعهدات و رعایت حقوق وحمایت ملل ضعیف در برابر دول قوی و مراعات حقوق اساسی بشر چنان استوار سازند که تاجهان برپاست هیچگونه رخنه‌ای دربنیاد آن راه نیابد وصلحی دائم وحقیقی وعالمگیر

شائبه هرگونه تزویر و ریا و عنف وجور بوجود آید ومانند فاصله بین دو جنگ اخیر جهان حالت صلح مسلح بخود نگیرد البته باتوجه بمفاد منشور ملل متفق در کنفرانس سانفرانسیسکو که خوشبختانه برخلاف جنگ گذشته در این بار قبل از پایان جنگ تهیه و تدوین گردیده و با رعایت اصول ومقررات سازمانی که از آن پیش بینی شده و با علاقه و ایمانی که کلیه ملل جهان پس از تحمل صدمات این جنگ خانمانسوز بحفظ این اصول و مبانی که خود آزادانه بتدوین آن مبادرت جسته اند ابراز میدارند مخصوصاً با علاقه ای که ملت امریکا بخلاف جنگ گذشته درهمکاری باسایر ملل نسبت بسازمان بین‌المللی جدید ازخود نشان میدهد حصول این آرزو ممکن وتحقق بنظر میرسد و رجاء واثق داریم که بااین ترتیب و با تجاربی که ملل بزرگ گیتی از نواقص سازمان جامعه ملل سابق دارند خطاهای آن سازمان واغماض دول بزرگ دربرابر تعدی ملل متجاوز نسبت بملل ضعیف بار دیگر تکرار نخواهد شد ونیز آرزومندیم که درقبال فداکاریها ومجاهدات ملت وکشور ایران درطی این جنگ ومصائبیکه دراین راه باکمال‌مسمیت‌متحمل شده است هنگام صلح درجه کوشش وسهم بزرگ این کشور در راه حصول پیروزی محفوظ بماند ومقام شایسته ای که مناسب با سابقهٔ درخشان تاریخی این ملت باستانی است درجهان سیاست ملحوظ افتد.

در وهله نخست با احترام و ایمانی که نسبت باقوال وتعهدات متفقین معظم خود داریم و باتوجه بمفاد اعلامیه سران سه دولت بزرگ درانجمن تهران آرزومندیم که قوای متفقین اینک که یاری عمده‌ای متعال جنگ بکلی پایان پذیرفته هرچه زودتر خاک ایران را ترک نمایند. درختام سخن ازجانب دولت ومجلس وملت ایران بروان پاک شهدای راه آزادی بشر که درجبهه های مختلف و پشت

جبهه ها برای استقرار اصول آزادی و مساوات و رفع ظلم قوی از ضعیف جنگیده و جان داده‌اند درود میفرستیم و همچنین درود فراوان بروان پاك پرزیدنت روزولت که ملت امریکا براهبری او جنك را آغاز کرده وبپایان رسانیده نثار میکنیم (صحیح است) وبهترین تحیات قلبی وتبریکات مجلس وملت ایران‌را بسران آن دول بزرك مخصوصاً پرزیدنت ترومن ، ژنرالیسموس استالین مستر اتلی ومستر چرچیل تقدیم مینمایم وازخداوند مسئلت میکنم که این بلیه بزرك را خاتمه بلایا و این مصیبت عظیم را آخرین مصائب نوع بشر قرار دهد وهمواره صلح وسلم درجهان پایدار و برقرار بماند (صحیح است) برای سپاسگزاری و ابراز شادمانی در این جشن جهانی که ملت ایران نیز در آن با کمال اشتیاق و میل شرکت نموده است با اجازه آقایان نماینده محترم جلسه را تعطیل و جلسه آینده را بعداً اعلام میکنیم (صحیح است کف زدن مدت معتنابه)

دریاسالار هوت پاتن فرمانده نیروی دریایی خاوری آمریکا در آرام

نطق هیروهیتو امپراتور ژاپن
در مجلس شورای ملی ژاپن

هیروهیتو امپراتور ژاپن پس از تسلیم ژاپن در جلسهٔ فوق العاده مجلس شورای ژاپن حضور یافت .

از طرف ژنرال ماك آرتور فرمانده کل نیروی امریکا در ژاپن هم به خبرنگاران جراید متفقین اجازه داده شد در مجلس حضور یابند . بعلاوه در تالار مجلس عده‌ئی از افسران و سربازان متفقین دیده میشدند امپراتور پس از چند سال اینك برای نخستین بار بمنظور ایراد نطق شخصاً بمجلس رفته است . پس از جلوس بر تخت زرین که خیلی بالاتر از کرسی ریاست مجلس وضع شده بود امپراتور خطاب بمجلس سنا و شوری چنین اظهار داشت :

منظور ما اینست در این هنگام که جنك بپایان رسیده ملت ما اشکالات بیشمار و گرفتاریهای فوق العاده‌ئی را که قهراً با آن مواجه خواهد گردید مرتفع سازد .

ملت باید طوری رفتار نماید که مفاخر سیاست ملی ژاپن اعتماد عموم جهانیان را تحصیل نماید و با کمال درستی و متانت حالت مسالمت آمیزی برقرار کند و باین ترتیب بر پیشرفت و ترقی جامعه انسانیت کمك نماید .

فکر و خیال ما پیوسته متوجه همین مقصود و هدف میباشد .

شما باید در خارج کشور با کمال ایمان و عقیده تبلیغات امپراتوری ژاپن را مراعات نموده وسائل سازش و دوستی با قوم ملل را تشویق نمائید و نیز در داخل کشور برای ترمیم و اصلاح کلیه شئون کشور مساعی لازمه را مبذول دارید تمام افراد ملت باید بدون وقفه مشغول کار شده میان و اساس دولت را مستحکم نمایند

برای کمک به خانواده های سربازان متوفی و حمایت از زخمیها و بیماران وتهیه رفاهیت افسران و سربازانی که اخیراً مرخص گردیده‌اند وهمچنین

هیروهیتو امپراتور ژاپن

برای کمک به اشخاصی که دچار مصائب جنگ شده اند از هیچ اقدامی مضایقه نباید بشود .

ما به وزیران خود امر کرده ایم اصول و شرایط سیاست خارجی و داخلی مازاوهمچنین جریان وقایعی را که به اتخاذ تصمیمات فوق العاده منتهی گردیده است تشریح نمایند .

ما بمقتضای میل واراده خود و بمقتضای سیاست امپراتوری دایر بامحاط دوستی بر روی اساس و اصول متین اخلاق و عدیت در صدد هواهیم برآمد با موافقت دولت به این مقصود نایل گردیم و به اتفاق میلیونها افراد خود با مجاهدت فوق العاده که تا کنون نظیری نیده نشده باشد متحداً درراه نیست به کشور کمر اهمیت

همانطور میکانیکوی نخست وزیر ژاپن قبلا در مجلس وقایعی را که به قبول اتمام بحث بوتسدام منتهی گردیده تشریح نموده بود .

بمناسبت تسلیم ژاپن

نطق نخست وزیر ژاپن

یکروز بعد ازنطق امپراتور ژاپن نخست وزیر آن کشور درمجلس شورایملی نطق مفصلی ایراد نموده که تسمت اعظم آن ستایش از امپراتو ژاپن درخصوص کوشش‌هائی که وی برای پایان دادن بجنك مبذول داشته بوده‌است نخست وزیر اظهار داشت که امپراتور برای رهائی میلیونها نفوس ژاپن از گرسنگی و بدبختی بجنك خاتمه داد تا بتواند نسل آتیه را حفظ کند.

دولت ژاپن موقعی که درسال ۱۹٤۱ تصمیم گرفت بامریکا و انگلستان اعلان جنك دهد امپراتور فوق‌العاده اندوهناك گردید و موقعی که شرایط پوتسدام را دولت ژاپون قبول کرد یقین‌داشت که این شرایط از حق حاکمیت امپراتور ژاپن نخواهد کاست.

نخست وزیر ژاپون سپس علتی که موجب شکست آن کشور گردید تشریح نموده و گفت که نمیتوان مسئولیت این شکست را بدوش یك نفر انداخت زیرا ژاپون قبل از بکار رفتن بمب اتمی ازطرف نیروی هوائی امریکا برشهر هیروشیما وجزیرهٔ ناکازاکی که تلفات و خسارات عظیمی وارد نموده شکست خورده و امور نظامی واقتصادیش بحدی ترتیب شده بود.

وی سپس گفت که باید بملت آزادی عقیده وحق‌رأی داد ودولت ژاپون در نظر دارد کلیهٔ موانع آزادی را از میان بردارد.

انور زاہد باتھ میں ڈنڈا لئے سابق وزیر اعلیٰ سندھ کو نخست وزیر سابق ثریا عباسی بابو بنا دیکھ رہے ہیں

از واقعه پرل هاربر تا واقعهٔ ناو میسوری

سال ۱۹۴۱

روز هفتم دسامبر ۱۹۴۱ هنگامی که نمایندگان سیاسی ژاپن در واشنگتن مشغول مذاکره بودند هواپیماهای ژاپنی بر «پرل هاربر» پایگاه مهم دریائی امریکا و مانیل و شانگهای و مالاکا و سیام و هونك كونك حمله كردند.

در نتیجهٔ این تزویر و ابتکار عملیات را موقتاً بدست گرفتند زیرا نیروی دریائی متفقین نتوانست در آغاز کار بر ناوگان ژاپنی تفوق پیدا کند.

روز هشتم دسامبر امریکا و کشورهای مشترك‌المنافع بریتانیا و چین برعلیه ژاپن اعلان جنك دادند و همانموقع نیز چین برعلیه آلمان و ایتالیا و سه روز بعدش ایتالیا و آلمان بر علیه دولت‌متحدهٔ امریکا رسماً وارد پیکار شدند.

روز دهم دسامبر که دو نیرد ناو بزرك انگلیسی بنام «پرنس‌اف ویلز» و «ریپلس» در کرانه مالاکا غرق شدند واز این راه ضربه سختی بپیکر نیروی دریائی بریتانیا واردآمد.

ازآن پس ژاپنیها هنیاله حملات خود را ادامه داده ویکسلسله ضربات پیاپی بر جزیره هائی که برای متفقین ارزش سوق الجیشی و سیاسی داشت وارد آوردند.

روز ۲۲ دسامبر نیروهای ژاپنی بر جزایر فیلیپین که ۱۰ تا ۱۰۰ هزار سرباز در آنجا متمرکز بودند هجوم گرانباری بردند و روز بعد جزیرهٔ «ویك» از طرف ژاپنیها اشغال شد و در تاریخ دوم ژانویه ۱۹۴۲ مانیلا پایتخت لوزن سقوط کرد.

در جهت دیگر نیز ژاپنیها «تاراکان» را در کنارهٔ برنئو تصرف کردند. در ۲۳ ژانویه هجومهائی ازطرف نیروهای ژاپنی بر جزایر سلیمان، گینه جدید و بریتانیای جدید برده شد.

بدینمنوال درظرف کمتر از دو ماه ژاپنیها حلقه ای ازمواضع دفاعی برای خود تشکیل دادند.

سال ۱۹۴۲

هنگامیکه عملیات سوق الجیشی نیرو های دریائی ژاپن در اقیانوس آرام ادامه داشت نیروهای زمینی و هوائی آن کشور در ظرف مدت کوتاهی مراکز حساس و حیاتی متفقین را دوملاکا، برمه، سوماترا وجاوه ویران ساختند. در ۱۴ فوریه ۱۹۴۲ پالمبانگ واقع در سوماترا اشغال شد و روز بعد اپراتوری بریتانیا یکی از مراکز مهم حیاتی خود یعنی سنگاپوررا ازدست داد دراین اوان فتح وپیروزی بی دری نصیب دشمن میشد. در ۱۰ فوریه ژاپنیها بجزیره بالی و روز بعد بتیمور پیاده شدند جزیره جاوه نیز در ۲۹ فوریه اشغال شد وروز ۸ مارس ژاپنیها در «سالاماوا» واقع در گینه جدید نیرو پیادهٔ نمودند.

شهر و بندر مهم رانگون در تاریخ ۹ مارس تخلیه شد و دسته های سربازان چینی مجبور شدند که تونگورادر سی ام مارس رها نمایند.

ورود ژنرال مک آرتور بمستراليا در تاریخ ۱۷ مارس وحمله هوائی بر توکیو در ۱۸ آوریل بمنزلهٔ اولین موفقیت نیروهای متفقین در پیکار طولانی دور بود با این حال روز اول ماه مه ماندالای تخلیه و عقب نشینی نیرو های انگلیسی بطرف هند آغاز گردید.

دسته‌های سربازان انگلیسی وهندی که در برابر یک دشمن نیرومند قرار گرفته بودند موفق شدند ۸۰ در صد نیروی خود را عقب بکشانند.

در ٤ مه ژاپنیها بکرجیدر پیاده شدند و تفوق نیروی دریائی که تا آنروز ژاپنیها از آن برخوردار بودند موجب تسهیل این عملیات گردید لکن حمله ناوگان ژاپنی از طرف واحد های نیروی دریائی امریکا بزودی متوقف ماند و طی نبردی که چهار روز در دریای کورال بطول انجامید هفت کشتی بزرك ژاپن بتحقیق و دو کشتی باحتمال غرق شد و متجاوز از بیست کشتی ژاپنی آسیب دید .

در ۱۲ ژوئن ژاپنیها جزایر کیسکاواتورا در مجمع الجزایر آلئوسین اشغال نمودند و روز بیست و یکم ژوییه در گینه جدید (در محل بونا) نیرو پیاده کردند . سپس در تاریخ ۷ اوت نیروهای امریکائی ژاپنیها را اغفال نموده بگودال کانال پیاده شدند ودر ۲۶ اوت دسته های سربازان استرالیائی وامریکائی از ژاپنیها که میخواستند در منتها الیه جنوب شرقی خلیج میلن (در گینه جدید) پیاده شوند پذیرائی بسیار «گرمی» بعمل آوردند در ۳۱ اوت متفقین باولین فتح زمینی خود در خاور دور نائل شده منطقهٔ خلیج میلن را یکسره ازوجود دشمن پاك کردند .

روز دهم سپتامبر ژاپنیها ازاون استانلی رینج در گینه جدید عبور کرده بفاصله ٥٠ میلی بندر مورسبی رسیدند و اگر براین بندر دست میافتند سواحل استرالیا بخطر میافتاد لکن نیروهای استرالیائی خطر را رفع نموده ژاپنیها را مجبور بعقب نشینی در گینه جدید نمودند و از آن زمان ابتکار عملیات نصیب متفقین گردید . ژاپنیها در گودال کانال نیز عقب نشینی اختیار کردند . در اینموقع ستونهای سربازان استرالیائی و امریکائی بهم پیوسته بطرف بونا پیش میرفتند دسته های سربازان استرالیائی روز ۲۶ نوامبر گونا را بتصرف آوردند ودر تاریخ ۱۹ دسامبر سربازان انگلیسی از مرز هند عبور کرده وارد خاك برمه شدند .

سال ۱۹۴۳

روز ۱۱ ماه مه دسته های سربازان امریکائی در جزیره اتواز جزایر آلوشین پیاده شدند و در ۲۸ اوت مقاومت ژاپنیها در نیوجرجیا یکسره پایان یافت .

روز چهارم سپتامبر دسته های سربازان متفقین در مشرق لی پیاده شدند و چتر بازان نیز پشت خطوط دشمن فرود آمدند و ضمن این عملیات ۲۰ هزار سرباز ژاپنی را درلی و سالاماوا محاصره نمودند . در ۱۶ سپتامبر لی بدست متفقین افتاد نیروهای استرالیائی نیز پس ازپیاده شدن درعقب مواضع ژاپنیها فینشهافن را بتصرف آوردند .

در اواخر ماه نوامبر متفقین تسلط کامل برخلیج هم هوون یافتند درهمان اوقات نیروهای امریکائی در جزایر تاراوا وماکین واقع در مجمع الجزایر ژیلبرت پیاده شدند . پیاده شدن نیروهای امریکائی درجزایرمارشال (۳۱ ژانویه ٤٤)موجبات تسهیل پیشروی متفقین را بسوی قلب امپراتوری ژاپن فراهم آورد .

سال ۱۹۴۴

در این ضمن قوای انگلیسی دربرمه با وجود مقاومت دشمن پیشروی خود ادامه میدادند و هنگامیکه باد های موسمی در آغاز ماه مه وزیدن گرفت مواضع مستحکم دفاعی در سلسله جبال مایو و در جبهه اراکان برای خود تهیه نمودند . ستون تد رووینگیت نیروهای ژاپنی را مدام تعقیب میکرد و در همین حال قوای چینی و امریکائی نیز از کوههای کرمین سرازیر شده بسوی میتکینا حرکت کردند لکن در جبهه مانیپور ژاپنیها از ورودخانه چیندوین عبور کرده و نیروهای انگلیسی را مجبور بعقب نشینی از تیدین نمودند و درنتیجه کوهیما بخطر افتاد . روز چهارم مه دو شهر ایمال

و کوهیما بعد از پایداری شدید سربازان انگلیسی از طرف ژاپنیها محاصره شد ولی دسته های سربازان ژاپنی که دراین منطقه ازبقیه ارتش ژاپن دور افتادند دچار قحطی و بیماری گردیدند در اواخر ماه ژوئن تهدیدی که از طرف ژاپنیها بهند وارد میآمد مرتفع شد وپیشرفت نیروهای چینی وامریکائی منجر بتصرف فرودگاه میتکینا در روز ۱۷ مه و تسخیر موکانك در ۲۶ ژوئن گردید و بالاخره خود شهرمیتکینا نیز که بزرگترین پایگاه ژاپنیها در برمه شمالی بود در ۳ اوت بدست متفقین افتاد. روز ۱٤ ژوئن نیروهای امریکائی بسایپان حمله بردند و این شهر در تاریخ ۸ ژوئیه سقوط کرد.

درتعقیب سقوط سایپان تینیان نیز در ۳۱ ژوئیه وگوام ۱۰ اوت بتصرف متفقین در آمد.

از ژوئیه تا اکتبر ۱۹٤٤ هواپیماهای ناو شکن و واحدهای نیروی دریائی مدام آماجهای جزایر فیلیپین را میکوبیدند روز نوزدهم اکتبر نیروهای امریکائی بجزیره لیت پیاده شدند و در ظرف یك هفته یازده شهر از چنك دشمن رهائی یافت و سه فرودگاه نیز بتصرف امریکائیها درآمد. تلفات ژاپنیها در دوازده روز اول از سیصد هزار نفر تجاوز کرد بالاخره نیروهای ژاپنی آخرین کوشش خود را برای جلوگیری از پیشرفتهای متفقین بعمل آوردند دراواخر ماه اکتبر نیروی دریائی ژاپن اهمیت خود را بکلی از دست داد وازآن پس ارتباط بین ژاپن وسپاهیانش بیش ازپیش دشوار گردید.

در ماه اکتبر سربازان چینی، انگلیسی، هندی و افریقای جنوبی در برمه پیشرفتهائی نائل شدند روز ۱۸ اکتبر «تیدیم» مسخر گردید و بهمازیك حمله شدید «فورت وایت» نیز سقوط کرد. سپس دسته‌های سربازان افریقای شرقی از رودخانهٔ چیندوین عبور کردند ونیروهای انگلیسی نیز درجنوب راه آهن میتکینا ماندالهپیشروی

آغاز نمودند . روز ۱۴ دسامبر سربازان لشکر ۳۶ انگلیسی ازشط ایراوادی گذشتند و «مونجیو» واقع درمحل تقاطع جاده لدوو برمه نیز درتاریخ ۲۱ ژانویه بدست نیروهای چینی سقوط کرد وبدین منوال جاده زمینی چین بعد از دوسال و نیم آزاد گردید .

در این اوقات ارتش چهاردهم با وجود شرایط دشواری درجهت ماندالله بپیشرفت شایانی نمود و روز ۲۱ فوریه بمرکز مهم میکتیلا رسید . ضمن این عملیات هواپیما های متفقین نیز مراکز جنگی ژاپن از قبیل کارخانه های هواپیما سازی امورا و میتسوبیشی و سایر صنایع جنگی را در ناگویا و توکیو ویران ساختند . در ماههای اول سال ۱۹۴۵ دایرهٔ عملیات نیروهای متفقین توسعه یافت دراین موقع هدف آنها انهدام آماجهای جزیره هنشو بود . درماههای نوامبر و دسامبر ۱۹۴۴ متفقین بیش از پیش بجزایر اصلی ژاپن نزدیك شدند وجزیرهٔ ایوجیما واقع در ۷۵۰ میلی خاك ژاپن مورد حملهٔ نیروهای دریائی وهوائی امریکا قرارگرفت روز ۱۸ فوریه ۱۹۴۵ نیروهای دریائی امریکا در این جزیره مهم پیاده شدند و سه روز بعد موتویاما شهر عمدهٔ آن را تصرف نمودند .

در این اثنا پیشروی در فیلیپین نیز مرتباً مداومت داشت روز ۹۰ دسامبر نیروهای امریکائی بجزیره میندورا پیاده شدند و درظرف یك هفته فرودگاههای مهمی را که فقط ۷۵۰ میل بمانیلا فاصله دارد بتصرف آوردند در روز ۹ ژانویه امریکائیها بجزیره لوزن نیز که ازمهمترین جزایر فیلیپین میباشد نیرو پیاده کردند و دراثر استراتژی ماهرانه‌ای یك ستون تندرو از سربازان امریکائی ۱۲۰ میل راه در ظرف شش روز طی کرده وارد مانیلا پایتخت فیلیپین گردیدند .

نیروهای انگلیسی که در برمه مشغول پیکار بودند روزهشتم ماه مارس وارد ماندالله شدند و۱۲ روز بعد دژ«دوفرین»را که آخرین موضع دفاع ژاپنیها در داخله شهر بود بتصرف آوردند دسته های ارتش ۱۴ ژنرال سلیم بدون آنکه مجالی بدشمن بدهند پیشرفته رانگون را در سوم ماه مه نجات دادند . ارتش ژاپن که دچار مضیقه خواربار شده بود و راهی برای تهیه آذوقه نداشت بسرعت از هم گسیخته شده و تا مدت ٤ ماه ارتش ۱۴ انگلیسی مشغول وفت و روب بقایای آن بود . در این ایام بادهای موسمی شدیدی نیز میوزیدو عملیات جنگی را دشوار میکرد .

فتوحات متفقین در کلیه جبهه ها یکی بعد از دیگری فرا میرسید در تاریخ ۹ مارس دسته های سربازان امریکائی بجزیرهٔ میندانائو پیاده شدند وروز ۱۷ مارس اشغال جزایرایوجیما خاتمه یافت دریاسالار نیمیتز بدون آنکه وقت خود را صرف استخلاص کلیهٔ اراضی فیلیپین بنماید بجزیرهٔ اوکیناوا واقع در مجمع الجزایر ریوکیو حمله برد و بآنجا نیرو پیاده کرد و بیك سلسله عملیات مهم دوجنین (زمینی و دریائی) مبادرت ورزید .

دراول ماه آوریل یعنی شش ماه بعد از این عملیات طی یك پیکار شدید هوائی ودریائی که درآن ابتکار عملیات کاملا در دست متفقین بود ژاپنیها ۳۹۰ هواپیما و شش ناو جنگی از دست دادند ناها یانتخت اکیناوا در روز شانزدهم ماه مه مسخر شد و مقاومت منظم سپاهیان ژاپون دراین جزیره درتاریخ۲۱ژوئن پایان یافت . دوهفته بعد یعنی روز پنجم ژوییه ژنرال مك آرتور استخلاص سرتاسر جزایر فیلیپین‌را رسماً اعلام نمود . حملات هوائی متفقین برجزایر اصلی ژاپن در نتیجهٔ تصرف ایوجیما و جزایر فیلیپین و اکیناوا روبشدت و تزاید نهاد چنانکه روز نهم مارس طی یك حمله هوائی هزار تن بمب آتش زا بر مناطق صنعتی توکیو ریخته شد در ۱۴ ۱۴۰۰۰هواپیما امریکائی طی یك پرواز دسته جمعی ناگویا سومین

شهر ژاپن را ویران ساختند. دامنه این عملیات تا آخر ماه مه توسعه بسیار یافت بطوریکه در اولین حمله هوائی «بریو کوهایاما» بزرگترین بندر ژاپن ۳۲۰۰ تن آتشزا ریخته شد. در اول ماه مه سربازان استرالیائی بجزیره تاراکان واقع در ساحل شرقی برنئو پیاده شدند و روز نهم ژوئن لشکر استرالیا در یک موقع بجزیره تاراکان و برنئوی شمالی (در خلیج برونئی) نیرو پیاده کرد. در اینجا نیز دو عده دیگری بمالیک پایان و در تاریخ ۱۷ ژوئیه نیروهای متفقین توانستند منابع نفت خیز این ناحیه را بتصرف آورند.

در روزهای ۱۴ و ۱۵ ژوئیه ناوگان سوم امریکائی جزایر اصلی ژاپون را بار دیگر بمباران نمودند و دو روز بعد در اثر اتحاد واحدهای نیروی دریائی انگلیس با آنها بزرگترین عملیاتی که در سنهٔ پیکار اقیانوس آرام سابقه نداشت مباشرت ورزیدند بعضی که حملهٔ بسیار گرانباری بر توکیو برده مواضع جنگی و صنعتی آن شهر را ویران ساختند. یک هفته بعد دوهزار هواپیما از خشکی و از ناوهای هواپیما بر پرواز کرده جزایر ژاپون را بشدت بمباران نمودند. در اثر عملیات بعضی از شهرهای ژاپون بطوری ویران شد که دیگر قابل ترمیم نیست. دراین اوقات فرانکلین روزولت اعلان نمود که اراده ژاپنها بایداری نقش بر آب شده تا اینکه در روز ۶ اوت نخستین بمب اتمی بر هیروشیما افکنده شد و ژاپنها را دستخوش وحشت واضطراب شدیدی نمود. در روز بعد بورود دولت شوروی در جنگ خاور دور نیز ضربه دیگری بروحیهٔ متزلزل ژاپنها وارد آمد. در تاریخ ۹ اوت دومین بمب اتمی بندر ناگازاکی انداخته شد و آخرین امید ژاپنها را مبدل بیأس نمود روز بعد رادیو توکیو اعلام کرد که ژاپن تسلیم شده و اعلامیه انجمن متفقین را پذیرفته است. صبح روز دوم سپتامبر بر روی یک ناو امریکائی «میسوری» که در خلیج توکیو لنگر انداخته بود رسماً بامضاء رسید.

ترجمهٔ: محمد علی مشایخی

پس از سه سال و نیم سنگاپور آزاد شد

یکی از تاریکترین روز های چند کنونی برای امپراتوری انگلیس و بطور کلی تمام متفقین روزی بود که سنگاپور بزرگترین و نیرومند ترین ایستگاه دریائی خاور دور سقوط کرد . زیرا کسی نیست که نداند بندر سنگاپور در اقیانوس ساکن چه موقعیت بزرگی دارد و چگونه ژاپنی‌ها پس از بدست آوردن این کلید حیاتی در طرف چند هفته کلیهٔ جزایر گرانبهای اقیانوس ساکن مانند سوماترا و جاوه و بورنئو و فیلیپین و غیره را تصرف نمودند .

بندر سنگاپور که یکی از نیرومند ترین بنادر جهان بود در انتهای جنوبی شبه جزیرهٔ ملاکا واقع است و موقعیت آنرا در خاور دور کاملا میتوان تشبیه به موقعیت جبل الطارق در اروپا نمود .

شبه جزیرهٔ ملاکا انتهای جنوبی سلسله دراز کوههای است که از شمال تا جنوب امتداد دارد و آنرا گاهی به دنباله هیمالایا تشبیه میکنند .

تمام این سلسله که در حدود ۳۵ میل میل عرض دارد و ۵۰ فیلیون نفوس دارد تحت [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سنگاپور در اواخر ماه ژانویه این ایستگاه گرانبها از دست انگلیس‌ها بدر رفت و بیدرنگ پس از آن پیروزی های برق آسای ژاپن در کلیهٔ جزایر اقیانوس ساکن آغاز گردید .

تلفات سنگینی در منطقه مالاکا و مخصوصاً در سنگاپور بر قوای امپراتوری انگلیس وارد آمد و شکست نیروی انگلیس در این منطقه یکی از بدترین شکستهای ارتش انگلیس بود .

اینک پس از سه سال و نیم مجدداً منطقهٔ حیاتی شبه جزیره مالاکا آزاد شد و ناوهای انگلیس بسنگاپور باز گردید .

طوریکه رادیو دهلی خبر داده بدوا ژنرال دار کلشوپاترا وزیر دار سوفیکس باراهنمائی یك ناوشکن ژاپنی ازمیان مینهای ژاپن عبور نموده و در بندر سنگاپور لنگر انداخت و پاك کردن آبهای منطقه مالاکا از وجود مین بسرعت ادامه یافت و نیروی زمینی انگلیس نیز پس از چند روز وارد این بندر شد .

ژنرال مالك آرتر بفرمانده کل نیروی ژاپن در سنگاپور دستور داد که نسبت بفرماندهٔ کل ناوگان انگلیس فرهند خاوری که اینك با وزیر دار کلشوپاترا وارد سنگاپور شده است یاری و مساعدت نماید .

آزادی سنگاپور پس از سه سال و نیم یکی از بزرگترین وقایع برای امپراتوری انگلیس بشمار میرود زیرا بدون سنگاپور سال است که انگلیس بتواند موقعیت دیرین خودرا در خاور دور حفظ کند و این نکته قابل توجه است که بگوید انگلیسها از جزیره بریتانیا در باختر اروپا بخاور آسیا و سی اقیانوس دنیا دست انداخته اند .

متفقین با ژاپن چگونه رفتار خواهند کرد ؟

آیا ژاپن هم سرنوشت آلمان را پیدا میکند ؟

اکنون که نیروی های متفقین در خاک ژاپن پیاده شده وباشغال خاک آن کشور پرداخته اند موضوعی که بیش از هرچیزی جلب توجه میکند معامله ای است که متفقین با ژاپن خواهند کرد و مخصوصاً این مسئله که آیا سرنوشت ژاپون هم مانند آلمان خواهد شد یا اینکه متفقین سیاست دیگری را نسبت به ژاپنیها اتخاذخواهند کرد فوق‌العاده مورد توجه محافل سیاسی دنیا قرار گرفته « ویلی چرچ لموت » سیاستمدار آمریکائی که از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۸ در ژاپن اقامت داشته است طی مقالهٔ زیر اطلاعاتی در این خصوص و در بارهٔ نظریات امریکا نسبت به ژاپن بخوانندگان محترم میدهد .

نخستین چیزی را که باید درنظر داشت این است که ژاپنیها را با تمام معایبی که دارند نمیتوان نابود نمود و ما امریکائیها و همچنین افراد سایر کشورهای متفق مجبوریم بعد ها نیز با آنها زندگی نمائیم و بدین ترتیب برای زندگی با آنها از هم اکنون باید نکاتی را در نظر گرفته و راه حلی پیدا کنیم .

نخستین نکته ای را که من باید با تمام خلوصی که با ملت ژاپون داشته ام خاطر نشان کنم اینست که ژاپنیها برخلاف شایعات منتشره مخلوق فوق‌العاده زیاد عجیب و غریبی نیستند و در خون واعصاب آنها چیز فوق‌العاده‌ای وجود ندارد که آنهارا بیرحم تر و خشن‌تر از مردم دیگر کرده باشد منتهی محیط آنها درچند سال اخیر طوری بوده که آنها را اینطور بار آورده است . اگر این

[illegible] کند بطور قطع اخلاق و رفتار آنها نیز تفاوت خواهد کرد. بهمین ترتیب نباید از اصلاح اخلاق و رفتار ژاپنیها مأیوس شد و هیچ دلیلی هم وجود ندارد که در ژاپون نتوان اصول دموکراسی و آزادی را مانند سایر اقطار گیتی برقرار کرد.

فعلا برای انجام این کار بایستی پس از اشغال ژاپن خود را برای یک مبارزهٔ طولانی و بزرگی با عناصر کهنه و پوسیده ژاپن آماده نمائیم. با نقشه های مدبرانه بکوشیم که اصول دیرینه آنکشور را [illegible] کرده اصول تازهٔ آزادیخواهی و دموکراسی را در آن کشور برقرار نمائیم.

البته برای عملی کردن چنین نقشه‌ای [illegible] اروپا [illegible] مقالات های زیادی [illegible] [illegible] ما در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] را [illegible] [illegible] [illegible].

[illegible] اصول [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

بی تدبیری ژاپن در آن کشور میشود بیشتر درمیان ارتش ژاپن بوده است و طبقات غیر نظامی کمتر بدین کار اقدام میکنند . بدین ترتیب با بکار بستن یک روش صحیح و عاقلانه این عده را میتوان از عقاید قدیمی خود منحرف کرد و افکار آنها را متوجه آزادیخواهی و دموکراسی نمود .

در قدم اول برای انجام این مقصود باید دولت ژاپن را وادار کرد که اصول قدیمی سیاسی خود را زیر پای گذارده و کشور خویش را بر طبق اصول آزادی و دموکراسی اداره نماید . اگر دولتی در ژاپن توانست که این مقصود را عملی نماید زمام امور بدست وی سپرده شود و گرنه تا مدتی دولتهای متفق خود زمام ژاپن را مانند آلمان در دست گیرند .

سپس باید بوسیلهٔ تبلیغات یعنی انتشار روزنامه‌ها و کتابهای مختلف ، همچنین رادیو ملت ژاپن را با محیط خارجی و کشورهای دیگر جهان مربوط کرد و آنها را با عقاید سیاسی جهان خارجی آشنا نمود و کم کم افکار آزادیخواهی را در آنها بوجود آورد .

بطوریکه عده‌ای از مطالب سیاسی حدس میزنند و حتی آنها هم صائب است فکر عزلت مجدداً وقتی ژاپن ظاهراً برای پذیرفتن صلح گرایش آشکار نماید سودمند است و چنین دولت یا دولت‌هایی را که از لحاظ صلح آنها باید صلح کرد تعیین نماید و از لحاظ جنگ با آنها باید جنگ کرد تعیین نماید و سپس شرایط صلح را بدانها پیشنهاد نماید .

موضوع مهم دیگر درباره مقام امپراتور ژاپن میباشد . با انهدام کامل ارتش و تشکیلات نظامی ما موجبات سلب قدرت امپراتور را فراهم میسازیم . سؤال این است که آیا اصولاً باید سلسله امپراتوری ژاپن حفظ

شده وسلطنت ازخانواده آنها منتزع گردد یالااقل امپراتور فعلی ژاپن خلع گردد واین موضوع‌هم علت دارد .

امپراتور در ژاپن بطورکلی مافوق تمام مقام های لشکری و کشوری و احزاب و مذهب است و نفوذ فوق‌العاده ای در تمام قسمتها دارد ولی امپراتور فعلی ژاپون طوری رفتار کرده که بمنزلهٔ عروسکی در دست زمامداران لشکری آن کشور شده و زمامداران لشکری ژاپن از نفوذ فوق‌العادهٔ امپراتور درشئون کشور سوء استفاده کرده او را آلت اجرای مقاصد و نقشه های جنون آمیز خود قرار دادند . همین موضوع است که امریکائیها وسایرملل متفق‌را برعلیه وی برانگیخته وبرای اینکه چنین رضعی تجدید نشود آنها را تشویق به برکناری او کرده است .

این عقیده در امریکا طرفدار زیادی دارد که باید پسر امپراتور فعلی ژاپن را بجای او برتخت آن کشور نشانید ولیابت او را بیکی از رجال معتدل ژاپن داد و مراقبت نمود که از مقام فوق‌العادهٔ او سوء استفاده ای در آن کشور نشود .

ولی اصولا بطورکلی برای این که روزی از مقام امپراتور ژاپن سوء استفاده نشود و بخصوص نفوذ مذهبی او ملت ژاپن را واداز باقدام جنون آمیزی نماید باید بعدها درطی اشغال ژاپون سعی شود که با روشن کردن افکار مردم ، از نفوذ مذهبی امپراتور کاسته گردد .

برای اجرای این نقشه ها لااقل بعقیدهٔ من سه چهارم قرن با بصارت دیگر در حدود ۷۵ سال وقت لازمست و در طرف این مدت باید خاک ژاپون‌را اشغال نمایند یااین کمیفرانس وضع کنند که برنامهٔ بالا اجرا شود .

خلع سلاح ژاپن

بزرگترین خلع سلاح تاریخ بدون ریختن یك قطره خون و شلیك یك گلوله پایان یافت

شب ۲۴ مهرماه ۱۳۲۴ ژنرال ماك آرتر فرمانده نیروی اشغالگر متفقین در ژاپن در برابر رادیوی توکیو راجع بخلع سلاح هفت میلیون تن نیروی ژاپن که دیروز بانهایت موفقیت پایان یافت نطق مهمی ایراد نمود و طی آن اظهار داشت که بزرگترین خلع سلاح تاریخ با نهایت موفقیت پایان یافت و اینك ژاپن از جرگه ملتهای بزرك دنیا خارج شد ، از لحاظ یك دولت نظامی بکلی نابود گردیده و هرگاه بخواهد درمیان ملتهای دنیا مقامی داشته باشد باید بپیرنك راه صلح و صداقت بوید . ژنرال ماك آرتر اظهار داشت که خلع سلاح ۷ میلیون تن نیروی ژاپنی یك اقدام بسیار خطرناك و از جمله حوادث بزرك تاریخی بشمار میرود . لکن این اقدام خطرناك بدون آنکه یك قطره خون بزمین بریزد و یك گلوله شلیك گردد انجام یافت و هرگز چنین تسلیم شرم آوری در تاریخ مشاهده نشده است این حادثه نه تنها از لحاظ طبیعی ژاپن را

ژنرال ماك آرتر

نابود کرد بلکه روح ژاپن را بکلی در هم شکست . سپس ژنرال
ماک آرتر اشاره به پیروزی بزرگ متفقین نموده خاطر نشان
ساخت که این پیروزی شگرف در نوع خود نقشه استراتژیکی شگرفی
حاصل کرد زیرا قوای ما در مقابل نیروی دشمن بسی ناچیز بود
و تلفات ما نسبت به تلفات ژاپنی ها اصلا قابل مقایسه نبود . مدت
زیادی قبل از تسلیم ما در پرتو همکاری و تدبیر خویش نیروی
ژاپن را بکلی ناتوان ساخته بودیم و بطور کلی میتوان گفت که
هیچ گاه در تاریخ چنین فتح بزرگی مشاهده نگردیده است.

ارتش سفید ژنرال ماک آرتر در سرتاسر جزایر مزبور بیش
روزنامه ها قرار گرفته و در حقیقت پس از تسلیم ژاپن ۷ میلیون
سرباز ژاپنی و متفقین تمام قدرت نظامی ژاپن در خاک خویش در
تاریخ جنگ جهانی دیده بود زیرا از آنجائی یکی از بزرگترین
مقاصدی بود که قوای متفقین در پرتو اتحاد و اتفاق و
تعهد خویش متحقق ساخته بودند و کاملا از دست میدهد و از طرف
دیگر از نیروی تسلیم ژاپن جلوگیری بعمل آورد و
زیرا مسلم است که اتحاد و اتفاق ملت ژاپن در مقابل تجاوزی
شدید دیگر باعث گردید تا ژاپن را بکلی

باستانی از میان میرود و بجای آن ملت متکبر و متعصب که داعی سیادت در آسیا را داشت یك ملت ۷۰ میلیونی فقیر و بینوا قرار میگیرد که معلوم نیست سر انجامش چه خواهد شد .

باید دانست که خود ژاپن یکی از کشور های بسیار فقیر جهان است که تمام قدرت وعظمت پیشین خویش را مدیون توانائی سیاسی و حیثیت خود در آسیا بود ژاپن جز مقداری گوگرد و مقتصری مس از فلزات گرانبهای جهان مخصوصاً آهن هیچ نصیبی ندارد و کانهای زغالش بهیچ روی احتیاجات کشور را تأمین نمیکند و از لحاظ نفت نیز در مضیقه است و از تمام خاکش که تقریباً یك برابر و نیم انگلستان است فقط صدی ۱۵ بهره برداری میشود و قسمت اعظم احتیاجات آن از واردات تأمین میگردد اکنون که تمام مستعمرات ژاپن از دستش خارج شده و کلیه قدرت نظامی و سیاسی آن از میان رفته است معلوم نیست که در آینده زندگی خود را چگونه ادامه خواهد داد و رژیم دموکراسی در این کشور مفلوك که حتی قبل از شکست خانواده های بیشماری از فرط گرسنگی دختر های خود را میفروختند چگونه برقرار خواهد شد ؟

البته همانطوری که ژنرال ماك آرتر درنطق خود گفته ژاپن از هر گونه ملتهای بزرگ دنیا کاملا خارج شد و از لحاظ یك دولت نظامی نابود گردید ولی رحم و شفقت حکم میکند که متفقین اکنون بکودکان ژاپنی و خانواده های بیشماری که اصلا گناهی در بر افروختن آتش جنك کنونی نداشتند و دستخوش مطامع یك دسته میلیاریست متکبر قرار گرفته بودند کمك کنند و اکنون باید دید که در این راه تاچه اندازه موفقیت حاصل خواهند کرد ؟

ترجمه : م . ب . ۲۹۰

از دری لاس

روحیهٔ فعلی ملت ژاپن

« دموکراسی » بعد این مردم زودپوست شده

اکنون که ارتش ژاپن شکست خورده و بلاشرط تسلیم متفقین گشته روحیهٔ مردم آنکشور چه میباشد ؟

صرفنظر از کلیهٔ مسائل و مراحل دیگر ، ملت ژاپن فعلا تحت فشار مستقیم یك موضوع میباشد . و آنرا باید مسئله خوار بار و تغذیه دانست .

بعلاوه دولت ژاپن نسبت بمردم خود بمراتب از نازی های آلمان سخت گیرتر بوده وبنحوی ایشان را مراقبت مینمود که بهیچوجه ازدنیای خارج اطلاعی حاصل نمیکردند . ژاپونیها هنگامیکه ارتشیان پیش میرفت اخبار دروغ میشنیدند واز زمانی هم که ورق برگشت واوضاع عمومی جنك بنفع متفقین پیش میرفت خبرهائی دروغ تراز اولی بگوششان میرسید . روزنامه های ژاپونی اکنون سعی میکنند که دلایل و اسباب شکست را برای خوانندگان خویش واضح و آشکار سازند ولی جز یك دلیل نمیتوانند موضوع دیگری را پیش کشند . آنهم فقط و فقط خرابی سازمان دولتی و سخت گیریهای سال ستمکار آن بوده است .

انکار نمیتوان کرد

اگر به تمام جهانیان هم بگوئیم که ارتش پیروز ژاپن بس

از مدتی عقب نشست ولی باز بسختی مقاومت میکرد و براثر انفجار یك یا دو بمب اتمی تسلیم گشت حقایق را از نظر توده ملت ژاپن نمیتوانیم پوشیده داریم . زیرا او وارد در جریانات خود بوده وباوجود مجاهدت کامل پلیس وجاسوسان داخلی معهذا به‌بیشتر امور واعمال دولت آگاه است.

بهتر از دیگران

اریستوکراتهای ژاپونی که لیدرهای ادبی، صنعتی، اداری وسیاسی آنکشور ازبین ایشان انتخاب شده ومیشوندبیش ازدیگران وبهتر از هرکسی بوضع حقیقی میهن درسابق اطلاع دارند و بخوبی میدانند چطور وچرا ارتش معظم ژاپن بزانو در آمد.

روزنامه ورادیو

علاقه‌ئی که فعلا اشخاص با نفوذ وتقریباً عموم مردم ژاپن‌نسبت برادیو وروزنامه پیدا کرده‌اند دراین کشور بی سابقه است و بطور خلاصه ازقول ایشان میتوان گفت:

باید حقایق بطور واضح برای مردم تشریح شود وهرکسی خودرا آماده شنیدن اخبار، چه خوب وچه بد بنماید. اکنون که‌ارتش وعمالش از بین رفته اند باماست که بطرف رادیو و روزنامه هجوم آوریم وبدانیم که این‌وسیله ووسایل‌دیگر نظیر آنهارا (دموکراسی) مینامند. بدون تردید باید بچنین امری علاقه نشان دهیم زیرا تنها راهی است که مارا بدنیای خارج مربوط نموده و بعلاوه میتوانیم بهتر به خواهشها وافکار متفقین پی‌ببریم.

بی‌اعتنائی:

روزنامه آساهی که از روزنامه‌های معروف ژاپن است در

یکی از شماره‌های اخیر خودنوشته «آنچه را که ما اکنون باید تشخیص داده و دریابیم آنستکه سابق مردم امید و علاقه‌ی نظیری بآزادی داشته و ازهمین رو بود که کابینه‌های سابق نیز آنچه‌را مایل بودند انجام میدادند و به آرزوها و پیشنهادات ملت وقعی نمی نهادند.

« سازمان وروش کار سابق باید از بین رفته و در عوض تشکیلاتی داده شود که نزدیکی کامل بین عموم افراد زابونی پیدا شود و بعلاوه حس خونخواری از بشی ها دور و علاقه به صلح و دوستی در تمام مردم این کشور رسوخ نماید.

« دولی که درآینده برروی کارمیآیند و عموم زمامداران ما باید باین حقایق متوسل شوند و زاین راه از این راه که یگانه طریق آزادی وزندگی دردنیای‌متمدن است هدایت ورامنمائی نمایند »

دموکراسی

عده زیادی ازاهالی ژاپن خواهان دموکراسی میباشند. از روزیکه سانسور روزنامه ها تاحدی مرتفع شد این اشخاص دست بفعالیت زده و روزنامه ها منتشر نموده اند. مهمترین جریانی که خواهان ایشان است روزنامه (یومی ثور موتی) میباشد که در یکقسمت از مقاله خود در روز ۲۹ اوت گذشته چنین نوشته (ملت اشغال ژاپن واقامت سربازان متفقین در این کشور بما باین است که بموقع یک حکومت دموکراتی روبکار بروی کار خواهد آمد. لیدرهای متفقین زمانی دستور اخراج سربازان خودرا صادر خواهند نمود که (دی یت) ژاپن نظر پارلمان انگلیس ویا کنگره امریکا برای ملت خودکار کرده و در راه آرامش جهان قدمهای مؤثری برداشته در آنروز است که ژاپن نیز برای شرکت در مجلسات ملل متفق دعوت خواهدشد.

برخلاف

مهمترین اختلافی که ژاپن امروز با آلمان شکست خورده دارد آنست که کشور زرد پوستان دارای یك وزیر امور خارجه و سیاست خارجی میباشد. بعلاوه نخست وزیر آن کشور شاهزاده هیگاشی کولن در نخستین سخنرانی خویش راجع به سیاست ژاپن نسبت بچین همسایه بزرگ گفته بود: «مابایدنسبت بچین سیاست خویش راعوض نموده وآنچه راکه گذشته است تصحیح نمائیم. علاقه ما به چین زیاد است و ازاین پس بدوستی و یگانگی خویش همت خواهیم گمارد.

معبد مشروطه خواهی

اگر گفته شود که بسیاری ازملت ژاپن بسوی معبددموکراسی میآیند دروغ نیست. چه، خیلی‌ها در صددند بهروسیله که شده وضع وروش کار دول غربی را سرمشق خویش قرار دهند. و هرچه بتوانند خویشتن‌را به دول دموکرات وصلحی که سالها این مرام‌نیکو راسرمشق زندگی خود قرار داده‌اند نزدیك نمایند.

چینی

عقیده همین عده راجع به‌چین آنست که باید خصومت‌ودشمنی سابق راکنارگذارد وازاین پس توسط «اتحادیه روحی» بایشان نزدیك گردید. مقصود از این اتحادیه آنست که چون هر دو کشور درشرق دنیا قرار گرفته: زرد پوست هم هستند ومهمتر آنکه بسیاری از عادات و رسومشان هم نظیر یکدیگر است لذا بهتر و بیشتر از سایر ملل میتوانند همکاری کنند.

وضع عمومی ژاپن وروحیهٔ افراد آن فعلا باحقایقی که دراین مقاله گفته شد چندان اختلافی ندارد. وتردیدی نیست که درآینده بیشتر بگنه این حقایق میتوان پی‌برد.

متن عهدنامهٔ شوروی و چین

دولت شوروی حاکمیت چین را بر منچوری برسمیت شناخت

متن عهدنامه شوروی وچین که یکی از بزرگترین ومهمترین

استالین

سند های بین‌المللی است و از چندهفته پیش توجه کلیه محافل دنیا را بخود جلب نموده بوده اینک انتشار یافته ودرسر تا سر جهان تولید خوشوقتی فراوان نموده است زیرا در ظرف انتظار محافل بیشتر که گمان می‌ برند اساس کار صلح بین کشور های آنگلوساکسن و شوروی از طرفی و چین و ژاپن از طرف دیگر باندازه‌ ای شبیه است که با پیروی امید حصول سازش بین آنها نمیرود این عهد نامه ثابت

کرد که کلیه مسائل مربوط بدو کشور با نهایت تدبیر حل گردیده و بعلاوه طوری تنظیم یافته است کشور های انگلیس و امریکا نمیتوانند نسبت به آن کمترین ایرادی داشته باشند . بموجب این عهد نامه که اعتبار آن سی سال است دو کشور متعهد گردیده‌اند که جداً از خطر بروز حمله و تجاوز احتمالی ژاپن جلوگیری نمایند و بمحض شروع حمله ژاپن متفقاً از آن جلوگیری نمایند . بعلاوه در زمان صلح مناسبات خود را بر روی اصل کاملة الوداد قرار دهند و در کلیه شئون اقتصادی با هم همکاری نمایند و بدینقرار صلح و آرامش آسیا را کاملا تضمین نمایند .

بر طبق این عهد نامه کلیه مسائل مهم آسیا که ممکن بود روزی موجب تولید اشکالاتی گردد حل گردیده و مخصوصاً قضیه منچوری که یکی از بغرنج ترین مسائل سیاسی جهان بود تصفیه گردیده است زیرا برطبق این عهدنامه دولت اتحاد جماهیرشوروی رسماً حاکمیت چین را بر منچوری برسمیت شناخته و حاضر شده است که بمحض خاتمه عملیات جنگی اداره امور منچوری را نیز بچین واگذار نماید .

موضوع مغولستان داخلی نیز کاملا حل گردیده است زیرا دولت چین استقلال آنرا برسمیت شناخته است .

یکی از مسائل مهمی که بر طبق این عهد نامه کاملا فیصل یافته است موضوع کمونیستهای چین است زیرا دولت اتحاد جاهیر شوروی بر طبق این عهد نامه فقط دولت مارشال چیانك کای شك را بعنوان یگدولت ملی شناخته و رسماً متعهد گردیده است که در امور متفقه سین کیانك یعنی متفقه کمونیستهای چین بهیچ روی مداخله نمایند و بهیچطریق کمونیستهای چین هیچ چاره‌ای جز آن ندارند که بهر قیمت که هست با دولت مارشال چیانك کای شك

بسازند و بدیهی است که دولتین انگلیس و امریکا از هر حیث باین ترتیب موافق میباشند .

گذشته از این در عهد نامه برای تقویت و تشیید همکاری بین دو کشور مواد مهمی گنجانیده شده است که از آن جمله یکی استفاده از راه آهن و بنادر منچوری است که بیش از پیش موجب توسعهٔ حسن تفاهم بین دو کشور خواهد گردید .

تنها موضوعی که درعهد نامه اخیر شوروی وچین بدان اشاره نشده است موضوع کره است که ظاهراً باید در یك انجمن بین‌المللی حل گردد .

مارشال چیانکای شك

بطوریکه رادیوی لندن اطلاع داد نیروی امریکائی نیز در اشغال کره شرکت جسته واین موضوع میرساندکه واجع به اداره موقتی کره نیز بین چهار دولت سازش حاصل شده است .

رادیوی دهلی هم خبر داد که منشوشه تونك لیدر کمونیستهای چین درحوالی مارشال چیانك کای شك را برای مذاکره در اطراف

آشتی وصلح چین بقیرقه ویبورك بطرف مقرمارشال چیانك کای شك حرکت کرد و حال آنکه چند روزپیش شخصاً از ملاقات چیانك -

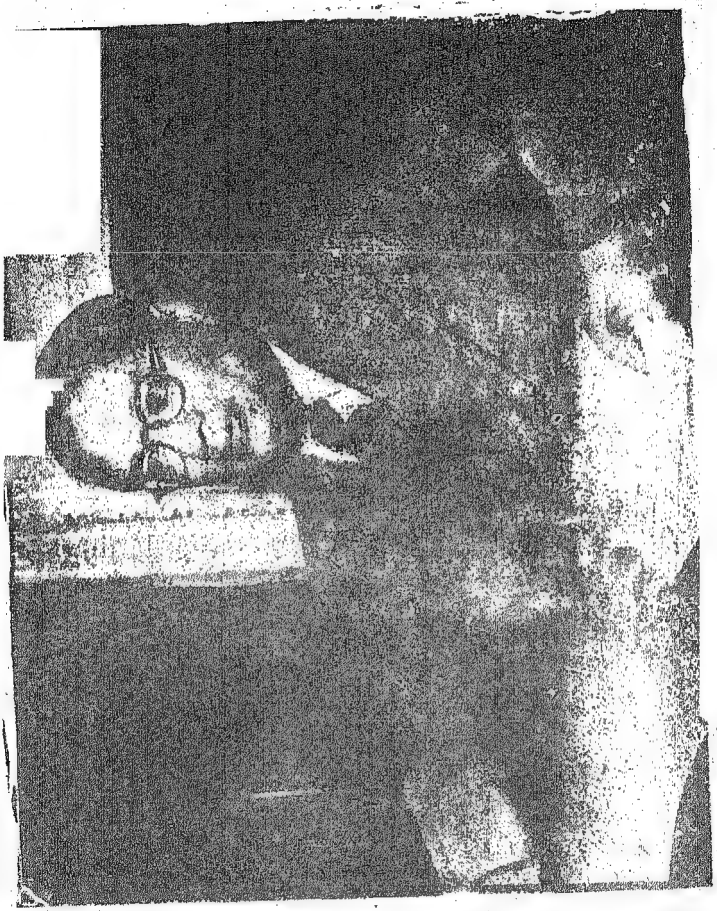

دکتر سوناك لخست وزیر چین

کای ـ شك خود داری نمود و به اعزام یك تن نماینده اکتفا کرد این موضوع میرساند که عهد نامه شوروی و چین کلیه موانع را که در راه تأمین وحدت چین وجود داشت از میان برداشته است بالاخره چین پس از ۸ سال تحمل دشوار ترین مضائق اینك دربرتو عهد نامه جدید شوروی وچین تبدیل به یکی ازبزرگترین کشور های آسیا گردیده است و میتواند بکمك اتحاد جماهیر شوروی و امریکا صلح و آرامش را در سرتاسر قاره آسیا برقرار سازد .

در هر صورت عهدنامه شوروی و چین یکی از بزرگترین سند های سیاسی است که در تأمین صلح و آرامش آینده جهان تأثیرفراوان دارد وبهمین جهتاست که اعضای اینعهدنامه درکلیه کشورهای شیفتهٔ صلح وآرامش تولید خوشوقتی فراوان نموده است .

اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان

ترجمه : م . ب . ۷۹

از برنارد نیومان

اژدهای سیاه

تشکیلات آدمکشی ژاپنیها
سازمانیکه برنامه خود را انجام میدهد و کسی ازنام افراد آن اطلاعی ندارد

از جمله موضوعاتی که پس از تسلیم بلاشرط ژاپن بر متفقین کاملا آشکار گشت انجمن و تشکیلاتی بود بنام «اژدهای سیاه» که به اعمال فجیعی چون قتل نفس و آدم کشی اقدام مینمود.

ژاپنیها در حدود دویست سازمان آدم کشی داشته اند که اژدهای سیاه یکی از آنها میباشد ولی این یك از تمام بیشتر قابل توجه و اطمینان نظر است چه هیچیك از افراد آن همکاران خویش را نمیشناسند وهنگام عمل هم فقط با سه یا چهار نفر از ایشان روبرو میگردند.

نه هر کسی

عضویت اژدهای سیاه شرایط بخصوصی داشته ونظامنامه‌های ویژه‌ئی جهت استخدام دارد، مثلا فقط افسران رشید و قوی نیروهای زمینی و دریائی که اداره کنندگان حقیقی ژاپن هستند، اجازه دخول دراین سازمان دارند. این اشخاص، یعنی اعضاء این سازمان معتقدند که خداوند ژاپن را فقط برای آقائی و ریاست آفریده بنابر این وظیفه ملتی زورگو چون ایشان است که خیمه و مقصود خدارا عملی سازند و بحدی در اعتقادات خویش راسخ بعین خود پا برجا میباشند که از استعمال بمب اتمی نهراسیده و تصمیم به ادامه نبرد داشتند.

شاید عده‌ئی تصور نمایند که اعضاء این کمیته سری که هنوز کسی ازنام و هویتشان اطلاعی ندارد در این چند سال جنگ مشغول عملیات بوده و اکنون که زاین بلاشرط تسلیم گشته است تشکیلات آنها هم ازبین میرود !

این عقیده کاملا غلطاست وباید آنها را ازاشتباه در آورد چه ، مقصود اصلی از بوجود آوردن و تربیت این افراد فقط آن بوده که همیشه چه در زمان صلح وچه در دوران جنگ از زیرشروع بکار کردهو آنچه میتوانند موانعی درپیش پای مخالفین زاین گذارند و در عین حال زاین را همیشه برای نبرد آماده سازند تا بالاخره روزی تفوق خود را بدست آورند .

عمال سفلی

همانطور که کسی از نام اعضاء کمیته ازدهای سیاه اطلاعی ندارد بهمان نسبت احدی نیست که تاریخ تأسیس آنرا بداند .

کمیتهٔ ازدهای سیاه بود که درسال ۱۹۰۴ میلادی زاین‌را بجانب روسیه اندافت وعلت این امر نفرت شدیدی است که افراد آن نسبت بابن مملکت اخیر دارند .

بد نیست برای مزید خوانندگان بعضی ازاعمال کمیته را در این مقاله شرح دهیم :

بمب انجمن پولیس

درسال ۱۹۲۱ چند وزیر زاپن بنام عوامیاك معاهده‌ئی با امریکا و انگلیس بر واشنگتن امضا نمود

کمیتهٔ ازدهای سیاه دریافت که این معاهده را به چیزی جز ضرر وبی اعتباری بزاپن نخواهد توانست تلقی کرد ، زیرا در راه الوهیت زاپن و پیشرفت آن موانعی ایجاد کرده لذا چند روز بعد ناهار ابتدل رسید و زمامداری بدست کسی دیگر افتاد .

سه سال بعد ، یعنی هنگامیکه هاما گوچی مقام ریاست وزرا را

اشغال نمود ، با کنفرانس لندن دایر بر تجدید نیروی دریائی موافقت نمود . ولی فوراً از طرف کمیتهٔ اژدهای سیاه بدیار عدم رهسپار گشت .

یکی دیگر از نخست وزیران ژاپن اینوکائی هم در دست این افراد کشته شد زیرا عقیده داشت که باید باچین ساخته واز دردوستی واردشد .

دیگران :

ازجمله اشخاص قابل ملاحظه دیگری که توسط این سازمان مخفی نابود گشتند « بارون دان » یکی از صاحبان صنایع بزرگ ژاپن بود که با عملیات خویش سبب بحران ژاپن در منچوری شد ولی هنوز برنامه خودرا خوب بموقع اجراء نگذارده بود که دریکی ازخیابانهای توکیو هدف تیری نامعلوم گردید.

دولت ژاپن تصمیم گرفته بهر نحوی که ممکن باشد قاتل رابدست آورد. وبهمین علت بیش ازیک میلیون افراد ژاپونی تحت استنطاق درآمدند ولی قاتل کشف نگردید بعلاوه قضاة دادگستری و وزراء کابینه نیز دست ازاقدام کشیدند ، چه هرکدام بنوبه خوداز کمیته سخت میترسیدند .

کلاه گوریلی قاآن !!

مرکز سابق اعضاء هیئت رئیسه کمیته اژدهای سیاه دراوزاکا (منچوری ژاپن) بود که نامرتب درمواقع بخصوصی همدیگر راملاقات کرده و تصمیمات لازمه را میگرفتند .

این اشخاص غول های بلند وهیبتی بر تن مینمودند که از کلاه خود گوریلی قاآن کمتر سبب استعجاب و تعجب نمیگشت وهر کسی بنابر تضاد مقتولین خود و خدماتی که بکمیته کرده دارای علائم بخصوصی بود در عداد این افراد باید عمدتی سرباز ، ناوی معلم ، سیاستمدار وبالاخره اشخاص معمولی را نام برد که همه‌شان خودرا برای پیشرفت مقاصد کمیته در دست گرفته و به بزرگی و اقتدار ژاپن عقیدهٔ راسخ داشته و البته هنوزهم دارند »

بزرگترین فعالیت

در ماه فوریه ۱۹۳۶ بزرگترین فعالیت های ازدهای سیاه بظهور رسید یعنی یکی ازاعضاءآن بنام سرهنك (ایزاوا) بعلت کشتن افسرارشد خود به‌پای میزمحاکمه خوانده شد و تنها دلیلی که درمقابل گفته‌های قضات داشت علاقهٔ خود بود به (افتخار و شرافت ژاپن) بود ولی محکوم شد . همین امر سبب گشت که دوستان وهمکاران او نقشه اصلی خودرا که کشتن تمام اعضاء کابینه بود عملی سازند .

هولیوود

قبل از شرح عملیات ایشان باید دانست که هدف کمیته ازدهای سیاه همیشه اشخاص پیر و آنهائی که اغلا ازهشتاد سال‌بیشتر دارند میباشد .

هریك ازوزراءکابینه بنحوی خودرا ازانظار مخفی میداشت تامبادا کشته شود داستان فرار نخست وزیر آنزمان که در پاسالار (اوکادا) بود ورد زبانها و طرف توجه کمپانی های فیلمبرداری هولیوود واقع شد .

توضیح

قاتلین شوهرخواهر اورا اشتباهاً بجای نخست وزیر کشتند ، ولی دولت اعلام داشت که نخست وزیر بقتل رسیده و برای جلب شوهرخواهر او ، بالسم رئیس الوزراء ، تشییع جنازه رسمی نمود معنی شخص اوکادا در تشییع جنازه خویش شرکت کرده و بدین سبب از دایرهٔ قتل و مرگ معنی رهائی یافت .

پس ازچندی این موضوع کشف و دربالسالار اوکادا بواسطه این خدعه عالیجنابانه توجه عموم قرار گرفت ولی فرمان امپراتوری مرکز از آن بود که باید از مقام خویش استعفا دهد (زیرا خدای بزرگ اورا مورد عنایت میداشت)

این دفعه

این دفعه اژدهای سیاه فعالیت زیادتری نمود و بیش از پانزده نفر از اشخاصی را که هدف قرار داده بود بوضع فجیعی بقتل رسانید.

بعضی ها تصور میکردند که شاید با از بین رفتن این پانزده نفر برنامه عملیات کمیته نیز پایان یافته است. ولی تردیدی ندارد که اشتباه میکردند زیرا در سالهای اخیر نه تنها کارآنها کم نشد بلکه دامنه وسیعتری هم یافته قسمتی از افراد کمیته به چین مسافرت کردند و عده زیادی از میهن پرستان آن کشور را که جدامخالف باژاپن بودند نابود ساختند.

باروسیه نمیشود

کمیته تصمیم گرفت که منچوری و سرحدات شوروی را دردایرهٔ عملیات خویش وارد سازد ولی پس از مدتی دریافت که روسیه شوخی بردار نیست و افسران آنرا نمیتوان کشت.

درسال ۱۹۳۹ که روسیه مقتدر میشد عدهٔ معینی از ژنرالها وسیاستمداران ژاپونی با همکاری با آلمان و در نتیجه یافتن نفوذ در آنسوی جهان مخالفت ورزیدند اما این سیاست دیر نپائید زیرا یکی پس از دیگری فوت (!) کرد. بالاخره باروی دادن اتفاق (پیرل هاربور) قدرت و نفوذ کمیته اژدهای سیاه دوباره هویدا و تثبیت گشت.

متفقین چطور

حال که ژاپن بلاشرط تسلیم گردیده و کاملا شکست خورده است و هر روز بر تعداد افراد نیروهای فاتح در آنکشورافزوده میگردد آیا متفقین خواهند توانست که سری ازسران کمیته درآورده و با کشف افراد آن، اژدهای سیاه را نابود سازند؟

جواب این سئوال را چند سال دیگر مطالعه فرمائید.

ترجمه : م . ب . ۷۹

تحولاتی که بمب اتومی در سیاست جهان وارد نموده است

۸

بمب اتومی عصر جدیدی را در تاریخ بشر آغاز کرده است. چه دارنده آن امریکا فعلاً بر سایر دول دیگر تفوق داشته و درصورت تمایل بجنگ خواهد توانست که دشمن را درهمان روزهای نخست وادار بتسلیم نماید . چنانکه کشور ژاپن با آن همه قدرت و عظمت پس از یکبار رفتن دومین بمب اتومی اسلحه را برزمین گذاشت و دست از جنگ کشید .

عدم مصونیت از آن

درست است که بشر در علم و صنعت هر روز به ترقیات و اکتشافاتی نائل آمده ولی باید دید آیا در اخلاق و عادات اجتماعی و سیاسی هم ترقی کرده است ؟

اگر با نظر دقت بتاریخ چند سال اخیر نگاه کنیم بحقیقت تلخی می بریم . یعنی درمییابیم که از « رنسانس » یعنی نهضت علوم بعد در اروپا ، بعد صنایع و کارخانجات و آنچه مربوط باین دو است ترقی و پیشرفت فوق العاده زیادی نموده است ولی بدبختانه بشر نه تنها باین اندازه از حیث اخلاق سیاسی و اجتماعی و انسانیت بالا نرفته بلکه سطح آن بهمان نسبت سابق باقی مانده است .

چه فایده !

درست است که متفکرین و علماء اجتماعی بی نهایت خوب داشته ایم .

درست است که کتب ارزنده ای در این باره بجامعه و بمردم گفته است لیکن متاسفانه باید اذعان نمود که سطح عمومی اخلاق در میان مردم پیشین و حتی بسیاری از سطح علوم و صنایع است .

سیاست در دنیای کنونی هنوز هم پا بند تمایلات و احساسات بشری است و اگر چه سیاست در نظر بعض دول مسیر معینی دارد و هر کس بروی کار آید مجبور براندن کشتی مملکت از همان راه است معهذا مشاهده میشود که همین ناخدایان بمجرد یافتن فرصت از مسیر اصلی منحرف میگردند وبعلاوه توسانات وانحرافات آن کشتی ها را فقط اشخاص تیز بین و حساس در می یابند نه اشخاص دیگر .

معنی پیروزی

پیروزی زمانی حاصل میشود که احساسات فردی در سیاست از بین رفته و جای خود را به تمایلات اجتماعی دهد .

مقصود از کلمه پیروزی معنی آن است بطور اعم . یعنی پیروزی بر هر چیز وموضوعی ، نه تنها کامیابی درجنك .

حیوان جنگجو

بشر همیشه یك حیوان مخرّب وجنگجوئی بوده است . مضافاً باینکه تاکنون قدرت تخریب کلی نداشته و نتوانسته که عالم را فنا سازد . . اما اکنون آنزمان رسیده و دوره ئی که در آن زندگی میکنیم آخرین نقطهٔ آمال حیوانی بشر یعنی نابودی وخرابی میباشد . همان بشریکه روزی با چوب و نیزه میجنگید اکنون قدرت فنای جهان را دارد ، و از آنجائیکه پس از کشف یا اختراع چیزی در بعضی از شئون اجتماعی بشر تحولاتی ایجاد میگردد ، اکنون نیز بر اثر اختراع بمب اتومی تغییرات وتحولاتی در امور سیاسی عالم بطور کلی پیدا خواهد شد . و باصطلاح اکنون دورهٔ است که بشر بیك « رسیدگی سیاسی » دست بزند .

ما هم بله ؟

در کشورهای دموکرات ، بشر معمولی یعنی هر فردی معنی وقت خود را صرف فکر در باره امور سیاسی مینماید و شاید

استاد شده وآنرا قسمتی از شکل اصلی خود قرار دهند . درمقابل، در بعضی ازکشورها چون آلمان وایتالیا این‌عقیده کلیت‌یافته‌و مردم پیشرفت این امر یعنی مسئله سیاست‌را برعهدهٔ چند نفرمیگذارند . آنان نیز بفراست وفراخور عقل وفهم خویش کارهارا ازپیش‌میبرند .

تنبلی یا اشتباه ؟

شکست در سیاست ممکنست بر اثر دلایل و اسباب زیادی چون تنبلی ، و مهم تر از آن ، اشتباه هویدا گردد ، ولی بیشتر بواسطهٔ دلایل‌اخلاقی‌وروحی‌شخص‌سائس بروز میکند . لرد(اکتون) ضرب‌المثلی دارد که در بین انگلیس ها بسیار معروف و متداول و از این قرار است :

« تمام نیرو ها متمایل و مجبور به اضمحلال هستند یکقدرت تنها و بلا مانع تمایل خویش را بخودی خود از بین میبرد . تمام مردان بزرگ بد هستند . ولی اگر بتوانیم بگوئیم که تمام جابرین بد هستند گویا بهتر باشد اگرچه هیچ تر وبیشتر قابل توجه‌میباشد .

بازی سیاست

تنها وسیله بازرسی قدرت و عظمت یک بشر قوی نیروی مقاومت افراد دیگر است . بعضی ها معتقدند که سیاست کار وبازی کثیفی است . و شاید حقیقتاً هم همینطور باشد ، ولی پاک کردن کثافت سیاست نیز مثل تمام بازیهای دیگر چاره‌ئی دارد . و آن اطاعت و فرمانبرداری بازیکنان آن است از قواعد و قوانین بازی

بالماری اجتماعی

اگر قدرتی بخواهد از میان رود هرطور باشد بالاخره بصورت مستولیت میگردد . مثل بازی های فعال (اشخاصی که قوت قدرت داشتند) بودند که ارتش و مشکلات پلیس و اداره بشوونند . ولی گذه را هم زیاد بگردن آنها نباید انداخت . تقصیر اصلی متوجه آن عضوی است که امروز « سیر جنگ » و یا

بنامهای دیگر نامیده میشوند و در آن ازدو بدون ذرئی مقاومت و ایستادگی مجبور به اسارت مشقت ، گرسنگی ، رنج ، کمك و چشیدن ضربات محکم شلاق شدند تنها دلیل این عده جمله «مامجبور باطاعت وانقیاد بودیم» است که درحقیقت معنا ومفهوم صحیحی ندارد .

مقدس یا بزرك ؟

عده‌ئی سیاستمداران رااشخاص مقدس و بزرگی میدانند . این عقیده کاملا غلط است . اگر چه سیاستمداران ازقدرت ونفوذ خویش لذت برده وازآن بنفع مملکت خود استفاده‌میکنند و بمفهوم دیگر بزرك هستند ولی اعمال ایشان تقدسی را نشان نمیدهد .

بعلاوه ، شغل این مردان سیاست است وواضحاً هرکس پس از انجام کار خود از اینکه هم باری از دوشش برداشته شده‌وهم مشکلی را از میان برده است باطناً مسرور و دلشاد میگردد .

بزرگترین اختلافی که بین سیاستمداران و اشخاص معمولی وجود دارد اینستکه دسته اول قدرت امتزاج هوش و فکر خودرا با امور سیاسی دارند در حالیکه دسته دوم فاقد این نیرو میباشند . ولی امروز هرچه افراد دیگر بیشتر در باره امور سیاسی فکر و دخالت کنند بهمان نسبت هم‌قدرومنزلت سیاستمداران کاسته میگردد مگر آنکه سیاستمداران نیزسطح معلومات واطلاعات خودرا بالا برند .

کار مشکل

امروز سیاست برای هرکسی کاری سخت و پر زحمتاست چه باید مدتی از وقت خود را صرف آن نماید . با رفقای خود بیندیشد . اگر از این میدان با مظفریت پیش آمد که نامی تر بین اشخاص هم خویش میگردد و الا برای همیشه محو و نابودمیشود معهذا سیاستمداران و آنهائیکه دراین راه قدم میگذارند بایدشغل خود (سیاست) را بهتری دانسته وتمایلات فردی را فراموش کنند .

اینست مفهوم حقیقی عصر بسب اتمی و تحولاتی‌که در روحیه بشر و دوره گردان های سیاست جهان وارد نموده است .

اثر طبع : آقای معظم دولت

زخون گیرند و خون ریزند بر خون

ز کید انجم و نیرنگ گردون
سلامت کم شد و ـ شد مرگ افزون
همی شد با بشر ، دنیای خون ریز
بکین و — هم سپهر سفله دون
بهر سو سیل خون گردید جاری
زخون غلطان (بصحرا) رود جیحون
زمین یکسر خضاب از خون مظلوم
غریق لجهٔ خون دشت و هامون
بدشت اندر هزار ـ از کشته پشته
بسی (اجساد) تا گردیده مدفون
(نه آیت ، آنکه بتوان ریخت برخاك
فرو سازید ـ این خونست این خون)
(بجا نبود سلاح خود سلحشور
نگردد آشکار این راز مکنون)
وفا و مهر شد از خان زایل
سپهر صدق شد بر مکر و افسون)
(فقط نامی است باقی از (عدالت)
بنامش دهزند از عدل و قانون)
(شد از قاموس عالم عمل متروك
تو بنگاری که گبتی گفته مجنون)

بلا از آسمان گردیده نازل
بقد و قامت مخلوق موزون
(بشر شد بر قتال و ظلم تحریص
جهان از نو بخشم و جنگ کانون)
زکف دادند مال و مکنت و جان
همه در مانده و ناچیز و مغبون
همه از زندگی مأیوس و ناکام
همه بر یکدگر مقرون و مدیون
(یکی ازدیگری) درخوف ومرعوب
ازآن یك آن یکی مشکوك ومظنون
(نه آن ترك سلاح جنك سازد
نه فکر دیگری بر صلح مقرون)
نه کس گردد زفعل خود پشیمان
ز وحشت عالمی در رنج و محزون
نه نفرین این کند برجان عفریت
نه آن یك لعن بر شیطان ملعون
ز هیاهو هزاران (بمب) باریك
به شب لشکر زدی بر هم شبیخون
بسه آب صلح باید شست خون را
که خونی را نمیشوید با خون »
خداوندا ترحم کن بسه مخلوق
ز فکر خلق فرما جنك بیرون
نما صادر بسی آسایش خلق
ز لوح عرش فرمان همایون

ز (دولت) این دعا فرما اجابت
که تا دنیا شود محفوظ و مأمون
ز بعد گفتن این چامهٔ نغز
زهر جانب رسید این مژده اکنون :
ز (بمب اتمی) وز سعی امریك
جهان شد بر اساس صلح مقرون
اگر این (تحفه) افتد دست مخلوق
بگردد زیر و رو دنیا و وارون ! . .
از آن پس در زمین نامی نماند
نه گیتی ماند و نه دشت و هامون
بلی دنیا چنین گردیده آرام
همی عالم (بدین صلح) است موزون
(عرب گوید که الملك و عقیم)
روایت میکنند از قول « هارون »
(برای صحت موضی طبیبان
زخون گیرند وخون ریزند بر خون)
مضمار السلطنه دولتی

ترجمه از مطبوعات فرانسه

باهر ضربتی سر یکنفر از گردن جدا میشد!

داستانیکه «کاپورال فرنان کرون» حکایت میکند بخوبی نشان میدهد که ژاپنیها وحشیگری را نسبت به اسرائی که بدست میآورند تا چه حد اعمال میکنند.

کاپورال کرون مجبور شده است کاملا لخت در کنار خندقی پهلوی (۵۰) نفر از هموطنان خودش زانو بزند؛ در حالیکه میرغضب ژاپنی با یك شمشیر سنگین سر این افرادرا یکی یکی قطع کرده و بدن آنها را در خندق میانداخته است.

کاپورال کرون خود از مرك نجات یافته و اینك آنچه را که دیده است برای خوانندگان حکایت میکند:

***

«روزنهم مارس سال گذشته من در «دونك دانك» ازبنادر کوچك هندوچین نزدیك لانگون بودم. مدت سه روز تمام بود که ما در مقابل محاصره ژاپنیها ایستادگی میکردیم ولی چون ژاپنیها کمکهای جدیدی دریافت کرده بودند درخطوط ما رخنه نمودند.

ما متحمل تلفات سنگینی شدیم؛ نه آب داشتیم و نه اسلحه و مهمات، بنا براین مجبور بتسلیم گشتیم. سرتیپ ژاپنی به سربازان ما تبریك گفت و وقایع شجاعانه او را ستوده وی را دعوت کرد تا با افسران ژاپنی چای صرف کند.

تازه سروان دسته ما سر میز نشسته بود که یك افسر ژاپنی با قنداق هفت تیر بگردن او نواخت . پس از آنکه اونقش زمین گشت یك افسر دیگر ژاپنی گلوله ای در سر او خالی کرد و ما در آنموقع حاضر بودیم . دورا دور مارا سربازان و افسران ژاپنی که کاملا مسلح بودند محاصره کردند . بنابراین ماازتقدیری که در انتظارمان بود بدینوسیله آگاه شدیم .

گروه‌ما عبارت ازنه نفر اروپائی ، چهل نفر تیرانداز هندی و چینی و دو زن از اهل آنامیت بود .

ما را بکلبه مأموزین گمرك که در آن نزدیکی بود هدایت نموده و مجبورمان کردند که هرچه لباس داشتیم از تن در آوردیم هنگام غروب مارا بکنار جنگل هدایت کردند . درآنجا یك دسته سیتا ملولانی درانتظار ما بود . وقتی بآنجا رسیدیم پنجه‌های ده مارا بهم متصل کرده و ما را وادار کردند که در کنار دسته زانو بزنیم

رامج بآنچه که بعد پیش آمد فقط باید بگویم وحشتناك بود . از زیر چشم من مشاهده کردم که مرد غضب با شمشیری که بدست دارد نزدیك میشود .

هنگامیکه به مسافتی من رسید اولین ضربت را نواخت سر از بدنم جدا شد و در دسته افتاد . او بلافاصله خود را جمع کرده ضربت دوم را در همان ترتیب یکی پس از دیگری سر از بدن جدا شده و در میان دسته سیتاها . با هر ضربتی یك سر در میان دسته میافتید و با هر ضربتی مقتول آینده فریاد میزد : « زنده باد فرانسه ! »

هنگامیکه میرغضب نزدیك من رسید من چشمم را بستم . عضلات گردنم را منقبض کردم و کمی سر را پائین بردم . این حرکت غریزی مرا نجات داد ومن حس کردم که ضربت بسیارقوی بسرم اصابت کرد و بلا فاصله در خندن غلتیدم .

ده دقیقه بعد همه چیز در اطراف من ساکت بود . من با احتیاط برخاستم و مشاهده کردم که ژاپنیها رفته بودند . اول من دوستان وهمکاران سفید پوست خود را صدا زدم هیچکس جواب نداد بیهوش شدم . و قتی بخود آمدم تاریکی همه جا را فراگرفته بود . چند کیلومتر دورتر از آن قتلگاه دهقانان هندوچینی من جا و خوراك دادند و از من مواظبت کردند . بعد وقتی قدری قوت گرفتم بیك گروه از قوائی که بطرف چین میرفت ملحق شدم . »

اینست داستان این افسر فرانسوی که در لحظه اعدام خودش حاضر بوده است . وحشیگری چه بنام صلیب شکسته چه بنام یکری باشد همه جا وحشیگری است و سه ماهی بیشتر نگذشت که ژاپن نیز بدوست ومتفق خودش آلمان ملحق گردید .

وقایع مهم پنجسال جنگ

خاور دور

۱۹۴۱

دسامبر ۷ — نیروهای دریائی و هوائی ژاپن به تکیه گاه دریائی پرل هاربور درجزایرهاوائی بدون اعلان جنگ حمله نمودند وپنج ناو جنگی و سه ناوشکن و یك مین گذار و یك کشتی هدف گیر را غرق کرده و بسه ناو جنگی و سه رزمناو و یك کشتی هواپیمابر و یك کشتی تعمیر آسیب زیاد وارد آوردند و قریب سه هزار نفر کشته یامفقود شدند. ژاپونی ها بفرمانده کوآم وسایرجاکن فیلیپین حمله بردند.

۸ - کنگره امریکا اعلان جنگ به ژاپن داد.

۸ - ژاپنها در لوزون وجزایر فیلیپین پیاده شدند.

۱۳ - ژاپنیها گوآم را تسخیر کردند.

۲۶ - ژاپنیها جزیره ویك را تصرف کردند.

۱۹۴۲

ژانویه ۲ - ژاپنیها وارد مانیلا شدند.

۲۲ - ژاپنیها در جزیرهٔ سلیمان وبریتانیای جدید پیاده شدند و استرالیا را تهدید کردند.

فبروری ۱۵ - سنگاپور بتصرف ژاپنیها درآمد و قریب هفتاد هزار نفر انگلیسی اسیر شدند.

آوریل ۹ - باتان بتصرف ژاپنیها درآمد و ۷۶ هزار امریکائی و فیلیپینی اسیر شدند.

۱۸ - هواپیماهای سنگین موتور ۴ امریکائی بر توکیو و ناگویا و کوبه و ناگویا حمله نمودند.

۴۸ ـ ٤ تا ۸ جنگ دریائی مرجان در گرفت ۱۰ ناو جنگی ژاپن و یك هواپیما بر و ٤ ناوشکن غرق شدند امریکائیها یك هواپیما بر ویك ناوشکن ویك نفت‌کش از کف دادند.

۲۵ ـ سر لشکر استیلول امریکائی اعتراف به‌شکست متفقین در برمه نمود.

ژوئن ٤ تا ٦ ـ جنگ میدوی شروع شد ٤ هواپیما برژاپونی وسه ناوشکن و ۳ رزمناو غرق شد و ۲۷۵ هواپیما منهدم و قریب ۵ هزار ژاپونی کشته یا غرق شدند. تلفات امریکائیها عبارت بوداز ۳۰۰ نفر و۱ هواپیما و۱ ناوشکن.

۱۲ ـ ژاپونیها در جزایر آتو و کیسکا در جزایر آلئوسین پیاده شدند.

اوت ۷ ـ افراد نیروی دریائی اولین حملهٔ متقابله خود را شروع نمودند و در گودال کانال و تولاکی در جزایره سلیمان در اقیانوس آرام جنوبی پیاده شدند.

اکتبر ـ ۲۵ ـ ۲٦ ـ درجنك جزایر سانتا کروز ژاپنیها یك رزمناو و ۳ هواپیما بر و ۲ ناوشکن از دست دادند و ۳رزمناو آنها آسیب دید تلفات امریکائی ها عبارت بود از ۱ هواپیما بر و یك ناو شکن که هردو آسیب دیدند.

نوامبر ۸ ـ نیروی امریکائی که با هواپیما حمل شده بود در نزدیکی بونا در گینه جدید پیاده شد.

۱۳ تا ۱۵ ـ درجنك دریائی گودال کانال ژاپنیها ۲۸ کشتی شامل دوناو جنگی و ۸ رزمناو و ٦ ناوشکن و ۸ کشتی حمل‌ونقل و ٤ کشتی باربر از کف دادند و دو ناوجنگی و یك رزمناو و ۷ ناوشکن آنها آسیب دید.

تلفات امریکائیها عبارت بود از ۲ رزمناو و۷ناوشکن.

دسامبر - ۱۵ - متفقین بونا را در گینه جدید تصرف نمودند

۱۹۴۳

مه - ۷ - تصرف امچینکارا در جزایر آلئوسین بوسیله نیروی امریکائی اعلام شد

ژوئیه - ۵ - نیروی امریکائی به جورجیای جدید لشکر کشی نمودند.

اوت - ۱۵ - نیروی متفقین به ولالاولا در سولومون حمله برده و بدون مقاومت ژاپونیها کیسکارا در آلئوسین تصرف کردند

سپتامبر - ۱۲ - سالاموا در گینه جدید بدست متفقین افتاد

۱۶ - لائه در گینه جدید بدست متفقین تسخیر شد.

اکتبر ۲ - استرالیائیها فنیچ هافن را در گینه جدید گرفتند

۳۱ - نیروی دریائی امریکا بوگن ویل حمله بردند.

نوامبر - ۲۰ - نیروی دریائی امریکا تاراوا و اوماکین حمله کردند.

دسامبر - ۱ - روزولت و چرچیل و چیانکای شك منشور آتلانتیك را در قاهره امضاء نمودند و متعهد شدند که جزایر اقیانوس آرام را از ژاپن بگیرند و تمام اراضی چین را که شامل منچوریستان میشود و ژاپنی ها بزور و اجبار از چین گرفته بودند بچین پس بدهند.

۲۶ - نیروهای دریائی امریکا در دماغه گلوستر دوریتانیای جدید پیاده شدند.

۱۹۴۴

ژانویه - ۲ - نیروی امریکائی در سالینا در گینه جدید پیاده کردند.

فوریه - نیروهای زمینی و دریائی امریکا در کواجالین روی جزایر مارشال پیاده شدند.

۱۷ - نیروی امریکا در انی و توک در جزایر مارشال پیاده شدند .

۲۹ - جزایر آدمیرالتی مورد حمله متفقین واقع شد .

مارس - ۲۲ - نیروی سرلشکر ماك آرتور در ۱۵۰ میلی ساحل گینه جدید از اتیاپ تا هلندیا پیاده شده و قریب ۳۰ هزار نفر ژاپونی را محاصره کردند .

۲۳ - ژاپونیها بهندوستان هجوم بردند و به ۲۲ میلی ایمفال رسیدند .

مه - ۱۱ - ژاپونیها تمام خط آهن هانسکو به پکن را تسخیر نمودند .

۱۸ - نیروی ماك آرتور واکده‌را تسخیر کردند .

امریکائیها به بیاك حمله نمودند .

ژوئن - ۷ - نیروهای چینی جاده برمه را قطع نموده و لاشك را تسخیر کردند .

۱۵ - نیرو های دریائی امریکا به سائیپان در جزایر ماریان پیاده شدند .

ژوییه - ۱۹ - کابینهٔ ژنرال توجو درتوکیو استعفا داد .

۲۰ - امریکا نیها به گوام بر گشتند .

۲۸ - نیرو های امریکائی به تینیان در جزایر ماریان پیاده شدند .

اوت - ۱ - متفقین ۱۰ میل ازساحل سانباپور را در گینه جدید تسخیر کردند .

۶ - اعلامیه متفقین صادرشد مبنی براینکه نیروهای متفقین در شمال شرقی هند و شمال برمه قریب ۱۰ لشکر ژاپونی را نابود ساخته و ۴۲ هزار نفررا کشتند .

سپتامبر ـ ۱۵ ـ نیروی امریکا در موروتای ویالو پیاده شدند
اکتبر ـ ۱۹ ـ نیروی انگلیسی تیدیم را دربرمه تسخیر نمودند
۲۰ ـ نیروی مک آرتور درفیلیپین دولته پیاده شدند
۲۲ تا ۲۷ در جنگ دوم دریای فیلیپین ژاپونیها ۲ناو جنگی
و ٤ هواپیما بر و ۹ رزمناو و ٤ ناوشکن ازدست دادند .
نوامبر ـ ۱۳ ـ حملات ژاپنیها درچین ارتش هوائی امریکائی را
مجبور نمود که تکیه گاه خود را درلیو چلو منهدم نماید .
۲٤ ـ حملات هوائی شدید برضد ترکیو ازسائیپان آغاز شد .

۱۹۴۵

ژانویه ـ ۹ ـ نیروی امریکائی به لوزون برگشتند .
۱۲ ـ نیروی زمینی وهوائی خلود دور ۱۵ کشتی ژاپونی را
غرق و ۳۸ کشتی را صدمه رسانده و ۱۱۲ هواپیمای دشمن را در
آبهای هند وچین فرانسه نابود ساختند .
۲۲ ـ نیروهای چینی موژن را برای دو باره مسلح نموده
و جاده برمه را از هند به چین کاملا افتتاح نمودند .
فوریه ـ ۱ ـ هواپیماهای امریکائی انگر گاههای متعدد
ژاپنیها درسینگاپور غرق کردند .
٤ ـ نیروهای امریکائی دو باره مانیلا شدند .
۱۰ ـ نیروهای هوائی امریکائی به تسخیر توکیو شدند
۱۱ ـ [illegible]
آوریل ـ ۱ ـ [illegible]
۹ ـ [illegible]
۲ ـ انگلیسها [illegible]
۲۰ ـ [illegible]
[illegible]
ژوئن ـ ۲۲ ـ [illegible]

ترجمه و تلخیص : آقای مسعود برزین (ازدیلی میل)

اسلحهٔ مهم دیگری که از بمب اتمی مخوف تر است

مسئله قروض جنگ و نقش قانون وام و اجاره

در جنگ یك اسلحه مخوف دیگری‌را بغیر از بمب آتمی که باید فوق العاده طرف توجه قرار گیرد از یاد میبریم . این اسلحه اخیر مسئله اقتصادی و کمکهای مالی‌است که با قانون وام و اجاره آغاز گشته و اساس قرارداد (برتون‌وودز) را بنا نهاد .

نقش امریکا

در نقش مهمی که قانون وام و اجاره در جنگ بازی کرد تردیدی نتوان داشت چه : مسلح و آماده نمودن ملل و در نتیجهٔ کسب پیروزی بدون آن امکان پذیر نبود . کمك های اقتصادی و مالی کشور های متحدهٔ امریکا تنها سلاحی بود که بالاخره آلمان و ژاپن را از پای درآورد .

انگلیس بیش ازهمه

بغیر از دو سه هیچ کشوری در جهان باندازه بریتانیا از این قانون استفاده نکرد . ولی یك موضوع دیگری را هم باید در نظر نگاه داشت و آن اینستکه انرژی و نیروئی که از کلیه افراد انگلیسی در این چند سال جنك دیده شد تا کنون در تاریخ بشر بی‌سابقه بوده است یعنی مشاهده نگشته که ملتی باین اندازه درهنگام خطر و نابودی بیکدیگر نزدیك شده راز کلیه حقوق و آرزوهای خود برای در آغوش کشیدن صلح دست بکشند .

بمحض آغاز جنگ کلیه مساعی اقتصادی انگلیس مسیر خودرا عوض کرد بدین معنی که اگر سابقاً هر کسی بنفع خویش جدیت مینمود از این پس تمام برای یك هدف معینی کوشش نمودند . هر فردی سعی مینمودند که بصادرات انگلیس مساعدت بیشتر کرده و از هم وطن خود پیشی جوید تا در نتیجه بتوان برمیزان واردات افزود وآنچه را برای خاتمه جنك وبرگرداندن اوضاع بحال عادی خود از کشور بزرگی چون دول متحده امریکا ابتیاع نمود .

تسلیحات

ولی از روزیکه قانون وام و اجاره عمل گشت و نخست انگلیس از آن برخوردار شد ، دیگر لزومی نداشت که بر صادرات آن کشور افزوده شود تا قیمت هر جنسی که وارد میشود بابوسیله تهاتر یا توسط پول پرداخته گردد . با درك همین امر بود که این بار انرژی و نیروی کار ملت انگلیس متوجه مسئله دیگری چون ساختن و پرداختن اسلحه و تسلیحات جنگی گردید .

امروزه احتیاج واردانی انگلیس بهمان اندازه که سابقاً بوده است میباشد . زیرا آنچه برحسب قانون وام و اجاره به بریتانیا فرستاده شد بدون ذره‌ای اتلاف صرف مخارج جنگ و پیروزی گردید .

بانك بین‌المللی

عایدات انگلستان در سال ۱۹۴۴ نزدیك برابر با یك میلیارد لیره بود که در سال ۱۹۲۸ (سال قبل از جنگ بین‌المللی دوم) از آن مبلغ خارج گردید . این مقدار هم فقط از لیره بسته میشود که دول دیگر خواستار و یا محتاج و بعلاوه انگلستان نیز برای بدست آوردن دلار مجبور بصدور بود .

سوال !

اگر انگلستان بتواند میزان صادرات خویش را زمان قبل

از جنك (سال ۱۹۳۸) برساند مجبور است که قریب به پنجاه در صد بر آنچه در آن سال صادر میکشت بیفزاید . حال چطور انگلستان خواهد توانست که درانجام این عمل موفقیت حاصل نماید و میزان صادرات خویش را ترقی دهد ؟

تنها جوابی که بسئوال فوق میتوان داد آنستکه این مقصود دردنیائی بحقیقت میپیوندد که بازرگانی خارجی امپراتوری رایج بوده و توسعه زیاد داشته باشد .

اگر سیستم اقتصادی بین‌المللی که در سده نوزدهم وجود داشت دوباره خود نمائی کند یعنی بازرگانی خارجی باقرارداد های مشکل ، با مالیات های گزاف با کمرك های طاقت فرسا و بالاخره با تعرفه‌های بیفایده و بیجا امکان پذیر باشد امپراتوری نامبرده هم هرگز نخواهد توانست قدمی برای بهبود اوضاع اقتصادی خویش بردارد .

تا دوسه سال دیگر انگلستان خواهد توانست که با مساعی بینظیری که در دوران جنك از خود نشان داد ، میزان صادرات خود را طوری تعادل دهد که بتواند قیمت واردات را بپردازد . ولی از نظار اصول باید دانست که بکمك و مساعدت زیادی برای تعادل کلی فرستاده ها و واردات خویش محتاج است .

وضع هیچیك از ملل متفق مثل این کشور سخت و پیچیده نیست ، چه هر کدام دارای موقعیت خاصی بوده و بعلاوه قرض هیچیك از ایشان باین اندازه نمیباشد البته هریك از آنها نیز محتاج اعتباراتی برای توازن واردات و صادرات خویش میباشند و برای اینکار مسلماً سرمایه هائی تخصیص خواهند داد . ولی مسئله قابل ملاحظه آنست که انجام این امر بدست دول خواهد بود وباآنهاست که باوضاع اقتصادی خویش کاملا رسیدگی کنند .

۴۹۳۵

رئیس یا پیشوا

اگر دولت کشور های متحدهٔ امریکا شخصاً باوضاع اقتصادی جهان رسیدگی نکند معهذا لیدری و پیشوائی آنها را تقبل خواهد نمود . این امر تنها کاری است که انجامش از عهده دولت نامبرده بر آمده و البته در دنیائی عملی میگردد که اتحاد و یگانگی در آن حکمفرما باشد و تا ملل کوچك بتوانند خودرا ازبلایای جنك رها ساخته و زندگی خویشتن را بحال عادی عودت دهند .

موانع جدید

اگر مساعدت اقتصادی انگلیس را هم ذکر نمائیم باید زمینه مساعدی را هم که برای آن لازمست ایجاد نمود . خطرات و موانع بزرگی که فعلا در راه همکاری جهان خود نمائی میکنند باید از میان برداشته شود . یکی از این عایق ها روش مخصوصی است که بارهائی از کشور های امریکا نیز در این دسته است باسم پشتیبانی از صنایع غیر اقتصادی داخلی خویش در پیش گرفته اند .

صانع بزرگ دیگری را هم باید از میان برداشت . این رادع اخیر پس از جنك بین‌المللی اول خود نمائی میکرد واکنون نیز در سیاست مبادلات خود نمائی میکند وبدون تردید اگر درصدد جلوگیری از آن برنیائیم راه مراهم خواهد شد .

فروش جنك اول

سنرهم عدهٔ از کشور های جهان ازفروش جنك بین‌المللی اول مدیون دولت امریکا میباشند . ولی مبالغی که فوقا تحت عنوان قانون وام واجاره بسایر ملل داده شده است بمراتب بیشتر میباشد. انگلستان مبالغ مهمی برای کسب پیروزی دریافت داشته

وبعلاوه منافع غیر مستقیمی هم تحت عناوین مخصوص چون کمک‌های دوستانه ، و غیره بدست آورده است .

اگر زمانی امر « قروض جنگی » آسمان اقتصادی جهان‌را ترك گوید وآنرا صاف بگذارد ، عموم ملل جهان خواهندتوانست که وضع اقتصادی خود را خوب و سطح آنرا بالا برند .

یعنی قدرت آنرا دارند که دو باره دست باستقراض زنند ولی با اقتصادیون جهان است که گردهم جمع آیند وشرایط جدیدی چون مقدار کم ، مدت کوتاه و مزایای بیشتر وضع نمایند ولی مسئله قروض این دو جنك و بخصوص جنك اخیر بحدی جالب‌توجه است که دقت عموم دول را متوجه خویش ساخته و بدون شك بایست باید آنرا حل کرد .

خانم مارشال چانکایشك رئیس جمهور چین

آیا ممکن بود جنگ اخیر روی ندهد ؟

بقلم کنت اسفورزا وزیر خارجه ایتالیا

اکنون که جنگ مغرب و مشرق پایان یافته ما میتوانیم بخود اجازه نگاه کردن بعقب را بدهیم .

بایك بیلان پنجاه و سه میلیون مرده وهزارشهرخراب‌شده فرانسه ایتالیا لهستان و انگلستان خوبست که دنیا از مساعی‌که در ۱۹۳۹ و ۱۹۴۰ بکار رفت تا جنك واقع نگردد و یا محدود گردد مطلع گردد .

آنچه که من دراینجا باطلاع خوانندگان میرسانم نشان‌خواهد داد که افسانه اینکه « دیکتاتورها » که معرك جنك بودند زیرا امید داشتند که رژیم روم وبرلین درنتیجه آن سقوط خواهد کرد غلط است .

آنها نمیتوانستند بفهمند

در آغاز سال ۱۹۳۹ علائم اراده هیتلر بجنك برای همه‌کس غیر قابل تردید شد . روشن بود که در لهستان دست بعملخواهد زد و بهانه لازم لهستان خواهد بود . نظیر آنهم در (۱۹۱۴) وجود بود و سربیها را داشت .

ولی چه باید کرد ؟ هیتلر و موسولینی که درمقابل اصابت بشر سوسیالیسم و همکاری اوپائی جدی تر خود را نمیگرفتند گمان میکردند انگلیس و یا فرانسوی را در آنموقع دلائل صلح دوست میشمرند و کم‌کم بلاعلاج آنها باین نتیجه میرسیدند که در مقابل خود متفقی ضعیف و خورد شده‌ای داشته و این نظر را موسولینی اغلب در میان دوستان صمیمی خود اظهار و ابراز میداشت .

ولی آیا با وجود این موضوع جائز بود که باخطر نابودی تمدن رو برو شد ؟

این افکار مرا بخود مشغول میداشت ومیدانم که مردم دیگری نیز با این افکار مدتها بسر برده اند .

دریکی ازروزهای ماه ژانویه ۱۹۳۹ یك نویسندهٔ کاتولیك ایتالیائی که از طرفداران جدی و صمیمی صلح بود بدیدن من آمد او از طرف کاردینال وردیه از من پرسید که آیا نظرمن راجع بیك اقدام قطعی از طرف پاپ پی یازدهم نزد دو دیکتاتور چیست و حتی بمن گفت که اگر این نظر پی یازدهم را پسندیده ام راجع بآن با نخست وزیر فرانسه صحبت کنم .

اقدامات نزد دالادیه

من نه تنها از جنك بلکه از فکر اینکه ممکن است درنتیجه یك شکست خانهٔ خراب کن برای فاشیسم به ایتالیا باز گردم قبول کردم که دراین موضوع با دالادیه صحبت کنم و باو گفتم :

« چیزی بآخر عمر پی یازدهم نمانده است و این موضوع مقام و نفوذ او را بیشتر میکند . پس از آنکه در اوائل فکرهای راجع به فاشیسم کرد اکنون عقیده دارد که او را فریب داده اند اگر بطور محقیانه از او بخواهید که بدو ظالم پیغام فرستاده و چنین امتیاز کوچك هم با این امتیاز خوب برد و درمقابل از آنها بخواهد که مشکیل یك کنفرانس راجع به خلع اسلحه را قبول کنند فعل این عمل بصورت محور تمام خواهد شد .

پس از مدتی مذاکره دالادیه تصمیم گرفت که کاردینال وردیه را مخفیانه به واتیکان بفرستد .

کاردینال روز سی ژانویه با اطلاعات ودستورهای کافی بدانجا

رسید . باوجود آنکه سخت بی‌یازدهم ناخوش بود فوراً اورا پذیرفت و با صدای بسیار ضعیفی از کاردینال وردیه خواست که متن نطقی را در این موضوع حاضر کند تا او در نطق خودش در کلیسای سنت پولیر روز دوازدهم فوریه بیان نماید .

برای این نطق او کلیه اسقف های ممالک رسمی را در رم طلبیده و پاپ میخواست تنفر خود را از فاشیسم در آن باطلاع جهانیان برساند . بدبختانه پاپ روز دهم فوریه مرد .

چند ساعت قبل ازمرگش این کلمات را در حال احتضار بطیب معالجش گفته بود :

« دکتر مرا تا روز دوازدهم زنده نگاهدار زیرا مطالب مهمی را در اینروز باید بگویم . . . »

در هنگام تعیین پاپ جدید اوضاع بین المللی سخت تر و تیره تر شد و ازطرفی یک پاپ تازه کار آنچه را که یک پیرمرد مسن میتوانست انجام دهد نمیتوانست بکند .

موریس سارو از این موضوع اطلاع داشت

باید بگویم که تنها فرانسوی که من در این موضوع و مذاکرات فیمابین بالادیه با او صحبت کردم موریس سارو مدیر روزنامه «ژورنال دوتولوز» بود .

در آن هنگام من هر هفته مقاله برای او مینوشتم و این مرد یک نفس که هرگز خیال میکرد نمیتوان بر قائل کشیش علاقمند بود .

در همین موقع من نزد بالادیه میروم و باو سفارش میکنم که هرچه زودتر او را بحضور پاپ بفرستد چه بیم آن میرود که در این موضوع تاخیر از دست پاپ برآید . .

بدین ترتیب دو شخصیت بزرگ جمهوری فرانسه و پاپ

کاردینال خوش قلب و یك یا دو ایتالیائی تمام مساعی خود را بکار میبردند تا بد بختی بین المللی که ورود آنرا حس میکردند واقع شود ؛ .

من بشاه نامه نوشتم

هنگامیکه روشن شد که رایش آلمانی که صد در صد از هیتلر پشتیبانی میکرد تصمیم گرفته است که هرطوری شده ماجرائی که در ۱۹۳۸ شروع کرده بود ادامه دهد ؛ تنها امیدی که دیدم آن بود که ایتالیا در این کشمکش داخل نشود .

من بانقشه هائیکه طرح کرده بودم دست باقدامات زدم قسمتی از نقشه های خود را بیهوده باطلاع آقای ژورژ بونه وسپس روز ۳۰ مه ۱۹۴۰ در نامه ای به پادشاه ایتالیا اظهار داشتم .

در نامه مفصلا به پادشاه ایتالیا تذکر دادم که بالاخره فتح نهائی نصیب دموکراسیها خواهد شد ونامه خود را ازسنت مارگریت نزدیك تولون برای اوفرستادم .

ویکتور امانوئل بمن جواب نداد و ده روز بعد اعلان جنك ایتالیا را بر علیه فرانسه و انگلستان امضاکرد .

وقتیکه در نوامبر سال (۱۹۴۳) بمن پیشنهاد کرد که کابینه وزراء را تشکیل دهم باو گفتم بیك شرط حاضرم وآن اینست که او استعفا دهد . زیرا استعفای او فقط میتوانست بجهانیان ثابت کند که ایتالیای جدیدی شروع بزندگی کرده است .

درمذاکرات مختصری که با دوك داکاورن وزیر دربار حامل پیامهای شاه کردم از او پرسیدم که از شاه بخواهد چرا به نامه من جواب نداد : او آنقدر مطمئن بود که آلمان دنیا را میگیرد .

از روزنامه فرانس سوار

ابلاغیه وزارت امور خارجه ایران

مراسله ای بشرح زیر از طرف وزارت امورخارجه بسفارت کبرای شوروی نوشته شده است :

جناب آقای میخائیل الکسیویچ ماکسیموف سفیر کبیردولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

خبر تسلیم بلا شرط ژاپن و امضای ترك مخاصمه با آن دولت در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ باعث خوشوقتی بی نهایت دولت شاهنشاهی و عموم ملت ایران گردید و بسوسیله باز دیگر موقع مینماید که برای تسلیم آخرین دشمن ما وشکست متفقین خودمانرا دولت و ملت ایران را بجنابعالی اظهار دارم و بارتش نیرومندشوروی و متفقین دیگر ما که موفق بشکست قطعی ژاپن شده الله سپاسگذاری گویم .

در اینموقع یادآور میشوم که مراسلهٔ که در تاریخ تسلیم آلمان وعلم جنگ در اروپا با آنکشور در ۱۳۲۴/۲/۱۹ شمارهٔ ۱۲۲۴ نوشته شده و بموجب آن اعلام گردیده بود که چون کشور متفقین با دیگر در ایران ضروری ندارد و متفقین است سفارتخانه‌های خود را بلند نمایند تاکنون باوضاع جاری برگردد تاکنون بلامورد مانده است .

دولت و ملت ایران نظر بتمایل دوستی و صمیمی که موجود است امیدوار است که بزودی مراوده سیاسی ایران تا کنون با سرعتیل ابقا گردد .

اینک ضمن تشکر مجدد از بیان مراتب دوستی که در مراسله مورخ آن بعد از مذاکره جنگ کشور متفقین علیه ایران ابراز

تخلیه کرده باشند از روز یکشنبه دوم سپتامبر ۱۹۴۵ که روز امضای متارکهٔ با ژاپن است شروع میگردد .

علیهذا وزارت امور خارجه بنام دولت شاهنشاهی و ملت ایران که با تمام وسایلی که دردست داشت صادقانه و صمیمانه عملیات جنگی متفقین کمك نموده انتظار دارد که مطابق فصل پنجم پیمان سه گانه در تاریخ دوم مارس ۱۹۴۶ خاك ایران بکلی تخلیه شده و دیگرحتی یکنفرازقوای هوائی یازمینی یا دریائی متفقین درخاك و آبهای ایران باقی نمانده باشد .

این تاریخ تاریخ تخلیه حتمی ایران است که بایستی بموجب مقررات پیمان سه گانه عملی شود وهراقدامی هم که مطابق یادداشت شمارهٔ (۱۱۱۹) در تخلیه قبل از اینموقع بشود امتنان بیشتری را برای ملت ایران در برخواهد داشت .

موقع را مغتنم شمرده احترامات فائقه را تجدید مینماید .

وزیر امور خارجه : انوشیروان سپهبدی

ونیز مراسله ای بدین شرح بسفارت کبرای انگلستان نوشته شده است :

« جناب آقای صریدر بولارد سفیر کبیر دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان »

« خبر تسلیم بلا شرط ژاپن و امضای ترك مخاصمه با آن دولت درتاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ باعث خوشوقتی بی نهایت دولت شاهنشاهی و عموم ملت ایران گردید و بنوستاربار دیگر موقع میدهد که برای تسلیم آخرین دشمن ما و دشمن متفقین خودمان تهنیت دولت وملت ایران را بجنابعالی اظهار دارم و بارتش نیرومند انگلستان ومتفقین دیگر ما که موفق بشکست قطعی ژاپن شده اند صمیمانه شادباش گویم .

در اینموقع یادآور میشوم که مراسلهٔ که در تاریخ تسلیم آلمان و ختم جنگ در اروپا با آنکشور در ۱۳۲٤/۲/۲۹ شمارهٔ (۱۱۱۹) نوشته شده و بموجب آن اعلام گردیده بود که بودن قشون متفقین ما دیگر درایران ضرورتی ندارد ومقتضی است خاك ایران را تخلیه نمایند تا کشور بحال عادی برگردد تا کنون بلاجواب مانده است

دولت وملت ایران نظر بکمال دوستی و صمیمیتی که موجود است انتظار داشت که پیشنهاد دولت ایران تا کنون با حسن قبول انجام شده باشد

اینك خاطر نشان مینماید مطابق پیمان سه گانه مدت شش ماهی که درطی آن بعد از متارکهٔ جنك قشون متفقین باید ایران را تخلیه کرده باشند ازروز یکشنبه دوم سپتامبر ۱۹٤۵ که روزامضای متارکه باژاپن است شروع میگردد

لهذا وزارت امور خارجه بنام دولت شاهنشاهی و ملت ایران که با تمام وسائلی که در دست داشت صادقانه و صمیمانه بپیشرفت عملیات جنگی متفقین کمك نموده انتظار دارد که مطابق فصل پنجم پیمان سه گانه در تاریخ دوم مارس ۱۹٤٦ خاك ایران بکلی تخلیه شده و دیگر حتی یکنفر از قوای هوائی یا زمینی یا دریائی متفقین در خاك وآبهای ایران باقی نمانده باشد .

این تاریخ تاریخ مهمی دراستقلال ایران است که بایستی بموجب مقررات پیمان سه گانه عملی شود وهراقدامی هم که مطابق یادداشت شمارهٔ (۱۱۱۹) در تخلیهٔ قبل از اینموقع شود امتنان بیشتری را برای ملت ایران در بر خواهد داشت

پومپئی را مختتم شمرده اعتبارات عائقه را تمدید مینماید

وزارت امور خارجه : انوشیروان سپهبدی

رونوشت تخلیه ایران مراسله جداگانه ای زیر سفارت کبرای امریکا فرستاده شده است .

تخلیهٔ ایران در نظر ایدن وزیر خارجه سابق انگلستان

رادیو لندن ـ مستر ایدن وزیر خارجه سابق انگلستان در نطق مفصلی که پس از سخنرانی «بوین» وزیر خارجه فعلی در مجلس عوام ایراد کرد راجع بایران اظهار داشته است :

این کشور در کمال وفا داری پیمانهائی را که با انگلستان و شوروی برای قادر ساختن این دو کشور از استفاده از خاك آن در مدت جنك بسته بود ، انجام داده است .

من خیال میکنم راست باشد اگر بگویم که قبول شده است که موضوع تخلیه ایران در انجمن وزرای خارجه که در ماه دیگر تشکیل میشود مورد مذاکره قرار خواهد گرفت .

اگر این موضوع در انجمن وزرای خارجه مورد مذاکره قرار گیرد خوبست زیرا جنك زاین بپایان رسیده و دیگر بهانه‌ای برای ماندن ما در این کشور وجود ندارد . بدون شك ما میل داریم هرچه زودتر از این کشور خارج شویم . فقط ما یك علاقه در ایران داریم و آن اینست که این کشور را خوشبخت ، متحد و نیرومند ببینیم چیزی که ما اصلا در این کشور نمی‌خواهیم ، باز گشتن بود مناطق نفوذ و مسائلی که ما را برای یك نسل در این کشور منفور ساخته است ، میباشد ـ من امید وارم که سیاست تخلیه ایران بوسیلهٔ متفقین عملی خواهد شد .

اعلامیه سفارت انگلیس در تهران

رهائی کلیه بازداشت شدگان

بدین وسیله اعلان میشود که نظر بپایان جنگ با ژاپن ایرانیانی که بتوسط مقامات متفقین بازداشت شده بودند آزاد گردیده اند .

بطوری که مردم استحضار دارند چندی قبل جزئیات توطئه‌ای که جاسوسان و چتر بازان آلمانی وعده ای از ایرانیان که‌فریب تبلیغات آلمان را خورده بودند بر علیه متفقین که ایران هم یکی از آنها بود ترتیب داده بودند منتشر شد .

برای آنکه دامنه این توطئه مسدود شود عده قابل ملاحظه‌ای از ایرانیان بدرخواست متفقین بوسیلهٔ دولت ایران بازداشت‌شدند. پاره ای از آنان که کمتر خطرناك بودند بتدریج آزاد شدندو پس از آنکه جنگ آلمان تمام شد عده کثیری آزاد گردیدند .

مردم ایران بخصوص پس از آنکه مقامات شوروی اظهار داشتند هیچگونه ایرادی نسبت بآزاد شدن بقیه آزاد شدگان ندارند انتظار داشتند که ایشان فوراً مرخص گردند ولی چون ایران و انگلستان هنوز با ژاپن درحال جنگ بودند بنابر این مقامات انگلیس چنین احساس کردند که لازم بوده میزانی از بازداشت شدگان که درتوطئه فوق الذکر و یا در جاسوسی با همکاری آلمان در ایران شرکت داشته و یا دشمنی جدی نسبت بمتفقین ابراز داشته بودند در بازداشت بمانند . خوشبختانه اینك یافتن چنین راهی این بازداشت شدگان را نیز امکان پذیر ساخت .

پیام رئیس جمهوری امریکا
بشاه و ملت ایران

آقای ترومن رئیس جمهور امریکا بوسیله آقای شایسته وزیر مختار سابق ایران در امریکا پیامی باعلیحضرت همایونی وملت ایران فرستاده ودر پیام مزبور اعلام داشته است که کشور ایران بزودی ازغرای متفقین تخلیه خواهد شد وزیر امور خارجه امریکا دستور دارد که در انجمن وزرای خارجه سه دولت در لندن برای تخلیه ایران جدیت کامل بنماید . بعلاوه رئیس جمهوری این نکته را تذکر دادند که در دنیای بعد از جنگ هیچ کشوری حق دخالت درامور داخلی ایران ندارد و دولت امریکا هم برای برانداختن نفوذ و دخالت خارجی از این کشور همه گونه پشتیبانی و مساعدت خواهد نمود »

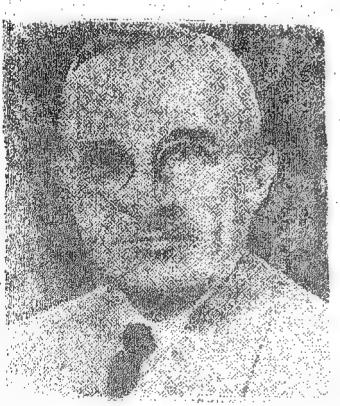

مستر ترومن

این خبری بوده که دوسه روز قبل جراید تهران دادند و چون از یك مقام رسمی بما داده نشده است اندازهٔ صحت و جزئیات مطالب آنرا بر ما معلوم نیست ولی چون چند روز از انتشار آن گذشته و نه دربار شاهنشاهی و نه سفارت امریکا و نه وزارت امور خارجه ما تکذیب

آنرا تکذیب نکرده اند ما آنرا صحیح میدانیم و از آقای رئیس جمهوری امریکا بسیار متشکریم که خدمات ذیقیمت و فداکاریهای مارا برای پیروزی متفقین فراموش نکرده و با اطمینان میدهد که این خدمات و فداکاریها را برای زوال استقلال خود نکرده ایم

یك چیزی که موجب تعجب من است و هرچه فکر میکنم چیزی از آن نمیفهمم مسئله تخلیه ایران از نیروی متفقین است که تا کنون بحرف و تعارف گذشته است .

متفقین با ما قرار دادی دارند که بعداز خاتمه جنك نیروی خود را از ایران ببرند . و اگرضرورت ایجاب کند مدتی شش ماه بعد از جنك حق دارند آنرا در ایران نگاهدارند . مگر حالا نظرشان عوض شده یا چیز تازه ای رخ داده است که دربردن نیروی خود تردید میکنند ؟

من تعجب میکنم که یك مسئله باین سادگی چرا موجب اینهمه گفتگو و هیاهو شده و عجب نیست که در نزاع های سیاسی داخلی ما از این مسئله بعنوان عنان شده و لیدر های اکثریت آنرا دستمایه زدن بر حق و دلیل حق بجانبی خود قرار میدهند ! و وقتی آدم میگوید چرامجلس خراب است ، یا چرا فلان و کیل برجسته اکثریت دزدی میکند ، یا چرا شما بحقوقتان و سهم عملی رانگاه دارید و ملت ایران را از حق حاکمیت خود محروم و باز چند نفر دزد شیاد را برایشان تحمیل کنید میگویند باید نیروی متفقین از ایران بیرون برود تا ما کاری باصلاحات بکنیم . که رحتم بلی بود در سیستان

درحین تالیف تالیفی ، با عوض کردن صندوق انتخابات فلان شهرستان ، با ساختن فلان وکیل اقلیت و با فلان خان و کدخدا و گرفتن خانه و املاك و جیره و خوار بار مردم بوجود و عدم

نیروی متفقین چه ربطی دارد و کیست آن بی شرفی که مخالف رفتن نیروی بیگانه از ایران است و نام خود را ایرانی مینهد ؟

جنگ تمام شده و نیروی بیگانه باید از ایران بیرون برود و بیرون هم خواهند رفت . هریك از متفقین ما در این قسمت تعلل ورزند مارا در صمیمیت وحسن نیت خود ظنین خواهند کرد و چون ما یقین داریم که هیچ یك از دو همسایه معظم ما هیچگونه نظر سوئی بخاك ما ندارند تردیدی نداریم که تعلل نخواهند ورزید و بزودی نیروی خود را از مملکت ما بیرون خواهند کشید و پیمانهای موجود و اقوال سران سه دولت در این خصوص برای ما سندی محکم و وثیقه‌ئی خلل ناپذیر است .

پیام رئیس معظم جمهوری امریکا یك سند محکم دیگری است که ما باستحضار بآن میتوانیم امیدوار باشیم که بعد از بیرون رفتن نیروی متفقین هم ضعف ما و قوت دیگران موجب نخواهد شد که کسی در امور ما دخالت کند .

ولی چیزی که قدری موجب فکر و تامل میشود اینست که چرا کسانی که سیاست یکطرفی ایشان از آفتاب روشن تر است و روزنامه های منسوب آقای سید ضیاء الدین که رنك بسیار سیری دارند بپیام آقای رئیس جمهور امریکا آب و تاب میدهند و خیلی بیش از اینهم یکی از ایشان چنین خبری از قول رئیس سابق جمهور امریکا جعل کرد .

بهمراز بهانك بین المللی گذشته که باز امریکا مخالف دخالت دیگران در امور ایران بود و سفارت امریکا در تهران بر ضد

قرار داد وثوق الدوله و استعمار ایران بیانیه منتشر ساخت کسی که حملات پیاپی بسفارت امریکا کرد و او را بباد ناسزا گرفت که چرا باین قرار داد یعنی استعمار میهن ما مخالفت میکنند جناب آقای سید ضیاء الدین و روزنامه رعد بود .

این بار چرا ایشان اظهار وجد و شعف میکنند که امریکا طرفدار عدم دخالت دیگران در امور ایران است و آن کسانی که حلقهٔ خارجی بگوش دارند نیز چرا ازاینخبر مسرور میشوند

آیا جنگ عالم سوز ریشه های خیانت را در سینهٔ بستگان سفارت های خارجی نیز سوزانیده و یا مقصود از عدم دخالت بنظر ایشان اینست که سیاست معهود در این خصوص تنها و بلا منازع بماند ؟

اگر کسانی که تا کنون زندگی و حیات خود را مقدر هوس سیاست خارجی بوده اند از گذشته پشیمان شده و بخواهند از امروز با هوش مادر خودشان ایران بزرگ شوند اسباب خوشوقتی ماست . زیرا ما بیکس خویشان که خود را مردم نالایقی میدانند و تصور میکنند جز با خیانت و جاسوسی بیگانگان نمیتوانند صاحب دستگاه و مقامی بشوند ایشانرا مردم لایقی میدانیم و تاسف ما فقط ازاین بابت است که چرا کم میروند . انقلب اینها مردم فعال و پشتکار دار میشند و اگر از راه راست بروند زودتر بمقصد میرسند و اگر خود بی نیازند خدمتی بمردم میکنند . بس آنروزی که این کسان از کارهای سابق خود تبرا و تعاطی کرده و بفکر خدمت بمیهن خود بیفتند روز خوشحالی ایران است .

ولی اگر هنوز سیاست بگ طرفی خود باقی هستند و از عدم دخالت بیگانگان در امور ایران این مفهوم را میگیرند که امریکا بجای دولت و یا بجای دولتی خود را حاضر کرده است که سیاست و نفوذ ایران را در ایران حفظ کند بخطا رفته اشتباه میکنند .

حوادث گذشته و عقل و منطق شهادت میدهند که امریکا چنین نظری ندارد و معنی هم ندارد که داشته باشد، مگر امریکا مرض دارد که فرزندان خود را بکشتن بدهد و برای دیگران مستعمرات درست کند؟

بر فرض محال که امریکا چنین نظری هم داشته باشد هر کس اندك غریزهٔ میهن پرستی دارد باید بداند که سیاست یکطرفی برای کشور ما بسیار خطرناك است و این همه آشوب و انقلاب که در نقاط مختلفه کشور برپاست غالباً زائیده سیاست یکطرفی است

« سرمقاله کیهان شماره ۷۵۶ مورخ هجدهم شهریور ۱۳۳۴ »

مارشال آنتونسکو نخست وزیر و فرمانده کل قوای سابق رومانی

اثر طبع : آقای ملک‌الشعرای بهار انعقاد قرارداد ۱۹۰۷ میلادی
انگلیس و روس در تقسیم ایران

پیام به سرادوارد گری

سوی لندن گذر ای پاک نسیم سحری
سخن از من برگو به «سرادوارد گری»(۱)
کای خردمند وزیری که نبوده جهان
چون تو دستور خردمند وزیر هنری
نقشهٔ (تبت) (۲) برفکن و نقش برآب
رأی «مک‌ماهون» (۳) بردان تو دانای مهری
زنوآون جهش بابلون نگذشتی گر بود
برفراز هرمان نام تو در جلوه گری
ماشتی بارپس از عهد تو در نگ نشدی
سوی آلزاس و لورن لشکر آلمان سفری
انگلیس از تو نخواست مر آمریک مدد
نه ز مکزیک بواشنگتن ره بربانگری
با دو آتشبار بوشه از تو بوشی هراه
بر دل سنگ شدی سخت ره خانه گری

(۱) سرادوارد گری وزیر خارجه دولت انگلیس در آنموقع که عقد قرارداد ۱۹۰۷ بوسیله او گردید.
(۲) یکی از کشورهای معروف و مصلح روسیه.
(۳) مک‌ماهون نامی آلمانی.

ور بمنچوری پلتیك تو بُد رهبر روس
نشد اززاین جیش «کروپاتکین»(۱) کمری
بود اگر فکر تو با عائله « منچو » یار
انقلابیون بر شاه نگشتند جری
ور بُدی رأی تو دایر بحیات ایران
اینهمه ناله نمیماند بدین بی اثری
مثل است اینکه چو برمرد شود تیره‌جهان
آنکند کش نه بکار آید ، از کارگری
تو بدین دانش افسوس که چون بیخردان
کردی آنکار که جز افسوس ازوی نبری
بر گشودی در صد ساله فرو بستهٔ هند
بر رخ روس و ترسیدی از دربدری
بچه گرگ در آغوش بپروردی و نیست
این مماشاة جز از بیخودی و بیخبری
بیخودانه بتمنای زبردست حریف
در نهادی سر تسلیم زهی خیره سری
تو خود از تبت و ایران و ز افغانستان
ساختی پیش ره خصم بنائی سه دری
از در موصل بگشودی ره تا زابل
وز در تبت تسلیم شدی تا به هری
زین‌سپس بهر نگهداری این هرسه طریق
نیم ملیارد قشون باید بحری و بری

---

(۱) سردار روسی که درجنك منچوری ازژاپن شکست‌خورد .

بیش از غایت هند اگس گردد صرف
عاقبت غایدتی نیست بجز خون جگری
انگلیس آن ضرری را که ازاین پیمان برد
تو ندانستی و دانند بدوی و حضری
نه همین زیر بی دوس شود ایران پست
بلکه افغانی ویرانه شود و کاشغری
رو همیگوئی روس از سر پیمان نرود
رو بتاریخ نگر تاکه عجایب نگری :
در پس نعم سیاسی نکند بیمانت کار
ایرنه من گویم کاین هست ذلیم بشری
خاصه چون روس که او شیفته پشه برهنه
همچو شاهین که بود شیفته بر کبک دری
بزنه روس ازپس پشت تو چرا ایران
رانند فراق و نهاد افسر بیدادگری ؟
در خراسان که همین رهبر هندست چرا
کرد این مایه فشون بی سخن راهبری ؟
تنه ها از چه پا کرد و چرا آخر کار
کرد تشویه پیکر بدین منظوری ؟
نیه روس ز پی بر کندن تا بیخ شجر
بیش از پیشتر ازانند چو نیکو نگری
نیه کز شرق ما بدین بود اشغال
نیه روس چرا بندد بدین بی ثمری
بس زشکر هند است و تواناتر هند
هند خواهند یکی نیز تسلط نظری

ویژه گر پای بیفشاری تا از خط روس
خط آهن بسوی هند کند رهسپری
به عدو خط ترن ره را نزدیك کند
تا تو دیگر نروی راه باین پر خطری
سدّ بس معتبری ایران بدُر در ره هند
وه که برداشته شد سد بدین معتبری
باد نفرین بلجاجت که لجاجت برداشت
پرده از کار و فرو بست رخ پرهنری
بلجاج و بغرض کردی کاری که بدو
طعنه راند عرب دشتی و ترك تتری
حیف از آن خاطر دانای تو و آنرأی رزین
که دراین مسئله زد بیهده خودرا بکری
زهی آن خاطر دانای رزین تو زهی
فری آن فکر توانای متین تو فری
نام نیکو به از این چیست که گویند بدهر
هند و ایران شده ویران زسرادوارد گری

نگارش : آقای مریخ

کنفرانس وزیران خارجه در لندن
مسائل مهمی که مطرح مذاکره قرار گرفته است

روز سه‌شنبه بیستم شهریور وزیران خارجهٔ پنج دولت بزرگ متفق (امریکا انگلیس شوروی فرانسه چین) در لندن نخستین جلسهٔ کنفرانس خود را تشکیل دادند مذاکرات این کنفرانس درباره مسائلی بوده که در انجمن پتسدام حل نشده و بررسی درمورد آنها بآینده موکول شده بود. فعلاً مهمترین مسائلی که بین وزرای امور خارجه مورد بحث قرار گرفته و درباره آنها تصمیم قطعی اتخاذ نشده و کنفرانس پس از چند هفته بدون اخذ نتیجه پایان یافت بشرح ذیل است:

۱ - موضوع بالکان

از روزی که [illegible] کشورهای بالکان هنوز انتخابات آزاد صورت نگرفته و دولت [illegible] باشد شوروی [illegible] امور [illegible] دست [illegible] دولت انگلستان قرار [illegible] آزاد [illegible] بماند ولی دولت [illegible] دست چپ و دسته [illegible] حالت تشنج [illegible] از نقطه‌نظر [illegible] مذاکره شود. هنگامیکه [illegible] حضور داشته [illegible] [illegible]

ارنست بوین وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس طی نطقی که سیاست خارجی دولت جدید انگلستان را تشریح نمود راجع بیونان چنین اظهار داشت « نظریهٔ امپراتوری انگلیس اینست که دولتی پایدار و آزادیخواه در آن کشور روی کار بیاید که بتواند انتخابات را در کمال آزادی صورت بدهد . » جای تأسف است که یونانیها همواره وقت گرانبهای خویش را با تغییر دولتها میگذرانند .

امریکا و انگلستان و فرانسه متعهد شده اند که در امر انتخابات آیندهٔ یونان نظارت کنند .

۳ - موضوع مهاجرت اقلیت‌های آلمانی از کشورهای چکسلواکی و لهستان

طبق خبرگزاری رویتر که چون دولت لهستان در نظر داشت پانزده میلیون آلمانی و دولت چکسلواکی نیز میخواست سه میلیون و نیم آنها را از کشور خود اخراج کنند تروومن ، اتلی ـ استالین از آنها خواهش کرده اند که جابجا کردن آلمانها را فعلاً موقوف نمایند ولی آلمانیها از دانزیك و سیلزی اخراج میشوند مخصوصاً وضع آنها در سیلزی سخت بوده و لهستانیها در نتیجهٔ فشار سخت آنها را وادار میکنند بیرون بروند و آلمانیها داوطلبانه سیلزی را ترك میگویند .

با حضور نخست وزیر و وزیر امور خارجهٔ چکسلواکی درباره قطعاً موضوع اخراج آلمانیهای مقیم آن کشور در کنفرانس وزرای خارجه مورد بحث قرار گرفته است .

۴ - مسئله نفتیه ایران از قوای متفقین

در پیامی که مستر ترومن رئیس جمهور امریکا بوسیله آقای علیمنه وزیر مختار ایران در واشنگتن بشاه و ملت ایران فرستاده رسماً اظهار گردیده که وزیر خارجه امریکا دستور داده که در

انجمن وزیران خارجه در لندن برای تخلیهٔ ایران با فشاری کند.

روزنامهٔ اکونومیست چاپ لندن نیز طرح مسئله تخلیه ایران از نیروی متفقین را در کنفرانس وزیران خارجه تأیید نموده است بنا بر این امید کامل میرود که ایران بزودی از قوای دول متفق تخلیه گشته و بحرانی که از مدتی قبل در ایران پیش آمده پایان یابد.

۴ـ بغاز ها و گشتیرانی آزاد در مدیترانه

در یادداشتی که چندی پیش دولت شوروی بدولت ترکیه داده خودرا درامر بازرسی بغازها ذیحق دانسته ومانند سابردولتهای بزرگ استفادهٔ گشتیرانی در دریای مدیترانه را خواستار است.

از دیگر سو صدر اعظم وزیر خارجهٔ انگلیس حوزه دریای مدیترانه را برای امپراتوری انگلیس دارای اهمیت فراوان میداند و گفته است که دولت بریتانیا باین نواحی علاقمند میباشد و مذاکرات این مسئله نیز بعهدهٔ وزیران امور خارجه واگذار است.

۵ـ تعیین تکلیف مستعمرات ایتالیا

این مسئله مهم نیز از وظایف انجمن صلح است ولی از آنجائیکه در کنفرانس پوتسدام دربارهٔ کلیات تصمیم گرفته شده اقدامات جزئی که مورد بررسی قرار گیرد.

کنفرانس وزیران امور خارجه که برای دنبالهٔ کنفرانس پوتسدام میباشد نیز باید درمورد مستعمرات ایتالیا تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

۶ـ حکومت مسافرتی

موافق که پارلمنت انگلیس در تاریخ ۱۵ بهمن ماه بتعطیلی اردیبهشت سرخ دیدار حکومت را در دست دارد مورد قبول مقامات

انگلیسی و امریکائی واقع شده و دو دولت اخیرالذکر آنرا برسمیت شناختند .

وزیران امور خارجه در مجمع خود در لندن طریقه‌ای برای ادارهٔ امور اتریش پیشنهاد نموده و مورد تصویب سه دولت بزرگ قرار گرفته و سیاست آنها در اتریش روشن گردیده .

۷ ـ فلستین و اختلاف عربها و یهودیها

سالهاست که در بارهٔ حکومت فلستین میان عربها و یهودیها اختلاف نظرهائی وجود دارد که هرچندی بزد و خورد وخونریزی میکشد و این مسئله از جنبهٔ داخلی گذشته و جنبهٔ بین المللی پیدا کرده است .

پنج دولت بزرگ برای پایان دادن باین بحران و شورش درآینده برآنشده‌اند که راه حلی برای سازش عربها و یهودیها پیدا بکنند .

۸ ـ دعاوی مرزی فرانسه و بلژیك و هلند

از آنجائیکه دولتهای فرانسه وبلژیك وهلند در بارهٔ مرزهای خود با آلمان ادعائی دارند و ادارهٔ امور آلمان اینك بدست چهار دولت بزرگ متفقین امریکا و انگلیس و شوروی و فرانسه میباشد لذا صلاحیت رسیدگی باین دعاوی نیز با آنهاست که بایستی در کنفرانس وزیران خارجه آنها بررسی شود .

۹ ـ اقتصادیات اروپا بویژه خواربار زمستان

کشورهائی که از زیر تصرف واشغال آلمان بیرون آمده از لحاظ خواربار و بطورکلی مواد خوراکی مانند نفت و زغال در تنگنایند و از آنجا که دولتهای متفق در زمستان گذشته از تحمیل و بسوختن از کشور فرانسه که بتازگی از دست آلمان رها شده بود آزمایشهای تلخی دادند لذا از هم اکنون در صدد تأمین خواربار و بویژه سوخت کشورهای اروپا بوده و در نظر دارند که برای این منظور بزرگ با یکدیگر همکاری نمایند .

ترجمهٔ : آقای علاءالدین بازارگادی

مجازات جنایتکاران جنگ
در دادسراهای مخصوص

سه نوع دادسرا برای محاکمه و تعیین مجازات جنایتکاران نازی و فاشیست از طرف متفقین تعیین شده است :

۱ـ **دادسرای بین‌المللی**ـ محاکمهٔ جنایتکاران بزرگ و اعضاء گارد مخصوص نازی و فاشیست که مرتکب جنایات بزرگ شده‌اند اگر پیشنهاد دول متفق مورد موافقت انگلستان و روسیه و فرانسه واقع شود در یک دادسرای بین‌المللی صورت خواهد گرفت .

۲ـ **دادسراهای ملی**ـ این دادسراها مأمور محاکمهٔ اشخاصی خواهند بود که نسبت به اهالی یک مملکت مرتکب خیانت و جرم شده‌اند .

۳ـ **دادسراهای نظامی** ـ در مناطق متصرفی انگلیس و امریکا در آلمان دادسراهای نظامی برای شروع محاکمات جنایتکاران تشکیل شده است. این محاکمات مربوط به جنایاتی مانند آدم‌کشی یا رفتار بد و گرسنگی دادن اسرای انگلیسی و امریکائی میباشد. این محاکمات بوسیلهٔ قشون انگلیس و امریکا شروع کرده‌اند .

نقشهٔ دولت امریکا که بوسیلهٔ مجلس دادستان دیوان عالی تهیه شده اینست تمام رهبران و مشاورانی که بوسیله آن اعضاء گشتاپو و سازمانهای جاسوسی و نظامی دیگر ممکن است از تنبیه و مجازات فرار کنند بسته و معلوم شود طرق این پیشوایان جنون

ممکن است ثبوت جرم در باره افراد میسر نباشد بایستی اینگونه اشخاص را بعنوان شرکت در جرم و همدستی در توطئه محاکمه نمود . قرار است نمایندگان چهار دولت بزودی برای مطالعهٔ این پیشنهاد جلسه ای تشکیل دهند انگلیسها بقدری مطمئن از قبول این نقشه هستند که بسرعت مشغول جمع آوری اطلاعات واسناد ومدارك لازم بر ضد این سازمانها میباشند .

فعلا صورت بیش از ٤ هزار نفر که اکثر آنها آلمانی هستند بوسیله کمیتهٔ جنایتکاران جنك تهیه شده ولی البته عدهٔ مقصرین خیلی بیش از اینها است .

باین ترتیب محاکمه اشخاصی که جزء جنایتکاران بزرك نیستند و جرم آنها مربوط به محل معینی نیست بوسیله دادسرای نظامی بین المللی عملی خواهد شد واین دادسرا درتاریخچه تکامل وسازمانهای دادگستری تازگی دارد .

انگلیسها در وهلهٔ اول نسبت به قبول آن مشکوك بودند زیرا تصور میکردند وقتی دادن دستگاه دادگستری چهار مملکت مختلف اشکالات زیادی در بر دارد فرانسوی ها از اول موافق با این نقشه بودند و فقط میترسیدند که اسم فرانسه از صورت دول بزرك خارج شود دربارهٔ نظر رسمی روسیه هنوز اطلاعات موثقی در دست نیست دولت روسیه از شرکت در کمیسیون جنایتکاران جنك که در لندن تشکیل شد خود داری نمود و طبق اظهاراتی که رادیو مسکو و روزنامه رسمی ایزوستیا بر ضد سیاست ترومن آمیز سایر متفقین نسبت به جنایتکاران جنك نموده اند ظاهر اتغییری در رویهٔ روسها پیدا نخواهد شد ولی روبه اطمینان بخش انگلیسها در این خصوص و عقیدهٔ آنها در بارهٔ کنفرانس چهار دولت نشان میدهد که احتمال توافق با روسها وجود دارد .

نقشهٔ امریکائیها روی این اصل تنظیم شده که حد وسطی بین دستگاه دادگستری روسها و انگلیسها ایجاد شود.

جزئیات آن البته باید با نظر دولت روسیه حل وتعیین گردد پیشنهاد شده است که نمایندگان نظامی وکشور چهار دولت با یك نفر نمایندهٔ دول متفق دیگر هیئت قضاوت دادسرا را تشکیل دهند که ریاست آنها به نوبه بیکی از نمایندگان چهار دولت محول‌شود هر فرد متهم حق خواهد داشت برای خود وکیل مدافع انتخاب کند و خودش آزادانه از خود دفاع نماید.

دادسراهای ملی که مأمور محاکمهٔ عدهٔ زیادی از جنایتکاران جنك خواهد بود درهر مملکت صورت معینی خواهد داشت وبیشتر شبیه به دادسراهای نظامی خواهند بود که کمیته جنایتکاران جنك حق حاکمیتی نسبت بآن ندارد. ولی بی‌نفوذ هم نیست زیرا ارتشهای انگلیس و امریکا اینگونه جنایتکاران را تسلیم دادسراهای ملی خواهند کرد مگر اینکه جرم آنها طبق صورتی که بوسیلهٔ کمیسیون ملل متفق جنایتکاران جنك تهیه شده تقریباً بثبوت رسیده باشد.

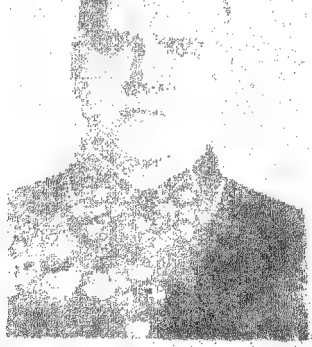

مارشال ژوکوف سردار نامی روس

نگارش : آقای سپنتا مدیر روزنامه سپنتا

جناب آقای اتلی

توده ضعیف وفقیر ورنجبر ایرانی که اکثریت غالب وبلکه تمصد ونود و نه نفر از هر یك هزار نفر ایرانی را تشکیل میدهد موفقیت حزب کارگر انگلستان‌را در انتخابات اخیر آن کشور از صمیم قلب شاد باش میگویند و اگر بدین مژده جان نفشاند حقا رواست ، چرا که میداند افراد برجسته این حزب در عین حالیکه آتش حب وطن کانون دل آنها را گرم میدارد و بسعادت و عظمت کشور انگلستان منتهای عشق وعلاقه را دارند ولی شالوده و بنیان کاخ رفیع دیرین پرستی خودرا هرگز بر روی انقلال وبنیان خراب استقلال ملتهای دیگر ملتهائی که سوابق درخشان تاریخی دارند ،

میجر اتلی نخست وزیر انگلیس

از راه خرابی و ذلت و فقر و محنت دیگران خواهان نمیباشند.

ملت ایران میداند که سران محترم حزب کارگر انگلیس به اصلی که شاعر بزرگ ایرانی برای سعادت و آسایش نوع بشر قائل گردیده و میفرماید: «بنی آدم اعضای یکدیگرند * که در آفرینش زیک گوهرند * چو عضوی بدرد آورد روزگار * دگر عضو ها را نماند قرار» معتقد بوده و بدون شك همانطور که میل دارند طبقات پائین ملت انگلیس در حال نعمت و رفاه و آسایش باشند، خواهان آسایش و رفاه ملتهای دیگر نیز بوده و آنچه را که بر خود و تودهٔ زنجیر ملت خود روا میدارند بر توده های زحمتکش ملتهای دیگر نیز روا خواهند داشت.

جناب آقای اتلی: ملت انگلیس را میتوان مادر تمدن دنیا گفت و همانطور که یك روز ملت ایران مشعلدار تمدن دنیای قدیم بود و درقرون اخیر هم این ملت با عظمت را میتوان مشعلدار تمدن کنونی دنیا نامید و اگر از حق و انصاف نگذریم ملت انگلستان از لحاظ خدماتی که از راه نشر تعلیم مبادی حکومت مشروطه یعنی اصول آزادی و برابری وعدالت و بسط دایرهٔ علوم و فرهنك جدید درین افراد ملل دیگر کرده حق دارد که خودرا مفتخر بلقب وعنوان «مادر تمدن نوین دنیا» وانگلستان را «مهد این تمدن بداند ولی تنها عیبی که تاکنون در کار سیاست مداری این ملت بوده همین بوده است که کلیهٔ افکار و حواس سیاستمدارانش در تمامی اعصار و قرون اخیر متوجه یك مبدء و مقصد بوده و آن حداکثر استفاده ازملتهای دیگر دنیا بنفع ملت انگلیس و مخصوصاً طبقه حاکمهٔ آن ملت بوده است.

نتیجهٔ این طرز فکر و نتیج عمل سیاستمداران آن کشور بزرك همین بود که ملتهای بزرك دیگر از کاروان تمدن دنیای جدید

عقب مانده و این عقب افتادگی بیشتر مسبب سوء استفاده ملتهای غالب گردیده، کار ضعف و توانائی ملل عقب مانده را بجائی رسانده که یکعده از آنها بدون چون و چرا طوق عبودیت ملت انگلیس و برخی از ملل دیگر اروپائی را بر گردن گرفته وعدهٔ دیگر در سکرات مرگ و محو و اضمحلال افتاده و افراد آنها درلجه‌های فقر و نکبت وجهل ونادانی همواره غوطه‌ور باشند واگرهم روزی عدهٔ معدودی از آن افراد بر اثر عوامل ازقبیل مسافرت بسرزمین اروپا و فرا گرفتن علوم جدید وآشنائی باصول تمدن نوین سر از خواب غفلت برداشته و خواستند به نشر همان مبادی که باعث ترقی دنیای جدید گردیده در ممالك خود بپردازند سیاست استعمار طلبی همسایگان آنها اجازهٔ چنین قیام و نهضتی را به آنها نداده و در نتیجه ملتهای مزبور ، مخصوصاً ما ملت های مشرق زمینی همواره در درکات پستی و ذلت ؛ نادانی باقی مانده و بلکه روز بروز بیشتر مراحل قوس نزولی این درکات را طی نمائیم .

جناب آقای اتلی ! چنانچه ظواهر امر و وعده و بشارتهای شما در طی بیانات اولیهٔ شما نشان میدهد شما سعی خواهید کرد که در درجه اول طبقات رنجبر و کارگر انگلیس از نعمت سعادت زندگی بهره‌مند گردیده و در درجه دوم صلح و سعادت پایداری بر جان بشریت فرمانروا باشد .

شما وعده میدهید که صنایع انگلیس مخصوصاً صنایع سنگین را ملی و اصول مالکیت را یا اصلاح یا ملغی کرده و بالاخره یك حکومت سوسیالیستی با تمام معنی در سر زمین کشور انگلیس برقرار فرمائید .

ما ازاینکه تودهٔ کارگر و طبقات زحمتکش انگلستان باین

سعادت عظیم نائل میگردند روی اصل محبت و صمیمیتی که نسبت به این ملت نجیب و اصیل و با تربیت و خدمتگزار بجامعهٔ علم و ادب دنیا داریم بی نهایت شاد ومشعوف ومسرور هستیم ، ولی از شما که قائد این نهضت نوین واین قیام مقدس هستید انتظار داریم که این سعادت وخوشی و لذت و نعمت و استفاده را تنها منحصر به ملت اصیل انگلیس نفرمائید ، سعی کنید همانطور که اساس مرام سوسیالیستی است ملتهای ضعیف دیگر نیز که اکثریت غالب افراد آنها در آتش فقر و مسکنت و بدبختی و مخصوصاً در میان شعلهٔ ظلم وستم بیدادگران آزمند میسوزند و بالغ برنود مه قرن است فریاد ناله و استغاثه آنها در فضای آسمان جهان انسانیت طنین انداز است واحدی بنالهٔ مظلومانه آنها گوش نمیدهد ازهمان نعمتی که امروز بافراد توده یائین ملت انگلیس برخوردار میشود اینها نیز بر خوردار گردیده و خلاصه آنکه آنچه را امروز برای آسایش و رفاه ملت خودتان میخواهید برای ملت های دیگر نیز بخواهید ، اگر شما مصدر چنین خدمتی بجهان انسانیت گردیدید آقای اتلی - ما بشما قول میدهیم که گذشته از آنکه ریشهٔ فقر و رنج و محنت و بدبختی را از سفحه زمین بر خواهید کند و تمام افراد بشری را بسر منزل سعادت و رفاه واصل خواهید ساخت بلکه بزرگترین نام تاریخی را برای خود درصفحات تاریخ عمومی دنیا باقی گذارده در شمار یکی از بزرگترین مصلحین عالم بشری بشمار خواهید رفت .

ولی جناب آقای اتلی : متوجه باشید که برخلاف زمامداران گذشته ملت خودتان میان ملت ایران را که دوران آقا و فرمانروای دنیای مستر خود بوده و امروز بر اثر سوء سیاست و خیانت کاری زمامداران خودش وعدم صحت زمامداران گذشته

کشور شما باین روز سیاه سفالت و بیچارگی افتاده از نظر لطف و عدالت پروری خود فراموش نفرموده و مخصوصاً به یکا یك افرادهیئت سیاسی دولت خودتان که مأموریت اداره امور سیاست انگلستان را در ایران دارند توصیه فرمائید که بر عکس گذشته که همواره بوسیلهٔ تیشهٔ بیداد اشراف و سرمایه داران ایرانی ریشه سعادت ورفاه افراد طبقات زحمتکش دوم و سوم ایرانی را ازبیخ و بن بر میکندند و در زمرهٔ نوکران و خدمتگزاران صدیق و صمیمی دولت انگلستان بشمار میرفتند ، از این پس با افراد طبقات دوم وسوم مزبور دست محبت و برادری و یگانگی داده آنها را درراه احقاق حقوق ازدست رفته و بالاخص در راه تعدیل اصول زندگی و تأمین عدالت اجتماعی خودشان یاری نموده و بدست امثال و ثوق الدوله ها و سید ضیاء الدین های خائن وطن فروش کاخ استقلال کشور وآسایش ملت ایران را سست و متزلزل ومشرف بانهدام ننمایند .

اگر شما این کار را کردید بشما قول میدهیم مجسمه مهر و محبت شما را ما بر روی شالوده قلب پاك و بیکینه خودمان قرار دهیم .

روزنامه اصفهان

سرگذشت مهم یک جاسوس انگلیس

دلیل ترس محور از حملهٔ بانگلیس چه بود؟
سبب نجات انگلستان و پیروزی متفقین

وقایع و سرگذشتهای جاسوسی لازم نیست حاوی ماجراهای عاشقانه باشد تا شیرین و عجیب باشد بلکه اهمیت آن در تأثیر آنست. باید دید کدام جاسوسی مؤثرتر بود و نتایج بزرگتر بخشیده است شرحیکه اینک از نظر خوانندگان میگذرد از آنگونه وقایع است که موجب نجات یک کشور و احراز پیروزی گردید و یک جهت اهمیت و عجیب بودن آن این است که در اینجا یک جاسوس زبردست مجبور گردیده بحمایت یک دولت بیطرف وارد انگلستان شده است در دست متفقین خورده و چنان گیج شده که گزارش او انگلستان را نجات داده و پوست از سر محور کنده است.

شرح ذیل که جریان این جاسوسی عجیب است قلم یک مأمور نظامی انگلیسی نوشته شده و اخیراً در مطبوعات انگلستان انتشار یافته است:

***

در اکتبر ۱۹۴۰ دولت ژنرال فرانکو پیشوای اسپانیا از دولت انگلستان تقاضا کرد که اجازه دهد یکنفر مأمور بریتانیا برود و وضع بیمارستان انگلستان را در زمان جنگ مورد مطالعه قرار دهد.

بزودی معلوم شد که این شخص یکنفر فالانژیست اسپانیائی و مربوط با حزب فاشیست ایتالیا است و در نهضت جوانان اسپانیائی شرکت و تأثیری داشته است.

وزارت امورخارجهٔ انگلستان این تقاضا را پذیرفت و اجازه داد که وی وارد جزیرهٔ بریتانیا شود ولی دولت انگلستان این شخص را خوب میشناخت و یقین میدانست که پشت پرده این مأموریت ساده و مشروع مأموریتهای دیگری دارد و مسلماً هرچیز در انگلستان ببیند بدون شبهه از آن نسخه ها یکی را به برچسکادن و دیگری را برم برای هیتلر و موسلینی خواهد فرستاد .

بنابر این دستور های لازم داده شد و ما مأمور پذیرائی و راهنمائی او گردیدیم .

ما جاسوس بودیم و او هم جاسوس بود بدین جهت از او خوشمان میآمد و مجال بزرگی بدست آورده بودیم که بریش یك جاسوس خارجی بخندیم . من و چند تن دیگر از همکارانم بلباس پیش آهنگی ملبس شده بودیم . از او استقبال کردیم او را بیك مهمانخانه عالی بردیم و اطاق مناسبی برای او تهیه کردیم یعنی تهیه کرده بودیم در آن اطاق چند میکرفون برای انتقال کوچکترین صداها و سیم کشی های بسیار ولی کاملا پنهان و پوشیده از نظر تهیه شده و این عمل آنقدر خوب اجرا شده بود که میتوان گفت تابدان موقع بیسابقه بود .

وقتیکه وارد شدیم لیکور زیادی باو خوراندیم که خوب گیجش کرد ، وسایل تفریحش را فراهم آوردیم و چند زن رند طناز را بر او گماردیم تا کاملا مشغول و سرگرمش کنند .

مهمانخانه ای برای او انتخاب کرده بودیم که نزدیك یك پناهگاه ضد حملات هوائی بود ، در لندن در آن موقع ما تقریبا وسائل دفاع ضدحملات هوائی هیچ نداشتیم فقط در تمام این ناحیهٔ وسیع سه آشیانه آتشبارهای سنگین وجود داشت . یکی از این آتشبارها را بسر و صدا به « گرین پارك » (باغ سبز) که رو بروی آن

مهمانخانه پرداانتقال دادند وبه متصدی آن دستور داده شدکه همین که بمباران ازطرف دشمن ولوتوسط یك هواپیما شروع شد وحتی اگر هواپیمائی در تیررس نبود درمدتی مدید با نهایت شدت و بلا انقطاع شلیك کند .

چون در آن موقع شبی نبود که لااقل یکدفعه هواپیماهای دشمن درحدودلندن دیده نشوند و بدینجهت توپهای آشیانه روبروی مهمانخانه همه شب با غرش گوش خراشی که زمین را بلرزه درمیآورد ومهمانخانه را تکان میداد صدا میکرد وبیچاره جاسوس که بیشتر اوقات خود را در پناهگاه بسر میبرد با مشاهدهٔ این احوال وشنیدن این صداهای عجیب تصور میکرد که همه جای لندن همین طور است وهمه نقاطش باهمین شدت درمقابل حملات هوائی دفاع میکنند غافل از این که هرچه بود همین بود و درنقاط دیگر نه توپی بود و نه وسیلهٔ دفاعی .

چون این صدا ها را شنید یکدفعه دلش خواست آشیانه توپها دیدن کند تا اجازهٔ صادر شود بسرعت برق وهنگامیکه آقای جاسوس درپناهگاه با ترسوعی شوخی عده زیادی توپهای دوسه نقطه دیگررا بآنجا آوردند وچون توپچی ضد هوائی هم نداشتیم عده زیادی از پیشخدمتان را لباس توپچی گری پوشانیدیم و درآنجا بکار گماشتیم آنها و این آشیانه را دیدند و باکمال غرور باو گفتیم درهر گوشه وهر گوچه پس گوچه لندن چنین ساطی هست .

بعداورابخانه ویسکی بردیم تاورآنجا اردوهای پیشاهنگانرا تماشا کند .

ولی کارها هم بر وفق مرام درست شده بود ، در تمام انگلستان درآن موقع فقط یك اشکر ناقص وجود داشت کهبرای کشور در حکم هیچ و برای یك ناحیه و یك شهر خیلی کوچك

خیلی زیاد بود . این لشکر را در ویندسور تمرکز دادند وهرچه تانك و ارابه جنگی هم داشتیم درآنجا جمع آمده بود — مردم گمان میبردند این امراتفاقی است ولی برعکس طبق پیش‌بینیهای قبلی وباحساب صحیح فراهم شده‌بود .

تمام افراد نگهبانان و افسران آن لشکر بسیار نیرومند و درشت هیکل و تندرست بودند و ازاین حیث هرنقص که داشت با کمك گرفتن ازمردم غیر عادی برطرف‌شده بود .

رفیق جاسوسمان با حیرت و اعجاب باین دسته ها نگریست و ما با منتهای بی اعتنائی و متانت باو گفتیم این فقط یکدسته کوچك است که فعلاً در دفاع از کشور احتیاجی بآن نیست و اینك بعنوان‌دسته نظامی مخصوص تشریفات دربارشاهنشاهی دراینجا متمرکزشده است پیدا بودکه بیچاره متحیر شده است ولی بروی خود نمیآورد وپیوسته‌آب دهانشرا فرو میبرد .

این نقش هم خوب گرفت و این بینوای زرنك گمان برد که واقعاً انگلستان ده‌ها لشکر عظیم داردکه میتواند از لشکری قوی ومجهزوازاینهمهٔ تانك وتوپ وغیره چشم بپوشد ! درصورتیکه درهرکشور هیچ چیزجزهمان مختصرنداشتیم .

جاسوس فالانزیست طبق اصول‌جاسوسی که ما خوب ازبر بودیم سعی میکرد خود تقاضائی نکند تا مورد سوء ظن ما نشود ومنتظر میماندکه چیزی را از دهان خودمان بگیرد ومورد تقاضاقراردهد .

ما هم درس خود را خوب بلد بودیم از اینگونه حرف ها زیاد دردهان او میگذاشتیم . مثلا یك موقع مناسب طوری حرف زدیم که او رغبت خود را بتماشای بندرگاه های جنگی انگلستان اظهار داشت .

این موضوع پیش بینی شده وکلیه ناوگان بریتانیا در یك بندر که در سر راه ما بود جمع شده بود ولی ما باو گفتیم گرچه

بهتر است بیندرهای خیلی بزرك برویم ولی چون شاید وقت نشود فعلا به بندر کوچکی که در این نزدیکی هست میرویم .

وقتی که وارد بیندرگاه شد و آن همه کشتی های عظیم را دید با نهایت سادگی گفتیم :

واقعاً انگلستان خیلی کشتی دارد ! ولی هرچه داریم فعلاً درجنگند ودر دریا ها پراکنده اند واین عده که زیاد مورداحتیاج نیستند در بنادر جمع آمده اند و حفاظت میکنند . حقیقتاً چشمان او از دیدن اینهمه کشتی های بزرك و کوچك خیره شد و مثل این بود که نمیتواند باور کند که آنها را بچشم خود در بیداری میبیند ودراین محل هم عده زیادی پیشاهنك باو نشان دادیم .

بطورکلی اینجا و آنجا بقدری پیشاهنك دیده بود که دیگر از دیدن آنها کسل میشد ، ما نیز مثل او احساس کسالت میکردیم ولی هیچیك چاره نداشتیم وناچار بایستی تحمل کنیم زیرا او جاسوس بود و بهانه دیدن پیشاهنگان آمده بود تا همه چیز دیگر را ببیند وما نیز جاسوس بودیم و بایستی پیشاهنگان را ده برابر آنچه هست و چیزهای دیگر را صد هزار برابر آنچه هست بوی جلوه دهیم .

مهیبترین ومرموزانه ترین مناظر که برای او ترتیب دادیم پانزده روز پس از بازدید بندرگاه و در موقعی بود که باتفاق او بوسیلهٔ هواپیما بطرف اسکاتلند حرکت کردیم در آنموقع هواپیماهای انگلیس بسیار کم بود بطوری که روبهمرفته در تمام مملکت بیش از چند هوریکان وعده نا قابلی اسپیت فایر نداشتیم ولی با وجود این در طول راه تقریباً در تمام لحظات از میان دسته های هواپیماهای اسپیت فایر عبور میکردیم و مثل این بود که تمام آسمان را این هواپیماها فرا گرفته وسیاه کرده اند بیچاره جاسوس مسخره میچگونه نمیتوانست حدس بزند که همه این دسته هواپیما ها بیش از یکدسته

نیست منتهی همان یکدسته دمبدم از مقابل ما میگذرند میان ابر ها میروند و دوباره برمیگردند و از جلو ما عبور میکنند .

بدبخت مثل گیجها شده بود ، چشمانش داشت از قرط حیرت بیرون میآمد ومسلماً هرتصوری که قبلا راجع بهواپیمائی انگلستان میکرد صد درجه بزرگتر بیشترش را بچشم میدید .

دراسکاتلند ما مانور دیگری باو دادیم و او را از تماشای یك لشکر قوی ومجهز به تانك ها وارابه های جنگی بسیارمتحیر ساختیم و بینوا نمیدانست که این چیز ها که می بیند عیناً همانهائی است که قبلا در ویندزسور دیده بود و حتی من نگران شدم که مبادا فوق العاده باهوش باشد وبیاد آورد که این سربازان وافسران را قبلا دیده است ولی خوشبختانه هیچ متوجه نشد .

باو گفتم این لشکر که می بینید کامل نیست وهنوز تعلیمات وتجهیزاتش تکمیل نشده است تا به لشکر های آماده جنك پیوندند بعلاوه باین واحد ها احتیاجی نیست .

باز هم دراینجا عده بسیار زیادی پیشاهنك از همانها که مکرر دیده بود باو نمایش دادیم و حوصله اش را سر آوردیم .

هنگام مراجعت ازراه هوا باز هم ازمیان چندین هزار «اسپیت فایر» گذشتیم و این دفعه اسپیت فایر های انگشت شمار ما چنان خوب نقش خود را بازی کردند که امر برخود من هم نزدیك بود مشتبه شود .

چندی دیگر دربریتانیا بود وهرروز با نهایت مهارت چیزهائی از این قبیل بوی نشان دادیم وقتی که رفت یك چند هویا بودیم تا بدانیم چه گزارشی داده است . هاقبت درقسمتی از گزارش‌ها نوشته بود هر یك از دشمنان ما که میخواهد هولناك وحشت آورباشد ضمن این گزارش نوشته بود : تمام انگلستان مبدل به یك اردوگاه فوق العاده مسلح شده است و نیز نوشته بود :

تمام شایعاتی که حکایت از ضعف انگلستان کند دروغی است و از طرف خود انگلیسها منتشر میشود تا آلمانها را گول بزنند و آلمان را بیك حملهٔ شوم که موجب فنای خود او خواهد شد وادار کنند !

این گزارش ها مشهودات مأموری بود که طرف اطمینان کامل محور بوده و بوی خیلی اهمیت میدادند و گزارش اوراصد در صد باور میکردند .

حالا فکر میکنم که بعدها کار این بدبخت بکجا رسید شاید چون فهمیدند که دروغ نوشته سر به نیستش کرده اند و یا او را بانصف حقوق خود منقاعد کرده و بگوشه‌ئی روانه‌اش کرده‌اند . بهرجهة من از ریخت او و از صاف صادقی عجیبی که بوی تحمیل کرده بودیم خوشم میآمد و بدم نمیآید که باز هم زیارتش کنم . چیزی که یقین دارم اینست که هنوز هرجا که هست هرشب پیشانگی را که در انگلستان دیده بود در خواب می‌بیند !

نوید صلح

ای حامیان جنگ ببینید بار ها
کاینک نوید صلح رسید از دیار ها
خاموش گشت آتش سوزندهٔ که بود
بر جان اهل عالم بیمار و بار ها
افسرده گشت دوزخ ظلمی که شعله اش
بر خانمان آدمیان زد شرار ها
شرمنده بادو خوار که از بهر سود خویش
در شاهراه صلح جهان ریخت خار ها
نابود باد و پست که بهر نژاد خویش
در خاك و خون کشید نژاد و تبار ها
ویرانه کرد یکسره آن قصرها که بود
از تیشه های صنع بهین شاهکار ها
گر حکم عقل بود زهی نارسای عقل
ور کار عشق بود زهی نابکار ها
سقراط کو که بیند شاخ درخت علم
در بیست قرن واند چه آورده بار ها
تیسی مسیح خیزد و نفرین کند همی
بر مار های امت و بد تر زمار ها
فکر بلند دکتر و استاد و فیلسوف
کوته نکرد شهوت سرمایه دار ها
وز صد هزار اسلحه و کشتی و جنائیق
یکدم نشد فسرده فروزان شرار ها

وز صد هزار دیرو کلیسا و صومعه
یك جا نماند بر حذر از انفجار ها
دژخیم جنك زیر پی خویشتن سپرد
آن شهر های دلکش وآن کشتزارها
بگذر بشهر های ازو پای دلفریب
تا بنگری که جنك چه آورده بارها
برلن عروس ژرمن در توده‌های خاك
بنشسته زار ونالان چون سوگوارها
نقش ونگار اوهمه شسته زاشك‌وخون
وزخون و اشك بروی‌نقش و نگارها
بر جای کاخها و درختان دلپسند
عودالصلیب هاست زده بر مزارها
اکنون اگر بعهد تمدن کنی نگاه
بیزار گردی از مدنیت شمار ها
از خون نوجوانان تا قرنها همی
پیوسته لاله روید در نوبهار ها
وآن‌لاله ها بناله و نفرین کند همی
بر جانیان جنك و خیانت شعار ها
نزدیك بود ظالم شود چیره بر جهان
و آزادی از زمانه بگیرد کنار ها
تا شهریار صلح دگر باره بر سریر
بنشست وکار ها همه شد بر قرار ها
ای رهبران صلح بدانید جاودان
تا هست آسمان و زمین و مدار ها
نفرین من فساد برانید از جهان
تا نام نیك ماند تان یادگار ها

نطق مهم ترومان و سیاست امریکا

نطق مهمی که رئیس جمهوری ترومان اخیراً بمناسبت جشن نیروی دریائی امریکا ایراد نمود شاید از لحاظ سیاست ملی و بین‌المللی امریکا بزرگترین نطقی باشد که تاکنون جانشین روزولت ایراد کرده است زیرا دراین نطق ترومان با روش رئالیسم خاصی ازروی نهایت وضوح سیاست امریکارا روشن نموده وشرایط همکاری دولت امریکا را با سایر ملتها تشریح نمود رئیس جمهوری ترومان مخصوصاً دراین نطق برای بمب اتومیك اهمیت بسیاری قائل گردید و پس از آن که تأیید نمود که هرچه زودتر تبادل نظر بادولت انگلیس وکانادا راجع بموضوع بمب اتومیك شروع خواهد شد تأیید کرد که کشف این بمب ایجاب نموده است که دولت امریکا در تعیین روش سیاسی خود نسبت بدنیا تسریع نماید . اصول یازده گانهٔ سیاست امریکا که هر یك بتنهائی در خود تفسیر و حلاجی است و از طرف رئیس جمهوری ترومان بدنیا اعلام گردید بقرار زیر میباشد :

۱ ـ دولت امریکا از راه خود خواهی وخود پرستی کمترین نظری بتوسعهٔ ارضی ندارد و از صمیم قلب مایل است که با تمام کشور های صلح خواه همکاری کند و جداً از جنك با دولت‌های صلح طلب احتراز جوید .

۲ ـ دولت امریکا میل دارد تمام ملت های جهان را که استقلال آنها در اثر زور و فشار از میان رفته است در بازگرفتن آزادی کمك مؤثر نماید .

۳ ـ دولت امریکا با هیچگونه تغییراتی دراوضاع کشور ها

و رژیم آنها که مخالف با میل ملت باشد موافق نخواهد بود .

٤ ـ دولت امریکا میل دارد با سایر متفقین خود دراستقرار دولت های صلح جو و آزادی خواه در کشور های مغلوب همکاری نماید .

٥ ـ امریکا از استقرار دولت های پوشالی در کشور های مختلف جلوگیری خواهد کرد .

٦ ـ بنظر امریکا تمام ملت ها باید دراستفادهٔ از مجاری آب و نهر های طبیعی خود آزاد باشند .

٧ ـ تمام ملت های عضو جامعه ملل باید به مواد اولیه دنیا دسترسی داشته باشند و از منابع سرشار جهان استفاده کنند .

٨ ـ کشور های نیمکرهٔ ماقبل باید در نهایت دوستی ووداد بسر برده و از مداخله بیگانگان در موارد خود جلوگیری کنند .

٩ ـ تمام کشور های جهان باید برای بهبود اوضاع اقتصادی دنیا با هم همکاری کامل نمایند .

١٠ ـ آزادی فکر و عقیده باید در تمام کشور های جهان برقرار گردد .

١١ ـ برای حفظ صلح در دنیا باید یک اتحادیه ملل نیرومندی تشکیل یابد که در مورد لزوم برای حفظ صلح از توسل بزور خود داری نکنند .

این بود اصول مهم سیاست کنونی امریکا که رئیس جمهوری ترومان در نطق مهم خود بدانها اشاره کرده ودر پایان اظهارات خود چنین گفت که البته کسی انکار ندارد که ما میتوانیم همین فردا این سیاست را عملی کنیم ولی سیاست ما همین است و برای اجرای آن از هیچ گونه فداکاری خود داری نخواهیم کرد .

بطوری که از این اصول برمیآید دولت امریکا در حقیقت سیاستی برای خود انتخاب نموده است که صد درصد با اصول منشور ملت های متفق وسازمان جامعه ملل آینده تطبیق میکند وبدینطریق برای نخستین بار در تاریخ ملت امریکا این صلح و همکاری بین‌المللی در تمام دولتها بالاتر گرفته و سایر کشور های جهان را باقتداء از ارزش خود دعوت کرده است .

جای هیچگونه شبهه نیست که هرگاه همین اصول یازده گانهٔ سیاست امریکا از طرف آن دولت بانهایت صمیمت اجراء گردد وسایر ملتهای جهان نیز این اصول را شعار سیاسی خود سازند بشر دیگر روی جنك نخواهد دید و جهان تبدیل بخلد برین خواهدشد زیرا امریکا پیشنهاد میکند که هیچ دولتی بدولت دیگر زور نگوید و تمام ملتها از منابع دنیا حق استفاده داشته باشند و آزادی فکر و عقیده که گرامی ترین دارائی انسان است درهمه جا برقرار شود و برای بهبود اوضاع جهان همکاری مؤثری در تمام افراد جامعه برقرار گردد .

در این موقع که ابر های تیره آسمان سیاست دنیا را فرا گرفته و مشکلات سیاسی بیشماری در دنیا عرض اندام نموده است نطق ترومان همچون موسیقی دلنوازی است که آدمی‌را دقیقهٔ چند از دنیای آشفته کنونی دور نموده و بیك جهان شیرین و پرسعادتی که تنها آرزوی انسانیت است رهبری میکند و ما امیدواریم که نه تنها سیاست امریکا بطوریکه ترومان تشریح نمود صد در صد عملی گردد بلکه کلیه ملت های دیگر نیز از ملت جوانمرد امریکا اقتدا جویند زیرا سعادت دنیا بدینطریق تأمین خواهدشد .

پایان جنگ

شکر مر دادار داور را که پایان یافت جنگ
بار دیگر صلح سامان داد سامان فرنگ
انگلیس و روس و امریکا چو کردند اتفاق
عرصهٔ پیکار شد بر دشمن خونخوار تنگ
این سه ملت آنچنان با یکدگر یکدل شدند
تا سر پر باد دشمن عاقبت آمد بسنگ
فرد فرد این سه ملت از پی جنگاوری
در زمین چون شیر و در دریا همانند نهنگ
از برای حفظ آزادی سپر کردند تن
نی ز برق تیغ بیمی نی ز باران خشت و سنگ
ملک دشمن را تبه کردند از تأثیر بمب
روی دشمن را سیه کردند از دود تفنگ
دشمن خونخوار ویرانی طلب خفاش وار
شد زبون آخر بچنگ شاهباز تیز چنگ
گرچه دشمن همچو روباه دغل محتال بود
لیک از شیر ژیان سیلی خورد روباه لنگ
گیان را گرچه میدرد به آسانی شغال
لیک آسان خوار گردد زیر چنگال پلنگ
آفرین بر روح آزادی که ملتهای دوست
از برای حفظ آن رفتند زیر بار ننگ
دشمنان عدل و آزادی زبون گشتند و خوار
جام غفرتان استیلا طلب شد پر شرنگ

آنکه میپنداشت خود از دیگران بالاتر است
منت ایزد را که شد آخر دچار عار و ننك
ملت ایران در این پیروزی و فتح بزرگ
جامه پوشد گونه‌گون و باده نوشد رنك رنك
شادی این فتح و پیروزی زند جام مدام
تا که بزداید ز لوح قلب پر امید زنك
چونکه خود در راه پیروزی کشیده رنجها
نك سزاوار است جام شکر نوشد بیدرنك
زادگای کورش و دارا سر افرازند از آنك
کرده‌اند از جان ودل خدمت برای ختم جنك
پشت ایشان خم شد و ابروی ایشان خم نشد
تا که پشت صلح را سازند همدستان خدنك
شکر ایزد را که پایان یافت این جنك وجدال
حق و آزادی مسلط گشت بر زور پشنك
دست نیرومند آزادی برون شد ز آستین
بر دهان زور گویان و بدان زد پا لهنك
من نه‌تنها شادمانم این نه‌تنها بزم هیش
از دماغه ماژلان جشن است تا باب برنك
درهمه روی زمین نك جشن آزادی بپاست
ساغران پر می بدست دلبران شوخ و شنك
تا جهان باقی است باقی باد آزادی و عدل
شاد و خرم باد جان مردم با فرّ و هنك
ملت ایران و امریکا و روس و انگلیس
باد باقی تا که دلخواه است بانك نای و چنك
حال مینوشم باقبال سران چهار ملك
جام خود را گان پرّ است از بادهٔ بیجاده‌رنك

پیام به اتلی

مامکرر گفته ایم که ملت ایران برخلاف آنچه طبقه دزد و مرتجع وانمود میکنند نسبت بملت انگلیس احساسات دوستانه دارد ملت ایران آرزو میکند که مأمورین انگلیس درایران دست از پشت این طبقهٔ غارتگر بردارند و بخود ملت نزدیك شوند. ما وانگلیس همسایه ایم؛ مملکت ما دالان مستعمرات اوست، صلاح او در این است که کسانیکه در این دالان زندگی میکنند باوی دوست باشند، صلاح ساکنین این دالان نیز در دوستی با اوست ولی این طبقهٔ ناپاك نالایقی که بواسطه تجرد از تمام صفات انسانیت و حاضر شدن بهمه گونه تدنی و انحطاط برمردم مسلط شده اند پیوسته اولیای امور انگلیس را درشرق ازملت ایران ظنین میکنند و بایشان چنان مینمایند که تنها ما حافظ منافع شما هستیم و اگر روزی ما از میان برویم و ملت ایران صاحب اختیار امور خویش شود با شما خصومت خواهد کرد و این سوء تفاهمی که بدست آنها بین ملت ایران و گله و شکایت ملت ایران ازانگلیس شده است روزی که کارگران انگلیس اکثریت پارلمانی را بردند و اتلی دولت کارگری تشکیل داد ایرانیها امیدوار شدند که آن سوء تفاهمی که بین ایشان و دولتهای اشرافی انگلیس موجود بود مرتفع گردد.

آقای صدارت متخلص به «نسیم» شاعر شهیر جوان شیرین قریحه و توانا که بتازگی از شیراز وارد شده اند چکامه ئی بنام «پیام به اتلی» ساخته که اینك آن ایرانیها را دراین خصوص بخوبی مجسم میکند، ما امیدواریم کارمندان روابط فرهنگی ایران وانگلیس

این قصیدهٔ شیوارا که تراویدهٔ یك قریحه پاك وفیاض و بی آلایش است ترجمه کرده وبعرض نخست وزیر شهیرانگلیس برسانند تاایشان ازاحساسات ملت ایران نسبت بخود ومرام وروش خود آگاه گردند :

***

اتلی ای رهبر بیدار و وزیر هنری
وی چومردان شرف‌اندوخته ازکارگری
انگلستان که جهانی را خود راهبراست
جوید از رای رزین تو کنون راهبری
چشم گیتی نگران تو و کابینه تست
از ثریا همه نام تو بود تا به ثری
سخنی چند از این شرقی گمنام شنو
ای که بگذشته ز خورشید تورا ناموری
بر حریفان قوی پنجه چو پیروز شدی
به که شکرانه آن سوی ضعیفان نگری
مردم شرق سراسر نگرانند که تو
ره اسلاف روی یا ره دیگر سپری ؟
رای کین داری یا بر سر مهری و وداد
سامی زوری یا دشمن بیداد گری ؟
همچواسلاف باشراف نظر داری وبس ؟
یا بمردم گروی از ره نیکو سیری ؟
بشنو این نکته زمن گرچه پدیدار بود
سر هر نکته بر چون تو وزیر هنری :
شرقیان را همه زنهار بیك چشم مبین
بمثل تازی یکسان نبود با تتری
وگر این کشور آزاد منش را با هند
بینی از دور بیك چشم زهی بی بصری !

نسبت اینان با کشور گلها بمثل
از درمنجش چون نسبت دیو است و پری
وی که کانون وطنخواهی و آزادگی است
نیست چون قاهره و دهلی و بغداد هری
زین کهن کشور روزی هنر آموخته اند
همه کشورها ، از خاوری و باختری
هیچ دانی که جهان از پس چهل سال هنوز
میزند خنده بر آمال سرادوار دگری !
آن وزیری که زبیمانی آزادی سوز
در همه شرق بود شهره بکوته نظری !
هم زآنهم که خطا کرد وثوق الدوله
راند اورا وطن ازخویش و کشید در بدری

***

اندرین ملک گروهی چو ددان بی وجدان
داده از دست طمع را همه خوی بشری
نشکیبان بد نام که تا دامن حشر
نرهند دامن آلودهٔ ایشان ز تری
مردم از آنان بیزار بدانسان که زمار
یا بدانگونه که از باز شهان کبك دری
گونبود حیله گری این دل میهن
حیله سنج بر این ملك نمیگشت جری
ور نیاندیش این جمع به اندیش نبود
لشکر ایران تا گاه نبوده کمری !
بی گمان بود ز گمراهی این راهبران
جیش امریك اگر گشت باران سفری
آری ازشومی این بدمنشان است که هست
قسمت ملت ایران همه خونین جگری !
اگر آندست که میدانی در کار نبود
هرگز این قوم نبودند بدین خیره سری !

تا نپنداری دل سوی تو دارند همی
بندهٔ سیم زرند ایشان از بد گهری!
تا نیالاید بد نامیشان نام تو را
جهد کن تا بخطا عشوه آنان نخری
تا نگردیم بری از تو چنان کز دگران
هله زین قوم سیه کار بری باش بری
گردهد دست بدست آردل از توده خلق
کز دغل بازی این طایفه سودی نبری
راست‌خواهی‌نتوان خواستن از کژدم نوش
یا طمع داشتن از حنظل طعم شکری
آنکه برجای گل و لاله نشاند خس وخار
ناورد بار سرانجامش گلبرگ تری
آن نهالی که دهی آبش از اشك کسان
اندرین باغ بدلخواه نگردد ثمری
فتنه در پرده مکن چون دگران تا نکند
خشم این ملت آشفته درون پرده دری
ره این ملك بهندوی سیه چرده مده
تا نخندند بما سرخ لبان خوری
بگناهی که شد این کشور همسایه هند
چند باید که شود عرصهٔ بیدادگری ؟!
با همه ناله کزین ملك برآید شب و روز
نسزد از تو که خود را زده باشی بکری
نیك دانی که بدو نیك جهان در گذر است
دولت و جاه وجلال است سراسر سپری
نه چنانکن که پس از رفتنت از پی باشد
یك جهان اشك شبانگاهی و آه سحری
آنچنان باش که جاوید جهانی گوید:
فری آن دانا دستور خردمند فری
«نقل از روزنامه کیهان»

نگارش: آقای رهروی

ایران وصلح جهانی

شرط زندگی در دنیای امروز چیست؟

جنگ جهانسوز که نخستین شرارهٔ آن از دالان دانتزیك زبانه کشید ویس‌ازشعله ورساختن کشورهای جهان ملتهارا برای یك تحول تاریخی بزرگ مهیانمود برای مانیز واقعهٔ سوم شهریور ۱۳۲۰ را بارمغان آورد ولی ازآنجائیکه هر شکست معمولا مقدمهٔ اصلاح وجبران خطایا ورفع معایب است شکست ارتش ایران باهمهٔ زیانها ورسوائیهائی که برای ما بارآورد این نتیجه راهم داشت که زنجیر گران دیکتاتوری ازگردن ملت برداشته شد وعناصر حساس مستقل آنرا یافتند که پرچم آزادیخواهی برافراشته و برای اصلاح کشور گامهای بلندی بردارند. وقتی طلسمهای بیست ساله شکسته شد وآزاد مردان ازسیاه چالها رهائی یافتند وفرشته آزادی برسراسر رنج دیدگان وآرزومندان سرفرازی ایران بال وپر گشودمردم چشم خود را باز کرده دریی یافتن علت این درماندگی برآمدند و بیك روز گاه دانستند که اجتماع ایرانی ازحقوق خودبرخوردار شودامیدوارشدند.

اما افسوس که باز گروهی جنایتکار وخائن که دست پروردهٔ دیکتاتوری بودند وملت دراثر سستی وزبونی وعدم رشد فکری خود نتوانست آنها را قلع وقمع نماید باهزاران قلاشی ودغلبازی ونیرنگ ودسیسه وتکیه بمقامات بیگانه موقعیت خودرا دردستگاه حکومت ونقاط حساس سازمانهای اجتماعی تحکیم نموده وبادردست گرفتن زمام امور ایران ستمدیده را از هرگونه جنبش وترقی باز داشتند و بنام دموکراسی به ننگین ترین عملیاتیکه حتی در دورهٔ دیکتاتوری هم برای آنها مقدور نبود دست زدند.

از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون کابینه های متعدد روی کار آمده وهرکدام مواد اصلاحی دربرنامهٔ خودگنجانیده‌اند وآنرا دستاویز زمامداری خود ساخته‌اند ولی نه تنها کوچکترین گامی برای رفع مضائق و دشواریهای زندگی تودهٔ رنجدیده و فقیر و پریشان برنداشته بلکه بدردهای بزرگ دیگری نیز مجال نشو ونما دراین جامعه داده‌اند ودر نتیجه هرج مرج، ارتجاع، ملوك الطوایفی در این کشور حکمفرما گردیده است.

عامل اصلی این فجایع همانا وجود خائنین دورهٔ دیکتاتوری است که پس از سقوط حکومت بیست ساله باز بر دوش ملت تحمیل شدند.

این جنایتکاران در این چندسال تحت عنوان زمان جنك تا توانستند بتضعیف بنیهٔ اقتصادی وایجاد مضیقه و بدبختی برای ملت کوشیدند واگر مردم از این همه تحمیلات مینالیدند مصائب آنهارا مولود وعارضه‌جنك قلمداد میکردند درصورتیکه گرانی هزینه‌زندگی وقواصل عمیق طبقاتی که در ایران وجود داشته ودارد درهیچیك از کشور هائی که حتی صدمهٔ پیکار نیز بوده‌اند نظیر نداشته است این بدبختی که‌مادر دورهٔ جنك داشته‌ایم وهنوزهم باوجود استقرار صلح گریبان مارا رها نکرده است عامل اصلی دیگری دارد که همانا فساد هیئت حاکمهٔ ایران میباشد ودر اثر همین فساد دستگاه حکومتی است که ما اکنون نمیتوانیم مزه صلح را بچشیم.

الان فرشته صلح بر فراز جهان بال وپر خودرا گسترده دنیا با گامهای بلند بجلو وبسوی آینده پیش میرود. آثار شوم و وحشتزای گذشته را پشت سر گذاشته درجاده تحول قطعی قدم بر میدارد وتوده‌های جهان آینده بهتری رابرای خود پی‌ریزی میکنند ولی ملت ایران باستثنای یکعده قلیل عناصر روشین و با حرارت

دست روی دست گذاشته و انتظار دارد که بااین وضع شرب‌الیهود، هرج مرج باعامل مترقی و پیش تاز دنیای نو دریك راه گام بردارد یا با این عناصر فاسد ومرتجع که در رأس تشکیلات کشور مانند زالو چسبیده‌اند میخواهد از نتایج صلح جهانی برخوردار گردد.

حقیقت این است که اگر ملت ایران بااین رژیم وشرایط اجتماعی و سیاسی کنونی خود چشم امیدی باستفادهٔ از مزایای صلح داشته باشد اشتباه کرده است. زیرا بملت خواب آلود وغفلت‌زده‌ای که تکلیف خودرا نمیداند کسی اعتنائی نمیکند و ملت ایران وقتی میتواند ثابت کند که بیدار و هوشیار است و حق حیات دارد که دست بیك جنبش بزرگ دامنه دار زده در اولین قدم حکومتی لایق و صالح و واجد شرایط بقاء در دنیای کنونی روی کار آورد وچون این جنبش باید با اصلاح مجلس آغاز گردد از اینرو مردم باید برای مبارزه با کسانی که میخواهند در انتخابات آینده حق ما کبیت توده های نشسیده را غصب کنند مهیا سازد آن روز که در اثر این جنبش ملی دستگاه فعالهٔ کشور تصفیه شود و ارتجاع بزانو در آید آنگاه ما میتوانیم بآینده خود در دنیای صلح امیدوار شده ومطمئن باشیم که دنیا مارا ملتی رشید ولایق همسری وبرابری با ملل زنده و بیدار خواهد دانست.

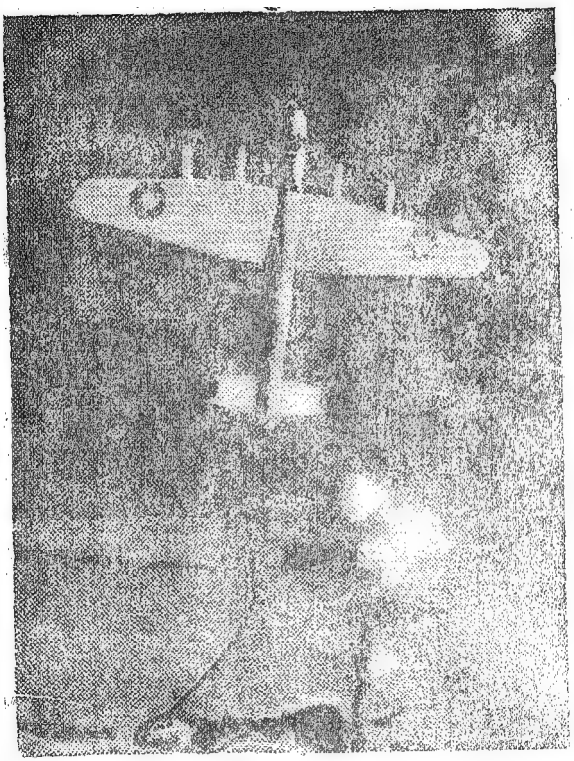

یکی از بمب افکنهای بزرگ متفقین

نگارش : آقای ا . ایوانف ترجمهٔ : آقای ضیاءالدین نجفی

نقل از مجلهٔ عصر جدید

مشاهدات ما از آلمان ویرانه

پس از یکماه اقامت و سیر و گشت در برلن جز نخستین اثر عمیقی که از مشاهدهٔ ویرانه های آنشهر در قلب من پدید آمد خاطرهٔ دیگر ندارم . همینکه در فرود گاه از هواپیما پیاده شدیم باتومبیل نشسته بسوی مرکز برلن درجادهٔ سنگلاخ و ناهمواری رهسپار شدیم ، خوب بیاد دارم که جادهٔ وسیع پیش از جنگ خیابان اسفالتهٔ مشجر و باصفائی بود که دوطرف آن عمارات چند طبقه و ساختمانهای زیبا و با شکوهی وجود داشت و اکنون خرابه های آنها برجای بود ، باد شدیدی با صدای هولناک میوزید و خاک و گچی که تنها باقیماندهٔ بناهای عظیم شهر است با خود بلند کرده بر سروصورت عابرین میریخت گوئی طبیعت نیز با ساکنان برلن نظر خوبی نداشت آسمان برلن را ابری از گرد و خاک پوشانیده و عبور و مرور بسیار دشوار بود . بالاخره بزحمت زیاد خود را بمرکز شهر رساندیم زیرا خیال میکردیم در آنجا کم و بیش عمارتی یافت میشود که بطور استثناء از آسیب بمب مصون مانده باشد ، متاسفانه بایستی اعتراف کنیم که این تصور خطا بود چه مرکز شهر نیز دست کمی از سایر نقاط نداشته و چیز ویرانه چیز دیگری در آنجا دیده نمیشد .

پس از آنکه ویرانه هائی را که از پایتخت آلمان بجای مانده بود ترك کردیم از رود الب گذشته بمناطق تحت اشغال نیروهای انگلیسی و امریکائی وارد شدیم و در ناحیهٔ صنعتی روهر بتماشا پرداختیم :

سرچشمه قدرت آلمان در روز است

علت اصلی ترقی صنایع آلمان وجود کانهای متعدد زغال‌سنگ و آهن این کشور است ، مهمترین کانهای زغال در ناحیهٔ روز میباشد که درباختر آلمان نزدیك رود « راین » واقعشده ومرکز آن‌شهر صنعتی اسن میباشد . درفاصلهٔ بین دوجنك بین‌المللی آلمان بعلت استخراج کانهای زغال وآهن بدستیاری کار شناسان ودانشمندان خود درفلز کاری برکلیه کشورهای اروپا برتری یافت کارخانه‌های فلزکاری بیشتر مراکز استخراج زغال و بزرگترین کارخانه های ذوب آهن و تهیه فولاد در ناحیهٔ روز برپا شده بود چنانکه طول ناحیهٔ صنعتی روز به ۵۰ کیلو متر میرسد .

در زمان جنك بار ها شنیده بودیم که نیروی هوائی متفقین ناحیه صنعتی روررا بمباران کرده‌است . چندی پیش وزارت اطلاعات انگلیس عده ای از روزنامه نگاران انگلیسی وامریکائی را دعوت نمود تا باهواپیما برفراز آلمان پرواز کرده شهرها ومراکز صنعتی این کشور راکه از بمبهای متفقین آسیب دیده ازنزدیك تماشانمایند . درضمن این گردش مهمترین بقایای کارخانه های آلمان کروپ وتیسن درمنطقهٔ روز جلب نظر آنهارا نمود واین منظره مخبرین جرائدرا برآن داشت که پس از بازگشت از این سیروسیاحت بقلم فرسائی در باره لطمات و ضربات عظیمی که بر پیکر صنایع آلمان وارد آمده بپردازند .

رنانو وستقالی محل کارخانه‌های ذوب آهن امپریالیسم آلمان بود و بیش از این جنك مهمترین ناحیه صنعتی جهان بشمار میآمد چنانکه مقدار استخراج زغال سنك دراین ناحیه معادل کلیه محصول بزرگترین کانهای زغال کشور های متحد امریکا بود .

در رنانو وستقالی سنگهای آهن دار درنود کوزهٔ مرتفع‌ذوب

میشد و قسمت عمدهٔ آهن، چدن، فولاد صنایع آلمان در اینجا تهیه میگردید چنان که میزان محصولات این بنگاه بزرگ صنعتی درسال ۱۹۳۸ بسیزده میلیون تن چدن یعنی ۸۳ ٪ محصول کل کشور آلمان ودر ۱۹۳۹ بشانزده میلیون ودویست هزار تن فولاد و ۱۴۰۰۰۰۰ تن آهن بالغ گردید.

درسمین ناحیه رنانو وستفالی بود که مؤسسات شیمیائی تروست آلمان بنام «ای. گ. فارین ایندوستری» از کارخانه‌های سودسازی رنك سازی، کائوچوی مصنوعی، آمونیاك و مواد دیگر شیمیائی تأسیس شده بود کارخانه‌های اسلحه سازی و صنایع ماشین آلات نیز در این قسمت قرار داشت. وفور معادن زغال وآهن و فلزات دیگر ورود باعث شد که این منطقه راکانون مرکزی صنایع آلمان نماید. روز درموقع جنك حساسترین نقاط آلمان بود وبهمین جهت متجاوز ازیکصد بارهدف حملات هوائی قرار گرفت ومردمه هزار هواپیمای بمب افکن انگلیسی و امریکائی برآن بمب ریختند و با ویران کردن واز کار انداختن کارخانه‌های آن توانستند نیروی آلمان را ضعیف نموده اورا وادار بتسلیم نمایند.

ناحیهٔ روردیر. (زیمیلاگ)

خطوط راه آهن بکلی ویران شده بود. یك جاده بتونی بین برلن وروردیر از شش بمباران نسبتاً محفوظ مانده بود تنها وسیله ارتباط بایخت ومرکز صنعتی سابق آلمان راتشکیل میداد. هنگام عبور ازاین جاده هزاران واگن نابود شده و دستهائی ازمردم اتباع مهاجر شوروی بودیم که بازگشت از جنگال نازیها نجات یافته و بطرف میهن خود رهسپار بودند قیافه‌های لاغر و ضعیفشان حکایت میکرد که درمدت اسارت واقامت درآلمان رنج و محنت فراوان کشیده

ولی اکنون شاد ومسرور بودند که دورهٔ بردگی آنها بپایان رسیده وبآزادی بسوی خانه و کشور خود میروند.

رنانو وستفالی درسالهای اخیر محل اردوگاههای متعددی از اسیرانی بود که آلمانها از ممالک مفتوحه در آغاز جنگ برای بردگی وخدمت سرمایه داران آلمانی بغنیمت آورده ودر کارخانه‌های کروپ ۸۰٪ عمله های کارخانه های « شرکت هرمان گورینگ از اسرای جنگی بودند که از بامداد تاشام بازاء لقمه نانی که بآنها داده میشد کار کرده ووز بررز ضعیف تر و لاغر تر میشدند چه بسا بیچارگانی که ازفرط خستگی وکم غذائی درگوشهٔ اردوگاهها جان سپردند.

روحیهٔ ساکنین رور

شهر صنعتی رور نیز دارای همان منظرهٔ غم‌انگیز بران بود از خانه ها جز ویرانه‌ای باقی نبود و مردم در زیرزمینهای خرابه ودخمه مانندی سکنی داشتند کارگران آلمانی که درویرانه هابتونه میکردند افرادی فرسوده وفرتوت بنظرمیرسیدند پیشوران همینکه سربازان دول متفق رامیدیدند تعظیم نموده وسلام میکردند وخودرا بسیار خاشع وخاضع نشان میدادند اما در میان هابرین جوانان آلمانی بالباس سیویل که سرو وضعشان از سرباز بودن آنان حکایت میکرد مشاهده میشدند که بانظری پرکین وخشمگین بفاتحین کشور خود مینگریستند واز انهدام دستگاه نازی چنان مغلوب وهیجانی بودند که حتی قدرت تظاهر هم از ایشان سلب گشته بود صفوف اسیران آلمانی که بتازگی از طرف نیروهای انگلیسی وامریکائی آزاد شده و اجازه بازگشت بخانه‌های خود را یافته بودند جمعیت وازدحامی در خیابانها فراهم آورده بود.

هنگام عبور از کوچه ها گاهی جوانان قوی و تنومند نظر مارا بخود جلب میکردند. اینان سربازان وافراد ارتش سابق آلمان بودند که لباس غیر نظامی برتن داشتند. هنوز درمجامع عمومی تابلو که برآنها عبارت «تنها برای آلمانها» نوشته شده بود وجود داشت مهمانخانه‌های متعددی درنقاط مختلفه ناحیه روربرپا بود ولی جمعیت فوق العاده ای در آنها ازدحام میکردند کیفیت غذا و نظافت نیز بهیچوجه رضایت بخش نبود.

خانه‌ها واماکن بیش‌از کارخانه‌ها دراثر بمباران ویران شده بود بیش ازجنك ناحیه روز در یك رشته متوالی کارخانه ها، قصبات و شهرهای کوچك که بتوسط تراموای بهم ارتباط داشت تشکیل میبافت که اکنون بیشتر آن شهرها وقصبات باخاك یکسان گردیده است برآورد دقیق ومحاسبهٔ صحیح میزان خسارت وارده برابنیه وعمارات امری دشوار میباشد ولی باکمال اطمینان ازدیدن خرابیها میتوان گفت که ۷۰٪ مساکن وخانه های ناحیه روز بکلی منهدم گشته واز حیز انتفاع وسکونت ساقط شده است بیشك هدف اصلی متفقین از از بمباران روز اضمحلال کارخانه ها بوده لیکن اکنون مشاهده میشود که خسارات وارده برمساکن و منازل فوق العاده بیشتر است بطوریکه زیان کارخانه از بمباران ۱۰٪ تجاوز نمیکند ستونها و ساختمان محکم کارخانه ها دربرابر ضربات بمب بخوبی مقاومت کرده وخرابی در کارخانه‌ها بیشتر منحصر بقسمتهای فوقانی عمارات میباشد. مثلا همینکه از کارخانه ها روز کار نمیکنند، عمله های بیشماری بمنظور برداری وپاك کردن محوطه کارخانه‌ها ومنازل کارگران مشغولند جمعیت شهرها وقصبات روز بروز زیاد واز آنجا که وضع حکومت آلمان درویرانه‌ها خوب نیست اخیراً عزم راه صحرا و ییلاق را پیش گرفته وزندگی برروی چمن وزیرسایهٔ درختان را برسکونت درزیر زمینها ترجیح داده‌اند.

وضع خواربار در رور

از آنجاکه رور ناحیه ای کاملا صنعتی است وسعت اراضی زراعتی آن خیلی کم میباشد و اهالی از حیث خواربار ومیوه و سبزی فوق‌العاده در مضیقه اند چنانچه جیره نان برای هر یکنفر سه لیور درهفته است .

روزهای یکشنبه خیابانی که ازرور به‌ییلاق میرود منظره‌ای تماشائی دارد مردان و زنان دوچرخه سوار از هرسن و هرصنفی با کوله پشتی بدهات میروند تا در آنجا اشیاء و اسبابهای خود را با ماکولات تعویض نمایند جمعیت دوچرخه سواران باندازه ایست که راه عبور ومرور را سد میکنند وشخص تازه وارد تصورمینماید که از کلیهٔ مردم دوچرخه سوار ناحیه رور رژه ای ترتیب یافته است . این نکته را باید در نظر داشت که در حال حاضر وسیله نقلیه ای که اکثر مردم آلمان در اختیار دارند دوچرخه میباشد .

در این ایام تنها راه گذران و امرار معاش کارگران و صنعتگران ناحیه رور مبادله اشیاء و اثاثیه منزل و ابزار کارباموادغذائی است . مغازه‌های شهر تعطیل است و دهات فلاعتی‌که تقریباً از آسیب جنگ مصون مانده منبع منحصر بفردآذوقه اهالی شهرهارا تشکیل میدهد و باین ترتیب فرصت خوبی بدست صاحبان املاک افتاده است و اینان بازار سیاهی ایجاد کرده مواد غذائی‌را بقیمت گزاف بمردم میفروشند .

تاسف از گذشته و نگرانی نسبت بآینده

اهالی رور خواه جوان خواه پیر از بچه‌های ولگرد گرفته تا مهندسین ومدیران فنی کارخانه ها همه افسرده و ملولند وآثار خجالت وشرمساری از چهرهٔ ایشان ساطع است چه شکست وتسلیم

بلاشرط آلمان برای ایشان واقعه‌ای کاملا غیر منتظره بود . آلمانیها بیشوا و ارتش خود اطمینان کامل داشتند هیتلر در پایان نطقی که روز اول سپتامبر ۱۹۳۹ درمجلس رایشتاك ایراد کرد گفته بود :

« من آن لباس مقدسی را که هنگام جنك بین‌المللی بعنوان سرباز داوطلب درتن داشتم دوباره پوشیده ام و این لباس را پس از پیروزی از تن بیرون میآورم . دنیا باید یك چیز را بطور واضح بداند و آن این است که کلمهٔ « تسلیم » هرگز درقرهنك من معنی نداشته است » اکنون موضوع مهمی که فکر و خیال صاحبان صنایع آلمان را بخود مشغول داشته چگونگی بکار افتادن واداره کارخانه ها درآینده میباشد . از مصاحبه هائی که با کارمندان هیئتهای مدیرهٔ کارخانها ی مختلف بعمل آوردیم این نکته بر ما معلوم گشت که تقریبا همه آنها معتقدند که در آتیهٔ نزدیکی آلمان دوباره عظمت صنعتی خود را بدست خواهد آورد . عجب اینجاست که ایشان در برابر جنایاتی که دولت آلمان با بر افروختن آتش خانمانسوز جنك مرتکب شد بهیچوجه خود را مسئول و شریك نمیدانند یکنفر مهندس عالیمقام آلمانی که مدیر یکی از کارخانهای بزرك فلز کاری رور بود با اظهار داشت : « سپاس خدایرا که جنك پایان یافت ما در این جنك متحمل خسارات مالی هنگفت و تلفات جانی زیاد شدیم ، چه بسا که بر مؤسسات صنعتی ما اتفکده شد ، چه شهرهای زیبا و کارخانهای عظیمی که با خاك یکسان گردید ، میدانیم بشما مژده بدهیم که لااقل تا مدت پانزده سال جنگی بوقوع نخواهد پیوست زیرا ما قادر نخواهیم بود در مدتی کوتاهتر از این خود را برای جنك دیگر حاضر و آماده کنیم »

یك مصاحبهٔ بسیار مهم

سران ارتش آلمان
در این مصاحبه تاریخی و مهم عقاید فرماندهان آلمان درخصوص علل شکست آنکشور معلوم میشود

ژنرالها و افسران ارشد متفقین اخیراً مصاحبه های مهم و بزرگی با سران ارتش آلمان و ژنرالها و مارشالهائی که از «ورماخت» دستگیر گردیده اند نموده و از آنها علل شکست نقشه های آلمان و پیروزی متفقین را جویا شده‌اند .

این مصاحبه ها درعین حال که خیلی از اسرارورموزجنك‌را فاش میکند درس تجربه بزرگی برای ژنرالهای متفقین نیز بشمار میرود و از لحاظ روشن شدن تاریخ جنك کنونی نیز اهمیت بزرگی دارد .

ژنرالها و مارشالهای آلمان اغلب باین مصاحبه ها اظهار تمایل کرده و باسئلهای ژنرالهای متفقین را با خوش روئی داده و بدین ترتیب علل شکست آلمان را روشن کرده و اشتباهاتیرا که فرماندهی عالی آلمان در طی مراحل مختلف جنك نموده کاملا متذکر گردیده اند .

نخستین بار افسران ستاد ارتش متفقین با مارشال گورینك در اینخصوص مصاحبه کرده و نظریات او را جویا شدند سپس بازرسهای ستاد نیروهای سه گانه آلمان مصاحبه نموده و نتیجهٔ این مصاحبه هارا انتشاردادند .

گورینك در قسمت جنگهای هوائی بزرگترین اشتباهات هیتلررا دربردهای هوائی استالین گراد دانسته وچنین اظهارداشت

که هیتلر باودستور دادبرای ارتش ششم آلمان که در استالین گراد محاصره شده بودند بوسیله هواپیما مقدار زیادی مهمات و خواربار برساند گورینگ انجام اینکار را غیر ممکن دانسته و بهیتلر گزارش داده بود که اینکار از نظر جنگی سودی نخواهد داشت وتلفات زیاد و قابل توجهی بنیروی هوائی آلمان وارد خواهدآورد ولی هیتلر اصرار زیادی بعملی شدن نقشهٔ خود داشت و فرمان داد که هرچه زود تر گورینگ اینکار راعملی نماید و درنتیجه تعداد زیادی از هواپیماهای نیرو بر آلمانی در حمایت عده ای از هواپیما های شکاری و بمب افکن هر روزه بر فراز استالینگراد پرواز کرده و برای نیروهای محاصره شده آلمان مهمات و خواربار میریختند هواپیماهای شوروی و توپهای ضد هوائی آنها در این هنگام تلفات زیادی بهوا پیماهای آلمانی وارد آوردند ولی با وجود این از طرف فرماندهی نیروی هوائی آلمان بفرمان هیتلر هر روزه هواپیماهای تازه ای برای این منظور اعزام میشدند و قریب یکماه اینکار مداومت یافت در مدت این یکماه بنا بر اظهار گورینگ بهترین هواپیما های آلمان ورشید ترین و ماهر ترین خلبانان آن کشور ازدست رفتند طوریکه هیچ نتیجه ای ازعملیات آنها گرفته نشد وبالاخره ارتش ششم آلمان هم نابود شد .

بزرگترین موفقیت متفقین در نیروهای هوائی بعقیدهٔ گورینگ بمباران کارخانه‌های صنعتی سازی آلمان بود درطی این بمبارانها ضربت بسیار خطرناکی بر پیکر ماشین جنگی آلمان وارد آمد و بنابراظهارات گورینگ دراثراین بمبارانها محصولات این کارخانه‌ها بمقدار فوق العاده زیادی کاهش یافت .

این کارخانه‌ها که سابقاً هرماهی یکمیلیون و ششصد هزارتن بنزین

مصنوعی برای هواپیماهای آلمان درست میکردند دراثر بمباران‌های مرتب هرماه دیگر بیش از ۲۰٫۰۰۰ تن بنزین نتوانستند درست نمایند و در نتیجه فعالیت نیروی هوائی آلمان خود بخود محدود گردید واین محدود شدن‌فعالیت دراوضاع کلیه جبهه‌های جنگ‌مؤثر واقع گردید بطوریکه در جبهه خاور هر روزه هواپیما های آلمان سابقاً بیش از ۳۰۰۰ بار پرواز میکردند ولی در نتیجهٔ نداشتن بنزین این اواخر تعداد پرواز آنها از روزی ۶۰۰ بارهم کمتر شده بود .

بعد از گورینگ سران ارتش متفقین با سه تن از بزرگترین ومعروفترین سران ارتش آلمان یعنی ژنرال «کوستویدل» رئیس کل ستاد نیروهای زمینی آلمان فلد مارشال «کایتل» سر فرمانده نیروهای سه گانه آلمان و فلد مارشال فن رونشتدت فرمانده کل نیروهای آلمان درباختر اروپا مصاحبه نمودند .

بعقیدهٔ این سه نفرعلل‌شکست وعدم موفقیت نقشه های‌جنگی آلمان از قرار زیر است :

۱ - اقدامات هیتلر در خصوص وارد کردن ایتالیادرجنگ مارشال کایتل دراین مورد بخصوص اظهار میداشت که سران ارتش آلمان بطور کلی با ورود ایتالیا درجنگ مخالف بودند زیرا از نیروی آن کشور و موقعیت جنگیش بخوبی اطلاع داشتند و آن کشوررا سربار آلمان درجنگ میدانستند ولی هیتلر شخصاً اصرار زیادی در اینکار میکرد و عقیده داشت که ورود ایتالیا در جنگ منافع زیادی برای آلمان دارد و بالاخره برخلاف عقیدهٔ سران ارتش رفتار کرد و موسلینی را وادار بدادن اعلان جنگ کرد و حال آنکه اگر ایتالیا همانطوریکه‌سران ارتش آلمان میگفتندرجنگ

بیطرف میماندو مخفیانه با آلمان کمک میکرد بمراتب موفقیت نیروهای آلمان بیش از این بود .

۲ ـ غفلت از پیاده کردن نیرو به انگلستان ـ محافل ارتشی آلمان پس از شکست فرانسه عقیده داشتند که باید فورا دست بکار حمله بانگلستان گردید و از ضعف آن کشور استفاده نمود .

ولی هیتلر نظر باینکه نیروی دریائی آلمان برای اینمنظور کافی نبود با این نقشه مخالفت کرد و حملهٔ بانگلستان را بتعویق انداخت و بدین ترتیب فرصت گرانبهائی را ازدست داد .

۳ ـ عدم جلوگیری از عملیات متفقین در شمال افریقا ـ فرماندهی آلمان بطوریکه سران ارتش آلمان اظهار میداشتند از لشکر کشی متفقین بشمال افریقا را قبلا اطلاع داشتند ولی منتهی خیال میکردند که نیروهای مزبور میخواهند درکرانه های لیبی و نقاطی که رومل تصرف کرده است پیاده شوند و اصلا بخاطرشان خطور نمیکرد که نیروهای مزبور در مستعمرات افریقای شمالی فرانسه پیاده گردید و از همین جهت در لیبی نیروهای زیادی متمرکز کرده و درافریقای شمالی فرانسه اقدامی بعمل نیاورد . حتی موقعی که کشتی های امریکائی وارد دریای مدیترانه گردیدند نیز آلمانیها انتظار داشتند که آنها درلیبی پیاده شوند ولی برخلاف انتظارشان غافلگیر شده وامریکائیها افریقای شمالی فرانسه را تصرف کردند .

۴ ـ اشتباه در عملیات فرماندی ـ نازیها خیال میکردند که نیروهای امریکا و انگلستان در قسمتی از کرانه های فرانسه واقع در تنگه با دوکاله پیاده خواهند شد و ازهمین جهت این منطقه را مستحکم تر نمودند فون روندشتت ۱۴ لشکر خود را در این قسمت متمرکز کرده بود ولی بر خلاف انتظار متفقین در سواحل نرماندی پیاده شده وآلمانیهارا غافلگیر کردند .

۵ ـ عدم موفقیت حمله متقابلهٔ آلمانی ها دراورانش ـ دراوت سال گذشته فرماندهی آلمان برای اینکه حمله نیرو های ژنرال پاتون را بطرف شرق درهم شکنند اقدام بحمله متقابل شدیدی در اورانش ـ مورتن نمود ولی حمله متقابله اش بعلت اینکه نیروی کمی بکار انداخته بود مواجه باعدم موفقیت گردید و حال اینکه اگر آلمان نیروی زیاد تری را در این حملهٔ بکار میبرد احتمال میرفت که یك ارتش امریکا بکلی نابود شود و بطور قطع این موضوع در سرنوشت جنك تأثیر زیادی داشت .

۶ ـ جلوگیری نکردن از حمله متفقین در اردن ـ نیرو های متفقین در نوامبر گذشته در اردن دست بحمله زده بودند که آنرا در ماه دسامبر توسعه داده و تبدیل بحمله و هجوم بزرگی کردند فرماندهی آلمان با این که در این منطقه نیروی کافی در اختیار داشت و میتوانست جلوی متفقین را بگیرد اقدام بدینکار نکرد و شروع بعقب نشینی نمود بامید اینکه این نقشه را درمرز های خود عملی نماید ولی فرصت گرانبهائی را از دست داد وحتی درمرزهایش هم نتوانست موقعیت اولی خود را بدست آورد .

۷ ـ شکست در « رماگن » ـ در « رماگن » فرماندهی آلمان آخرین خط خود را مرتکب شد بدین معنی که نیروی کمکی کافی باین منطقه اعزام نداشت و درنتیجه نیرو های متفقین سر پل رماگن را تصرف نمودند از شمال جبهه آلمانی هارا بسختی تهدید کردند ، در نتیجه فرماندهی آلمان مجبور شد نیروهائی را که برای حفظ منطقه رن نگاهداشته بود باینقسمت بفرستد ودرنتیجه در منطقه رن نیز مواجه با شکست بزرگی گردید .

کرٹین انتہت وزیر سابق استرالیا کہ اخیرا فوت کرے۔

آیا جنگ دیگری دنیا را تهدید میکند؟
نامه سرگشاده یك نویسنده امریکائی
به روسیه شوروی

«روابط آیندهٔ کشورهای «انگلستان وامریکا»
«وشوروی بیش از هرچیزی اکنون توجه دنیارا»
«بخود جلب کرده است زیرا صلح یاجنك جهان»
«آینده بستگی کاملی بچگونگی این روابط دارد»
«(ستانلی هیك) نویسندهٔ معروف امریکائی درطی»
«نامه سرگشاده ای که در مجله (ریدرزدایجست)»
«نوشته این موضوع مهم را کاملا روشن میکند.»
«ترجمه خلاصهٔ این نامه سرگشاده درزیر ازنظر»
«خوانندگان گرامی میگذرد»

پس از جنك آینده

اکنون وحشت بیم جنك آینده جهان را فراگرفته است و همه ای تصور میکنند که در آینده یعنی پنج یا ده و بالاخره ۲۰ سال دیگر جنك جدیدی شروع شده و دنیا را از زیر و زبر خواهد کرد.

این وحشت وترس عواقب بسیاربدی دارد وتاکاملا برطرف نشود و فکر آن از سر مردم دنیا خارج نگردد نمیتوان امیدی باصلاح اوضاع پس از جنك و برقراری آزادی کامل در کشورهای جهان داشت.

بعد از جنك چیزی که بیش از همه چیز اهمیت دارد وباید بآن توجه داشت برقراری آزادی بتمام معنی در تمام کشورها

و برطرف کردن این بیم و وحشت است و بدین ترتیب میتوان آیندهٔ جهانرا تأمین کرد.

در تأمین آیندهٔ جهان سه دولت بزرگ امریکا و انگلستان و شوروی رل بسیار مهمی بازی مینمایند و این مسئله مهم و بزرگ بستگی بموافقت یا عدم موافقت آنها با یکدیگر دارد.

ما سه دولت بزرگ دوش بدوش یکدیگر نبرد کرده و پیروز شده ایم تا چنین فرصتی را برای تأمین آیندهٔ جهان بدست آوریم.

این فرصت بسیار مهم و گرانبهاست در حقیقت در تاریخ هیچوقت و لحظه ای را حساس تر ازاین موقع نمیتوان یافت و باید از آن استفاده کرد.

روابط انگلستان وامریکا کاملا صمیمانه بوده و برای موافقت و حسن نظر آنها بایکدیگر هیچگونه اشکالی وجود ندارد و این موضوع خود جای خوشوقتی است و کمك مهمی بمنظور بزرگ تامین آیندهٔ جهان میکند.

ولی این نکته کاملا در امریکا روشن و واضح است و در روسیه شوروی هم بایستی همینطور باشد که برای برقراری صلح طولانی در جهان پس از جنك، توافق نظر و همکاری سه دولت بزرگ متفق یعنی امریکا، انگلستان و شوروی لازم است و بدون آن صلح آینده اصلا صورت خارجی پیدا نخواهد کرد.

احتیاج بصلح

برای پیشرفت و ترقی و بهبودی اوضاع هر کشوری هیچ چیز مهمتر و لازمتر از یك صلح طولانی نیست و بطورقطع زمامداران هیچ کشوری نیز بدون صلح طولانی امیدوار باین اصلاحات و پیشرفت کشور خود نخواهند بود.

مخصوصاً برای روسیه شوروی که وضع اقتصادیش هنوز باندازه کافی ترقی نکرده و صنایعش پیشرفتی را که باید نموده و بالاخره در اثر جنگ تلفات زیادتری از کشور های دیگر متفق دیده است پک صلح طولانی و دائمی بیشتر از هر چیز دیگری لازم است.

آلمانیها در طی تصرف و اشغال خاک روسیه شوروی قریب ۱۵۰ میلیون « اگر » از بهترین اراضی کشاورزی روسیه را نابود کردند این مناطق پیش از جنگ درست نیمی از محصولات کشاورزی روسیه را میداد. قریب ده دوازده تا از بزرگترین شهر های روسیه در اثر جنگ ۵۰ تا ۶۵ درصدشان بکلی ویران شده است. عده ای از کارخانه‌های مهم روسیه که قریب ۵۹ در صد از آهن، ۵۰ در صد از فولاد، ۷۷ درصد از آلمینیوم و ۶۰ درصد از زغال مورد تصرف روسیه را تهیه میکردند بکلی یا ویران شده و یا آسیب فوق العاده دیده اند.

کارخانه‌های آهن روسیه نیز دراثر کار و فعالیت زیاد زمان جنگ فرسوده شده واحتیاج به تعمیر و مرمت دارند « اوکارسنو » نویسندهٔ معروف مجله « ساتردی ایونینگ پست » دراین باره مینویسد:

« اغلب از ساختمانها و عمارت شهرها خراب شده اند. ساختمانهای تازه نیز باستثنای آنهائی که برای مصارف جنگی مورد لزوم بودند ازژوئیه ۱۹۴۱ ببعد نیمه کاره مانده‌اند. لباس افراد غیر نظامی از پس پوشیده شده دیگر غیر قابل استعمال گردیده هزار ها نفر از اهالی اینک تخت کفش هایشان از کاغذ و مقوا است.

مولوتف طی نطقی که در کنفرانس سانفرانسیسکو ایراد کرد اظهار داشت:

- ما گمان میکنیم که بتوانیم این خرابیها را اصلاح کرده

و حتی بهتر از پیش از جنگ نمائیم ولی البته کسی نمیتوان کرد که انجام اینکار بسیار مشکل ودشوار است » .

زمامداران روسیه شوروی باید بدانند که اگر باتوافق نظر با دولتهای امریکا و انگلستان بتوانند کمك اقتصادی و صنعتی آنها را نسبت بخود جلب نمایند . چقدر کار آنها در اصلاح این خرابیها آسان و سریع خواهد شد .

اینك توافق نظر تقریباً میان سه دولت حاصل گردیده وآنها اکنون با یکدیگر همکاری مینمایند . این همکاری باصلاح خرابیهای روسیه و بکار افتادن کارخانه ها و مصرف محصولات امریکا کمك زیادی خواهد کرد .

تشابه وضعیت امریکا و شوروی

امریکائیهاازراه ترمیم این خرابیها بوسیلهٔ محصولات صنعتی خود کمك زیادی میتوانند بدولت شوروی بکنند دولت شوروی سفارشهائی اکنون بکارخانه‌های امریکا داده‌است برای استفاده‌بیشتری از کانهای منطقه «دونتز» نیز امریکائیها حاضر شده اند نقشه‌هائی دراختیار دولت شوروی بگذارند .

برای ساختمان تراکتور های اراضی کشاورزی دولت شوروی بیشتر از موتور های امریکائی استفاده میکند و قسمتی از ماشین آلات تصفیه نفت قفقاز را نیز اخیراً از امریکا وارد نموده است . این سفارشها بنفع امریکا میباشد زیرا کارخانجات آن کشور را پس از جنگ بکار انداخته و از بحران اقتصادی تا اندازه‌ای جلوگیری مینماید .

بطوریکه نویسندگان و خبرنگاران امریکائی از روسیه شوروی اطلاع میدهند در کشور اتحاد جماهیر شوروی نظر خوبی بمحصولات امریکائی داشته و دو نظر دارند که از این محصولات

باندازهٔ کافی استفادهٔ نمایند . بدین ترتیب صلح طولانی و توافق نظر کامل میان دو دولت امریکا و شوروی بنفع هر دوی آنها ست .

هرچند اصول کلی کشور ما با شوروی شباهتی ندارد و تمایلات سیاسی ما یکی نیست و هر چند که ما آزادانه از روسیه گاهگاهی انتقاد مینمائیم (همانطوریکه آنها هم از ما انتقادمینمایند) ولی باوجود این در خیلی از موارد دو کشور و دوملت امریکا و شوروی با یکدیگر شباهت داشته و اختلافی ندارند .

دو کشور امریکا و شوروی هر دو از حیث منابع ثروتی و اقتصادی احتیاجی بخارج ندارند و از این حیث بیشتر از تمام کشورهای بزرگ دیگر باهم شبیه هستند .

موقعیت جغرافیائی آنها نیز با یکدیگر شبیه است و در اثر همین موقعیت هر دو کشور غیر قابل شکست میباشند و در هیچیک از ادوار تاریخی دولت خارجی نتوانسته است کشور آنها را تصرف نماید .

همانطوریکه ژرژ سوم نتوانست برامریکا دست یابد ناپلئون و بالاخره هیتلر نیز آرزوی تسلط بر روسیه را با خود بخاک بردند

هر کشور امریکا و شوروی علاوه براین دو کشور جوانی بشمار میروند و تاریخ آنها قدمت زیادی ندارد و با منابع ثروت فوق العاده ای که دست طبیعت در سرزمین آنها بودیعت نهاده بیش از اینها میتوانند ترقی کنند و از این نظر نیز با یکدیگر شباهت کاملی دارند .

از لحاظ داشتن نژادهای مختلف نیز امریکا و شوروی با یکدیگر شبیه هستند .

اهالی روسیه از یک نژاد نیستند بلکه از ۱۵۰ نژاد مختلف بوده و به ۱۵۰ زبان مختلف صحبت میکنند ولی باوجود این اتحاد

کامل و پیوستگی زیادی از لحاظ ملیت دارند . امریکائیها نیز بهمین ترتیب از نژاد های مختلف اروپا بوده و همین پیوستگی را دارند .

اهالی این دو کشور نیز از لحاظ اخلاقی و روحی شباهت کاملی باهم دارند نظیر همان حساسیت و صمیمیت و وفا داری را که در اهالی روسیه ملاحظه مینمائید در اهالی امریکا نیز خواهید یافت .

بطوریکه خبر نگاران امریکائی گزارش میدهند در اثر همین تشابه اخلاقی سربازان شوروی و امریکائی در تمام نقاطی که با یکدیگر در تماس بودند روابط خوب و صمیمانه ای داشتند . این تشابه وضعیت خود به نزدیکی امریکا و شوروی کمك زیادی خواهد کرد .

روابط تاریخی امریکا و شوروی

باید اذعان کرد که دولتهای روسیه و امریکا روابط تاریخی خوبی اصولا با یکدیگر نداشته اند دولت امریکا تا پیش از شروع جنك کنونی روابطش چه با دولت روسیه تزاری وچه با دولت روسیه شوروی خوب و صمیمانه نبوده و اغلب بسیار بحران آمیز بوده است .

دولت روسیه تزاری چون از انقلابات آزادیخواهانه امریکائیان بیم داشت علنا با امریکا مخالفت میکرد حتی در طی جنك های آزادی استقلال امریکا طوریکه دولت روسیه رسما بیطرفی خودرا اعلام داشت ازمخالفت با ملیون امریکا و کمك با دشمنان آنها خودداری نکرد درآغاز جنك بین المللی گذشته نیز اختلافات روسیه و امریکا خیلی شدید بود .

پس از انقلاب روسیه و روی کار آمدن بالشویکها نیز روابط روسیه و امریکا رو به بهبودی نگذاشت زیرا این بار امریکائیها

از کمونیست ها وحشت داشتند و هرگز حاضر نبودند بروسیه نزدیك شوند .

این تیرگی روابط بطوریکه گفته شد تا آغاز جنك کنونی وجود داشت ولی نکته ای که قابل ذکر میباشد اینجاست که دولتهای امریکا و روسیه با وجود این سابقهٔ تاریخی تا کنون رسماً بر علیه منافع یکدیگر مشغول اقدامات نشده و صدمه بزرگی بیکدیگر نزده اند که کینه ای در آنها تولید نموده و از دوستی بعدیشان جلوگیری نماید بدین ترتیب این سابقه بد تاریخی مانع از دوستی و صمیمیت آینده آنها نخواهد بود .

دولتهای امریکا و شوروی باید در این موقع بحرانی تاریخی بایکدیگر همکاری کرده ودوش بدوش یکدیگردست باقدامات اصلاحاتی بزنند .

اگر دولت شوروی خیال میکند که در امریکا احساسات صمیمانه ای نسبت بآن دولت وجود ندارد در اشتباه است مطبوعات و جراید امریکا تمام شاهد این موضوع هستند که ملت امریکا یك حس همدردی ودوستی نسبت به ملت شوروی پیدا کرده است .

شرایط دوستی امریکا با شوروی

دوهر صورت دولت امریکا هیچ مانعی برای ادامهٔ همکاری ودوستی با دولت شوروی نمیبیند فقط اتخاذ دو سیاست ازطرف شوروی ادامه این دوستی را غیر ممکن خواهد کرد یکی اینکه دولت شوروی با نیرو های خود بخواهد سیاست توسعهٔ ارضی را درپیش گیرد دیگری اینکه دولت شوروی با استفادهٔ از پیروزی خود درصدد انتشار وتوسعه مرام کمونیزم بر آید .

اتخاذ این دو سیاست است که امریکا را از شوروی دور خواهد کرد وتوافق نظر مابین آنهارا محال خواهد نمود .

خیلی بعید بنظر میرسد که دولت شوروی چنین سیاستهائی را اتخاذ نماید وروابط خود را با امریکا تیره نماید زیرا همانطوریکه فوقالا اشاره شد دولت روسیه برای اصلاح خرابی های حاصلهٔ از جنك در کشور خود بیش از هر چیزی اکنون احتیاج بیك صلح طولانی دارد .

بنابراین بهتر است که ملل بزرك امریکا انگلستان وشوروی ترس وبیم ازجنك آینده را ازسرخود دور کرده و باتفاق سایرملل متفق در اصلاح جهان آینده و استقرار آزادی در سراسر گیتی گام بردارند .

اثر طبع : آقای خلیلی صبری

صلح

شکر لله برطرف شد پرده از سیمای صلح
منتشر گردید از نو درجهان آوای صلح
پیش ازاین گربود اقطارجهان میدان جنك
بعد ازاین گردد دگردنیای ما دنیای صلح
راستی رخشنده تر گردید و روح انگیزتر
چهرهٔ آزادی از افکندن دنیای صلح
تا طریق توبه پنماید باهل شرق دور
بردمید ازغرب خورشید جهان آرای صلح
دشمن مغرور گر بود از حقایق بیخبر
زد زروی جهل سنك جنك برمینای صلح
عاقبت چون تارو پودقدرتش ازهم گسیخت
با کمال خواری و بیچارگی زد رای صلح
وانکه بود از خودپرستی دائما خواهان جنك
همت اکنون اززبونی هرزمان جویای صلح
پیشوایان سه کشور ساختند از عزم خویش
قله ای محکم که بگذارند برآن پای صلح
همت مردان بناگردد است سنگی استوار
تا ازاین پس جنك بنیانکن نگردد جای صلح
هیچ شکنیست تاکنون توده های متفق
در حصار کینهٔ صدمه هر بیدای صلح
این دلیران سعی ها کردند و خونها ریختند
تا که بنوشتند منشور سعادت زای صلح
همت امید آنکه مردان علمدار جهان
جامه ای زیبنده ، آرایند بر بالای صلح

سوی شرق وغرب عالم باتساوی بنگرند
زانکه نبود جزتساوی حافظ امضای صلح
پایهٔ هر کار بگذارند بر بنیان عدل
تاکه درطی زمان روشن شود معنای صلح
جای آن داردکه ما ایرانیان از دیگران
بیشتر مسرور باشیم از مسرتهای صلح
زانکه از ادوار پیشین با وجود اقتدار
در سر ما جای نگرفته جز سودای صلح
ماکه طرفی برنبستیم از کشاکشهای جنگ
بوکه دردخود دواسازیم در اثنای صلح
ای عزیزان وقت بیداری است برخیزید هان
تانگردد خواب ماسنگین تر ازلالای صلح
پیش ازاین بودیم اگردربسترغفلت بخواب
درهزاران رنج خوش بودیم با رؤیای صلح
بعد ازاین باید قدم درکاروکوشش داشتن
بهره وریدن زتیروی روان افزای صلح
تکیه نبخشایم امروز ای برادر تخم کار
نیست جزآه واسف حاصل مفرورای صلح
تا کیه نتوانیم خود را لایق این موهبت
نپسندد بر تن ما خلعت زیبای صلح
باید از امضای صلح آموختن رسم حیات
در نمودی کی بهد مان بودن از اعضای صلح
بود دیری کاین صدای خاموش درگوران جنگ
از ندای صلح شادان گشت وشد گویای صلح

شهرهای اسرار آمیز زیرزمینی در آلمان

اخیراً در مسکو اطلاعات حیرت انگیزی از
«شهرهای اسرار آمیز زیر زمینی آلمان که بدست»
«ارتش سرخ افتاده انتشار یافته‌است . در این شهرها»
«که بدست کارگران خارجی ساخته شده آلمانیها»
«کارخانه ها، راه آهنهای زیر زمینی و ذخائرمهم اسلحه»
«ومهمات جای داد بودند :»

***

باورود ارتش سرخ بخاك آلمان پردهٔ ابهام ازروی بسیاری از اسرار کـه در عرض پنجسال جنك در آلمان پدید آمده بود برداشته شد .

ارتش سرخ کارخانه ها ، شهرهای کوچك ومخازن بیشماری درآلمان شرقی یافته‌اند که کلیهٔ آنها درزیرزمین وباشرایط نامساعدی ساخته شده وبنظرمیرسد که هدف نهائی آلمانها ازساختن آنها حفظ صنایع جنگیشان از حملات هوائی بوده است .

تا هنگامیکه روسها باین شهرهای زیرزمینی راه نیافته بودند هیچگونه اطلاعی از ساختمان و حتی وجود آنها بدست نیامده بود و کیفیت ساختمانی آنها از جملهٔ اسرار بشمار میرفت ولی اکنون که اغلب این شهرها و کارخانه های زیر زمینی صحیح و سالم بدست سپاه سرخ افتاده بسیاری حقایق دربارهٔ آنها کشف شده است .

پس از اینکه ساختمان این شهر ها بپایان میرسید آلمانها بمنظور رعایت اخفای کامل آنها کارگران‌را قتل عام میکردند . از

جمله روسها یك کارخانه بزرگی پیدا کرده اند که در جنگل بناشده و آلمانها برای پنهان داشتن آن از دید هوائی اطراف و جوانب آنرا با فن استتار پوشیده بودند .

درناحیهٔ دیگر یك زرادخانه بزرك زیر زمینی کشف شد این زرادخانه در جنگل بزرگی قرار دارد و دارای راهها و ترنهای الکتریکی زیرزمینی است .

بقول یکی از خبرنگاران جنگی شوروی زرادخانه مزبور از بزرگترین مخازنی بوده است که آلمانیها در آنجا سلاحهای جهنمی خود را برای اجراء نقشه جهانگشائی خویش گرد آورده بودند آلمانها باغرض اشعار بروی این زرادخانه آنرا بهترین وجهی از انظار پنهان داشته بودند .

در جلو در بزرك ورودی این مخزن اعلانی با این عبارت نصب شده بود :

« هر کس بدون کسب اجازه قبلی بدین جایگاه راه یابد بلرلاهم آغوش خواهد شد » قبل ازورود باین مخزن بارتی از پله سیمانی عبور کرده بدرون آن راه یافت . سوای طالان این مخزن سرطویلی است وبرای داخل مخزن شباهت دارد .

خمپاره ، بمب ومین در نوع خود بزرك مخزن باانظام و ترتیب خاصی جای داده شده ونام مندرجات با بقت کافی درج شده است . بوالقرای مخزن که در طبقات عمیقتری ساخته شده بمبهای بزرك دوجایگاههای سیمانی خود قرار دارند . تاریخ ساختمان و کالیبر این بمبها باحروف سفید بروی آنها یادداشت شده است .

در این زرادخانه دکه ای وجود دارد که باشعار مختصری بروی آن میخوانند مخازن مهمات را منفجر ساخته بهوا بر تاب سازند

ولی آلمانها بقدری در فرار عجله و شتاب داشته اند که حتی موفق بانفجار مخزن نگردید اند.

هنگامیکه روسها بدرون مخزن راه یافتند هنوز دفاتر زرادخانه روی میز ها باز بود درروی یك میز دیگر نامه عاشقانهٔ نیمه تمامی با چاشت قراول مخزن جلب توجه میکرد و تمام این جریانات نشان میداد که آلمانها سخت دست و پای خود را برای فرار گم کرده بودند.

اگر چه این مخازن بحقیقت شهرهای کوچك زمینی بودند لکن کسانی که در جوار این شهرها زندگی میکردند از وجود آنها اطلاعی نداشتند.

درشهر بوداپست اکثرمردم ازوجود بنا های محقر کارخانه « لامپارت » مطلع بودند لکن کسی جرئت تماشای آنرا نداشت برای اولین بار ارتش سرخ بدون اجازه وارد این کارخانه شد در این کارخانه پناگاههای فولادی ضد هوائی کشف گردید.

ارتش سرخ بیك رشته حفرههائی دراین کارخانه برخورد کرد این حفرهها بگریدورهای زیر زمینی که بوسیله درهای پولادین مسدود میشد ارتباط داشتند.

پس از جستجو و کاوش زیادی که در این مخزن بعمل آمد ارتش سرخ بیك کارخانه بزرك چند طبقه زیر زمینی راه یافته. انبار این کارخانه مملو از ماشین آلات بود و قطعات دورآلومین که در ساختمان بال هواپیمای سی اشیست بکار میرود در آنجا بدست آمد.

دراین مخزن کارخانه ها ومساکن زیر زمینی بوسیله چندین کیلومتر خط آهن بیکدیگر مربوط میشدند. در تونل این کارخانه بوسیلهٔ اتومبیل میتوانستند عبور و مرور نمایند و اگر بخواهند

پیاده آنرا طی کنند چندین روز وقت لازم است هزاران هزار کارگر خارجی که بزور و عنف بآلمان برده شده بودند در آنجا بکار ساختمان میپرداختند و هیچگاه اجازهٔ خروج از مخزن بآنها داده نمیشد و تقریباً درهمانجا جان میسپردند .

وقتیکه آلمانها مجال تهیه چنین مخازن زیر زمینی نداشتند کارخانه های خود را بجنگلها و نواحی غیر مسکونی منتقل میساختند در یکی ازنواحی که ۴۰ میل مربع مساحت دارد ده‌هزار کارگرخارجی کار میکردند . هنگامیکه خطرهوائی محسوس میشد دستگاه مخصوصی دراندك زمانی ستونهای دود مصنوعی تهیه‌مینمود و محیط کارخانه وجنگل را از دید هوائی پنهان میکرد .

یك هفته قبل از رسیدن ارتش سرخ باین ناحیه آلمانها یك قسمت از کارخانه را منفجر نمودند و انفجار بحدی شدید بود که شیشه پنجره های کارخانه‌ای که درنیم میلی این ناحیه قرارداشت شکست وفروریخت .

باکشف این کارخانه زیرزمینی ارتش سرخ اطلاعات مفیدی از کیفیت ساختمانی آنها بدست آورد .

نقشهٔ این شهرهای زیرزمینی بتوسط مهندسین آلمانی‌موسوم (بئودت) طرح گردیده ودرساختمان آنها منحصراً کارگران‌خارجی بکار گمارده میشدند کارگران در کلبه های چوبی که با سیمهای خاردار احاطه شده بود زندگی میکردند .

در گوشهٔ مخصوصی که بازداشتگاه کارگران را احاطه میکرد جایگاهی وحشی زیادی جای گرفته بودند واگر احیاناً کارگری میخواست فرار کند خود را بروی او انداخته و ضمناً خطر را اعلام مینمودند .

هر کارگر نمره ای داشت که با آسید های شیمیائی بروی سینه اش نقش بسته بود پس از اتمام یك ساختمان زیر زمینی

کارگران تحت آزمایش طبی قرار میگرفتند و آنها که استعداد کار داشتند بجاهای دیگر منتقل میشدند و بقیه در همانجا بقتل میرسیدند.

معمولا ازنظراختفای اسرار این شهرهای زیر زمینی اکثریت این کارگران پس از پایان کار جان بسلامت نمیبردند. روزنامه پراودا چاپ مسکو مینویسد که « ساختمانهای زیر زمینی آلمان باخون و استخوان صدها هزار مردم بی‌پناه اروپا بنا شده اند».

ترجمه : عبدالرسول عظیمی

ملوانان هنگام پیاده شدن بخاك دشمن

آلمانها چگونه موسولینی را نجات دادند؟

درمصاحبه ای که ژانتیزن خبر نگار یکی از جرائد سویسی باموسولینی بعمل آورده دیکتاتور ایتالیا ماجرای فرار خود راشرح داده و چنین گفته است :

حوادثی که در ماه گذشته در ایتالیا روی داد بی مقدمه نبود ومقدمات آن هم با دقت و مهارت کامل فراهم شده بود. بطوریکه هر کسی میدانست درساعت معین چه بکند قرار شده بود مرادستگیر کرده بمقامات انگلیسی تحویل بدهند.

بعد از ظهر روز بیست و پنجم ژوئیه یعنی یکروز بعد از تشکیل جلسه شورای عالی فاشیست پس از ملاقاتی که با ویکتور امانوئل بعمل آوردم در ویلاسابویا به بازداشت شدم وچون مرا از پله عمارت پائین آوردند دیدم بجای اتومبیلم یک آمبولانس در آنجا ایستاده است. افسری که در آنجا بود بمن امرداد که سوار آمبولانس بشوم در این موقع متوجه شدم که دامی برای من گسترده اند ولی هر چه میخواهد بشود تسلیم نداشتم.

آمبولانس مرا بسربازخانه برد و در آنجا در اطاق کوچکی زندانی شدم شب ۲۶ ژوئیه یک ساعت بعد از نصف شب نامه‌ای از طرف مارشال بادولیو بمن داده شد.

بادولیو نوشته بود اقداماتیکه بعمل آمده برای حفظ من از یک توطئه خطرناک بوده است. من نیز دوستی بادولیو نامه ای نوشته و از اقداماتی که برای حمایت من بعمل آورده بود تشکر نمودم ضمناً خاطر نشان کردم که تنها امکان بمن برای اقامت من در روکاندله میتواند باشد و در پایان هم آرزوی خود را نسبت بموفقیت مارشال بادولیو درمسئولیت جدیدی که برعهده گرفته بود ابراز داشتم.

شب ۲۸ ژوییه بمن دستور داده شد که خود را برای حرکت حاضر کنم . آمبولانسی مرا درساعت ۱۲ شب بیندر گائت رسانید و ازآنجا کشتی بخار کوچکی بنام پرسیفون مرا بجزیرهٔ پوندزابرد پس از یك شب اقامت در این جزیره بمن اطلاع رسید که باید خود را برای مسافرت دیگری آماده کنم . در ساعت ۸ صبح سوار یك ناوشکن فرانسوی موسوم به « پانتر » شده و بعد از ظهر بجزیرهٔ مادالنا که در شمال غربی ساردنی قرار دارد رسیدم ومرا در خانه یکنفر انگلیسی که ویور نام داشت جای دادند .

روزی یك هواپیمای آلمانی دربالای خانه پرواز کرد و بقدری پائین آمد که صورت خلبان را دیدم و امیدوار شدم که آلمانها در صدد نجات من هستند . روز ۲۷ اوت بمن اعلام کردند که بایستی خود را آماده حرکت کنم فردای آن روز یك هواپیمای آمبولانس آمد و مرا بنقطه ای واقع در نزدیکی دریاچه براشانو (۴۰ کیلومتری شمال رم) منتقل کرد و از آنجا یك اتومبیل آمبولانس مرا بگیران سامو برد .

در این ضمن مذاکرات محرمانه بین بادولیو و چرچیل و روزولت جریان داشت و بعد ها فهمیدم که قرار بوده مرا برای یك محاکمهٔ بزرك تاریخی تحویل امریکائیها بدهند . درگیران ساسو بیش از پیش تحت نظر قرار گرفتم اما چون مخفیانه بمن اطلاع دادند که آلمانها در رم میباشند یقین حاصل کردم که هیتلر مرا نجات خواهد داد . ساعت ۲ بعداز ظهر هنگامیکه نزدیك دریچه اطاق ایستاده بودم دیدم سه هواپیمای آلمانی ازمیان ابر ها ظاهر میشوند این سه هواپیما حامل چتربازانی بودند که نزدیك عمارت فرود آمدند وبیك طرفة العین دسته های مسلح بمسلسل کوچك عمارت را محاصره کردند و قراولان ایتالیائی هم از این معنی بوحشت افتاده کوچکترین حرکتی برای مقاومت برعلیه آلمانها از خود نشان ندادند

یکی از هواپیماها مخصوصاً طوری ساخته شده بود که میتوانست در جاهای کم وسعت و نا هموار بطور عمودی فرود بیاید . من دراین هواپیما نشستم ولی موتور هواپیما بزحمت بکار افتاد و پس از لحظه ای اضطراب از زمین بلند شدیم و بطرف رم رهسپار شده بعد از دو ساعت بآنجا رسیدیم . از آنجا هم هواپیمای دیگری مرا بوین رسانید و در ساعت ۱۱ شب وارد فرودگاه شدم . روز بعد بطرف مونیخ حرکت کرده و ازخطر نجات یافتم .

ترجمه : محمد علی عظیمی

جمهور ترکیه

ژنرال اوچینلک فرمانده قوای هندوستان

ژنرال کوئیزو نخست وزیر سابق ژاپن

ز ابویورك هرالدتریبون ترجمه : آقای ع - سامانی

آوای بلبل

در یکی از روز های گرم تابستان ، دسته ای از قشون آلمان در اثر غلبه گرما وریزش عرق زیاد ، حوالی یکی ازقراء مخروبهٔ ایتوانی برای چند دقیقه راحت باش توقف کردند هنوز کوله پشتی وساك و قمقمه وسایراثاثیه خود را بزمین نگذارده بودند که آواز شیرین بلبلی در فضا طنین انداز و توجه آنانرا بخود جلب نمود .

افراد قشون ؛ فوری دوربین های خود را از غلاف بیرون کشیده ، برای یافتن بلبل درختان جنگلی کوچکی را که در آن حوالی واقع شده بود مورد مناظره و تفحص قرار دادند ، ولی مناسفانه بلبلی درآنجاوجود نداشت .

پس از منهاری تکاپو و جستجو ناگهان طفل خرد سالی نظرآنانرا جلب نمود که نزدیك گودالی نشسته مشغول خراش دادن پاره چوبی با چاقوی کوچك خویش و بازی کردن باآن بود .

وقتیکه نوبت برای دیدن وی رسانده و پرسشهائی از او کردند ، وی کاملا خویش گرفته چنین وانمود ساخت که پیش آن منظرهٔ کاملا وبرا مضطرب ساخته است ضمناً با آلت کوچکی که در دست خود ساخته بود باکمال بازی کردن فرمانده دسته برای دیدن آن دست خودرا بنزدیك دهان وی برد .

طفل فوری اسباب کوچکی را که با دست خود ساخته بود از بین دهان بیرون کشیده بین دولب قرار داد و یکی از بهترین و طبیعی ترین صداهای بلبل را بوسیله آن نواخت .

نفرات فوق العادهٔ ازاین تقلید درعین حال تفریحی ،مسرور و کراراً از وی درخواست تکرار آوای بلبل را کرده ، لیاقت واستعداد فطری او را مورد تحسین و استعجاب قرار داده متوالیاً اورا بتکرار هنرنمائی خویش تشویق میکردند .

در ضمن این نمایش مشغول کننده بلا مقدمه کودك آلت دست خود را برای تکلم از دهان بیرون آورده گفت : من علاوه براین میتوانم تقلید سایر مرغان بخصوص مرغ شباهنك را درآورم وبلا فاصله شروع کرد بصدای مرغ شباهنك کردن !

مدتی نفرات با این نمایش ناگهانی دور از انتظار در وسط بیابان سرگرم و چون از محل سکنی و جاه و منزل کودك سئوال کردند ، گفت :

من بتنهائی دراطاقهای نیمهٔ مخروبه این قریه ، همین قریه ویرانه ای که در مقابل چشم شماست ، ساکن و روزها را حوالی دریاچهٔ کوچکی که همین نزدیکی هاست بصید ماهی مشغول هستم و روز گمار خود را بخوشی و کامرانی در عالم تجرد و انفراد میگذرانم .

فرمانده دسته راههای اطراف موقعیت و وضعیت جغرافیائی محل را از او استفسار نمود ، او هم فوری جوابداد که بخوبی ازکوچکترین راه و کوره راه وسایراین قریه وشعبه های اطراف آن مطلع است .

بنابراین بین او و افسر نامبرده قرار شد راههای هیچ ده هیچ قریه و کوه و دره های اطراف را بعنوان راهنما بآنان نشان داده و درمقابل یکعدد جنك سیگارآتش زنی بسیار نفیس بعنوان جایزه دریافت دارد او هم باکمال میل این پیشنهاد را قبول نموده ، ضمن ضمن عقد خارج چنین اظهار داشت .

چنانچه مرا فریب داده سر آخر از دادن پاداش من امتناع ورزید ، من هم شمارا در وسط بیابان ویلان و سرگردان خواهم ساخت .

کودك بازیگر بشیطنت و اطوار کودکانه خود ادامه داد ، در عرض راه افراد قشون را سرگرم حرکات فریبنده ونمایشهای حیرت انگیز خود میساخت . درخلال آن عملیات آنی ازآواز دادن مانند بلبل غفلت نمینمود . ۲۲ فقره صدای بلبل کرد . دوفقره هم نوای مرغ شباهنگ . آدمیها هم از خوشیهای طبیعی و حرکات دلنشین وی غرق شادی و بیان اینکه سکته در ادامه داده و بازیهای او پیدا نشود ، ناظرین و سراپا گوش و غرق حیرت ، درحرکت بودند و کلمای برلب نمیراندند .

ولی دراطراف جنگل ، گنجشکان نیز تقلیدی تمام نغمات بلبل و مرغ شباهنگ را نمودند و از حرکات مادر و اطوار آن مطلع بودند .

صدا خراب آنانرا [illegible] دیگر هر یا خود داشتند ، دوست آنها بود [illegible] ، مثل شده مال هرگوش مانند ، با خراب [illegible] گنجشکان درختان گهن سالکه [illegible] زمین پرا [illegible]

[illegible] بلبل [illegible] و بلبل [illegible]

جنرال مارشال رئيس اركان حرب جيش امريكا

جنرال ديلا سلي سابق ركن

از دنا یمز

آتیهٔ آلمان

زمستان آینده - اداره امور بدست اهالی محل
صنایع آلمان - سیستم مدیریت روسیه در
ناحیه اشغالی خود!

با متفقین است که هرچه زود تر سیاست خود را در باره آلمان روشن نموده و چرخ های اقتصادی و سیاسی و اجتماعی آن کشور را بحرکت در آورند تا آلمان امروزی که جز خرابی و بیچارگی چیزی در آن یافت نمیگردد تا حدی از گرداب بدبختی خلاصی یابد.

سرما و گرسنگی

موقعیت اقتصادی آن کشور از یك لحاظ فوق العاده قابل اهمیت میباشد زیرا زمستان آتیه نزدیك و خطراتی را که از این لحاظ متوجه اهالی آنکشور میگردد نمیتوان نادیده گرفت.

بیکاریکه در داخل آنکشور روی داده و از آن مهمتر سیاران های دائمی و شدید متفقین بحدی مؤثر بوده که کیفیت حیاتی آن مملکت را بکلی از هم جدا نموده. بیکه که آلمان شکست خورده و بدست متفقین افتاده میبینید و بیکه ایمانی است که از مرگ و نابودی تعالی آن مملکت بعمل آورند.

موقعیت سیاسی آنکشور را نیز باید طرف توجه قرار داد و اگرچه حل وضع اقتصادی آن آنی نمیباشد. معهذا مهم و باید دانست که در آینده جهان نقش بزرگی را خواهد داشت.

رسیده که قسمت زیادی از امور عادی واداری
ود اهالی واگذار گردد و این بارسنگین راخود

ك متفق در کنفرانس پوتسدام موافقت نمودند که
رهٔ مرکزی که بدست آلمانیها اداره گردد تشکیل
افسران مسئول متفقین از دور مواظب کار ورفتار
ورهای لازم را بآنها بدهند .

بحران

اقتصادی یك مسئله دیگرراهم نباید ناگفته گذارد
سیاستی است که محصولات جنگی کارخانه‌هارا
صلح و آرامش تبدیل نماید. ولی هنوز تصمیمی
که آیا این محصولات جدید برای رفع احتیاج
خواهد بود تا زندگی سابق خود رااز سر گیرند
قروض و دیون جنك به متفقین ؟

نایع آلمان درچند سال جنك براثر بمباران‌های
مهذا هنوز مقدار زیادی از کارخانه‌های آن دست
و یا خسارت کم بر آن وارد آمده است لذا
ز حد اکثر استفاده را نمود و اجازه نداد که
بیکار بایستند و آنطرف روند - زیرا نه تنها
لمان را باید در نظر داشت بلکه احتیاج شدید
را بصنایع آلمان نیز نباید از خاطر برد .
های متفاوت آلمان بود که چرخ اقتصادی و صنعتی
و جنوبی اروپا و بعضی از سایر ممالك جهانرا

میگردانید وحال که محور اصلی این چرخها از کار افتاده تکلیف ملل دیگر هم که از آن استفاده مینمودند واضح وآشکاراست

روسیه

روسها در ناحیهٔ اشغال شده خود یازده دائره امور اداری تشکیل وریاست آنها راهم به لیدر های احزاب دادهاند بنا براین اگر کمی دقت نمائیم درمییابیم زمانی رسیده که مراکز اداری مغرب آلمان هم بااین دوایرهمکاری کنند وجمعاً تحت نظر کمیسون مختلط اداری متفقین بکار اداره آلمان همت گمارند وشاید بتوان گفت که اگر این سازمان جلب نظر متفقین را نمود و ازهرجهت خود را دموکرات و طرفدار آزادی نشان دهد در آینده به اسم حکومت آلمان شناخته شود

نه مانند شوروی [illegible]

چنین حکومت پارلمانی اهمیت فوق العاده برای آلمان وملت آن دارد زیرا اولا اگرچه [illegible]

[illegible]

آخرین دقایق زندگی لاوال چگونه گذشت ؟

روز ۲۴ مهرماه ۱۳۲۴ پس از آنکه لاوال نخست وزیر دولت ویشی بجرم همکاری با آلمان در پاریس تیر باران شد لاشه‌اش بگورستان جنایت کاران جنگ انتقال یافت . وی هنگامیکه سربازان مأمور تیرباران نزدیك شدند اجازه خواست که حکم آتش را خودش صادر کند لکن تقاضایش قبول نشد و هنگامیکه سربازان نشانه گیری میکردند چنین فریاد کرد : من مسئول این جنایت نبودم و تنها گناهم آن بود که فرانسه را بیش از اندازه دوست داشتم . . .

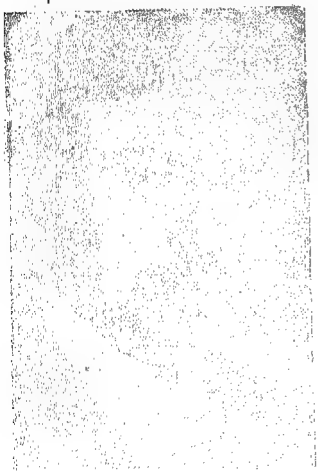

به قلم بزنید !

لاوال قبل از آنکه تیرباران گردد سعی کرد با خوردن زهر خود کشی نماید لکن موفق نشد و نمایندهٔ دادستان چنین سخنان میگفت : هنگامیکه با مهربانی و زبان [illegible]

گاهنامهٔ جنگ

روزهائی که در تاریخ ۶ سال گذشته با خط سرخ ثبت خواهد شد

اول سپتامبر ۱۹۳۹ « ۹ شهریور ۱۳۱۸»

در این روز هیتلر بلهستان حمله کرد.

سوم سپتامبر ۱۹۳۹ « ۱۲ شهریور ۱۳۱۸»

دو روز بعد نویل چمبرلن نخست وزیر انگلستان بآلمان اعلان جنگ داد.

در ابتدا جنگ کند و بی اثری بود تا اینکه هیتلر جنگ «برق آسای» خودرا در بلژیك و هلند آغاز نمود و باشغیر فرانسه ختم کرد.

۲۸ مه تا ۳ ژوئن ۱۹۴۰ « ۸ خرداد تا ۱۳ خرداد ۱۳۱۹»

در مدت این چهار روز بحریهٔ انگلیس موفق گردید بقیهٔ قوای شکست خوردهٔ بریتانیا را بدون تلفات سنگین به جزیره انگلیس منتقل سازد. این نیرو باکمك نیروی هوائی و قوای جزیره برای دفاع حاضر شدند.

۱۵ سپتامبر ۱۹۴۰ « ۲۴ شهریور ۱۳۱۹»

در این روز نیروی هوائی آلمان بشکست قطعی خود در ملیه هوائی انگلیس بر میخوریم. ۱۸۷ طیاره از دست داد.

در مقابل آلمانها جزیره کرت را از راه هوا تسخیر کرده و ساحلهای کوچك انگلیس آنرا از بین بردند.

۲۲ ژوئن ۱۹۴۱ « اول تیرماه ۱۳۲۰»

در چنین روزی هیتلر مرتکب بزرگترین خطای خود شد و به روسیه شوروی حمله کرد.

۷ دسامبر ۱۹۴۱ «۱۶ آذر ۱۳۲۰»

نیروی ژاپن پرل هاربور را بمباران کرد و امریکا وارد جنگ شد محور رم ، برلن ، توکیو تشکیل گردید .

۱۵ فوریه ۱۹۴۳ «۲۶ بهمن ۱۳۲۰»

ژاپنی هاسنگاپوررا گرفتندو حمله آزمایشی نیروی انگلیس به «دیپ» بدون موفقیت اجرا گردید .

دراینموقع اوضاع روبتحول گذاشت

۴ نوامبر ۱۹۴۲ «۱۳ آبان ۱۳۲۱)

رسماً اعلام گردید که قوای آلمان در بیابان باختر منهزم شده اند و روبه مغرب عقب نشینی میکنند .

۸ نوامبر ۱۹۴۳ «۱۷ آبان ۱۳۲۱»

نیروی امریکا وانگلیس درافریقای شمالی بیاده شدند

۲۳ ژانویه ۱۹۴۳ «۳ بهمن ۱۳۲۱»

ترابلس سقوط کرد .

۲۴ فوریه ۱۹۴۳ «۵ اسفند ۱۳۲۱»

مهمترین نبرد این جنگ یعنی (استالینگراد)

با شکست و تسلیم نیروی آلمان خاتمه یافت .

۱۳ مه ۱۹۴۳ «۲۲ اردیبهشت ۱۳۲۲»

جنگ امریکا با تسلیم کامل نیروی آلمان و ایتالیا بپایان رسید

۱۰ ژوییه ۱۹۴۳ «۱۸ تیر ۱۳۲۲»

حمله به سیسیل .

۸ سپتامبر ۱۹۴۳ «۱۶ شهریور ۱۳۲۲»

تسلیم دولت ایتالیا .

۴ ژوئن ۱۹۴۴ « ۱۴ خرداد ۱۳۲۳ »

تسخیر رم پس از جنگهای سخت وطولانی ومدافعات شدید نیروی آلمان .

۶ ژوئن ۱۹۴۴ « ۱۶ خرداد ۱۳۲۳ »

نیروی متفقین بخاك فرانسه در نرماندی پیاده شد .

۲۲ اوت ۱۹۴۴ « ۱۲ مرداد ۱۳۲۳ »

شروع حمله بزرك نیروی شوروی از یاسی بخاك بالکان و اشغال رومانی ، بلغارستان و عبور از سرحد یوگوسلاوی در اول اکتبر .

۱۲ ژانویه ۱۹۴۵ « ۲۲ بهمن ۱۳۲۳ »

شروع حمله بزرك نیروی شوروی بلهستان و پروس شرقی .

۱۷ ژانویه ۱۹۴۵ « ۲۷ دی ۱۳۲۳ »

سقوط ورشو وتقع رابطه پروس شرقی از خاك اصلی آلمان

۲۳ ژانویه ۱۹۴۵ « ۳ بهمن ۱۳۲۳ »

رسیدن نیروهای شوروی به رود اودر و برسلاو

۴ فوریه ۱۹۴۵ « ۱۵ بهمن ۱۳۲۳ »

تقع حمله متقابله روسها نزدیک مرز پروس غربی

۱۲ فوریه ۱۹۴۵ « ۲۳ فروردین ۱۳۲۴ »

سقوط بوداپست .

۲۳ مارس ۱۹۴۵ « ۳ فروردین ۱۳۲۴ »

نیروی امریکا از رود رین میگذرد .

۱۴ آوریل ۱۹۴۵ « ۲۵ فروردین ۱۳۲۴ »

سقوط وین

۱۸ آوریل ۱۹۴۵ « ۲۹ فروردین ۱۳۲۴ »

نیروهای متفقین که از رود الب گذشته بودند بسرحد

چکوسلواکی رسید و در ۲۷ آوریل نزدیکی لیپزیك به نیروهای شوروی اتصال یافت .

۲۸ آوریل ۱۹۴۵ < ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲٤>

موسیخ مستقط الرأس حزب نازی بتصرف متفقین درآمد

۳۰ آوریل ۱۹۴۵ < ۱۰ اردیبهشت ۱۳۲٤>

نیروهای متفقین به شمال ایتالیا رسید و آزادیخواهان ایتالیائی شهرهای ژن و میلان و تورن را اشغال کردند و موسولینی را اعدام نمودند .

اول مه ۱۹۴۵ < ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲٤>

نیروی شوروی برلن را تصرف کرده رادیوی آلمان خبر فوت هیتلر را اعلام نمود .

۸ مه ۱۹۴۵ < ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲٤>

بنابه تصمیم دریاسالار دونتز جانشین هیتلر دولت آلمان بلاشرط تسلیم شد .

ترجمه: م - ب ۹۷

از ویکهام استید

پنج سال گذشته

حقایقی که هرگز فراموش نخواهد شد!

تسلیم بلا شرط ژاپنیها در خلیج توکیو ، هونك کونك و سنگاپور نشانه پایان شش سال جنك سخت و طاقت فرسا برای جهانیان بخصوص چین و امریکا و انگلیس بود . چینی ها که از شش سال هم تجاوز نموده و بیش از هشت سال با دیو مهیب جنك درزدوخورد بوده وبالاخره با همراهی وکمك متفقین دشمن خویش را به زانو در آوردند .

مقایسه

نبرد هائیکه کشور های آزادیخواه جهان با ناپلئون نمودند اگر چه مدتی بیشتر بطول انجامید ، معهذا اینقدر شدید و سخت نبود ودنیا نظیر معاناتی که از سپتامبر ۱۹۳۹ تا آوریل ۱۹۴۵ دید هرگز بخود ندیده بود . زیرا در آن زمان نیروهای کمتری مشغول نبرد بودند فشار مالی بی نهایت سبکتر و بعلاوه زندگی ملی و اجتماعی ملل بخصوص انگلیس خیلی کم تغییر و تبدیل یافت . بعمل ناپلئون پس از نبرد مشهور ترافالگار درسال ۱۸۰۵ میلادی بمراتب کمتر و بالاخره با نهایه جنك واترلو کاملا از بین رفت .

شروع

پس از مرتفع گشتن آن خطر دیگر کسی یا دولتی بخیال حمله بر انگلیس نیافتاد تا سال ۱۹۴۰ که هیتلر دست اعظم خاك فرانسه را اشغال نمود . ناحیه گاله را مسلح و تمام سربازان خویش را در سواحل شمالی کشور کل متمرکز گردانند

بیفایده

آلمانیها درجنك بین المللی اول یعنی در سالهای بین ۱۹۱٤ و۱۹۱۸ میلادی هم سعی بلیغی برای جلوگیری از عبورسربازان انگلیسی از دریای مانش و کانالی که بین فرانسه و آن کشورقرار دارد نمودند ، ولی فایده ئی نبخشید . زندگی آندورهٔ انگلیس بحدی که دردوران جنك اخیر مورد خطر و اضمحلال قرار گرفت تحت فشارواقع نشد .

هر ملت دیگری

امروز ملت انگلیس نفس راحتی میکشد واز اینکه ازبلای بزرگی رهائی جسته دلشاد است . موقعیت جغرافیائی انگلستان در عین حال که تا بحال بنفع او بوده است برای وی خطراتی هم دارد منتهی اتحاد و یگانگی بی نظیری که در بین افراد ملت انگلیس ، بخصوص در هنگام بروز خطر ، وجود دارد او را ازهر نوع مخمصه ئی رهائی میبخشد . چنانچه این جنك بهترین نمونه آن بود . هر گاه ملت دیگری سوای انگلیس بود بدون تردید درزیر بمبارانهای سخت ۱۹٤۰ که هواپیماهای آلمانی هر دقیقه وثانیه نقاط مختلفه جزیرهٔ بریتانیا را از زیر پا میگدرانیدند زود تسلیم گشته واسلحه را برزمین میگذارد .

دومینیون

البته زمانی را که دو مینیونها و مستعمرات امپراتوری انگلیس چون کانادا ، استرالیا ، زلاند جدید ، افریقای جنوبی وهندوستان متحمل گشته نباید ازنظردور داشت . تمام امپراتوری انگلیس دومال قبل از اینکه هیتلر بروسیه حمله برد و بیش ازدو سال قبل از اینکه ژاپن بر (پیرل هاربور) هجوم کند ، در آتش

جنگ سختی میسوخت بااین‌دومیلیون ومتصرفات که همیشه بانگلستان کمك کرده اند در این جنك نیز او را تنها نگذارده و دوشا ... ش وی برای نابود کردن دشمن بجنك تن در دادند .

یکسال دیگر

یکسال دیگر با سختی و مشقت سپری شد . همه مشکوك بودند که آیا بالاخره دست آلمان و ژاپن در خاور میانه بهم رسیده و اینك کمر امپراتوری انگلیس را قطع خواهند کرد یا خیر ؟ آیا دول محور پس از الحاق لشکریان خویش بهم به استرالیا و زلاند جدید حمله ور میگردند ؟

العلمین و . . .

ولی عقب نشینی آلمانها از العلمین که شصت و شش میل تا اسکندریه فاصله دارد در اواخر سال ۱۹۴۲ و تسلیم لشکریان او در استالین گراد هر نوع شك و تردیدی را از بین برد متفقین در یافتند که آلمان دیگر نه تنها قادر به پیشرفت نیست بلکه از نگاهداری مستملکی هم که اشغال کرده است عاجز خواهد ماند . بعلاوه امید دول محور دایر برسیدن بهم وفتح ایران وهندوستان و مصر و مستملات متفق بر نواحی دیگر جهان کاملا از بین رفت ونقش برآب شد .

تعادل

تا زمانی که کشورهای متحدة امریکا زخم های (پرل‌هاربور) التیام نداد وضع اقیانوس کبیر تا حدی روشن نبود بتوان گفت که تقریبا تعادلی در کار بود .

پنهان هیم

پس از مدتی قلیل کشور هائی چون برمه ، مالایا ، سنگاپور

جزایر هند هلند ، فیلیپین و زلاند جدید یکی پس از دیگری از دست میرفت وتحت اشغال سربازان زرد پوست درمیآمد . استرالیا و زلاند جدید تنها دو کشوری بودندکه سربازان ژاپونی را بخود ندیدند ولی حمله بر اولی حتمی بودچه نیروهای مسلح ژاپن خود را تا پنجاه میلی سیدنی رساندند .

ورق برمیگردد

ولی پیروزی دریائی کشور های متحدهٔ امریکا در دریای مرجان وکانال گودال ورق را برگرداند وراه پیروزی رابرای پیشرفت نیروهای دریائی متفقین باز نمودواین موفقیت در حقیقت باب جدیدی را در دوران جنك افتتاح کرد، زیرا از آن پس هر روز مقدار معتنابهی سرباز و تسلیحات وغیره به نیروهای دریائی زمینی وهوائی متفقین میرسید .

در تاریخ امپراتوری انگلیس خطری به بزرگی و عظمت آن سالی که ژاپونیها تمام نقاط فوق الذکر را اشغال کرده بودند دیده نشده ولی باز جای آن دارد که ذکر شود فقط استقامت و خونسردی انگلیس ها آن خطررا مرتفع ساخته و پیروزی حقیقیرا جانشین کرد .

امید ها

پس از تسلیم بلا شرط آلمان دول متفق بخصوص انگلیس و فرانسه و روسیه امید داشتند که شاید بتوان صلحی و مصالحهرا با کسب پیروزی از یاد برد و لی متاسفانه اردوهای زجر و مشقت وکاری که آلمانیها در چند ساله پیروزی موقت خود تشکیل داده و ملت کشور های اشغال شده را به بدترین نحوی عذاب دادند این امید هارا از بین برد .

این یکی هم

چون ژاپن هم تسلیم متفقین گردید صفحهٔ جدیدی در تاریخ

بدبختی بشرباز شد و روزی نیست که خبر های موحش و اسف انگیزی از شقاوت سربازان ژاپونی نسبت به اسیران جنگی و افراد مللی که در اقیانوس کبیر و چین تحت انقیاد در آوردند شنیده نشود .

هر چه بر تعداد این اخبار افزوده گردد بهمان نسبت هم متفقین درنابود کردن اساس استبداد و دیکتاتوری راسختر و عزمشان جزمتر میگردد .

امپراتور

هنوز معلوم نیست که امپراتور نیمه مقدس ژاپن که برای افراد خود جنبه الوهیت و خدائی دارد تا چه اندازه مسئول این خرابکاری میباشد . تنها امری که بر متفقین مسلم گشته آنست که اطرافیان او که مجتمعاً نام « لرد ها و ارباب های جنگی » بایشان میدهیم از هر حیث مسئول و باید در صف جنایتکاران جنگ درآیند .

بزودی عموم مسببین جنگ آلمان هم درمحکمه حضور خواهند یافت . مهمترین افرادی را که از این دسته باید نام برد دکتر شاخت مالیه چی معروف است که هیتلر بدون او امکان نداشت بتواند سیستم نازی خویش را شروع و بکار اندازد .

برای محاکمهٔ این افراد دسته ئی از قضات و داوران عالی رتبه انگلیس انتخاص داده شد بعلاوه هیئتی هم از امریکا بسمت بازپرسی کبیر عازم گشتند تا در این محاکمهٔ تاریخی شرکت کنند

بقلم : فرانسوا موریاك عضو آکادمی فرانسه

برای خاطر نوع بشر

«فرانسوا موریاك عضو آکادمی فرانسه مقاله مؤثری بعنوان »
« «برای خاطر نوع بشر» درروزنامه فیگارو بتاریخ هشتم اکتبر»
« نگاشته است که «به نیکوترین وجهی نشان میدهد چگونه هنوز»
« برخی خوش بینان تصور میکنند کابوس جنك درجهان نابود »
« نگردیده و چگونه انسانیت بدبخت وفرسوده درمعرض خطر »
« جنك دیگری قرار گرفته است اینك این مقالهٔ پر معنی از »
« مد نظر خوانندگان گرامی میگذرد . »

***

من از جملهٔ آن ساده لوحان نیستم که بگویم : « چون در روزنامه نوشته شده است صحیح است . . » با این همه خبری را که بسیاری ازاشخاص مانند من در روزنامه ها خوانده‌اند در اینجا نقل میکنم : « امریکائی ها با عده کثیری ازکار شناسان بمب های بالدار آلمانی و اتریشی برای پنجسال قرار دادی منعقد ساخته اند و این کار شناسان بزودی بطرف امریکا حرکت خواهند کرد و میتوانند تمام افراد خانواده خود را نیز همراه ببرند ازجمله آنها یکی فیشر مهندس معروف آلمان است »

بدیهی است در این موقع که جنایتکاران جنك میروند در مقابل دادگاه نورمبرك حساب جنایات وفجایع خودرا پس دهند معلوم است که مدافعین آنها از این خبر درصورتیکه صحت داشته باشد تاچه اندازه استفاده خواهند کرد وبعلاوه برای یك روزنامه نگاری که مختصر استعدادی داشته باشد تاچه اندازه مایه تعجب خواهد بود .

البته این داستان در ظاهر چندان مهم بنظر نمی آید و بعلاوه ما قصد آنرا نداریم که در اینجا ازمتفقین بزرگ خودمان گله‌ای نمائیم لیکن باید تصدیق کنیم که این خبر بهترین گواه شکست موحشی است که بر نوع بشر وارد آمده است زیرا به نیکو ترین وجهی میرساند که هر سازمانی که بعد از این در جهان از قبیل جامعه ملل وغیره بوجود آید هیچگونه فائده بروجودش مترتب نخواهد بود

آیا یك شورای خانوادهٔ که یکی از ثروتمند ترین اعضای آن در مقابل طرفداران لرزان و سلامت خود برای حفظ منافع خویش مسلسلی همواره بدوش داشته باشد یك شورای خانوادهٔ حقیقی خواهد بود؟ گاش این داستان درمیان جایلیان میبافت اما متأسفانه معنی بشری دارد یعنی نشانه پیروزی ماده بروح است

پس از دسال تصادی انسانیت که در خواب غفلت و گرفتگی عجیبی درآمده بود ناگهان میتوانست از اعلامیهٔ حقوق انسان و متمدن ملتهای متفق مدتی بخواهد و بشر پس از استعمال ماشین های عجیب کشتار نابا میتوانست چندی از مثال این بدبختی بزرگ آگاه گردد و خصوصاً برای آنکه بشر از این فاجعه تازه مغلوب و منکوب بیرون نیامد بلکه طرف خود را نیز از دست داد زیرا ما امروز می بینیم که در این جنگ بستی و مذلت و خونخواری بشر بحد درجه رسیده است

هر گاه من اعضای قرارداد بمثال امریکائی ما بموقعی آلمان فیلسوف بلندپایه‌ای را بر گزار آن استخراج میکردم که « ما هیچ امیدی بحفظ صلح نداریم مگر « آنکه تمام وسائل خرابی و انهدام را ضبط کنیم « حتی وسائلی را که برای ارتکاب چنین جنایتی « اختراع گردیده و آنانی وسائل متهای استفاده را بدهیم »

اینست درسی که امریکا بما یاد میدهد یعنی هیچ امیدی بمعنویات نباید داشت و دلایل معنوی امروز وجود خارجی ندارد زیرا روحی برای پذیرفتن آنها نیست . بعلاوه رهبران ملت های بزرك طوری رفتار میکنند گوئی فاقد روح اند . نظر ملت های بزرك امروز اینست که انسانیت بکلی باید از عقاید زیبای معنوی چشم بپوشد وتمام امید خود را برای حفظ صلح جهان متکی بدان نماید که چنان اسلحه های موحش وخانه براندازی اختراع کند که از بیم آن کشور های رقیب نتوانند بجان یکدیگر افتند زیرا در چنین موردی خود و دنیا را نابود خواهد ساخت .

بسیارخوب بنظرما وظیفه آنانیکه امیدوارند مجلس مؤسسان فرانسه بزودی با تصویب بهبود وضع کارگر ورنجبر ثابت خواهد کرد که هنوز به معنویات عقیده دارد آنستکه باتفاق سایر ملتهای آسیب دیده بنمایندگی روح درمقابل ماده قیام نماید و بملت های بزرك که بهترین اختراع را آن میدانند که بیشتر موجب مرعوب ساختن طرف گردد ثابت کنند که عالیترین اختراع بشر بدست آوردن اصول معنوی واخلاقی خاصی است که جنگ را یکسره از جهان نابود کنند .

یك حملهٔ اسرار انگیز بر خاك آلمان

حمله ایکه سر نوشت آلمان را تغییر داد

یاسی از شب میگذشت ، یکدسته از هواپیماهای انگلیسی که مرکب از ۶۰۰ بمب افکن سنگین بود ، شبانه آسمان دریای شمال را در هم میشکافت و غرش کنان بسوی کرانه های آلمان پیش میرفت . فردای آنشب ستاد نیروی هوائی انگلیس این خبر مختصر را منتشر ساخت :

« برخی ازنقاط ناحیهٔ «پنی‌مونده» واقع‌درآلمان که دارای تأسیسات نظامی و جنگی بوده ، در شب گذشته مورد حمله‌هواپیماها قرار گرفته است . »

در پس این خبر مبهم و مختصر یکی ازمهمترین داستانهای جنك پنهان شده بود ، فرماندهی بمب افکنهای انگلیس در یك جنك هوائی بر دشمن فائق آمده و موازنه جنك را بسود متفقین بهم زده بود . معهذا این حادثهٔ بزرك که تا مدت یکسال ، یعنی تا هنگام ظهور و انفجار بمبهای بالدار بر فراز لندن ، مخفی ماند و هیچکس جز عدهٔ معدودی از حقیقت آن خبر نداشتند .

در بهار سال ۱۹۴۲ که حملات هوائی متفقین بر شهرهای آلمان آغاز گردید ، سران نازی بجنب و جوش درآمدند وبرای برای حفظ شهرها و نقاط حیاتی خود مصمم شدند که تمام فعالیت کارخانه‌های هواپیما سازی آلمان را صرف ساختن شکاریها کنند ، چندی بعد با آنکه تصمیم آلمانیها انجام شده و محصول کارخانه‌های هواپیما سازی ایشان تقریباً بشکاریها منحصر شده بود ، نیروی هوائی آنان از دفع حملات حریف عاجز آمد و نقاط حیاتی آلمان طعمهٔ بمبهای آتشزا و انفجاری گردید .

تنها برای آلمانیها یك راه امید باقیمانده بود و آن بمبهای بالدار بود که در آنهنگام نمونه هائی از آن مورد آزمایش قرار گرفته و رضای خاطر سران نازی را فراهم ساخته بود.

اگر این سلاح بمقدار فراوان تولید و وارد عرصهٔ کارزار میشد، دولت نازی میتوانست بدون از دست دادن بمب افکنهاو هواپوردان آزمودهٔ خویش، حملات مخرب را بر نقاط حیاتی حریف ادامه دهد و توقع ملت ناراضی آلمان را در گرفتن انتقام از دشمن بر آورد.

بفرمان هیتلر اقدامات لازم برای تکمیل بمبهای بالدار و ساختن مقادیر معتنابهی از آن شروع شد. مرکز اصلی تهیه و تکمیل این سلاح در یکی از مؤسسات هواپیما سازی واقع در ناحیهٔ «پنی موندہ» بود. پنی مونده در سواحل جنگلی دریای بالتیك است و ۷۰۰ میلی از انگلستان فاصله دارد. بهترین استادان فنی کارخانه های هواپیما سازی و نخبه ترین مهندسین کارخانه‌های فلز کاری آلمان بدین نقطه فرستاده شدند. با سر پرستی ژنرال «ولف کاپرنسکی» دانشمند کار دیدهٔ و ۴۹ ساله آلمانی شروع بکار نمودند. شمارهٔ این دانشمندان و مهندسین بچندین هزار نفر میرسید.

در ماه ژوئیهٔ سال ۱۹۴۳ دائره جاسوسی انگلستان، باوجود فعالیت شدید «گشتاپو» آلمان درپنی مونده تشکیل شده مطالعات بسیار دربارهٔ گزارشهای جاسوسان ودقت درعکسهائی که بوسیلهٔ هواپیماها از پنی مونده برداشته شده بود بستاد نیروی هوائی امپراتوری پیشنهاد کرد که پنی‌موندہ‌را بمباران کند ومارشال «هاریس» فرماندهٔ نیروی هوائی تصمیم گرفت که این حمله را درپکی از شبهای مهتابی ماه بعد انجام دهد.

اتفاقاً در همان اوقات از مراقبت آلمانیها نسبت به پنی‌مونده

کاسته شده بود . بمب افکنهای شبانه نیروی هوائی انگلیس مرتباً همه شب برای بمباران شهرهای « اشتتین » و برلن از فراز بنی مونده میگذشت و مسئولین امور بنی مونده که بگفتن ملیارات دشمن خو گرفته بودند تصور نمیکردند که نیروی هوائی انگلیس از اهمیت این نقطه با خبر شده باشد .

عکسهای هوائی مخصوصی که برای حمله بر بنی مونده ضرورت داشت ، بدون آنکه نظر آلمانیها جلب شود در ضمن پرواز های مقدماتی بر بنادر بالتیک برداشته شد . این تصاویر بطرز احسن نقشه حمله اجازه داد که هدف اساسی را که باید بیش از سایر نقاط مورد هجوم هوایپما قرار گیرد مشخص کنند .

هدف نخستین را قسمت مسکونی دانشمندان و مهندسین ، هدف ثانوی را کارخانه ها و جایگاههای بمب ، هدف سوم را ساختمانها و بناهای مستقل نقشه های سلاح مزبور معین کردند . از شب ۱۷ اوت که در آنوقت ماه تقریباً بصورت فرص کامل جلوه گر میشد برای حمله انتخاب گردید .

هنگام پرواز نقطه پیرانوردان گفته شد که بنی مونده یکی از مراکز عمدهٔ آزمایش دانشگاه و رادار و مرکز اجتماع متخصصین این دستگاه است و باتان توصیه کردند تا آنجا که ممکن است عدهٔ بیشتری از این متخصصین را نابود کنند و فرمانی که از طرف فرمانده نیروی هوائی صادر شده بود بدین مضمون برای ایشان خوانده شد :

« اهمیت فوق العاده این حمله و لزوم تخریب آنرا بسه مرتبه بسمع شما رسانده ام و خصوصاً باتان یاد آوری میکنم که ضامن تخریب این هدف بلندی هر چه بیشتر پرتاب بمب و هرگاه تیره حمله رعایت بعمل نیاید و منظور بمباران نیروی هوائی بی آورده شود بدون توجه بصدمات و خطرات و اشکالات درجه‌های بعد نیز این تکرار خواهد شد »

در حدود ۶۰۰ بمب افکن چهار موتورهٔ سنگین در افق انگلستان اوج گرفتند و از طریق غیر مستقیم بسوی پنی مونده متوجه شدند ومدافعین پنی مونده ظاهراً بعادت همیشگی مقصد بمب افکنهارا « اشتتین» یا برلن تصور میکردند غافلگیر شدند .

نخست طیارات اکتشافی آهسته و آرام بروی هدف فرود آمدند و موشکهای رنگین خود را در اطراف آن فرو ریختند . سپس بمب افکنها دسته بدسته بمبهای شدید الانفجار و آتشزای خود را از فاصله چند هزار پا بر روی سه هدف پیش گفته افکندند . درمدت ۴۰ دقیقه زمین بدوزخی نورانی و فروزان مبدل شد . هنگا میکه آخرین دستهٔ هواپیما ها بمبهای خود را فروریخته مراجعت پیش میگرفتند ، شکاریهای شبانه آلمان که بیهوده اطراف برلن انتظار دشمن را داشتند سررسیدند و با بمب افکنها گلاویز شدند . ۴۱ بمب افکن انگلیسی در این نزاع تلف شد ولی پیروزی که یکی از بزرگترین پیروزیهای هوائی جنك بود نصیب انگلستان گردید .

بامداد روز بعد یك هواپیمای اکتشافی از خرابیهائی که بشهر وارد شده بود عکس برداری کرد ، نیمی از ۴۵ ساختمان که مسکن دانشمندان ومهندسین فنی بود با خاك یکسان ونیمهٔ دیگر نیز از حیز انتفاع افتاده بود .

بلافاصله ۵ دستگاه از ساختمانهای مخصوص بکارخانه و آزمایشگاهها نیز بکلی ویران و ۵۰ ساختمان دیگر بشکلی آسیب دیده بود . چند روز بعد نیز بتدریج اخبار رسانیدن بخش دیگر از گروه و گمار فراوان رسید .

از هفت هزار دانشمند و مهندسی که درپنی مونده گردآمده بودند ۵ هزار تن کشته یا ناپدید شدند . زیرا در اواخر حمله انفجار بمبها با انفجار مخازن زیر زمینی وغیره توام گشته چنان

انفجار مهیبی ایجاد کرده بود که حتی مردمی را که در سه میلی بسر میبردند کشته بود !

درنتیجه این واقعه ظهور بمبهای بالدار درعرصهٔ جنگ ششماه بتأخیر افتاد و آلمانیها نتوانستند سلاح سرّی را در موقعیکه برای استعمال آن معین کرده بودند بکار اندازند .

اگر پنی مونده دچار حمله مهیب و ماهرانه حریف نمیشد و استعمال بمبهای بالدار برای خراب کردن لندن و سایر نقاط حیاتی انگلستان ششماه تباخیر نمیافتاد بیشك این سلاح درآن تاریخ تأثیر فراوانی در سر نوشت جنك میکرد و شاید پیکار را بنفع آلمانیها خاتمه میداد .

جواهرات سلطنتی ورتامبرك

بقراری که روزنامه (فرانس سوار) مینویسد جواهرات سلطنتی ورتامبرك با چندین ملیون فرانك طلا در زیر زمین یك خانهٔ دهقانی واقع در نزدیکی بلدن کشف گردیده است . این جواهرات عبارت از یك تاج بسیار زیبای مزین به نگینهای الماس و دست بند ها و یك عصای سلطنتی از طلا و دیگر جواهرات تاریخی میباشد ماموراین جواهرات بدست افسران فرانسوی که درجستجوی آن کاران جنك بودند کشف گردیده است .

ملاقات ترومن و اتلی

اتلی نخست وزیر انگلستان روز بیستم آبان باهواپیما بواشنگتن وارد ومدت اقامتش درامریکا دوهفته بطول خواهد کشید .

مستر اتلی نخست وزیر انگلستان

مذاکرات وی باپرزیدنت ترومن درباره مسائل مختلف از جمله بمب اتمی خواهد بود ممکن است که مکنزی کینگ نخست وزیر کانادا نیز در انجمن آنان شرکت جوید شاید در پی این کنفرانس انجمن سه پیشوا (اتلی - استالین - ترومن) در آنجا تشکیل شود .

احتمال قوی میرود که مسائل زیر در موقع ملاقات این دو پیشوا در واشنگتن مطرح مذاکره قرار گیرد : ۱ - قضیه فلستین ولزوم حل مسالمت آمیز آن . ۲ - قضیه نیروی اتم و بمب اتمی و چگونگی استفاده از آن . ۳ - روابط بازرگانی اقتصادی امریکا وانگلستان ٤ - مسئله شکست کنفرانس وزیران امور خارجه متفقین که درلندن منعقد شده بود

جامعه ملل در گذشته و حال

این نکته شایان نهایت توجه است که در حین جریان وقایع سیاسی فوری و مهم حال حاضر کمیته مقدماتی سازمان ملل متفق که در لندن مشغول تهیه مقدمات افتتاح سازمان مزبور است بهیچوجه جلب نظر نکرده است و مردم و مطبوعات جهان بآن اهمیت نداده اند. دستگاهی که برای حفظ صلح جهان بکار افتاده باید مورد عدم توجه مردم جهان قرار گیرد ولو اینکه قسمت مهم عملیات آن غلط و یا صحیح از نظر مردم پنهان باشد زیرا موضوع بسیار بی اهمیتی در تاریخ نژاد بشر در شرف وقوع است.

بشرح اثر آزمایش اشتباه ترقی میکند و مقایسه بین سازمان ملل متفق سال ۱۹۴۵ و جامعه ملل گذشته که در سال ۱۹۱۹ بوجود آمد بخوبی معلوم میدارد که چگونه سازمان جدید تکامل یافته است

جهانیان بخاطر دارند که جامعه ملل گذشته بهیچوجه کوتاهی نکرد و عدم موفقیت آن در نتیجه کوتاهی و قصور ملل بود که آنرا تشکیل میدادند.

ملل کوچک و بزرگ جهان که از این موضوع سرمشق گرفته اند اکنون چنین تصمیم دارند که نداشتن نیروی نظامی و قدرت اجبار نباید دیگر جامعه ملل جهان را فلج کند.

یکصد رای اعضاء یک کمیته کارشناسان سیاسی و واحدهای نیروی هوائی مرکب از واحدهای ملی اعضاء جامعه قدرتی به اختیار سازمان جدید ملل متفق میگذارد که بهیچوجه با اختیارات و قدرت جامعه ملل قدیم قابل مقایسه نیست.

برخی تصورمیکنند که مطالب فوق قبل از ماه ژوئن امسال یعنی تاریخ پیدایش بمب اتمی صحیح بود وچون این بمب کلیه اصول جنك و لشکر کشی را منقلب کرده است دیگر کار شورای امنیت و سازمان ملل متفق بسیار سبك شده است ولی این موضوع اشتباه عظیم و خطرناکی است.

اگر قرار باشد جنك آینده جنك بمب اتمی و موشك های عظیم و دارای برد بسیار باشد بنابراین فوریت و اهمیت مسئولیت سازمان ملل متفق و شورای امنیت ده برابر و بلکه صد برابر زیاد میشود وباید بمبی که برشهرناکازاکی فرو ریخته شده آخرین بمبی باشد که در جنك برشهرهای جهان ریخته شده است این تصمیمی است که برای اجرای آن سازمان ملل متفق بوجود آمده است واگر در این تصمیم شکست بخورد آینده تمدن بشر نابودی است.

ازاین جهت کلیه جهان متمدن باید در این تصمیم متفق باشند که سازمان ملل متفق نباید بهیچوجه عدم موفقیت حاصل کند ویااینکه اصولا فکر عدم موفقیت در آن راه یابد.

هنگامیکه کنفرانس سانفرانسیسکو تشکیل شد پیش بینی هائی راجع باختلافات آینده شده بود و یکی از بزرگترین این اشکالات که شاید مهمترین آنها بود عدم رضایت دولتهای کوچکتر ازنظریه هرج مرج پنجدولت بزرگی که اعضاء دائمی شورای امنیت را تشکیل میدادند بود. این پنج دولت عبارت از انگلستان امریکا، روسیه، فرانسه چین میباشد دلیل موفقیت ممتاز این پنج دولت روشن است.

اختیار وحکومت معمولا در دست کسانی است که دارای قدرت و قوت میباشند این منطق بتوسط پاره ای از دولت ها علناً مورد استفاده قرار گرفت ولی پاره دیگر چنین تصور میکردند که اگر شورای امنیت یعنی هر یازده عضو که عبارت از شش دولت کوچك بعنوان کلیه اعضاء دائمی غیر ثابت و پنجدولت بزرك بعنوان

اعضاء دائمی باشد دارای حقوق و رأی مساوی باشند مسئله تسلط و هرج مرج دولتهای بزرك كمتر نمایان میشود .

بدیهی است تصور اینکه هر چهار دولت بزرك و هر شش دولت کوچك عضو شورای امنیت درتمام موارد برضد دولت بخصوصی رأی بدهند خارج از موضوع است و موضوع توهم از اینکه ناشی از ترس و واهمه یکی از دولتهای بزرك ازائتلاف بر ضد وی و یابمنظور تثبیت تسلط دولتهای بزرك باشد کار شورای امنیت را فلج مینماید.

مستربوین چندی پیش اظهار داشت که مزایای دول بزرك درشورای امنیت بخصوص مسئله «وتو» انقدرهم که تصور میرود مهم نیست ولی این حرف درصورتی صحیح است که ازحق «وتو» سوء استفاده نشود سازمان ملل متفق مظهر یك فکر بسیار عالی است ودرعین حال یکموضوع بسیارعملی و مهمی برای آینده جهان بشمار میرود . این سازمان بزرك اسباب و ابزار مقدماتی برای حکومت بین المللی است و برای مرتبه اول در تاریخ تمدن بشر بیك سازمان بین المللی قوه مجریه نیز عطا شده است .

ازاین دوحقیقت یك سلسله همکاریهای محلی وبین المللی بوجود میآید ولی راه رسیدن باین هدفها همواره صاف وبی عقبه نیست

حاضر ساختن یك سرویس اداری بین المللی که کارمندان آن از بین زنان و مردان پنجاه ملت گوناگون انتخاب شوند و تعهد کنند که وفاداری نسبت بسازمان ملل متفق را مقدم برهرگونه وفاداری بکشورهای مربوطه خود قرار دهند کار بسیار بزرگ و سنگینی است . تنها امیدواری مختصری مبنی براینکه این سازمان موفق خواهد شد کافی نیست بلکه باید با ایمان برحمراوتی بهر قیمت شده کاری کرد که این سازمان موفق گردد اگر یك سازمان بین المللی نتواند از وقوع جنگ جلوگیری کند بعید بنظر میرسد که ملتهای جهان مستقلا وخود بخود باینکار موفق گردند .

اخلاق ورسوم ژاپنیها

ارتشی مرکب از یك میلیون و نیم سرباز شروع باشغال جزائرژاپن نموده است‌این بیگانگان یاباصلاح ژاپنیها «سیوجینها» قطعاً ازاخلاق وآداب عجیب مردم کشور ژاپن‌بحیرت‌خواهند افتاد .

گایشاها

سئوالی که اغلب اوقات از مسافرینی که اززاپن بازگشته‌اند مینمایندراجع بگایشاها است . درزندگی مردم این سرزمین بقدری گایشاها اهمیت دارندکه ژاپن معروف بکشور گایشاها شده است معذلك نباید این تعریف را صحیح دانست زیرا در حقیقت گایشاها مخصوص طبقه ممتازه هستند که درژاپن اقلیتی را تشکیل میدهند

گایشا کیست ؟

این موجود زیبا که جذابیت و حرکات دلفریبش در اشعار شعرائی که ژاپن را سیاحت کرده‌اند توصیف شده است برخلاف تصور عده زیادی زن معروفه نیست . گایشا باید باصول تربیت و هنرپیشگی آشنا باشد و همین آشنائی باین اصول او را در جامعه ژاپنی فرد ممتاز میگرداند . گایشا خدمات خود را درمقابل مبلغی که ازقرار ساعتی تعیین میشود انجام میدهد وهنگامیکه اورا کسی اجیر کرده این مبلغ را باو میپردازد .

گایشا چه کارهائی انجام میدهد ؟

وی بمصاحبت کسانی که او را دعوت میکنند میپردازد و باید بتواند آوازبخواند ، سامیزن (تارژاپنی) بنوازد ، رقص کند سخنان نغزبگوید درمباحث عشقی بامربوط بهنر های زیبا یا مسائل اجتماعی و سیاسی اظهار نظر کند ، و نوشابه خوراك تعارف کند باگرشمه وناز دیگران‌را سرگرم کند بالجمله در مهمانیها بضیافتی

کرده واین ضیافتهارا با حرکات واطوار خود شیرین ودل انگیز سازد . درژاپن میهمانی یا گردش بدون گایشا معنی ندارد و چون زن نمیتواند در مجالس پذیرائی شرکت کند یا بمصاحبت میهمان بپردازد گایشا این کار را انجام میدهد .

زن

اگر از خارجیها سئوال شود که آیا بمنزل ژاپنیها رفته و یا در میهمانی آنها شرکت کرده‌اید یا نه بندرت جواب مثبت داده میشود زیرا به خانه‌های ژاپنی صورت حرم ندارد که زنها در آن محبوس باشند ولی زن اصولا در روابط و مناسبات شوهر خود با خارج دخالتی ندارد و در حقیقت موجود منزوی است که منحصرا بامور داخلی خانه و تربیت بچه ها و اگر پدر شوهر و مادر شوهر هم داشته باشد بمواظبت آنها میپردازد زن ژاپنی باید اصل ۳ نوع اطاعت را رعایت نماید یعنی پیش از ازدواج باید از پدر ومادر خود و پس از ازدواج ازشوهر و درصورت مرگ شوهر ازفرزند خود اطاعت کند . زن ژاپنی صفات نیکوئی دارد که همه آنها لطف و محبت وتواضع و وفاداری است چون از حقوق ومزایای اجتماعی خود محروم میباشد یکی ازاقدامات مهمی که باید بموازات استقرار اصول عدالت و دموکراسی در ژاپن بعمل آورد تامین آزادی نسوان و تساوی حقوق زن و مرد میباشد .

کودکان

ژاپن معروف بهشت کودکان است و وجه این تسمیه آن است که ژاپنیها نسبت باطفال خود توجه مخصوص دارند و روش صحیح اصل کودکان ژاپنی همیشه با تربیت ، عاقل ، مؤدب ومتبسم میباشند و اگر یکنفر خارجی بینند تعریفی نمیکنند .

غالبا اتفاق افتاده است که من مدتی درباغ ملی یا درجاده‌ای توقف کرده و باکودکان ژاپنی سرگرم صحبت ومکالمه با این کودکان

حیرت آور است زیرا در کشوری که تکلف بحد اعلی حکمفرماست سادگی جواب وسئوال اطفال قابل توجه میباشد معذلك باازدیاد سن وباکناشتن بدوران بلوغ تغییرات زیادی دراخلاق آنها پیدا میشود بطوریکه همین که دوران کودکی آنها بپایان رسید مردمانی دقیق پرحرف ، وقت‌شناس شده ودر صحبت خود باخارجیها پیوسته سعی میکنند عظمت امپراتوری ژاپن را یاد آور شده و مخاطب بیگانه خود را متقاعد سازند که ژاپن را یاد آورشده و مخاطب بیگانه خود را متقاعد سازند که ژاپن کشور آسمانی وما فوق الممالك دیگر میباشد .

مذهب

ژاپنیها تعصب مذهبی چندان نداشته ودین درنظر آنها جنبه تفریح وتفنن را دارد .

ادیان مهم شایع در ژاپن مذهب بود، مسیح کنفوسیوس میباشد . تقریباً عموم ژاپنیها پیرو یکنوع آئین مخصوص بنام « شینتوئیسم » میباشند این مسلك که بنام « راه خدایان » موسوم است بر اصول احترام و تقدیس نیاکان و بویژه گرامی داشتن ارواح خدایان دیرین یعنی امپراتوران سابق ژاپن مؤسس میباشد بطور کلی در کشور آفتاب یافتن یکنفر که دارای مذهب معین و خالصی باشد غیر مقدور است و معتقدات مردم این سر زمین معلولی ازادیان ومذاهب مختلف که باخرافات زیادی توأم است میباشد .

من با چند تن ژاپنی سوابق دوستی دارم که ایشان خود را کاتولیك معرفی میکردند درصورتیکه امپراتور را بمنزله پاپ اعظمی که از طرف خدا بر گزیده شده میپنداشتند .

نظافت

یکی از صفات مشخص ژاپنیها علاقمندی فوق العاده بنظافت

بدن میباشد چنانچه تعداد گرمابه های شهر توکیو متجاوز از سه هزار میباشد بیشتر منازل ژاپن دارای حمام است واهالی این کشور شستشوی بدن را بمانند خوراك روزانه امری واجب و لازم شمرده هر روز باستحمام آبهائی که درجه حرارت آن به ۴۰ درجه سانتیگراد میرسد استحمام مینمایند . معمولا حمام جای ملاقات عمومی بوده و هر روز صبح اهالی ژاپن در موقع شستشوی بدن از اخبار شهر اطلاع پیدا نموده و گرمابه بهترین میعاد برای دید و باز دید های دوستانه میباشد .

انتحار

خود کشی « هاراکیری » در کشور ژاپن بعکس سایر ممالك امری بسیار عادی میباشد گوئی مردم این سر زمین از اهالی ممالك دیگری علاقه ومیل کمتری بحیات و زندگی خود دارند از مرك نمیترسند و با اراده خود بحیات خویش خاتمه میدهند .

اغلب ژاپونیها بعلت خجالت و چنانچه خود میگویند برای اینکه رو و چهره خودرا از شرمساری و خجلت نجات دهند بخود کشی متوسل میگردند . اغلب جهت اعتراض با فوق خود انتحار کرده و باصطلاح خود مثل این است که یك نامه فوری با خون برای او مینویسند .

نوع دیگر از خود کشی که در ژاپن تحت عنوان « منجو » خوانده میشود و آن انتحار عاشق و معشوقی است که ازدواج آنها با یکی غیر ممکن بوده و یا موانعی در پیش دارند . اغلب این نوع انتحار ها دو جانبه میباشد و بیشتر اتفاق میافتد که این عاشق ومعشوقها خود را در دریا غرق میکنند یا اینکه بالای کوه رفته انگشتهای دستهارا درهم نموده و یکباره خود را بطرف پائین پرتاب نموده و برای همیشه دنیای دیگر رهسپار میشوند .

یك مقالهٔ خواندنی

رقابت در خاور میانه

« جیمس لاندیس یکی‌از بزرگترین روزنامه نگاران امریکائی »
« است که مدت ۱۶ ماه از سپتامبر ۱۹۴۳ ریاست اداره »
« عملیات اقتصادی امریکا را عهده دار بوده است و بعنوان »
« نماینده امریکا در اداره حمل و نقل خاور میانه و رأی زن »
« مخصوص سفارت خانه های امریکا در بغداد و قاهره و تهران »
« در مسائل مربوط به خاور میانه نقش بزرگی بازی کرده است. »
« وی اخیراً راجع به خاور میانه مقاله ای نگاشته است که در »
« سرتاسر امریکاتأثیر فراوان بخشیده است‌و چون این مقاله‌از »
« لحاظ ایران دارای اهمیت فروان است . ما اینك عین‌آن‌را »
« از مد نظر خوانندگان گرام میگذرانیم . در این مقاله‌بخوبی »
« میتوان دید که امریکا عزم جزم کرده است که در امور »
« خاورمیانه علاقه بیشتری ابراز داشته و در نگاهداری صلح و »
« آرامش این منطقه حساس دنیا جدا شرکت جوید . »

بسیاران دسقی ازطرف‌فرانسوی‌ها بار دیگر جنبه احتراق آمیز منطقهٔ خاور میانه را بجهانیان نشان داد . این حادثه از آن جهة حوادث ساده مربوط بحدث معین بوسیلهٔ یافساد اداری‌نیست بلکه یکی از هزاران حوادثی است که معمولا در خاور میانه‌روی میدهد . بسیاری از این حوادث هم انگیزه طبیعی اخیر درایران و مصر و چین و فلسطین روی داده که موجب تولید اختلافات عدیده‌ی بین دوصیا و انگلیس ها و فرانسوی ها گردیده است . برخی‌ها تصور میکنند که این حوادث علائم‌اعمال زور یاحساسات افراطی‌است . اما ظن قوی میرود که این‌حوادث تبدیل بانقلابهای

بزرگی گردد که دنیای عرب را بکلی متشنج کند و در این صورت تعیین روش امریکا برای وزارت امور خارجه ما کاری بس دشوار خواهد شد.

ما امریکائیان راجع به اهمیت لشکر کشی خاور میانه باید اطلاعات کافی بدست آوریم مخصوصاً موقعیت این منطقه را از لحاظ امپراتوری مورد بررسی قرار دهیم در حقیقت رویای امپراتوری فرانسه در اثر نیروی دریائی شگرف انگلیس در دلتای نیل و بعداً در اثر اقدامات «کیچنر» در فاشودا نابود گردیده و تنها اثر کوچکی از این رؤیا در سوریه و لبنان باقی مانده است. شهر ناقص آدیس آبابا نیز علامت پایان رؤیای موسیلینی است و نبودالعلمین نیز امید آلمان را برای رسیدن بدروازه های خاوری بغداد مبدل به یأس نمود. اما رؤیا های دیگری هنوز باقی است. روسیه شوروی که سیاست امپراتوریش از چندین لحاظ شباهت به سیاست تزار های پیشین روسیه دارد در صدد بدست آوردن راهی بطرف هندوستان و آبهای گرم اقیانوس هند از طریق ایران است و امروز شهر سنگام دروازه‌ای را بین دریای خزر و دریای روسیه از طرفی و سواحل سوریه و لبنان و عربستان سعودی و مصر از طرف دیگر دارد. برای انگلستان با امپراتوری بزرگ آن بازرسی تازه سودآور و بحر احمر هنوز حیاتی دارد.

دیپلمات امریکا قبل از هر چیز تا اندازه‌ای به این حقایق بدیهی پی برده است. اسنادی که طی ده سال اخیر از طرف وزارت امور خارجه امریکا راجع به خاور میانه انتشار یافته است فقط معرف یک تلاش تمام عیار برای جلوگیری از سیطره شوروی بر ایران و اعمال نفوذ امپریالیستی بر ایران بوده است.

البته صحیح است که پس از نخستین جنگ بین المللی و

تجزیهٔ امپراتوری عثمانی بدست آوردن ا سهام نفت عراق برای اتباع امریکا اصرار زیادی بخرج دادیم . همچنین اعلامیهٔ «بالفور» وقیمومت فلستین را تائید کردیم لکن بیش ازاین قدمی برنداشتیم و گذشته از این دو موضوع و پشتیبانی از برخی از تأسیسات خصوصی خود هیچ اقدام دیگری ننمودیم و منطقه خاور میانه را کاملا آزاد گذشتیم . اگر هم گاهی دستور هائی به نمایندگان دیپلماسی ما فرستاده میشد کمتر تعقیب میگردید و گذشته از این اگر هیئتهائی از طرف امریکا بخاور میانه اعزام میگردید تحت ریاست مردان نا آزموده ای قرار میگرفت و بطور کلی نفوذ و اهمیت ما درخاور میانه بسی ناچیزبود .

بدیهی است که سیاست خارجی را نمیتوان با همین اقدامات ساده اداره کرد و برای جلب توجه عموم به برخی مسائل نمیتوانباید بانتشار اطلاعات دیپلماسی اکتفا نمود بلکه برای ایجاد این علاقه در یک کشور دموکراسی بزرگی مانند امریکا باید دست باقدامات مثبت زد و مخصوصاً این عقیده را ثابت کرد سرنوشت این منطقه مساس دنیا بستگی کامل به مقدرات ما دارد و هرگاه این عقیده درکشورما رسوخ نیابد حتی برهنما ترین اقدامات دیپلماسی کاری از پیش نخواهد برد .

تاکنون اقدامات ما درخاور میانه تابع مناسبات ما باکشورهای بزرگ بوده و روش ما نسبت به مصر و سوریه و ایران غرض از سیاست ما نسبت بانگلیس وفرانسه وایتالیا بوده است و میدان عرب جائیکه دوستیت وجود دارد درنقشه های ما مشاهده نمیشود . امروز موضوع مهمی که در میان است آنست که آیا سیاست پیشین یا آن سیاست ناقص باید همچنان ادامه یابد یا آنکه این منطقه حیاتی درسرنوشت دنیا آنقدر اهمیت دارد که توجه بیشتر وفعالیت سیاسی زیاد تر مارا ایجاب کند یانه ؟

«لیلی» با فرودگاه هواج
اختراعی که در حمل و نقل هوائی انقلابی تولید خواهد کرد

رادیوی لندن باز برای بار دیگر خبر یك اختراع هیجان انگیزی را بگوش شنوندگان خود رسانید که بدون شبهه درآینده نزدیکی انقلاب بزرگی دراوضاع حمل ونقل باهواپیما حاصل نموده و درنزدیك کردن دور ترین نقاط دنیا بیکدیگر نقش بزرگی بازی خواهد کرد بقراری که اطلاع داده: یکی ازافسران سابق نیروی دریائی انگلیس که درعین حال دانشمند بزرگی است «فرودگاه هواجی» اختراع کرده‌است که درحال اقیانوس هواپیما با ۹۰ تن بار میتواند به آسانی برآن فرود آید ونام این فرودگاه نوشناور را لیلی گذاشته است.

«لیلی» برای نخستین بار درهنگام پیاده شدن قوای متفقین درنورماندی مورد استفاده قرار گرفت وبرموفقیت میلیاردی ملل متفقین نقش فوق‌العاده بزرگی بازی کرد. سپس نواقص آن تکمیل گردیده و تجربه های اخیر ثابت کرده است که میتوان از آن استفاده بسزائی نمود. نبوغ این اختراع که هنوز جزئیات آن کاملا منتشر نگردیده عبارت‌ازآنست که‌اساسنده انگلیسی کاری کرده که فشار وارده برتخته پاره کوچکی صدها بار بیشتر باشد از فشاری که بر تخته ای ۲۰۰۰ بار بزرگتر از آن وارد آید. در نتیجه هواپیماهای بسیار سنگین میتوانند با نهایت سهولت در فرودگاه

موج کوچکی که به‌آسانی میتوان حرکت داد یا درهر نقطه از اقیانوس که لازم باشد ثابت کرد فرود آیند .

مخترع لیلی که «هامیلتون» نام‌دارد برآنست که این فرودگاه موظهور نه‌تنها درآینده بسیار نزدیك درحمل ونقل هوائی انقلاب تولید خواهد کرد بلکه در حقیقت فاصله های دراز را میان کشور های دوردست ازمیان برخواهد داشت بوسیله چند فرودگاه مواج‌میتوان فاصلهٔ‌دریاها واقیانوسهارا تقریباً ازمیان بردبدین معنی که درفواصل معین ازاین‌فرودگاهها قرارداده ومانند پلی‌کشورهارا بهم متصل نمود . مثلا با این اختراع میتوان فاصله ۲۲ میل دریای مانش‌را بین فرانسه وانگلیس بکلی‌ازمیان برده وانگلستان‌را بقارهٔ اروپا وصل کرد . علاوه براین کشتی های اقیانوس نورد نیز میتوانند برای بنزین گیری و تامین نیاز مندیهای خویش از این فرودگاهها که حکم بندر گاههای مواجی را دارند استفاده کامل نمایند و در نتیجه مسافات طولانی را با سرعت و سهولت بیشتری طی کنند .

یکی دیگر ازفوائد بزرك این اختراع جدید آنست که کاملا از خطرات هوانیمائی و کشتی رانی جلو گیری میکند بدین قرار که بمد از این کسانی که در اقیانوسها از هواپیما بدریا می‌افتند یا آنکه دراثربیش آمد کشتی غرق میشوند بطور قطع ازمرك رهائی خواهند یافت زیرا میتوان در هر فاصله چند میلی از فرودگاهها مانند پست های امدادی قرار داد وبکمك آنها از غرق کشتی ها یا ازهلاك شدن مسافرین جلو گیری نمود .

شهر دریائی

یکی دیگر ازفوائد بزرك اختراع جدید آنست که میتوان در میان دریا جزایر حقیقی ایجاد کرد و با مخارج قلیلی کاخهای

زیبائی برپا نمود مخصوصاً استفادهٔ از این فرودگاههای مواج برای کشور هائی که در مناطق حاره واقع شده‌اند فوق‌العاده مؤثر خواهد بود و میتوان کرانه های مصنوعی زیبائی ایجاد کرد .

چگونه ساخته میشود ؟

فرودگاههای مواج عبارت از الوار های بزرگی است که بوسائل فنی بهم متصل گردیده و با محاسبهٔ فیزیکی نیروئی دراین تخته‌ها ایجاد کرده‌اند که میتوانند سنگین ترین بارها را تحمل کنند .

تأثیر این خبر

بمحض اینکه رادیوی لندن این خبر هیجان انگیز را منتشر ساخت کلیه روزنامه های انگلیس شروع به تفسیر آن نموده وهمه این اختراع رابیکی ازبزرگترین حوادث دریائی میدانند که انقلاب بزرگی در هواپیمائی وکشتیرانی حاصل خواهد کرد .

مدرسه نظامی بمشوای سابق ایتالیا

دولت شوروی هم
بمب اتمی دارد

مطبوعات امریکا پس از بررسیهای دقیق اکنون متوجه شده‌اند که دولت شوروی هم بمب اتمی دارد زیرا مجله‌ای که از طرف شورویها در امریکا منتشر میشود در ماه مارس ۱۹۴۵ یعنی ۵ ماه قبل از اینکه نخستین بمب اتمی بر هیروشیما افکنده شود در طی مقاله‌ای نوشت که دولت شوروی توانسته است از اتمهای اورانیوم استفاده کند و طولی نخواهد کشید که از نیروی این اتمها برای بکار انداختن ماشینهای مختلف استفاده خواهد کرد. بدواً امریکائیها تصور کردند این مجله جعلی است و بآن تاریخ چاپ شده ولی پس از تحقیقات برای آنها مسلم شد که در همان موقع بطبع رسیده است. بعضی از محافل امریکائی معتقدند اگر دولت شوروی از اسرار بمب اتمی آگاه بود چرا آنرا بر علیهٔ آلمان بکار نبرده و پس از استعمال نخستین بمب اتمی از دولتین امریکا و انگلستان تقاضا کرد فورمول این بمب را در دسترس آنها بگذارند؟ ولی اینك بی برده‌اند که کوچکترین بمب اتمی دارای فورمولهای متفاوت است لذا آنها فقط یکی از آنها را انتخاب کرده و توانسته‌اند از نیروی آن در صنعت و اقتصادی خود ماشین استفاده کنند. پس از واقعهٔ هیروشیما یعنی پس از اولین بمب اتمی بر این شهر ژاپنی خواستند با همان فورمولی که امریکا و انگلستان موفق شده‌اند اتم را در جنگ بکار برند استفاده کنند. نکتهٔ قابل توجه دیگر گفتار رادیو لندن است که اظهار داشت (پول ریوت) عالم معروف فرانسوی

میگوید که دولتین شوروی و فرانسه در مدت ٦ ماه آتیه خواهند توانست بمب اتمی برای خود تهیه نمایند. روسها در یکی از جزایر دانمارك در اواخر جنك عده‌ای از علمای آلمان را اسیر نمودند که مشغول ساختن بمب اتمی بودند. روسها این علما را بشوروی انتقال دادند و تمام ماشین آلات و گزارشهای آنها را با خود بردند. عالم مزبور اضافه نمود که بمب اتمی که از طرف دولتین شوروی و فرانسه ساخته خواهد شد ٦٠ برابر قوه بمب اتمی خواهد بود که بر علیه ژاپن بکار برده شده است.

هنار پیشوای سابق آلمان

ترجمهٔ : آقای محمد مرتضوی

هیتلر عاشق شده بود !

سری که تا کنون کسی از آن اطلاع نداشت
کسیکه عشق پیشوای آلمان را تحقیر میکند !
هیتلر برای عشق خود هدیه میفرستد !

در آنموقعیکه . . .

در آن هنگامیکه ارتش شکست ناپذیر (!) هیتلر و ماشین مهیب جنگی آلمان کشور های کوچك را یکی پس از دیگری تسخیر میکرد :

در آن ساعاتی که پیشوای آلمان مست غرور و شهوت خود بکشور گشائی پرداخته و ملتهای ضعیف و دست و پا بسته را مجبور میساخت که در مقابلش زانو بزمین بزنند ! . . و در آن دقایقی که همه دوستداران هیتلر باتحسین واعجاب به پیشوا و جنگهای برق آسای او خیره شده بودند :

خونخوای هیتلر

ناگهان جوش و خروش عجیبی در اطراف هیتلر و عده‌ای که بالنسبت میدادند بر پا شد حتی روز نامه ها و مجلات را مجبور ساخت که در اطراف قضیه باشاخ و برگ زیادی قلمفرسائی کنند و اینکی دیدند دوستداران پیشوای آلمان را بدینصو متوجه سازند .

یکی ازروزنامه های خارجی راجع بملاقاتی که ماریون دانیل هنرپیشهٔ مشهور تأتر از هیتلر در مونیخ در ضمن نمایش خود بعمل

آورده بود مقاله ای نگاشت و بلافاصله سایر جراید آنرا با آب و تاب بیشتری نقل کردند و تفسیرهای مختلفی در پیرامون آن نگاشتند کم کم این قضیه اهمیت بیشتری بخود گرفته و در هر محفل و مجلسی سخن از آن بمیان آمد تا اینکه بگوش لیدر حزب نازی رسید و پیشوا در یافت که عنقریب دشمنانش از این قضیه که با نهایت اخفا صورت گرفته بود استفاده کرده و ممکن است همین موضوع موجب این شود که هیتلر با شکست سیاسی سختی مواجه گردد . فوراً بگشتاپوی آلمان امر کرد هر روزنامه چه در آلمان و چه در سرزمینهای عنصرفی راجع باین قضیه چیزی بنویسند یا هر کسی در بارهٔ این موضوع سخن گوید بدون درنگ توقیف شدیداً مورد تعقیب قرار گیرد بعداً حوادث شدید جنگی نیز این موضوع را کم کم از خاطرها برد و دیگر کسی جرئت تکلم کوچکترین سخنی در پیرامون ماریون دانیل و هیتلر نکرد .

اسرار فاش میشود !

اخیراً که آجودان مخصوص هیتلر بدست متفقین اسیر شد یکی از خبرنگاران امریکائی این سر پیشوای آلمان را فاش کرد و اظهار داشت که هیتلر شبی که ماریون دانیل را در روی صحنه تآتر مونیخ مشاهده نمود و هنر نمائی او را در هنگام رقص تماشا کرد قلباً فریفته او شد و وقتی هم که از نزدیک با او صحبت کرد با آنکه ماریون دانیل عشق او را تعقیب نمود ولی هیتلر که دیوانه وار عاشق شده بود این بی اعتنائی را ناچیز شمرده و با بی اهمیتی تلقی کرد !

هیتلر در فضاحتگاه مونیخ

همین خبرنگار شرح این ماجرا و چگونگی ایجاد عشق

وفریفته شدن هیتلر رانسبت بماریون دانیل بزحمت ازاشخاص متفرقه کسب کرده وبرای روزنامهٔ خود نگاشته است.

ماریون دانیل که یکی از هنرپیشگان مشهور امریکائی است قبل از آغاز جنك بین آلمان و امریکا باروپا مسافرت میکند ابتدا در برلن و سپس در مونیخ در نمایش شرکت مینماید . ماریون در نمایش اخیرخودکه هیتلرنیز بطور مخفیانه ای حضور یافته بود چنان هنر نمائی و دلربائی میکند که موجب میشود تماشا چیان چندین بار برایش کف بزنند .

ماریون بمسافرت خود ادامه داده بفرانسه میرود وهمه جا با استقبال شایان توجهی روبرو میشود .

تلگراف فوری از مونیخ

یکی از روزهای ماه فوریه بمایون دانیل تلگرافی از مدیر تآتر مونیخ میرسد که از او خواهش کرده بود فوراً برای شرکت دریك برنامه مجللی بمونیخ حرکت کند . ماریون که میل مراجعت بمونیخ را نداشت بتلگراف اهمیتی نمیدهد ، دو روز بعد مجدداً تلگراف دیگری میرسد که در این تلگراف تقاضا شده بود حتماً حتماً با هواپیمای مخصوصی که برایش خواهند فرستاد خود را بمونیخ برساند وضمناً تعهد شده بود که مبلغ یکهزار دولار هم برای یکشب او خواهند پرداخت

ماریون ناچار قبول میکند و با مادرش بطرف مونیخ رهسپار میگردند .

شبه عشق هیتلر

نمایش که بملت حضور هیتلر با تشریفات خاصی برپا شده بود ماریون دانیل همان هنر نمائی را که در سایر نمایشهای خود ابراز میداشت در این شب نیز از خود بروز داد و موجب شد که

تماشاچیان چندین بار برایش کف بزنند و از طرف هیتلر دسته گلی برایش فرستاده شد!

پیشوای آلمان رنگش پریده بود

هیتلر که در تمام مدت نمایش در لژ مخصوص خود لحظه‌ای چشم از صحنهٔ تأتر برنمیداشت چنان رنگش پریده بود که گاه گاه دسته مبل را بسختی فشار میداد بطوریکه آجودان مخصوصش بخوبی این حرکت غیر عادی پیشوا را احساس میکرد.

ماریون وقت ملاقات هیتلر را ندارد

بعد از نمایش ماریون دانیل باطاق توالت رفت تا لباسهای خود را بپوشد مدیر نمایش وارد اطاقش شدهٔ با شعف و مسرت بیانندی گفت:

پیشوای ما میل دارد شمارا بار معرفی کنم.

مدیر نمایش بینهایت متعجب شد وقتی دید ماریون دانیل با کمال خونسردی و بی اعتنائی اظهار داشت که بهیچوجه وقت ملاقات هیتلر را ندارم.

هیتلر نزدیک میگوید!

مدیر تأتر که کاملا مضطرب شده بود بزحمت دانیل را راضی کرد که اقلا چند لحظه نزد پیشوا نزدیک شود. ماریون با لباس بدون هیچ نوع زینت و با کمال خونسردی و بی اعتنائی نزد پیشوا نزدیک شد و مدیر تأتر که رنگش پریده بود و از عاقبت این صحنه میترسید توانست دانیل را به هیتلر معرفی کند.

پیشوای آلمان در حالیکه رنگش سرخ شده بود از ماریون خواست و اظهار داشت:

مانند اول این موفقیت بزرگ را بشما تبریک میگویم!

عشق هیتلر تحقیر میشود !

ماریون بدون اینکه باز هم کوچکترین تغییری در حالتش بدیدار شود با کمال خونسردی و بی اعتنائی مثل اینکه با یك تماشاچی عادی صحبت میکند گفت :

متشکرم آقا !

سپس بدون‌درنك‌خدا حافظی کرده وبطرف اطاق‌خود رفت .

ماریون دانیل همان روز ازمونیخ حرکت نموده وآلمان‌را برای همیشه ترك گفت .

ولی هنر پیشه مشهور نمیدانست که دیکتاتور آلمان فریفتهٔ او شده بود !

هیتلر عشق خودرا فراموش کرد !

با شکستهای پی در پی در تمام جبهه های جنك هیتلر عشق خود را فراموش کرد ولی گاهگاه موقعیکه خبر میرسید ارتشهای آلمان اندکی پیش رفته‌اند و پیشوا شاد و خندان میشد آنوقت هیتلر میشنید که پیشوای نازی نام‌ماریون‌دانیل را بر زبان میآورد و از خاطرهٔ آنشب با خود سخن میگوید !!

سازمان فرهنگی ملل متفق

نسل کنونی شاهد دو جنگ بزرگ جهانگیر بوده که براثر آن خانمانها بباد رفته ، شهر ها ویران شده ، سیلهای خون بهر طرف جاری گردیده و میلیونها نفوس در خاك و خون غوطه ور شده اند .

پس ازجنگ نخست ، ملل فاتح درصدد برآمدند که باوسایل سیاسی از بروز جنگ دیگری جلوگیری کنند ولی چنانکه همه دیدیم متاسفانه موفق نشدند و باردیگر آتش و خون دنیا را فرو گرفت ، این مرتبه ملل متفق در صدد آمده اند اصول عمیقتر ومؤثر تری برای جلوگیری ازوقوع جنگ دیگری برقرار نمایند که بیشتر قابل اعتماد باشد .

اساسی که میخواهند شالودهٔ صلح آینده را بروی آن قرار دهند عبارت است ازبرقراری حسن تفاهم از راه ایجاد روابط ادبی و نشر فرهنگ و ارتباط فکری بزرگی میان تمام ملل جهان .

بهمین منظور انجمنی باشتراك بیست نماینده از کشورهای متفق در لندن تشکیل گردید و طرحی تهیه نموده برای اولیاء دول متفق فرستادند تامندرجات آن مورد مطالعه قرارداده نظریات خود را بوسیله نمایندگان خویش در کنفرانسی که اول ماه نوامبر در لندن تشکیل میگردد اظهار نمایند .

دولت ایران که یکی از دول متفق است این پیشنهاد را استقبال کرده و نمایندگانی خود را برای شرکت در آن انجمن تعیین نموده و بلندن فرستاد .

خوشبختانه آقایان حکمت ، دکتر رعدی و دکتر معینی که بنمایندگی دولت ایران معین شده اند علاوه بر مطالعات فنی که دارند سالهای دراز در رشته امور فرهنگی مطالعه نموده و عملاً

هیزار راه تصدی مقامات مختلف فرهنگی معلومات گرانبهائی بدست آورده اند از این لحاظ جای امید واری است که این مأموریت مهم را با منتها درجهٔ موفقیت بپایان برسانند .

اساسنامه سازمان فرهنگی ملل متحد درمقدمه خود بعلل تشکیل این انجمن اشاره کرده و مینویسد :

جهانیان درعصر حاضر بواسطه جنگ مواجه با انهدام منابع فرهنگی و پرورش ووسائل نشرعلم ومعرفت شده‌اند ، تخریب منابع فرهنگی که بدست کشور های دشمن در قسمت عمدهٔ ممالك اروپا و آسیا صورت گرفته ، نابودی آموزگاران هنرمندان دانشوران و پیشوایان فکر ، سوزاندن کتب ، غارت و یغمای شاهکار های صنعتی تاراج بایگانی ها ، ربودن اشیاء و ادوات علمی همه با هم وضعی ایجاد کرده که برای تمدن جهان و صلح دنیا چیزی از آن خطرناکتر تصور نمیتوان کرد .

این اوضاع تنها منحصر بکشور هائی نیست که در معرض حمله وتاخت و تاز دشمن واقع شده بلکه آثار آن درسراسرجهان مشهود است :

دنیای کنونی نیازمند آنست که از طریق علم و فرهنك بهم مربوط باشد و محروم نکردن هر قسمت این جهان از منابع فرهنگی قسمت دیگر منابعی که بوسیلهٔ آن نو باوگان کشور های جهان باید تربیت شوند مانند آنست که معارف عمومی بشریت را یکپارچه مسموم کنند و وسائل فهمیدن و فهماندن را از میان بردارند و صلح و امنیت جهانرا نابود سازند زیرا صلح و امنیت روی معارفه عمومی و تفاهم افراد و ملل قرار دارد .

مهمترین مسئله ای را که این سازمان باید درسالهای نخستین تأسیس خود قرار دهد حل مشکلاتی است که بعد از جنك موقع تجدید سازمان فرهنك ملل عالم بوجود آمده است ، کیفیت و میزان احتیاج

بمساعدت و همکاری در تجدید حیات فرهنگی و ایجاد تسهیلات معارفی در کشورهائی که براثر فشار مصائب جنگ خسته و فرسوده شده اند وروشی که طبق آن بایستی این مساعدت انجام گیرد از جمله مسائلی است که مورد تحقیق و بررسی این سازمان قرار خواهد گرفت بنا براین میتوان گفت که مقصود این سازمان فرهنگی دو چیز است یکی تکمیل روابط و ایجاد حسن تفاهم و احترام به فرهنگ و هنر و علوم و ادبیات ملل جهان بطوریکه برای صلح جهان پایه وبنیادمحکمی باشد دیگری همکاری برای نشر و پیشرفت علوم و ادبیات عموم بشر بطوریکه همه ملل از آن استفاده کنند و در اثر آن اوضاع اقتصادی و سیاسی بصورت ثابتی مستقر شود

برای حصول این مقصود سازمان فرهنگی و پرورشی و سائل مشورت و تبادل نظر میان اولیاء فرهنگی ملل صلحجواه جهان را تسهیل مینماید. درراه آزادی نشر آراء و اطلاعات میان ملل دنیااز راه مدارس و دانشگاهها و مؤسسات مختلف فرهنگی و رادیو و سینما و کنفرانسهای بین المللی و تبادل آموزگار و دانشجو کوشش میکند. موجبات تکامل نقشه ها وطرح های آموزفرهنگی را فراهم میسازد و بکشورهائی که برای تکمیل پیشرفتهای فرهنگی تقاضای آنرا کنند مساعدت مینماید.

هر یک از دول متحد دارای سمت عضویت این سازمان هستند وحق استفاده از آن را هم بشرط اینکه تعهدات مالی خود را انجام داده دول متحد زودتر قصد خود را اعلام نمایند دارند. سایر ملل هم ممکن است بنا به پیشنهاد هیئت مجریه با اکثریت دو ثلث آراء بعضویت پذیرفت.

هر یک از دول عضو سازمان حق یک رأی در کنفرانس دارند. کنفرانس سالی یکبار تشکیل خواهد شد ودر مواقع لزوم

ممکن است بنابپیشنهاد هیئت مجریه جلسات فوق العاده تشکیل‌دهد جلسات کنفرانس در کشور های مختلف تشکیل میشود .

هیئت مجریه مرکب ازپانزده تن میباشدکه ازمیان نمایندگان انتخاب خواهند شد .

اعضاء هیئت مدیره درانتخاب نخستین پنج تن برای مدت سه سال و پنج تن برای مدت دو سال و پنج تن برای یکسال انتخاب میشوند اعضائیکه برای سه سال انتخاب شده اند پس از خاتمه مدت بلا فاصله حق انتخاب مجدد را نخواهند داشت ولی آنها که برای کمتر از سه سال انتخاب شده اند این حق را دارند .

هیئت مجریه اختیاردارد هروقت محلی خالی ماند عضو جدیدی برای آن تعیین کند .

هیئت مجریه رؤسا وصاحب منصبان خود را انتخاب نموده بوسیله تصمیماتی که در کنفرانس گرفته میشود آئین نامه های لازم را وضع خواهد نمود .

سازمان فرهنگی دول متفق دارای شخصیت بین المللی وصلاحیت قانونی است .

دول عضو سازمان همان حقوق ومزایا مصونیتها ومعافیتهارا در باره سازمان تسهیلاتی را برای یکدیگر قائل خواهند بود این مزایا شامل مصونیت از هر نوع تعقیب قانونی معافیت از مالیات و حقوق گمرکی و بطور کلی هر گونه مزایا و حقوقی که در اموال مشابه آن دولتها نسبت بکارمندان رسمی و دفتری دول خارجه منظور میدارند خواهد بود .

این اساسنامه موقعی اجرا میشود که بیست دولت ازمل متفق در کمیسیون مقدماتی فرهنگی و پرورشی قبول عضویت نموده باشند

یکی از شگفت انگیز ترین وقایع جنگ اخیر

ستوان کلایفتون جزیکی ازافسران نیروی پادشاهی انگلستان است که قبل از ورود بخدمت سربازی شغلش هنرپیشگی درتماشاخانه‌ها بوده است. روزیکه او دریکی ازتآترهای نظامی مشغول بازی بود «انتلیوانس سرویس» انگلیس متوجه شباهت فوق العاده او بژنرال مونت گمری شد و برای آنکه موقعی انجام رل مهمتری را بعهده او واگذار نمایند ستوان جمز را تحت تعلیمات قرار داد. افسر نامبرده باهوش وذکاوت بی‌نظیرش درمدت کوتاهی موفق گردید که عیناً تمام اطوار و حرکات و حتی طرز تکلم مونت گمری را تقلید نماید وهمین موقع جنگهای خونین و شدیدی بین قوای انگلستان و نیروی آلمان درافریقای شمالی جریان داشت و آلمانها مترصد بودند که بمحض آنکه ژنرال مونت گمری از محل فرماندهی خود دور شود حمله قطعی و نهائی را شروع کنند.

انتلیوانس سرویس از این موضوع اطلاع یافت و ستوان جمز را بنام ژنرال مونت گمری باتفاق افسران پادشاهی انگلستان بوسیله هواپیما بالجزیره مرسادفر ژنرال ویلسون باتشریفات مخصوصی تا فرودگاه باستقبال او آمد و موقعیکه از خیابانها و کوچه های الجزیره میگذشت تمام اهالی و ساکنین شهر بطرز شایان توجهی نسبت باو ابراز احساسات میکردند. این هنرپیشه زیردست بقدری خوب نقش خود را ایفا نمود که کوچکترین شك و تردیدی را ایجاد نکرد.

آلمانها فردای آنروز بتصور آنکه ژنرال هر الجزیره است حمله را شروع کردند ولی این بارهم مانند هزاران بار شکست اشتباه کرده و بالطبیعه با شکست سختی مواجه شدند.

ترجمه: اسمعیل صارمی

ترجمه : آقای مسعود برزین

اخلاق ملت ژاپن
تأثیر تمدن اروپائی در آداب و سنن ژاپنیها !

هر وقت که صحبت از اخلاق ورفتار مردم ژاپن شود انسان چیز های عجیبی میشنود وازهمین مذاکرات است که شخص بروحیات این ملت عجیب پی‌میبرد .

شاید بطور اختصار بتوان گفت که ژاپنیها بطورعموم مردمی با انظباط ، مطیع ، سخت کار بوده و در بین خود بقیود اجتماعی اهمیت فراوان میدهند ، وظیفه را بالاتر ازحق میشمارند ، بیشتر بفکر خانواده واجتماع هستند تا شخص خود ، ازعطریات خوششان می‌آید و سعی میکنند همیشه باادب و تربیت بوده و کوچکترین اشتباهی از ایشان سرنزند .

آنهائی که درژاپون زیست نموده‌اند اظهار میدارند که‌صرف نظر از اخلاق وصفات فوق ژاپونی ازهیچ حیث دیگری با مردم سایر ملل فرقی ندارد . و البته موضوع آداب و سنن قدیم یعنی «تراديسيون» باین قسمت اضافه نگشته است .

ژاپونی ها علاقه عجیبی به حفظ آداب قدیمی خود دارند و اگرچه اکنون هزاران سال ازآن میگذرد معهذا از کلیه آثاری که باقی مانده ثابت میکند که بهیچوجه تغییری در یك یا کلیه‌آنها وارد نیامده است .

بزرگترین دلیلی که بر این مدعا میتوان آورد آنست که درطول تمام این مدت بودائیسم و مسیحیت در آن کشور نتوانسته است آنطور که شاید و باید رسوخ یافته و یا از بین رود .

اگر چه پارۀ را عقیده برآنست که مدنیت رژیم فئودالیته ازآن مملکت رخت بربسته‌است . ولی لحظه‌ای دقت وتأمل دراین

امر ثابت مینماید که سیستم حکومت ملوك الطوایفی سابق هنوز هم در ژاپن حکفرما است طوریکه‌هم اکنون فردی با قدرت و ابهت تمام بر کلیه «ملوك» جزء فرمانروائی میکند . همین شاهزادگان کوچك وبسط قدرت روز افزون ایشان سبب گردید که رشدسیاسی در ژاپن کم شود وهرگاه بخواهیم آنرا با سایر موفقیتهای مملکت زرد پوستان مقایسه کنیم بحقیقت تلخی میرسیم .

بعضیها معتقدند که با وجود چنین حالتی چرا اتحاد کامل ویگانگی بینظیر بین مردم عجیب ژاپن برقرار است ؟ تنها جوابی که برای اینده ازافراد میتوان یافت آنست که ژاپونیها با وجود اختلاف مسلك و اخلاقهای خصوصی هر ناحیه معهذا لحظه ای که سخن از ژاپن و میهن پیش‌آید همه اختلافات را بیکسوی میزنند و مهمتر آنکه در عادات اجتماعی ملی عموماً در یك جاده قدم بر میدارند .

این اتحاد را باید معلول‌تنهائی آنها دانست . چه ، ازوقتیکه ژاپن خودرا بیاد میآوردیکه وتنها درجزایر بی‌همتای خویش مانده و از نفوذ خارجی ها واختلاط بجنس وخون جلوگیری بعمل آورد . همین یك از مسائل دنیا تابحال دیرسانست ازنفوذ‌خارجی بیگانگان باین حد ها فشاری و استقامت بخرج نداده است .

اما از آنجائیکه تمدن به سرحد و مسافت الفاظ و معانی دیگر ونظائر اینهای اعتنائی نمینماید ، لذا تمدن بداخل‌آن مملکت راه‌یافت و باتوسعهٔ صنایع جدید و تربیت و تعلیم اجتماعی زندگی مردم ژاپن نیز بسوی انتظار و فکر خودشان تغییر یافت این تحولات از اواسط سده نوزدهم میلادی آغاز گشت و بسی ادامه یافت .

عمل وعقل آسان ـ استفاده ازماشین آلات صنعتی ـ استخدام کارگر در کارخانه‌ها ـ مسافرت مردم ازده بشهر جاده های وسیع وخوب وشاید مهمتر ازهمه ، تعلیمات اجباری‌سبب تغییرات بزرگی

در نحوهٔ زندگی این زرد پوستان گردید . طریقه ساده سابق از بین رفت و وضع نوینی جایگزین آن گردید . در حقیقت باید اذعان نمود که ساختمان اصلی و استخوان بندی زندگی و تمدن جدید ایشان بر روی پایه های صحیح و بنیانی استوار گذارده شد

ولی چنانچه در فوق مذکور شد باید اعتراف کرد که کلیه این نفوذ های خارجی وتمدن دنیای قرن بیستم نتوانست ذرهٔ تغییر «در تراديسيون» ایشان وارد آورد هرفرد ژاپونی به تنهائی در نگاه داری آنها میکوشد و این مجاهدت بیشتر در طبقه زارع که کمتر با محیط خارجی و اجنبی سروکار دارد محسوس میباشد .

ولی فشار های اقتصادی که بردوش شهر نشینان ، کارگران طبقه متوسط ، کارمندان دولت ، کارخانه های کوچك مخصوصاً زارعین ومالکین اراضی کوچك میباشد سبب عدم رضایت ایشان گردیده و امکان ندارد که انسان بتواند کسی را راضی ازاوضاع عمومی بیابد .

این فشارها که در هر کشوری بالاخرهٔ تولید انقلاب میکند در ژاپن کاری ننمود زیرا نفوذ اصلی وقدرت کلی امپراتور بدست یکعده افراد بخصوصی است که «خدای» ژاپون رالحاظ کرده و ارتباط وی را باجهان حقیقی قطع ساخته اند . اینعده افراد بدون ذرهٔ رحم و عطوفت ، بدون کمی تفکر و تعقل ، هر کس را که مخالف خویش یابند بدیار عدم میفرستند و اعتنائی ندارد که چه افرادی بیگناه و چه اشخاصی گناهکار ند سیاست اینها سوزانیدن خشك وتر با هم است تانفوذ خود را نگاهداشته وهر قدر که بتوانند بر این ملت سواری کنند .

آمار وحشت آور جنك

اکنون که جنك پایان یافته است ، کشورهای بزرگ یکی پس از دیگری تعداد تلفات و خسارات خود رامرتباً اعلام میدارند هر مملکتی بنسبت خود بار سنگینی را متحمل گشته و بدبختانه باید اذعان نمود که تلفات جانی در این جنك فوق العاده زیاد و اصولا قابل مقایسه با کشته شدگان جنك بین المللی اول نمیباشد .

با ملاحظه آمار زیر که امپراتوری بریتانیای کبیر در آخر جنك آلمان و قبل از تسلیم بلاشرط ژاپن انتشار داده است بقسمتی از اعداد جنون آور تلفات این چند سال اخیر پی خواهید برد ولی باید بدانید که تلفات جنك از زمان شکست آلمان تا تسلیم بلاشرط ژاپن هم فوق العاده زیاد بوده و بدون شك در همین روزها آمار صحیح آنهم انتشار خواهد یافت .

نام کشته مرده بازخرید گشته	زخمی	اسیر جنگی	جمع
نیروهای -			
امپراتوری	۷۲۳۰۶۲	۵۷۴۷۲۰	۲۷۹۰۲۵	۱۳۸۴۲	۷۸۰۲۳۸
کانادا	۴۶۰۱۸	۵۶۲۹۰	۵۰۰۷۲	۹۰۵۱	۱۰۱۰۰۸
استرالیا	۲۱۴۱۵	۵۰۱۹۰	۳۴۲۷۲	۲۳۸۰۰	۹۲۷۱۰
زلاند جدید	۵۸۲۶	۲۱۰۱۰	۱۰۱۹۳	۸۲۷۳	۴۲۷۸۲
امریکای -					
جنوبی	۳۷۱۶	۱۱۸۰	۱۳۲۳۲	۱۶۰۳۶	۳۲۷۳۶
هندوستان	۴۲۲۹۵	۱۲۲۹۶	۶۲۰۶۶	۲۲۹۹۲	۱۷۷۲۱۰
متحدالمآل	۱۰۹۲۹۱	۱۸۸۶۰	۶۲۷۱	۸۰۲۱	۱۲۳۲۷۶
جمع کل	۱۰۲۲۰۰۲۶	۲۳۰۰۵۲۳	۶۸۱۳۸۲	۲۸۱۹۱۲	۱۰۲۲۰۰۲۶

نام -	کشته-مرده-زخمی	گمشده	زخمی اسیرجنگی	جمع
ناویان -				
بازرگانی	۳۰۸۶۷	۴۶۹۰_	۴۲۵۲_	۵۵۰۶_ ۴۵۳۱۵_
افراددفاع‌ملی۱۲۰۶		۰۰۰_	۵۵۷_	۰۰۰_ ۱۷۶۳_
مردهای‌سویل۲۶۹۲۰		۰۰۰_	۴۰۷۳۶_	۰۰۰_ ۶۷۶۵۶_
زنان سویل	۲۵۳۹۲	۰۰۰_	۳۷۸۱۶_	۰۰۰_ ۶۳۲۰۹_
اطفال	۷۷۳۶	۰۰۰_	۷۶۷۳_	۰۰۰_ ۱۵۳۵۹_
ناشناس	۵۳۷	۰۰۰_	۰۰۰_	۰۰۰_ ۵۳۷_

چنانکه دربالامذکورشد تلفات این جنك زیاد بوده ولی‌باید دانست که تلفات بطور کلی یعنی چه سرباز و چه غیر سرباز فوق العاده بود. زیرا هواپیماهای‌بمباران دراین جنك بینهایت‌فعالیت داشته و با فرو ریخته شدن بمب عدهٔ ازبین میرفتند.

ولی کشته شدگان افراد نیروهای مسلح را اگر با جنك بین المللی اول مقایسه کنیم میبینیم که این بار به نسبت (۱ : ۱) بوده در حالیکه آندفعه بنسبت (۲ : ۱)

در مقابل اشخاص سویل زیاد کشته شده اند در بین سالهای ۱۹۱۴ و ۱۹۱۸ ازاین‌نوع اشخاص فقط ۱۱۱۷ نفر بقتل رسیدند ولی از ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۵ بیش از ۶۰۵۸۵ نفر

نامه های متبادله میان مستر بوین
وزیر امور خارجه انگلیس
و مستر مولوتف کمیسر امورخارجه شوروی

روزیازدهم اکتبرمستر ایدن ازمستر بوین وزیر امورخارجهٔ انگلیس راجع بتخلیهٔ قوای روس و انگلیس از ایران در پارلمان سئوالی کرد . متن کامل سئوال وجود ذیلا درج میشود :

مستر ایدن ازوزیر امورخارجه پرسید آیاراجع بتخلیهٔ قوای متفقین از ایران اظهاراتی دارند یانه ؟

مستر بوین جواب داد بسیار متشکرم که آن نماینده محترم بمن فرصت دادکه در این باب اطلاعاتی بپارلمان بدهم . پارلمان باید دارد که موضوع ایران در پوتسدام مورد بحث قرار گرفت وترتیبی راجع بتخلیهٔ فوری تهران ازقوای متفقین داده شد وتخلیه قوای انگلیس بموجب ترتیب فوق اکنون تقریباً پایان یافته وآقای مولوتف بمن اطمینان داده است که تصمیم راجع بتخلیه قوای شوروی از تهران نیز بمورد اجرا گذاشته شده است .

در کنفرانس پوتسدام راجع باقدامات بعدی در تخلیه ایران از قوای متفقین نیز مذاکرات شد که موضوع در نخستین شورای وزیران مورد بحث قرار گیرد . البته پس از کنفرانس پوتسدام اوضاع بکلی تغییر یافت .

در نتیجه خانه جنگ بازاین مواد پیمان سه گانه راجع بتخلیه کامل ایران از قوای روس و انگلیس در ظرف شش ماه پس از مخاصمات خودبخود وارد مرحله عمل میشود . ولی چون این موضوع جزء برنامه کنفرانس وزراء امورخارجه قرار گرفته بودمن بوتسدام

نظر دولت انگلستان را در این باب کاملاً روشن سازم و بنا بر این نامه ذیل را بآقای مولوتف نوشتم :

متن نامه :

پس از آنکه در کنفرانس پوتسدام تصمیم گرفته شد که موضوع مراحل بعدی در تخلیه قوای متفقین از ایران در برنامه شورای وزیران خارجه قرار گیرد اوضاع در نتیجه پایان یافتن جنگ ژاپن تغییر پیدا کرده است . دولتین انگلیس و شوروی اینک تخلیه کامل ایران از قوای خود را قبل از دوم ماه مارس ۱۹٤٦ یعنی شش ماه پس از امضاء سند تسلیم ژاپن عملی خواهد کرد .

راجع بتاریخ تخلیه تنها چیزی که باید اکنون انجام دهیم این است که از شورای وزیران خارجه خواستار شویم دوم ماه مارس را بعنوان تاریخ مزبور یادداشت نمایند .

با این حال بنظر اینجانب چنین میرسد که چون قوای مربوطه مادر ایران وظایف زمان جنگ خود را که برای آن بایران فرستاده شده بودند انجام داده‌اند دولتین روس و انگلیس ممکن است در این باب مطالعه نمایند که آیا میتوانند آرزوی طبیعی دولت ایران را که مایل است حتی الامکان منطقهٔ وسیعتری از خاک خود را هرچه زودتر از حضور قوای خارجی فارغ ببیند عملی سازند .

بنابراین اینجانب میخواهم هنگامی که این موضوع در شورای وزیران امور خارجه مطرح میشود پیشنهاد کنم که دولتین انگلیس و روس موافقت نمایند که نیروهای آنها در نیمه دسامبر ۱۹٤۵ تمام ایران را تخلیه کنند بجز اینکه نیروهای انگلیس در منطقه نفت جنوب از اندیمشک بپائین و قوای شوروی در آذربایجان تا تاریخ دوم مارس ۱۹٤٦ باقی باشند .

همچنین مایلم پیشنهاد کنم که سه افسر کارمندان اداری که

برای تصفیه مسائل مربوطه بتأسیسات نظامی لازم است مشمول پیشنهاد تخلیه فوق نباشند.

این کارمندان در مکانهائی که این گونه تأسیسات موجود است تازمانی که تصفیه امورمربوطه بآنهارا انجام نداده اند میتوانند باقی بمانند ولی البته آنان نیزمانند سایر افراد نیروهای شوروی و انگلیس تا دوم ماه مارس ۱۹۴۶ عزیمت خواهند کرد.

من مقتضی دانستم که چون قصدداشتم این پیشنهاد را هنگامیکه شورای وزیران خارجه موضوع تخلیه را مورد بحث قرار میدهد طرح نمائیم شما را قبلا ازقصد خود مطلع سازم.

آقای مولوتف جواب نامه مراچنین داد:

ازاینکه درضمن نامه مورخ ۹ سپتامبر روش دولت انگلستانرا درموضوع تخلیه قوای انگلیس وشوروی از ایران باطلاع اینجانب رسانیده اید متشکرم.

من نیز بنوبه خود باید باطلاع جنابعالی برسانم که تصمیم کنفرانس سه دولت شوروی راجع بتخلیه قوای متفقین ازتهران هم اکنون از طرف دولت شوروی وارد مرحله اجراء شده است

درخصوص تخلیه ایران از کلیه قوای شوروی دولت شوروی همچنان که اطلاع دارید این نظر را دارد که آنچه در قرار داد سه گانه انگلیس و شوروی و ایران پیشبینی است صورت پذیرد

درصورت لزوم طرح تخلیه نیروهای نظامی شوروی و انگلیس از ایران ممکن است موضوع در اولین جلسه مذکور بین مأموریت بعث قرار گیرد بنابراین دولت شوروی احتیاجی نمیبیند که این موضوع در شورای وزیران امور خارجه مطرح گردد

درنتیجه تبادل این نامه ها که ضمنا دولتین انگلیس و شوروی را برای معظم نمودن وظائفی که بموجب پیمان ثبت بایدازین عهده گرفته بودند مسبوق میسازد موقعی که این موضوع در تاریخ بیست وچهارم سپتامبر شورای وزیران خارجه مطرح شد آقای مولوتف

و اینجانب شوری را از تبادل نامه ها مستحضر داشتیم شورای مزبور تبادل نامه هارا بین ما یادداشت نمود و موافقت کرد که نظر بتبادل این نامه ها مذاکره درباب تخلیه قوای انگلیس وشوروی از ایران انتضا ندارد و میتوان آنرا از برنامه کنفرانس خارج ساخت در یك نامه دیگرمن شرح زیر را بآقای مولوتف نوشتم :

متن نامه دوم مستر بوین

بسیار خوشوقتم که ماچنین تفاهم صمیمانه در مورد تخلیه ایران از قوای متفقین که راجع بآن من در تاریخ ۱۹ سپتامبر بشما نوشتم و شما در بیستم سپتامبر بمن جواب دادید حاصل کرده‌ایم ولی متأسفیم که در نتیجه یك تردیدی در ترجمه یك سوء تفاهمی درخصوص منظور نامه شما روی داده است . اختلاف در زبانهاالبته سبب اشکالاتی میگردد . برای ما سوء تفاهمی از ترجمه متن روسی نامه اول آقای مولوتف حاصل شد از این قرار که جمله«دراواخر مدت مزبور » که در آن نامه ذکر شده بود اشتباهاً «پس ازپایان مدت» ترجمه شده بود . همکاران من از اطلاع باینکه راجع بتاریخ تخلیه ایران از نیرو های متفقین یعنی دوم مارس سال ۱۹۴۶ یا ۶ ماه پس از امضای سند تسلیم ژاپن در تاریخ دوم سپتامبر ۱۹۴۵ توافق کامل بین انگلستان وشوروی حاصل شده‌اظهارنهایت خوشوقتی نمودند دولت انگلستان براساس این توافق مشغول صدور دستوری بنمایندگان مسئول نظامی انگلستان میباشد . آقای مولوتف میس چنین جواب داد . ازاینکه نامه مورخ بیستم سپتامبر اینجانب مورد رضایت شما گردیده خوشوقتم . مایلم یکبار دیگر اظهار نمایم که درمورد دولت شوروی موضوع تخلیه ایران از قوا نظر باینکه پیمان مخصوصی که شوروی راجع بآن دارد موجود است بطور کلی صورت مسئله مخصوصی را بخود نگرفته بود تقاضا دارم در نظر داشته باشید که دولت شوروی اهمیت فوق العاده ای دربت بانجام وظایفی که برعهده گرفته قائل است .

طلای انگلیس
چطور این ذخیرهٔ بزرگ از انگلستان بمحلی دیگر انتقال داده شد؟

بزرگترین قمار های جهان، درحالیکه آلمان نفوذ فوق‌العاده داشته وبر کلیهٔ اقیانوسها بخصوص دریاهای اطراف جزایر بریتانیا مسلط بود انجام گرفت. زیرا ذخیره طلای انگلستان کلا ازمراکز اصلی خود در سال ۱۹۴۰ بمحل امنی انتقال داده شد.

...بچه نیست:

روزی رسید که دربانك انگلیس ذخیره جالب توجهی وجود نداشت وکلیه شمش، سکه وغیره باکشتیهای مخصوصی که از هر حیث مسلح ومجهز بود بکشور های متحد امریکا نقل گردیده بود.

داستان حیرت انگیز این انتقال درماه ژوئن ۱۹۴۵ افشاء و در جراید انگلستان منعکس شد.

...که غرق کرده:

سو کشتی بزرك ومسرو فسجهان پیما (کوئین‌مری) و(کوئین الیزابت) مقدار زیادی ازاین‌ذخایررا حمل نمودند معذلك از کشتیهای دیگر هم که درسالهای پیش مالا انتجاره فوق‌العاده ارزان وغیر مایل توجهی راحمل مینمودند بااین وجودکاری ازپیش نبرده انتظاری را برای خویش کسب کردند.

در حالیکه آلمانی ها باخراب کاری های زیر دریائی ها وبمباران هوائی خویش بقیمال خود زمام امور اقیانوسهارا در دست گرفته واجازه حرکت بهیچ‌یك متفقین نمیداد وبیش از هزار میلیون پوند طلا بروی اموالچیومنالك دریا قرارداشته وباسرعتازچنگ دشمنی بدشمنی دیگر میرفت.

کمر امپراتوری :

ازتمام بنادر انگلیس که تعداد فوق‌العاده زیادی دارد عموم کشتی های بزرك و حتی قایق های موتوری مسلح شده و عازم حرکت بودند زیرابزرگترین امرتاریخی انجام میگیرد واگرثروت بی‌پایانی برزیرآب میرفت محققاکمراپراتوری انگلیس نیزمیشکست

ششمین فریب خورد :

عده‌ای از کشتی ها برای فریب آلمانی ها و بحریه پرسلاح ایشان بدون اسکورت حرکت نمودند و خوشبختانه کمتر آسیب دیدند . از یکهزار میلیون پوند ثروتی که بامریکا فرستاده میشد فقط پانصد هزاربوند ازبین رفت . بعضی از کشتیهای کوچك غرق شده و مال التجاره خود راکه چیزی جز طلا نبود با خود بزیر آب بردند وازبین آنها فقط کشتی (نیاگارا) را باید نام‌بردکه بیش ازده میلیون مال‌التجاره رادرعمق ۴۲۰۰ متر فروبرد .

شواس :

ولی کلیه این مقدار را نباید بحساب ضرر واردکرد زیرا « دستهٔ نجات » استرالیائی که افراد زبده‌ئی برای غوص در آب واقیانوس دارند توانست ۵۰ تا ۶۰ هزار پوند را از اعماق دریا بیرون آورد .

اقتصاد بحریه :

محققاً هیچیك ازکمپانی های بیمه جهان حاضرنبودکه چنین مقداری را بیمه کند زیرا نه جرات آنرا پیداکرده و نه سرمایه کافی جهت تضمین آن داشت

ولی درجنگ انجام آن را بچیزی جز شانس و بخت نمیتوان تشبیه نمود که از هر حیث برای نجات و زندگی یک امپراتوری عظیم قابل اهمیت بود. خوشبختانه بدون ضرر زیاد انجام یافت و صفحه مشعشعی را در تاریخ نیروی دریائی امپراتوری انگلیس باز نمود.

از روزیکه جنگ زاین هم آغاز گشت متجاوزی از ثروت و ملاکه در ممالک دیگر بوده خطر حمله ژاپونیها برآن زیاد بود مثل سابق بمحل امنی انتقال داده شد ودر ضمن همین جریانات بود که کشتی فوق الذکر - نیاگارا - غرق گشت.

این کشتی دارای سوابق زیاد و سابقاً بین وکلند - سیدنی و وانکوور مسافرت مینمود. روزی هم در آب فرو رفت چندان فاصله‌ئی از زلاند جدید نداشت زیرا هر دریای (تاسمانی) حرکت میکرد.

شیرهای کوچک شمعی

[illegible]

[illegible] در آغاز جنگ آلمانیها یک نوع موشکهای متحرکی برای مصارف حیوانات اختراع کرده بودند و هر نمونه‌ئی که امتحان کردند از موشکهای هرموشکها این بود که هر وقت حیوانات میتوانستند از مسافر شوند موشکها یک دسته برق از دهان موشک بیرون میکرد و بعد از چند ثانیه صدای برق بلندی از دهان موشک بر میخاست حیوانات ترسیده بجای خود باز میگشتند.

بقلم کنت برنادوت رئیس صلیب احمر سوئد

آلمان در روزهای سقوط

هیملر گفت:

من قسم خورده ام بهیتلر وفادار باشم و نمیتوانم مخالف قسم خود رفتار کنم.

اگر متفقین بخواهند ملت آلمانرا نابود کنند باردیگر هیتلر بزرگتری قهرمان ملی آلمان خواهد شد.

بالاخره پس از دو ندگی بسیار توانستم فنریش هیملر رئیس و فرمانروای گشتاپوی آلمان و وزیر کشور و دست راست هیتلر و فرمانده کل ارتش داخلی را که همه وسائل آزار و شکنجه را برای سرو مخالفین نازیسم بوجود آورده و از سقوط آلمان تا آخرین روز های شکست قطعی جلوگیری کرده بود ملاقات کنم

ولیم شیرر « در یادداشتهای برلن » هیملر را مرد کوچك اندام و بی آزاری که مانند معلم دبستان بی سر و صداست وصف میکند. طاهر رئیس مخوف گشتاپو را بیتر از این نمیتوان توصیف کرد. من ناگهان او را در لباس سبز سرلیش بدون نشان مانند یك شهری عادی جلوی خودم دیدم و با نهایت تعجب متوجه شدم که طالب آرزوی خویش مجسم و خوش معاوره است و برای آنکه از صحبت و سخنی گفتار بنکاهستگه های لطیفی بکار میبرد حقیقت اینست که در ملاقات خصوصی در ظاهر هیملر هیچ چیز شیطانی وجود نداشت و در چشمان او علامت صلابت و سنگدلی بهیچوجه دیده نمیشد بلکه من او را شخص زنده دلی یافتم که نسبت بهیتلر اظهار صمیمیت

فوق العاده میکرد و درهرحال بعقیده من هیتلر یکی از عجیبترین شخصیتهای متناقضی است که من درعمرخود دیده ام.

هیتلر بمن گفت: «شاید تصور کنید این قصه پوچ است ولی درهمه حال من قسم خورده ام که به آنواف هیتلر وفادارباشم و بعنوان یك سرباز و یك فرد آلمانی نمیتوانم برخلاف قسم خود رفتار کنم بدینجهت نمیتوانم مخالف نقشه ها و تمایلات پیشوا قدمی بردارم.»

بنابراین هیتلر تا روزهای آخر نفوذ خود را داشت واگرچه اختیار کارها تاحدی ازدست او بدر رفته بود باوجود این نزدیکانش هنوز احترام و وفای او را در دل داشتند و سرشت مخالفت با اورا نمیکردند هنوز نفوذ او در دلها استقرار داشت و شخصیت او محترم و مورد توجه بود.

در پرتو این اطلاعات نهائیت خود را در آلمان آغاز کردم هیتلر قدرت و جسارت مخالفت با هیتلر را نداشت. هانیرك بمن گفته بود که روابط هیتلر وریبس گفتاو تا حدی سرد شده است، با وجود این هنوز هیتلر از ایام مبارزه مشترك با هیتلر بالحنی شورد آمیز سخن میراند و میگفت «روزهائی فرخنده ای بود» با اعتقادی نهضت اولی دلیلاً درخطر مرگ بودیم و با وجود این از چیزی ترس نداشتیم. آدولف هیتلر ما را رهبری میکرد و ما همه بچشمان یك دیگر بودیم. این زیبا ترین ایامی زندگی من بود. آلمان ما برای بدست آوردن مقام آلمان جنگ میکردیم» وقتی این خاطرات را میگفت بوی تأثر و غم خود نمایی از چشمانش میجست.

من گفتم اگر شما بازیگر یا نویسنده یا عضوی بودید آیا هنگام محاکمه آلمان جلو مردم این کشور ها برای دفاع از خائن قیام خود صلاح بدست نمیگرفتید؟ گفت: بلیه! ولی اگر شما بودید

پرستان ممالك اشغال شده را شکنجه و آزار کردیم برای این بود که آنها خرابکاری میکردند .

پس از آن بمن گفت: «واقعاً میخواهید با نروژیها و دانمارکیها که اکنون در بازداشتگاههای آلمان هستند تماسی پیدا کنید و آیا میخواهید آنها را تحت نظر بگیرید تصور میکنید من بتوانم با تقاضای شما موافقت کنم ؟» پس از کمی سکوت شخصاً جوابداد : « اگر من با اینموضوع موافقت کنم فرداست که روزنامه های سوئد با حروف درشت خواهند نوشت که جنایتکار جنك هیملر از بیم مجازات میخواهد زمینه آزادی خود را فراهم آورد»

پس از آن هیملر اصرار داشت رفتار های خشونت آمیز آلمان را موجه قلمدادکند و در نتیجه گفتگوی بسیار قبول کرد که صلیب احمر سوئد در بازداشتگاههای نروژی و دانمارکی فعالیت آغاز کند و زنان بیوه و یتیمانرا بسوئد بفرستند ولی شرط کرد که همه بخارج اینکار بمهده صلیب احمر است .

چند روز بعد من با هیئت صلیب احمر با مقداری دوا و غذا بآلمان بازگشتم مدتی معطل کردند تا اجازه ورود بباشگاه لونگهام صادر شد ، زیرا میخواستند فرصت بدست آورده وضع آنجا را مرتب کنند صدای توپ از جبهه جنك بگوش میرسید ، نیروی متفقین تا «برمن» رسیده بود و جنك بقلب آلمان نزدیك میشد .

روز دوم آوریل باز دیگر هیملر را دیدم ، امروز بسیار گرفته و عصبانی بود معلوم شد ما چهار ساعت طول کشید برسیم و به انتظار نداشت که او اوضاع بدین اندازه وخیم است ولی در عین حال نومید نبود در اثنای این گفتگو طرح جدیدی برای فعالیت خود در آلمان ریختم زیرا متوجه شدم که خواهی نخواهی بقلب توفان سیاسی کشیده شده ام

هیملر بمن گفت : «در راه مصالح آلمان هر کاری بتوانم مایلم انجام دهم

ولی باید جنگ دوام داشته باشد ، زیرا من نسبت بهیتلر قسم وفاداری خورده ام وبقسم خود پابند هستم.

گفتم : « آیا شکست آلمان قطعی شده است ؟ شما وقتی در سال ۱۹۴۱ بروسیه حمله کردید ، جنگ را بدو جبهه انتقال دادید وبدینجهت زمینه شکست آلمانرا فراهم کردید؟ . . اکنون میگوئید برای مصالح آلمان هر کاری بتوانید انجام خواهید داد دراینصورت باید نسبت بآلمان بیشتر از هیتلر وفا دار باشید ، اگر اطمینان دارید که ادامه جنگ باضمحلال کامل آلمان منجر میشود باید از هیچ اقدامی دریغ نکنید »

هیملر جوابی نداد ، لحظه ای بعد اورا در پای تلفن خواستند و بیرون رفت در غیاب او سالتبرك پرسید آیا نمیتوانم با اینهاور مربوط شده در باره متارکه جنگ درجبهه غرب فقط در جبهه غرب با اومذاکره کنم ؟

گفتم این محال است باید پیشنهادی ازطرف هیملر تهیه شود دراین هیچ اقدامی نمیتوان کرد ، من اطمینان دارم که ایزنهاور و متفقین غربی برای مذاکره در باره صلح آماده اند ولی باید پیشنهاد های سریعی براین آنها بدهیم هیملر باز گشت و بر سیدگفتگو ما در باره کیفیت انتقال اسیران از باز داشتگاه آغاز شد پس از آن هیملر سخن را بجنگ و سیاست کشید و با تأثر گفت : آلمان صدمات بزرگی برنگ شده است و این جنگ که بنفع صلحای گذشته است بزرگترین خصمهای ما این بود که با انگلستان صلح و دوستی ابدی ، من شخصاً نمیدانم چرا ما مشورت این دو دشمن دیرین و خونین مرا نپذیرفتیم و بجنگ با هر دو کشور پیچ وقت بزرگتر مرد آلمان پس از هیتلر اینگونه دل بچه ها نداده بود در روز های بعد سالتبرك چند بار پیش من آمد و پیوسته اصرار داشت که من با فرمانده نیروی متفقین در باره متارکه در جبهه غرب مذاکره کنم روز ۲۲ آوریل ، سالتبرك بمن خبر داد که کارل

هیتلر تمام شده است و شاید تا دو روز دیگر بیشتر زنده نباشد وهیملر قائمقام او خواهد شد شب آنروز بار دیگر هیملر را ملاقات کردم وی گفت احتمال قوی میرود که هیتلر تا کنون مرده باشد و اگر نمرده باشد بزودی خواهد مرد زیرا هیتلر ببرلن رفته است که با مردم پایتخت بمیرد اکنون برلن در محاصره است و سقوط آن همین امروز و فردا ست

در ملاقاتهای قبل هیملر پیوسته از سختی اوضاع دم میزد ولی ایندفعه صریح گفت «من اعتراف میکنم که آلمان شکست‌خورده است» در آهنگ او چیزی که نشان تسلیم بحوادث بود خوانده میشد پس از آن گفت «اکنون باید دید که اکنون متفقین با آلمان چه میکنند اگر بخواهند ملت آلمان را محو کنند بار دیگر هیتلر بزرگترین قهرمان ملی آلمان خواهد شد زیرا فقط هیتلر میتواند مشکلات ملت آلمان را حل کند زیرا او بود که آلمانرا از ضعف و بدبختی و عواقب پیمان ورسای نجات داد»

اطلاعات شخص من نشان میدهد که این هاله نور که در روزهای آخر دور هیتلر بوجودآورده اند مطلقاً صحیح نبود هیتلر دربهار ۱۹۴۵ مرد مریض و علیلی بود و بهیچوجه قدرت قیام باعمال خارق العاده نداشت و اگر تصمیم گرفت دربرلن بماند برای آن بود که اطمینان داشت میمیرد

درهرحال هیملر بمن گفت با وضع کنونی دست من تاحدی بازشده است‌ومن برای‌آن باقیمانده‌ام که‌آلمان را نجات دهم حاضرم دوجبهه شرق تسلیم متفقین شوم ومتارکه اعلام شود ولی در جبهه شرق تسلیم نخواهیم شد آیا شما حاضرید در این زمینه با فرماندهی نیروی متفقین صحبت کنید؟

گفتم محال است که انگلیس و امریکا بدون اطلاع روسیه برای مذاکره حاضرشوند!

هیملر گفت میدانم اینکار مشکل است ولی من میخواهم میلیونها مردم آلمان را از اسارت روسها نجات بدهم.

گفتم من این پیشنهاد را مطرح میکنم بشرط آنکه اصول متارکه شامل نروژ و دانمارک بشود.

هیملر گفت قبول میکنم ولی بشرط آنکه روسها دانمارک و نروژ را اشغال نکنند و اگر پیشنهادات من قبول نشود جنگ را ادامه میدهم تا در میدان جنگ کشته شوم پس از آن با آهنگ لرزانی گفت مطمئن باشید که من سخت ترین ساعات زندگانی خود را میگذرانم.

پیشنهاد هیملر باطلاع فرماندهی نیروی متفقین رسید و بلا فاصله بلندن وواشنگتن فرستاده شد چند ساعت بعد جواب رسید که باید آلمان در تمام جبهه ها بدون قید و شرط تسلیم شود مبنا اشعار شده بود که پیشنهاد باطلاع فرماندهی نیروی شوروی نیز برسانند.

بدین طریق هیملر توانست در آخرین لحظه میان متفقین اختلاف بیندازد و معتقد شده بود که در سخترین دوره های جهان مرتبه عالیه سیاسی یابد.

بی درمان پدر آمد تا درمان بیرک ابرفرمانده و خونریزی موسوم که طبیعی بنظر آید نماید و امید واری تکرار نشود باقی بماند.

صفحه ای از سیاست جهان

مستر آنورین بیوان وزیر بهداری بریتانیا در کابینه کارومدیر مجله تریبون چاپ لندن ویکی ازمهمترین رؤسای اتحادیه کارگران جزء سوسیالیست های افراطی است و طی سرمقاله ای که درمجله خود (تریبون) تاریخ ۲۱ سپتامبر ۱۹۴۵ منتشر نموده سیاست کنونی عالم و ریشه اختلافات موجوده میان شوروی - انازونی - انگلستان را بطوردقیق از نظریك سوسیالیست مفرط شرح میدهد

اینك ترجمهٔ آن مقاله :

هفته گذشته « والتر وینچل » مفسر رك گوی امریکا بیپرده گفت :

چهار اصل آزادی بچهار اصل فاسد دیگری تبدیل شده است:

« تصرف عدوانی - فریب - حرص - طلا »

وینچل هنگامی این تفسیر اخبار را در بارهٔ امور بین المللی تذکر داد که درآن واحد راجع بروابط بازرگانی امریکا وانگلیس در واشنگتن و میان وزیران امور خارجه دولت های متفق (اما نه چندان متفق) در لندن کشمکش هائی میان دارد .

درست است که کنفرانس وزیران امور خارجه در آغاز کار میباشد وما باید امیدوار باشیم که بالاخره راجع بروابط اشتراك نظر های وسیع موجوده راه حل و توافق نظر قابل قبول پیدا خواهد شد ولی سودی ندارد که این حقیقت را کتمان کنیم که از آغاز روز پیروزی تاکنون بعد از یك هفته مذاکره فقط راجع بیك نقطه از قضایای مورد اختلاف ونزاع هرگز پنجاه منازعه‌ای سیاسی در نگرفته بود .

در بارهٔ قرارداد پیشنهادی مربوط بصلح ایتالیا دو موضوع مهم پیش آمد کرده است که یکی از قسمت مرز های یوگوسلاوی و دیگری مستعمرات ایتالی میباشد .

برای حل هر یك از دو موضوع دو راه مختلف پیش بینی میشود و در واقع هم همین دو راه مختلف اتخاذ گردیده است .

یکی اینکه درموقع این تغییر مرزها درراه همکاری بین‌المللی از فرصت استفاده ای شود و آزمایشی بعمل آید و یا اینکه یك یا چند دولت فاتح فرمانی برای توسعه خاك خود بدهند .

مسئله مرزایتالی و یوگوسلاوی بطور کلی بافتنه تریست» موبوط است در سایر قضایا حتی خود ایتالیائی ها همه اتفاق نظر دارند که مرزبندی سابق نسبت به یوگوسلاوی عادلانه نبوده وباید بسود یوگوسلاوی تجدید نظر شود .

درهرحال تریست موضوع جداگانه‌ای است ایتالی ویوگوسلاوی میتوانند برای تصرف تریست روی زمینه‌های مختلف تزئینی بعمل

اگر چه باید آشکارا گفت از نظر کثرت جمعیت سلاوی ایتالی نویس میباشد ولی هرگاه بندر را یکی از نقاط مهم اقتصادی بدهند کاملا بی‌عدالتی کرده اند چون قضیه تریست ملی نیست و بین‌المللی است تریست تنها بندر نیست بلکه تریست بندری بسیار مهم و بین‌المللی است تنها بندر دریائی یوگوسلاوی بشمال نیست بلکه برای اتریش ، مجارستان ، چکوسلواکی ، آلمان جنوبی ، و سویس هم این خاصیت را دارد . اگر واقعاً تقسیمات پیشنهادی راجع بحل بین‌المللی اروپا نیست عمل بسود یوگوسلاوی نیست . بدیهی است که میتوان برای کلیه نواحی مربوط حل مطلوب استنباط نمود و بدین ترتیب هر راه بین‌المللی گردش حل و نقل اروپا قبل حل یافته شود .

با این که مطالعات های دقیقی برای حل شدن این موضوع بعمل آمده باز هم برای اجراء شدن این راه حل امیدی باقی است

با همه اینها اختلاف نظر راجع به تریست مشکلترین قضیه مربوط بقرارداد ایتالی میباشد بلکه مهمترین اختلافات آنقرارداد مربوط بآیندهٔ مستعمره‌های ایتالی و جزایر دودکانز است .

بطور اختصار حقایق مکشوفه از اینقرار است .

امریکائی‌ها چنین پیشنهاد کردند که اداره امور مستعمره‌ها بخود ایتالیائی‌ها در تحت نظارت کمیسیون بین المللی واگذار شود این پیشنهاد از چندطرف با مخالفت سخت مواجه گشت امریکائیها پیشنهاد دیگری دادند که مستعمره‌های ایتالی بسازمان امانت داری (تروست شیپ) دولت‌های متفق واگذار گردد و آن شوری فرمانداراتی برای ادارهٔ این نواحی تعیین کند (فرمانداران باکمك رأیزنان متفقین بزرك و رأیزنان ایتالی آنجاها را اداره بنمایند) در ظرف پانزده تا بیست سال زمینه مستقل شدن آنان را فراهم سازند بریتانیا وچین از این پیشنهاد طرفداری میکنند فرانسویها هنوز تصمیم نگرفته‌اند ولی ظاهرا حاضر شده اند آن را زمینه مذاکره قرار دهند ولی بنه از آزمایش‌های اخیری که در سوریه و هندوچین بعمل آمده اساسا فرانسویها با هر نهضتی که منجر باستقلال مستعمره‌ها و نیم مستعمره‌ها بشود تردید در موافقت دارند و بهمین دلیل انگلستان دو اول تردید داشت که چگونه با طیب خاطر این پیشنهاد رابپذیرد گرچه قسمت های امپراتوری بریتانیا خیلی بیشتر از امپراتوری بریتانیا خیلی بیشتر از امپراتوری فرانسه بیکدیگر وصل و مربوط است بعمل بریتانیا بالاخره اعتراضات خودرا پس گرفت .

پیشنهاد ثانوی متقابل روسها

فی الواقع در مقابل پیشنهاد امریکائیان نه از طرف انگلیسها ونه از طرف فرانسویها مخالفتی بعمل آمد بلکه از طرف شوروی‌ها پیشنهاد مفصلی داده شد که بجای هیئت بین المللی امانت داری فقط یکی از دولتها در امور دمنهٔ از مستعمره‌های ایتالی نظارت داشته

باشد روسها طرابلس را برای خودشان نمیخواهند و بطوریکه آقای مولوتف درکنفرانس مطبوعاتی خود در سه‌شنبه گذشته اظهار داشت در (اریتره) منافع مخصوصی دارند .

هنوز زود است که بگوئیم آیا روس ها خیال دارندباتمام قوا و بهر قیمتی که هست این تقاضاهای خود را عملی سازند یا آنکه این پیشنهادها برای آنست که در برابر تحصیل امتیازات مهمتر دیگری تبدیل گردد وفعلا بعنوان چانه بازاری اظهار میشود

در هر صورت هرگاه این تقاضا را با تقاضاهای دیگر روسها درنظر بگیریم وهمچنین سیاستی را که آنها پس از پایان جنگ (حتی پیش از پایان جنگ) دربالکان وخاور نزدیک پیش گرفته اند بخاطر بیاوریم ناچار باین نتیجه میرسیم که تمام این جنبش ها مربوط بیک نوع استراتژی میباشد طرفداری روس ها از دعاوی یوگسلاوی - بلغار - آلبانی برضد یونان و ایتالی - فشار روسها به ترکها و تقاضای تصرف داردانل .

فشار روسها به ایران و عدم موافقت واقعی راجع به بیرون بردن ارتش خود از آذربایجان دعاوی اخیر روسها راجع [illegible] [illegible] اخیر طرابلس و [illegible] و اصرار آنها به اینکه موضوع مستعمره های ایتالی دوکانس و داردانل یکجا حل گردد - همه این دعاوی و اقدامات که بصورتهای مختلف جلوه میکند مشمول یک تقاضای کلی است که شوروی میخواهد [illegible] [illegible] نفوذ در [illegible] پیش برود .

[illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] باشد ؟ [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

آیا [illegible] [illegible] [illegible] ؟

[illegible] اینکه چنین مطالبی [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] میباشد ؟

ولی اتفاقا باین دعاوی شوروی اعتراضاتی هست و اعتراضات هم بمورد میباشد و هرگاه پیشنهاد امریکا باپیشنهاد شوروی مقایسه شود صحت این اعتراضات بخوبی منتشر میگردد زیرا پیشنهاد امریکا قدم مهمی است که بطرف همکاری و مسئولیت مشترك بین المللی برداشته میشود و بهمان دلیل بهترین وسیله توافق نظر است و هر سوسیالیستی باید از آن پشتیبانی نماید .

برعکس پیشنهاد شوروی مبنی برتجزیه مستعمره ومستملکات دیگر ایتالیای شکست خورده میان دولت های فاتح یك نقشهٔ ارتجاعی است که فقط میتواند رقابت موجودهٔ امپریالیزم راشدت دهد این انعکاس تاسف آوری است که پیشنهاد مزبور از طرف دولتی میشود که یك وقتی ادعا داشت در برابر تقاضاهای امپریالیزم یگانه مدافع غیور و حافظ حقوق بین المللی میباشد این موضوع بیشتر قابل تاسف است که آقای مولوتف پیشنهاد امریکائیها رارد کرد و دلیلش هم این بود که چون قیمومت و نظارت (تروست شیپ) اجتماعی بین المللی تا کنون سابقه نداشته پس بهتر آنست که از آن صرفنظر شود و شرط عقل نیست که بآزمایش درآید ولی باید گفت که تا ۱۹۱۷ هم رژیم شوروی وانقلاب پرولتاریا در دنیا سابقه نداشته آیا شرط عقل نبود که از آن هم صرفنظر کرده

سال در قسمت دیگر سئوال مینمائیم که چرا نباید دولت شوروی در مدیترانه راه یابد ؟

در اینجا باید پرسید که چرا دولت شوروی آنقدر اصرار میورزد که در مدیترانه دست پیدا کند ؟ آیا چه سودی از این وضع عاید شوروی میگردد ؟ و تا چه اندازه ممکن است در سیاست و منش بعضی ملت روسیه مؤثر باشد اتحادیه کشور های غربی اروپا که البته روسیه سیاست بر آنان را تقاضا دارد از هر اتحادیه دیگری در دنیا مستحکمتر و متین تر میباشد .

آیا چنین قانون غیر مدونی در تاریخ جهان سر
که ملت های زورمند قلمرو خودرا پیوسته توسعه بدهند ؟
گیتی را مسخر سازند ؛ فرض که چنین قانونی باشد سوء
هرگز تابع این نباید بشوند این یك قانونی است که در
قدیم پیش از اینکه سوسیالیست‌های شوروی در سراسر جهان
شوند بعنوان تهاجم امپریالیستی معرفی شده بود .

پس دلیلی ندارد که روسیه بخواهد دست بیابد و بطور قطع نظر از نظامی برا گیری از آلمان و ژاپون شکست‌خورده چنین نشده است بلکه این پیشرفت در مدیترانه فقط از

در مقابل بریتانیا و قدری هم در مقابل امریکاست در
ابتدای که رانچ‌باین پیشرفت بعمل آید باقدامات متقابل
میشود و در نتیجه پیشرفت صلح بین‌المللی با مشکلی
بیشتر از هر طرفی بعمل آید .

دنباله مطلب صفحه قبل

اگر امروز ممکن بود که با یك صدمت کلیه
امریکایی و یا اقتصادی از میان بردارند مسائل را
پیدا میکرد .

شکی نیست که این مسائل مسالمت آمیز برای
حل جریان جهان را پیش می‌برد ضمنی است که
از دیدگاه نظامی نیز از مقاومت ما را بیش از پیش
ناتوان میکند .

مسئله این است که آیا این تغییر مطلب مورد
نظر بریتانیا بجای خود بوده و یا اینکه ضمن راه
شکست میکرد .

بهرحال مبارزه برای تغییر جریان بدان نتیجه
ایکه طلب بعمل آید البته یکی از شرکاء نیروهای به
وجود نزاع در یك دیگر سبب گشته بود که متفقین

دو طرف یا از طرف عموم بعمل آید وگرنه عملی نخواهد شد .

دعاوی روسیه برای تحصیل پایگاه‌های مدیترانه بهمان درجه غیر موجه است که بریتانیا بخواهد در بالتیك و یا دریای سیاه بخواهد یا اینکه روسیه و بریتانیا متفقاً بخواهند در اقیانوس آرام که امریکا آنجا را قلمرو انحصاری خود میداند پایگاه‌های استراتژی مطالبه کند و اگر سراسر جهان بدین ترتیب تقسیم نشده است نه تقصیر ماست و نه با موافقت ما بوده است

فقط اکنون برای معماران این تقسیم ناشایسته نیست که برضد نتایج آن اعتراض کنند و کوشش نمایند آن قسمتی را که بسود تقسیم خود نیست از میان بردارند .

البته مستر چرچیل نباید برای پرده آهنی اروپا اظهار تأسف نماید زیرا او خودش یکی از سه پیشوای بزرگی است که مسئول احداث آن میباشد همینقسم گویندگان شوروی هم « که خود آنها چنین بلوکی « اتحادیه‌ای» از ممالك شرقی اروپا درست کرده‌اند که سالهمه آنان بیك صدا حرف میزنند و عملشان بقسمی یکدیگر تطبیق میکند که حتی اشکال دارد ملیت افراد آنان را از یکدیگر تشخیص داد » نباید از همکاری فزدیك و اتحادیه کشورهای سوسیالیستی اروپای غربی شکایت داشته باشند .

تصمیم تازه لازم است

روزنامه دیلی ورکر اظهار داشت « یکی از دوستهای مهم چنان آنکه دولتهای متفقین اجازه ندهند تقسیم دنیا بنوان خوب و خوب واقع گردد » .

ما کاملا با این نظر موافقیم و خیلی خشنودیم از اینکه بالاخره دیلی ورکر نظری را که روزنامه ما پیوسته طرفدار آن بوده

ولی ما باید بپرسیم کی این تقسیمات را آغاز کرد و آیا آن کسانی که معتقد هستند برای ممالک غربی اروپا در راه همکاری بین المللی یگانه راه باقیمانده نزدیکی بیشتر میان کشورها میباشد یا آنکسانی که عملا یك بلوك محکمی دراروپای شرقی ایجاد کردندو کوشش دارندیکی پس ازدیگری دنیا رادر برابر عمل انجام یافته «فتاکومیلی» قرار دهند.

ما میدانیم که تنها روسها درعملیات قابل سرزنش نیستند ما میدانیم که سیاست محافظه‌کاران بریتانیا برای آنان سوء ظن تولید کرد وسیاستی در روسیه ایجاد نمود که بر سوءظن استوار گردید ما متأسفیم که حکومت کار هنوزاقدام مؤثری بجا نیاورده که نشان بدهد همان نظریات جدیدی را که در امور داخلی دارد درامور بین‌المللی هم پیروی میکند ما مخصوصاً متأسف هستیم که دولت بریتانیا تغییر مهمی در سیاست خود راجع به یونان نداده است تا دنیا آن را نمونه مسیحیت ما بداند ماوقتی که آگاه میشویم که هستر بوین هم از همان کمر شاهین سیاست خارجی نظر میخواهند که ایشن را مالیخولیائی هم نظر میخواست بسیار در شگفت میشویم.

مایلم اضافه نمایم که میخواستم سرچرچیل نامه‌ای درباره سفیر کبیر انگلیس در یونان میخواند ولیکن با این اضافات موافق نیستم زیرا در آن نامه عمل سفیر یونان را تبرئه کرده که چگونه نامبرده با خیانت صریح طرف شده.

برای من و تمام ملل حرفی آنقدر از عظمت و خوبی را نمیدانم که بتوانم بگویم که درجنگ شکست که این ژنرال عظیم‌الشأن ما انجام داد و تمام ما صمیمانه خواهان و آرزومند آنیم که دلیلی هم فقط این باشد که این صدا از جهانی که در آن ما اکنون زندگی میکنیم سال پیش همه صدای تانکهای پانزر میشنید.

گفتگوی جنگ سوم

آیا جنگ سوم میان اروپا و امریکا درمیگیرد؟

آلمان نازی از پای درآمد ، دستگاه عظیم جنگی آن درهم ریخت و زمامداران آلمان بدون هیچ قید وشرطی بمتفقین تسلیم شدند. ممکن است بعضی‌ها تصور نمایند که جنگ اروپا بپایان رسیده و دیگر در این قاره صدای توپ و غرش طیارات شنیده نخواهد شد در صورتیکه چنین نیست و شاید ما اکنون درآغاز یکدورهٔ خطرناکی هستیم که حوادث بیش از این بدنیای ما چشم زخم میزند

متعاقب از پا درآمدن آلمان شکست ژاپون بوقوع پیوست و قوای مشترک انگلستان وامریکا ژاپون و اراضی و مستعمرات بدیدار را ازدستش خواهند گرفت ولی چون این دو دولت (یعنی آمریکا و انگلستان) درجهان سیاست احتیاج مبرمی بیکدیگر دارند برسر تقسیم غنائم جنگی نزاع نخواهند کرد .

دولت ژاپون بهمان صورتی که بود برمیگردد ودول انگلستان و امریکا صنایع جنگی را ازدستش خواهند گرفت .

امپراتوری ژاپن از بین خواهد رفت دولت انگلستان برای استرضای دولت امریکا بازار تجارتی چین را بامریکائیها واگذار خواهد کرد وخود بازارهائیکه در سایر نقاط دنیا دارد خواهد ساخت . بنا بر این در خاور دور اختلافی بین امریکا و انگلستان روی نمیدهد در حوزه وضع دول بزرگ در آینده مهم میباشد و معلوم نیست که اگر یک عالیهٔ عقلائی برای حفظ صلح ریخته نشود اوضاع اروپا چه خواهد شد؟

دولت امریکا که تا قبل از این جنگ در امور قارهٔ اروپا دخالت نمیکرد بعد از این جنگ در حل وفصل امور قارهٔ اروپا

شرکت خواهد نمود و این موضوع باعث خواهد شد که بقول کنلی وکیل مجلس سنای امریکا تصادمهائی بین دولت امریکا و شوروی حاصل شود .

کنلی وکیل مجلس سنای امریکا میگوید : یا امریکا نباید در کار قارهٔ اروپا شرکت نماید یا اینکه باید احتمال جنگ بین دولت امریکا و شوروی را پیش بینی کند . این موضوع بقول کنلی برای ما بسیار ثاثر آور است که پیش بینی کنیم دوباره جنگ عظیم دیگر شرکت خواهیم کرد .

ما وقتی بمجلات امریکائی از قبیل «هارپرس - آتلانتیک - لایف - کولیرس » و سایر مجلاتی که از امریکا بتهران میآید نظر میاندازیم مشاهده میکنیم یك نوع اضطراب و عصبانیت بزرگی بر نویسندگان این مجلات که از بزرگترین نویسندگان امریکا هستند غلبه کرده .

اینها میگویند امریکا باید تدارك یك جنگ بزرگ دیگر را ببیند و تصور نکند که بعد از این جنگ دیگر دنیا آرام و آرامش خواهد شد .

اینها میگویند : کاش بعد از این جنگ رخ خواهد کرد که اختلافات بزرگی بین دولت شوروی و دول امریکا و انگلستان پیدا شود زیرا چنان بنظر میرسد که برای تصویب [illegible] اینها اختلاف لازم است . اینها میگویند : بنی آدم برای ایجاد این اختلاف باید بیست که میان کمونیزم را بعنوان یك دولت متحد مغرب زمین متحد نشان دهند .

مجلات امریکائی میگویند : اگر در سالهای آینده جنگی بین دولت اتحاد جماهیر شوروی و آلمان کمونیست از یکطرف و دول امریکا و انگلستان از طرف دیگر آغاز شود میدان جنگ

کشورهای خاور میانه و بالکان ومغرب اروپا خواهد بود. بهمین جهت است که طرفین از همین حالا سعی میکنند که در این نقاط پایگاههائی برای خود ایجاد نمایند. موضوع ایران بالاخص در بعضی مجلات امریکائی مقام خاصی دارد و از اختلاف آینده دول بزرگ متفق در ایران صحبت میکنند و میگویند که ممکن است این اختلاف بجنگ منتهی شود. مجلات آمریکا میگویند: ما در عین حال که ژاپون را بعداز این جنگ ضعیف میکنیم نباید کاری کنیم که وسیله معاش بکلی از دست ژاپون بدر رود، این ملت کثیر النفوس گرفتار گرسنگی شود و زمینهٔ جنگی در جهان فراهم آید زیرا بدون تردید ژاپون خودرا در آغوش دولت شوروی خواهد انداخت که بتواند انتقام این جنگ را پس بگیرد و آرزوهائیکه نتوانست در این جنگ عملی کند در جنگ آینده عملی سازد.

دیگر از چیزهائی که مجلات امریکائی میگویند احتمال یک اختلاف بزرگی در اروپا مرکب از دول شوروی وآلمان و ایتالیا و فرانسه وتمام دول کوچك اروپا برعلیهٔ امریکا وانگلستان است و ممکن است که بعد از این اختلاف جنگ بزرگی بین اروپا و امریکا درگیرد که بکلی تمدن را نابود نماید.

بعضی از نویسندگان تند روی امریکائی میگویند: اصلا صلح نیست که بعد از جنگ کارخانه های اسلحه سازی امریکا مبدل بکارخانه‌های تولید محصولات بازرگانی خود و اقتصاد دورهٔ جنگ مبدل باقتصاد دوره صلح گردد برای اینکه اگر امریکا اقتصادیات دوره جنگ را باقتصادیات دورهٔ صلح تبدیل نماید ممکن است که بحران آینده غالبگیر خود مانند دوری که فرانسه وانگلستان دراین بحران غالبگیر شدند.

نویسندگان امریکائی میگویند: اگر اتحاد عظیمی مرکب از تمام دول اروپا در آن قاره تشکیل شود بواسطهٔ کثرت نفوذ

و بنیهٔ صنعتی و منابع مواد خامی که این ائتلاف دارد ممکن است امریکارا از پا در آورد و سراسر آسیا و افریقا را تصرف نماید بر دول امریکا و انگلستان فرض است که با تمام قوا از تشکیل این ائتلاف جلوگیری نمایند.

خوشبختانه در قبال این دسته از نویسندگان و متفکرین بدبین که بروز جنگ را در خاور میانه یا در اروپا حتمی میدانند و میگویند که این جنگ ممکن است که تا سال ۱۹۷۰ میلادی یاسال دوهزار میلادی طول بکشد دسته دیگر ازنویسندگان خوش بین هستند که میگویند: نوع بشر اگر گناهی کرده بقدر کفایت کفارهٔ گناهان خود را در این جنگ پس داده و از این پس باید دورهٔ صلح و صفا آغاز شود.

نویسندگان ومتفکرین خوش بین میگویند: بالاخره مطوفت و حسن نیت دول بزرگ بر اهواء و امیال و هوی و هوس های آنان غلبه خواهد کرد و خواهند توانست که سمپوزیوم دوم جمع شوند و سازمان متینی برای صلح آینده بریزند که ضامن سعادت آیندهٔ دنیا باشد.

اینها میگویند که بعد از این خونریزی بزرگ خداوند به نوع بشر رحم خواهد کرد و اورا ارشاد خواهد نمود که برجاه طلبی وهوس وهوس خود غلبه نماید و اصول ثابتی برای صلح و سلم بوجود آورد که میگوید جنگ بین المللی میگوی که فعلا مشغول در این جنگ خواهد بود مشغول نگردد.

ما از صمیم قلب بااین دسته ازنویسندگان خوشبین امیدواری هم قلب هستیم و امیدواریم که دنیا میگر روی جنگ را ببیند و بتواند مشکلات خود را بدون آغوش صلح و سلم رفع نماید.

از تشنگی خون میآشامیدند!

خبرنگار مخصوص روزنامه تایمز هفتگی از «یوکوهاما» برای جریدهٔ خود نوشته بود :

هرچه برتعداد اسراء آزاد شده جنك افزوده میشد بهمان نسبت هم بر تعداد داستان های عجیب رنج هائی که سربازان ولشکریان ژاپونی بایشان میداده اند افزایش حاصل میگردید .

یکی ازافسران نیروی دریائی امریکا بنام(استاسن)میگوید : هیچیك از اردو های ژاپونی مطابق مقررات بین المللی نبود وضع زندانیان بسیار بد و تأسف آور و بیش از هشتاد در صد ازایشای فعلاً ازامراض مهلکی چون سل - اسهال خونی - بری‌بری مینالند و مرتباً فوت مینمایند .

اخیراً عدهٔ ازمیسیونرهای انگلیسی‌وامریکائی بازن واطفالشان از زندان خلاصی یافته‌اند . غالب اسراء جنگی از ضرب شلاق و رفتار ظالمانه مراقبین زندان شکایت دارند .

دریك کشتی که اسراء جنك بایستی ازفلیپین به‌توکیو میرفتند وضعیت خوراك وآب بی‌نهایت خراب‌و کم بودآب تاحدی رسیده بود که اسیران بیچاره مجبوراً رك خودرا زده خون خویش‌را بجای آب مینوشیده اند . ازیکهزار پانصد نفر سرنشینان این کشتی فقط پانصد نفر رهائی یافته و بخشکی رسیدند .

عادت تعظیم کردن

موضوع قابل توجهی که ازتمام اسراء جنگی که مدتی زاپون تحت زاپونی ها بوده دیده میشود عادت تعظیم کردن است زیرا اینان هرکس راکه در برابر خود میبینند یا از او زدشونه فوراً خم شده و تعظیم میکنند .

علت اصلی این کار فشار سختی بوده که زندانبانان ژاپونی برایشان وارد آورده وآنها را مجبور باطاعت وانقیاد نموده بودند

رانندهٔ یکی ازهواپیماهای نوع (سوپر فورترس) که طیاره‌اش دراواسط جنگ هدف قرار گرفته وخود مجبور بفرود شده بود تعریف میکند که از اولین ساعت اسارت ، ژاپونیها ما را بتعظیم کردن وامیداشتند . چون باینکار عادت نداشته و اغلب فراموش مینمودیم لذا میله های آهنی باندازه مداد لای انگشتان ودستان گذارده و فشار میدادند . مداومت این زجردلخراش سبب شد که بهمه تعظیم کنیم زیرا عذابی بالا تر از رنج فوق‌الذکر نمیباشد .

طلا های زیر زمین تروپ

سربازان اردش سوم امریکائی در اطراف منزل شهردار سابق شهر (باد - گاشتین) در آلمان خزینه طلائی در حدود هفت ملیون لیره کشف ساختند که متعلق به (زین تروپ) وزیر خارجهٔ سابق آلمان بوده است .

این طلا ها که عبارت از پول های طلای انگلیس امریکائی ، ایتالیائی و مقدار زیادی هم شمش دست نخورده بوده سابقاً درمنزل شخصی فن زین تروپ نزدیکی شهر (سالز برون) در زیر زمینی مخفی و هنگامی که نیروی امریکائی نواحی نزدیک میشده بدستور او تغییر مکان داده شده بود .

نگارش : آقای حسین خطیبی

یك نامه از موسولینی
رازها آشکار میگردد . دنیا بسوی نیستی !

ما وقتی نامهٔ دوم هیتلر را خطاب به چرچیل نخست وزیر سابق بریتانیا منتشر ساختیم سروصدا و هیاهوی عجیبی برپا کرد بعضی مقامات عالی و نمایندهٔ یکی از خبرگزاریهای رسمی مقیم تهران توضیحاتی در خصوص این نامه خواستند . برخی از روز نامه ها ومنتقدین بما ایراد کردند که در نشر آن نامه بدین هریانی راه خطا پیموده و از جانب صواب منحرف گشته ، در تحریف و اصلاح آن دچار اشتباه شده ایم . ولی ما بایشان اطمینان میدهیم که در انتشار آن دو نامه هیچگونه نظر خاصی نداشته‌ایم و برای یك نویسنده یا مترجم که با شعاع روح خود مجذوب میشود و پیش میرود خلافگوئی را خطائی جبران ناپذیر میدانیم .

اکنون نیز که نامه موسولینی پیشوای سابق ایتالیارا منتشرمیکنیم حتماً ازاین قبیل انتقاد و ایراد ها خواهیم شنید ولی خورده گیران این را در نظر داشته باشند که این نامه ها از هیتلر و موسولینی است نه دیگری و نامه ئی که دشمنی در حال یأس و حرمان و شکست وفلاکت و غلبان احساسات بنویسد ملایم تر از آن نخواهد بود که خوانده اید .

بهر حال سعی میکنیم در این نامه هم آنطور که در نیت داریم مطلب زننده ای که وجود دارد حذف نمائیم .

نامهٔ موسولینی

چندی پیش یکی از خبر نگاران امریکا موفق شد که با «دوناراشل» همسر بیوفای موسولینی درمیلان ملاقات کند تا اطلاعاتی

از طرز رفتار وخصوصیات زندگی پیشوای سابق ایتالیا کسب نماید خبر نگار مزبور طی این ملاقات توانست نامه ئی را که موسولینی بنام یکی از ژنرالهای بزرگ ایتالیا نوشته و نزد دوناراشل مخفی بود بچنگ آورد. مقامات نظامی امریکا پس از اطلاع از مضمون نامه آنرا ضبط و از انتشارش جلو گیری نمودند. هفته قبل که بعلت شکست و تسلیم ژاپن ادارهٔ سانسور زمان جنگ منحل گردید خبرنگار امریکائی نیز از موقع استفاده نموده بلا فاصله رونوشت متن نامه فوق الذکر را دردست داشت منتشر ساخت و بانشرآن تیمکرهٔ باختری را دچار بهت و حیرت و اسف و اندوه فراوان نمود تاریخ این نامه یك هفته قبل از موقعی است که پیشوای سابق ایتالیا بدست میهن پرستان اعدام شود.

مطالبی که دیکتاتور ایتالیا که خود از نویسندگان مبرز معاصر ایتالی بود نوشته حقایقی را روشن میسازد و احساسات خواننده رابر اختیار تعریك وانسانرا قرین تأسف و تأثر میسازد. پیشوای ایتالیا در این نامه راز هائی آشکار میسازد و نظر خود را نسبت به هیتلر و آلمان از ابتدای اتحاد تا انهدام باو می شرح داده و مانند رفیق عزیزش هیتلر انگلیس ها را متهم باشتعال نائرهٔ جنك جهانی میکند و معتقد است که این نیرد تحمیلی برای ایتالیا و آلمان نبرد حیات و ممات بود و ملت ایتالیا را بسی بشکیبائی تشویق نموده و وعدهٔ اضمحلال دشمنان و اعیاد مجدد ایتالیا را میدهد و ضمنا از نوید سلاح وحشت زای شکست ناپذیر و مخفی که دانشمندان آلمان در همین ایام مشغول آزمایش و تکمیل آن میباشند میدهد.

اینکه ترجمهٔ خلاصهٔ متن نامه را با قدری تصرف بنظر خوانندگان گرامی میرسانیم:

دوناراشل عزیزم. از مواطف و احساسات رفقه ات استحضار

کرده آرزو دارم که بنام وطن عزیزمان این نامه را درنزدیکترین فرصت بژنرال بادیانی رسانده و با این عمل روح وقلب مرا شاد و مادر وطن را خشنود سازی چهره فرزندانمان‌را ببوس و به (ادای) عزیزم بگوازمرك من متاثر وغمین مباش .

***

ژنرال عزیزم . براثر نومیدی موقتی و تألمات روحی در ضمن سطور پریشان این نامه چنانچه سهو القلمی روی داده باشد معذرت میخواهم . مطمئن باشید در سر تا سر این نامه از نخستین واژه تا آخرین کلمه تنها عشق و آزادی و خدمت بجامعه ایتالیای عزیزمحرك ومعشوق من بوده و علاقه بدوستی و شایستگی اخلاق شما وفداکاری هائی‌که در گذشته نسبت بمن و ایتالیای بزرك ابراز نمودید مرا وادار کرد که در این لحظه پرسوز و گداز تاریخی که در چنك دشمنان درنده خوی گرفتار گشته ام ! با شما رازی در میان نهاده و درد دل کنم . خدای قادر دانارا شاهدخود قرار میدهم که در نگارش این نامه نظری جز اجرای وظیفهٔ ملی و وجدانی خود ندارم . من اینك با نوشتن این نامه نخستین گام را در اجرای وظیفهٔ ملی و وجدانی خود برداشته همارا برادرانه دعوت میکنم و انتظار دارم در موقع معین و مقتضی برای احیاء واحقاق حق ایتالیای بزرك با برادران آلمانی همسدا و متفق شده با آنان در انجام یك نقشهٔ اساسی‌که منجر بآزادی ملل دنیا از زیر یوغ ستمگری خواهد شد وملت ایتالیا را از این تب و تاب نجات خواهد بخشید توحید مساعی بنمائید . و در نظر داشته باشید که من در آخرین روزهای عمر خود ودیعهٔ گرانبهائی بشما میسپارم که واجد اهمیت فراوان برای ملت ایتالیا و تاریخ دنیا ست : شما در طی ده سال اخیر که دوست نزدیك ومشاور محرم من بودید بخوبی واقفید که من قبل ازاتحاد با دولت آلمان برخلاف تمنیات ناروائی که پارهٔ اشخاص بی خبر یا خیانت پیشه که آلت اجرای مقاصد پست و شوم سیاسیون غرب میباشند بعمل میآمد

ازطرفداران جدی ضرورت حسن مناسبات ایتالیا باانگلیس بودم .
لیکن تبلیغات مسموم وشدیدی که در ۱۹۳۶ انگلیسها برعلیه استقلال
ملی و حق آزادی ایتالیا نمودند مرا در اتحاد سیاسی و اقتصادی
و نظامی با ایشان مبدل بیاس کرد . همین تبلیغات موهن و حملات
ناروا وسیاست مبهم ومتغیر انگلیسها نسبت بما وروضعیت جغرافیائی
خاص ایتالیا بودکه مرا بر آن داشت دستی راکه هیتلر برای اتحاد
با ما بسوی من دراز کرده بود بفشارم و بهمکاری صادقانه سیاسی
و جنگی ومرامی با آلمان تن درداده و شرافت امضاء خود را که
بستگی با عظمت ایتالیا داشت محفوظ دارم .

اگر سیاسیون غرب بنرمی با مارفتار میکردند ومنطقهٔ نفوذ
ما چیزما را در افریقا برسمیت میشناختند وروزنامه های دیلی میل
ودیلی نیوز وتایمز ودیگر جرایدی که منتسب بدولت انگلیس اند
ما را هدف تیر توپ های زهر آلود جگر سوز بیشمار نمیساختند
من تصور نمیکنم جنگی بین ما وایشان و اساساً درقارهٔ رخ میداد
سیاستمرنگین لادفه کوپر - ایدن - چرچیل» بودکه بنام حق مدالت
آزادی : توصوستی : حفظ حقوق ملل ضعیف آتش جنگ را دامن
زده بلوشن کردن آتش جنگ دوبین الملل مدنیت جهان را دستخوش
ویرانی ساخته وبقا و زوال محکوم نموده باعث میلیاردها خسارت
مادی ومعنوی وتلفات فوق العاده انسانی گشت که سالها وقت لازم
است تابشر جبران اینهمه خسارات مادی ومعنوی را بنمایند اینها الفاظ
زیبای مدنی : حمایت آزادی انسانیت را با تسلط و نفوذ و غلبه
و زور وفشار و اعمال غیر مانند هند و برمه و مالاکا و سنگاپور
وهنگ کنگ که زیر سلطهٔ نفوذ فاوند سورت عمل درمی بیچیدند
و نشان دادند تا چه حد حیثیهٔ آزادی و حقوق ملل ضعیف میباشند
من سبب اینهمه رنجها ، غمها ، اندوهها و بدبختیها که اکنون دامنگیر
بشر شده است نتیجه سیاست غلط و دوش مستبدانه و رفتار
متکبرانه انگلیسها میدانم که برای حفظ مناطق نفوذ و سیادت و

بزرگی خود واستیلاء برقسمت اعظم پنج قاره دنیا ازهیچ نوع جنایت و فتنه و آشوب و فساد و مکر و حیله دریغ ندارند .

آزادیخواهان انگلیس بودند که چون اساس کاخ استعماری خود را با اقدام مجدانه آلمان در ۱۹۳۹ در تزلزل و ویرانی دیدند بنام «واژه قشنگ آزادی» جنگ مخوف خونینی را بملت صلح دوست ایتالیا و رشید آلمان تحمیل نمودند با اسلحه فاشیسم و نازیسم و در نتیجهٔ سیاست تزویر آمیز خویش و تحریک ملل آزادیخواه و صلح دوستی چون امریکا وروس جنگ مهمی بنفع اساس وبنیان امپراتوری استعمار طلب خویش روشن نموده سر تاسر دنیا را مدت شش سال دچار اضطراب و وحشت و ولوله و هرج مرج و قتل و کشتار موحشی ساختند ، از خون میلیونها ابناء بشر آسیاب سیاست خودرا گردانده وآردی که بخون میلیون میلیون زنان بی شوهر برادران بیخواهر ، پدران بی پسر ، دوستان بی یاور توأم ورنگین شده است برای قدرت امپراتوری خویش بدست آوردند و اکنون میخواهند جشن بگیرند ؟ جشن آزادی وپیروزی ؟ کدام آزادی ؟ کدام پیروزی ؟ آزادی سالهاست که درطلسم ایشان است . پیروزی هم نیز هنوز از کف ما خارج نیست ، ما هم در کنار ملت آلمان و دیگر آزادیخواهان بزودی جشن خواهیم گرفت ، جشن خون ، این جشنی است که کلیهٔ ابناء بشر را از فقر و مسکنت و بدبختی و بیماری و خرابی وویرانی ، جهالت و نادانی ، بندگی و بردگی نجات خواهد بخشید .

من در ۱۹۳۶ با پیشوای آلمان عهد و پیمان خون برای رهائی دو کشور مان از قید فقر وتنگدستی و رستگاری ملتی که درزیر سیطرهٔ نفوذ دشمنان انسانیت وآزادی میباشند بستیم اعلانصمیم بر آن گرفتیم سعی کنیم اختلافات سیاسی واقتصادی وصرامی حاصله از روش دشمنانمان را از راه صلح و مسالمت فیصل دهیم .

حوادث بعدی نشان داد همه کوشش ما دراین راه در نتیجهٔ

سیاست مفسدت آمیز و مغالطه انگیز دول غرب بهدر رفت و ناگزیر بدخول در جنگ با این دشمنان قدیمی شدیم .

ما میدانستیم که چه وظیفهٔ دشوار و مهمی را بر عهده و در پیش داریم زیرا دول غرب سالهای متمادی بود که سنگر های ارتجاع و ستمگری را اشغال نموده بودند . ما برای نزدیک شدن و درهم شکستن این سنگر ها بود که ناگزیر باشغال خاك دیگران گشتیم و بر اثر این عمل کسانی که خود اشغالگر و جنایتکار و آزادیکش هستند ما را بدان نام خواندند همین نغمه های شوم زهر آگین بود که اهالی بیچاره ورشو و بلگراد و هلند وبلژیك و آتن را در خون و آتش غوطه ور ساخت و ندای راه اصول بندگی وبر جای ماندن کاخ ستمگری و استعمار نمود . ما برای آن بیکار تن دردادیم تا واژهٔ استعمار را از فرهنگ جهان متمدن حذف نمائیم و استعمار خواهان را که از چند سدهٔ قبل پیشه هی بنیاد بر مغز ملل ضعیف مستمراً میگویند خو و مضمحل سازیم . ما برای آنست جنگیدیم تا آزادی ملت هائی مانند هند و فانداو ایسلاند را حفظ و تأمین نمائیم و موفق بگشودن زنجیرهای اسارت که بر گردن ملل ناتوان دیگر حلقه و بسته شده بود بشویم تا دول استیداد پیشه و استعمار طلب کشور دیگران را بنام عمل و مداد و آزادیخواهی اشغال و غصب نکنند و ملك مطلق خویش قرار ندهند .

افراد آنهارا بامارت ببرند زنان و کودکان آنهارا نکشند آزادیخواهان و استقلال طلبان آنهارا نابود نسازند حاصل دسترنج آنهارا بزور و غارت نبرند .

ما برای آن جنگ تحمیلی را استقبال کردیم که مظاهر ظالم و مفاسد را در دنیا از میان برداریم ، جور و ظلم و بیدادگری را که در اثر سیاست استعمار طلبان هر دنیا رایج گشته بود ریشه کن کنیم ، آسایش نظم نوین و عدالتی را که جهانیان را از نعمت حریت

امنیت ، عدالت ، بر خوردار سازد بنمائیم . برای این هدف عالی و جهاد مقدس بود که میلیون ها جوان آلمانی و ایتالیائی دو کنار هم بجنگ با دشمنان حق و آزادی بر خاستند و شربت شهادت نوشیدند.

ما حساب معرکهٔ خونینی که ۵ سال و ۸ ماه دوام یافت بخوبی کرده بودیم ولی دست تقدیر ساعت کار خود را با ساعت عمل ما منطبق نساخت و در نتیجه محور پس از آنهمه پیشرفتهائی که درحصول بمقصود نمود کامیاب نگردید و دچار شکست ظاهری گردید . اکنون که ما بدین طریق شکست خورده ایم دشمنان ما درعیش و مستی بی پایان و غرور بی انتها غوطه ورند و بر روی میلیونها اجساد همنوع خود برقص مشغولند. ولی رقص اینها رقص بر روی آتش است و بزودی آتش این رقص کاخ هستیشان را خواهد سوخت . آن دشمن بشریت که از مرگ و بیتوائی و ستم و بیدادگری توده ضعیف ملل خود را زر اندود ساخته بدانند که دیگر ملتها زیر بار حکومت جبار وی که جهانرا عرصهٔ ظلم وستم و جهانیان را اسیر شهوات و هوسهای خود پرمتانه خویش کرده است نخواهند رفت ، بیداد گری و استعمار و استثمار در شرف اضمحلال و محکوم بسقوط است . ملتی که در زیر فشار مالفت فرمای یك حکومت جابری جان میکندند و دود ظلم بچشم آنها رفته است امروز دیگر حاضر برای عبودیت و بندگی نیستند . صدای غرش هواپیما و تیرهای خود بود که آنها را تکان داده و چشم و گوششان را باز نمود .

اکنون توده های وسیع ملی مانند هند و سیام و سنگاپور و استرالیا و کانادا همه یکصور فکر میکنند و همه یك چیز طالب وخواهانند و آن آزادی وحاکمیت ملی وعدالت اجتماعی حقیقی است

و حکومتی که جنگ را برای استیلای ابدی بر آنها روشن کرد و فعلا حاکم بر مقدرات ایشان است دیگر نخواهد توانست آنها را از سوی کمال مطلوبشان منحرف سازد و با وضع حالیه دنیا احساست آنها روشن نشده خفه ونابود نماید . وجدان عمومی ملل خصوصاً شوروی وامریکا پس از این اجازه اسارت این ملتها و ادامه رژیم استبدادی که درمورد آنها حکمفرماست نخواهد داد
(بقیه دارد)

* * *

لشکر کشی بعجله و استعمال گاز سمی در میان مردم بی اسلحه و در یك شبانه روز بهم پیچیدن استقلال آلبانی وبهانه جوئی و حمله بیونان آرام شکستن کمر فرانسه از پشت بدون مقدمه نیز لابد برای آزادی دنیا وسعی کلیه استعمار بوده است !
روزنامه کیهان شماره ۷۵۶

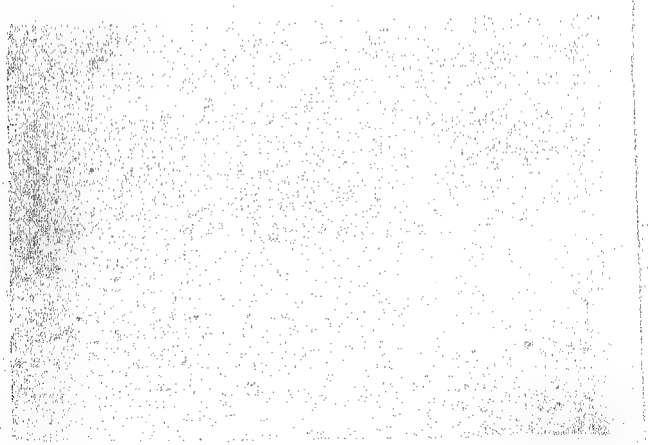

موسولینی جنایتی که دست خونین خود را بیمان میکند

جهان نو

جهان نوی خواهم و روز نو — جهانی و روزی بشادی گرو
جهانی زجان و دل انباشته — محبت در آن پرچم افراشته
جهانی برون از محیط ستم — نیفکنده هرگز در آن سایه غم
بس است اینهمه کینه و دشمنی — دل شوم و پندار اهریمنی
ستمکار و بیدادگر مردمند — مگر زهر آگین تر از کژدمند
بخون‌خوارگی‌خوی کرده‌چوددد — گریزان زمردانگی و خرد
طمع ریشهٔ فتنه و جنك ماست — طمع مایهٔ فکر نیرنك ماست
طمع گر نگردی کسی بر کسی — نگشتی پی جنك دیگر کسی
چه‌حاصل‌ازاین‌جنك‌وخون‌ریختن — چو گرگان بیکدیگر آویختن
دل ماست تاریك وتار ازبدی — نتابد بر او پرتو ایزدی
بدن شیشه‌ای و شعاعیست جان — که‌درپشت‌این شیشه گردد‌نهان
گر این شیشه‌چرکین شد‌وتاروگست — بپوشاند اوهر شعاعی که هست
درینا تن و جان ما تیره است — بر آزادگی خود سری چیره‌است
فلك رانه‌خورشیدی‌و اختریست — زمین زآتش‌جنك‌ناکستریست
پس از اینهمه جنك و کشتارها — خرابی و تاراج و آزار ها
نگردد دگر گیتی آباد وشاد — مگر بایکی صلحی ازروی‌داد

الا ای سران سرافراز جنك — که دیدید فرجام و آغاز جنك
بدست شما ختم این جنك شد — بنام شما رفع این ننك شد
کنون شادباشید وخرمدل‌وزای — بشکرانهٔ فتح و لطف خدای
مزه کینه جوئی مگر نسپرید — بآرامش و صلح روی آورید
یکی صلح حق پایهٔ بیزوال — که حقی نگردد در آن پایمال
نه‌صلحی که‌آن‌ازسر‌خیر‌گیست — سخن از زبونی و از‌چیر‌گیست

برانیخته زین صلح هر کشور است
که این صلح از جنك مشکلتر است

نگارش آقای م . خ . یعربی

صلح جاویدان . . !

فرشتهٔ صلح و امنیت و حیات پس از سالها خونریزی و کشتار و ویرانی پای بر صفحهٔ اروپا و بلکه جهان میگذارد . شش سال خونریزی ، ویرانی ، دربدری ، سرگردانی ، شش سال ازمیان بردن ودرو کردن گلهای نورسته وباطراوت کشورها واجتماعات شش سالی که باندازهٔ ششصد سال عالم انسانیت و تمدن را بقهقرا وعقب کشانید . این شش سال خونین . این ایام مرگ و نیستی و هلاکت نوع بشر امروز باتمام میرسد . جنگ اروپا تمام میشود . ولی آثار منحوس و شوم آنان یادگارهای فراموش نشدنی این نبرد عظیم و خانه برانداز تاهزار سال دیگر تمام نشده و از تخاربها محو نخواهد گردید .

این شش سال جنگ ، بهای نابودی میلیونها خانه و خانواده و ده ها هزار شهر و قصبه تمام میشود هیچ خانواده ای امروز در کشور های اروپا و امریکا و اغلب کشورهای دیگر دنیا وجود ندارد که بلده سیاه عزا و عالم بر آن نداشته باشد . آن یکی همزبان عزیز خود را در ملی این میدان سیاه از دست داده است دیگری شوهر یا پسر و برادر خود را گم کرده است . آن دیگری اطفال معصوم یا پدر و مادر خود را شبانه روزی آتش بمبها مسلوب نموده است .

سراسر خاک اروپا و خاوری که در ایام صلح جایگاه صفا و دلگشائی بود هیچ بقعه نمیتوان یافت که تماشا گاه غیرت آن بیگانه نباشد . شهر های آباد و زیبائی که محصول سی و چهل سال کوشش و استعداد صدها سال و بلکه بیشتر نوع بشر بوده و امروز در میان خاکستر سیاه و نابودی و ویرانی و خاموشی مانده است خانه ، خانوادههای متواری

آثار گرانبها و تاریخی منهدم و نابود ، اجاقهای فامیل خاموش ، دلها بخون فراق وجدائی عزیزان نشسته ، چشمها درانتظارعزیزان و گمشدگان مینهای نبرد آب گرفته .

جنگ تمام میشود ـ همه ملل جهان شادی و جشن میگیرند ، ناقوسهای عظیم کلیساها در آسمان طنین میافکند ، شاد باشها و تبریکات رد و بدل میشود ولی هیچ فکر میکنید که این ایام سیاه و بدبختی و مرگ چگونه تمام میشود ؟ این پیروزی عظیم درمقابل چه گذشتها ، چه فداکاریها ، چه خانه خرابیها ، چه معمرو میتهای بیننظیر حاصل گشته است ؟

تصورمیکنید چندسال ، چه مدت دیگرلازم است تا دوباره اینهمه خرابی و خسارت و ویرانی تعمیر و ترمیم گردد ؟

گذشته از اینها باید باین موضوع توجه داشت که درحیات بشر امور و عواملی وجود دارد که فقدان و نابودی آنها دیگر ترمیم پذیر نیست این عوامل عبارت از معنویات و امور مربوطه و وابسته بآن است یکی ازبزرگترین اثرات جنگ عبارت ازتغییر و تحویل روحیات و اخلاق ملل است یادگارهای تاریخی از قبیل ساختمانها و ابنیه های عظیم که هرکدام شاهکاری بشمار میرود پرده های زیبا و باشکوه نقاشی ، و دیگر آثار هنری بزرگان و نوابغ گذشته اینها چگونه ممکن است دوباره فراهم و مهیاگردد اینهمه حیوانات رشید وبرومندی که قسمی ازحیوانات جهانگیری صحرای مجاور میشوند چگونه دوباره ازنیروهای خاکستر باشوش ماموتها وپیلهاوغیرهای خود خواهند شناخت ؟

دیاهر قدر که جلو برود دانشمندان سیاسی و اجتماعی و اقتصادی جهان هرقدر که طرح نقشه تبلیغات خوش بینی و رضایت هر قدر که رایج و متداول و متقن باشد هرگز ممکن نیست این همه بلایا و بدبختی های روحانی و معنوی بشر را ازنظر

و صحیفهٔ افکار مردمان جهان بزداید . پرده پوشی روی فجایع گذشته سودی برای نسل بشر نخواهد داشت . باید برای آینده و دنیای بعد فکری نمود . مسلماً اگر بنا شود در هر قرنی یك یا دوجنك عظیمی نظیر نبرد کنونی بظهور رسد پس از چند قرن هیچگونه اثری از بشریت و تمدن درجهان نخواهد ماند ؟ !

باید علت این فلاکت و خونریزی موحش را پیدا نمود والا جدال و مباحثه بر سر معلول آن فایده ای ندارد . چرا باید هر بیست سال یکمرتبه میلیونها نفوس بیگناه آدمی قربانی و منهدم گردند و اینهه خسارات ودر بدری حاصل ملل گردد . جای بسی تعجب و تاثر است اگر ببینیم که هزینه جنك یك دولت بزرك فقط متجاوز از دویست و هفتاد و چهار میلیارد دولار شده است این پولها ، این طلاها چرا باید در راه قربانی نوع بشر و ویرانی هستی و زندگی آن مصروف گردد ؟

در فرانسه حساب کرده اند که دومیلیون کارگر مدت چهار سال متوالی کار کنند وزحمت بکشند تازه ممکن است ترمیم خسارت و خرابی جنك را بنمایند !

گذشته از آنکسانی که در میدانهای نبردجان داده اند باید ارقام حیرت انگیزی از تلفات مردم غیر نظامی و مظلوم را که کم کم ظاهر خواهد شد مورد توجه قرار داد . یقیناً اگر هزینه تمام مدت این جنك را غیر از مخارج ترمیم خرابی ها وویرانی ها بین مردم دنیا و ملل جهان تقسیم میکردند دیگر در جهان کسی فقیر و محتاج و گرسنه نبود . اگر این همه ملل را برای خوشبختی و رفاهیت قوم بشر صرف مینمودند شاید چهره منحوس گرسنگی و همسایهٔ وحشتناك خود نمی دید .

امروز بزرگترین وظیفه تاریخی و انسانی بزرگان ملل و پیشوایان کشور های بزرك عبارت از اینست که باید از نتایج و

اثرات این جنگ خونین کمال عبرت را گیرند و تلخی اینهمه خونریزی و ویرانی و بدبختی را هرگز از ذائقه خود دورندارند و با همه توانائی و کوشش خویش و از صمیم قلب و خلوص نیت در بنا و ایجاد یك دنیای خوشبخت و صلحجو جدیت و فداکاری نمایند . دنیائی بوجود آورند که دیگر درآن فقر و استیصال و گرسنگی نباشد ، اسارت و بندگی و نارضایتی وجود نداشته همه باهم و برای یك هدف و منظور مقدس در خوشبختی و سعادت یکدیگر کوشش نمایند ..

خدای نکرده اگر امروز که جنگ بپایان میرسد حسد و کینه وغرور و منفعت پرستی جای عدالت و حقانیت و مساوات و بشر دوستی را بگیرد جای هیچگونه شك و تردید نخواهد بود که باز پس از چند سال طوفانی بمراتب سهمگین تر از امروز سراسر عالم را فرا گیرد و دو باره هستی اجتماعات و اقوام بینوای ملل غرقه دوخون شود - مرام و هدف پیروز مندان امروز جهان باید ایجاد یك صلح جاویدان باشد صلحی که دیگر پدر و مادرها را بیفرزند ، شهرها راخاکستر، بشررا آزرده ودربدر نکند و گرسنگی و فقر و اسارت در دنبال خویش نداشته باشد .

خبطهای هیتلر

علت شکست هیتلر نه تنها برتری متفقین از حیث افراد و مهمات بر نیروی آلمان بود بلکه خبطهای خود اوفیزیرا ناپرتگاه نیستی کشانید . شماره این خبطها از حد بیرون است ولی بخصوص چهار خبط اساسی سقوط اورا تسریع نمود . چرچیل ملی نطقی که در اکتبر ۱۹۴۲ در « وسمینستر سنترال هال » ایراد نمود این خبطها را برشمرده است وی میگوید :

« ما غالبا درمحاسبه های خود اشتباه کرده ایم لکن نتیجه این اشتباهات در اثر خبطهای فاحش دیکتاتورهای عاقل محسوس نگردیده است . یکی از خبطهای هیتلر این بود که در سال ۱۹۴۰ بر انگلستان حمله نمود . البته آنچه نیرو و توانائی داشت برای تقویت قروگاهها و کارخانجات هواپیماسازی و انتقال نیروی هوائی ما بکار برد لکن نیروی هوائی بریتانیا اقدامات اورا خنثی ساخت . متذکر میشوم که از خود میپرسم که چه میشد اگر هیتلر برای کشتی و تانکهائی را که در آغاز داشت جمع میکرد و با ۲۰۰ هزار تن سربازان خود از جوانان انگلیس عبور میداد . ما تاکنون جسور بوده ایم زیرا ناچار بودیم جسور باشیم اگر در ۱۴ ژوئن ۱۹۴۰ فرمانروایان گیر در آلمان بودند از ابراد حمله هوائی قادر آنروز پیش از ۱۰ هزار تن سرباز بانگلستان عبور دهند تهدید نیروی هوائی هم داشتیم که بیش از آنرا از سرتاسر بریتانیا بنقاطی میبرد و آنجا بود . تمام تهیه‌ات خود را در خاک بریتانیا میدیدیم و بهیچوجه از مهلکه جنگی بیرون نمیرفتیم .

« در آغاز سال ۱۹۴۱ من تصور میکردم دیکتاتور که حمله خواهد کرد اما چند هفته پیش از آنکه کشتی و هواپیما ایرانکه

مسلم شد که مشغول تهیهٔ مقدمات هجوم باین کشور میباشد و امیدوار بود که قسمت اعظم خاك جماهیر شوروی را بتصرف آورده آنرا مستعمره خود قرار دهد ' ولی متوجه شجاعت ملت شوروی نبود و هنگامی که حمله آغاز کرده خودرا در برابر نیروی عظیمی از افراد بی پروا و از جان گذشته دید ۰ این بود اشتباه دوم هیتلر ۰

خبط سوم پیشوای آلمان این بود که زمستان روسیه را فراموش کرد سرمای روسیه سخت و طاقت فرسا است نه تنها قشر ضخیمی از برف خاك پهناور شوروی را میپوشاند بلکه بادهای سردی هم از جانب استپها میوزد ۰

هیتلر در سال ۱۹٤۱ باین نکته توجه نکرد و حتی بنظر میرسد که در سال ۱۹٤۲ نیز هنوز باهمیت این نیروی عظیم طبیعی که در اختیار شوروی است پی نبرده بود زیرا خودرا باخطرات بیشتری مواجه ساخت ۰

خبط دیگری که محور مرتکب گردید این بود که گذاشت ژاپن بامریکا در پرل هاربر حمله برد در صورتی که اگر ژاپن فشار ضربات خودرا بر ما که در اروپا گرفتاریهای بسیار داشتیم متوجه مینمود مارا در خاور دور دچار مضیقه میکرد ولی جای خرسندی است که ژاپنیها ابلهانه بملت صلح دوست و نیرومندی تاختند ۰ در این هنگام دولت ژاپن با امریکا مشغول مذاکره بود ولی در گمراهی افتاد و تصور نکرد که در نتیجه غرق چند کشتی جنگی یانقریب وانهدام یك بندر امریکائی انرژی خستگی ناپذیر و قدرت بی پایان ملت صد و سی میلیونی امریکارا بر علیه خود برمیانگیزد ۰ براستی این واقعه هم موجب خوشبختی ما گردید ۰ »

نگارش : آقای محمد وکیل

ایران و سازمان صلح

ملل متفق در پایان شب تیره جنگ طلوع صبح را انتظار دارند و با امید فراوان بسازمانهائیکه حافظ صلح است مینگرند ، با انحلال جامعهٔ ملل که مولود جنگ گذشته بود بنظر میرسید که انسانیت دلیری را ازدست داده وجوانمردی را در نبرد بین ستم و دادگری باخته است زیرا بگفتهٔ یکی ازمورخین بزرگ جامعه بترتیبیکه تشکیل شد امیدواریهائی را که اعلامیهٔ «ویلسن» تولید کرد تأمین نمینمود جامعه بیدوام وناپایدار شد ونظر بنواقص زیادی که داشت درحکم بازیچه بود که میخواستند با آن مردم جهان را فریب داده عالم را اداره کنند اما باوجود ضعف وناتوانی آن جامعه دانشمندان هنوز داشتند که بدرهای گرانبهائیرا در بردارد که در آتیه قابل نمو و رشدوترقی العاده میباشد ـ امروز بررسیهای آنجامعه سازمانهائی روبوجود میآید که مایه رستگاریست و بی‌تردید گامهای بلندی درراه سعادت ورفاه ملل برخواهد داشت بخصوص اینکه تصمیمات دادگاه بین‌المللی این سازمانها متکی بقوهٔ اجرائیه است که بیوسته از نشو و نمای اصل زور گیری وغلبه بر عدیله جلوگیری میکند وبکوچك ملل بزرگ و کوچك مستوفل خواهد ماند . در سازمان جدید تنها حسن پذیرائی بین‌المللی بنظر نمیرسد و زمامداران بهمت رنج و مشقتی که در راه آزادی متحمل شده‌اند پذیرائی بعمل خواهند آمد از این لحاظ ما ایرانیان هم داریم که انتظار روزهای خوشی را داشته باشیم زیرا سالیان دراز است که ایران در جمع متفقین و استقرار صلح در جنگ دول بزرگ قرار گیرد .

موضوع سازمان صلح تنها با حفظ و مجازات تفریب نیست

وبراستی اگردرآینده هم خدای ناخواسته الفاظ بردنیا حکومت کند هیچ صلح و آرامشی پایدار نخواهد ماند وبپوسته‌فریادجنك‌طلبان و ملتهای ناراضی مانند صوت مرك بر فراز جهان صدا میکند و انهدام بمعنای کامل خود آشکار میگردد ـ ملاحظه بفرمائید که در گذشته حکومت الفاظ تا چه اندازه موجب بدبختی ملل شده است نمایندهٔ آلمان درجامعه ملل سابق میگفت : (بزرگی کشورها بیشتر باین است که در پیش آمدهای مشکل و در مواقع عصبانیت که عقل غالباً نمیتواند آواز خود را بگوشها برساند ، در مقابل تحریکات مقاومت کنند حوصله بخرج دهند و حفظ منافع مشروع خود را از پیشرفت حق بجویند) همچنین گفت : (اصل آزادی که هر ملت و فردی از افراد برای آن مجاهده میکنند تحقق نمی یابد مگر اینکه بر پایه عدالت تکیه کند آلمان تصمیم دارد این آمال بلند را وجههٔ سیاست خود قرار دهد تمام مللی را که در اینجا گرد آمده اند میتوان مصداق سخن آن شاعر بزرك دانست که گفت ما از آن مردمانیم که در تاریکی مشتاق بوصول روشنائی هستیم) اما متاسفانه در پشت این جملات زیبا ودلفریب که دلهای جهانیان را تسلی میبخشد هیچ حقیقتی وجود نداشت اکنون زمامداران ملل متفق‌عزم راسخ‌دارند که بعالیترین امید های عالی بشریت لباس عمل بپوشانند و آینده جهانرا تامین نمایند اصل دیگری که مارا بآینده ایران امیدوار میسازد اینست که در سازمان اقتصادی دوره صلح ملی ملل بزرك با صمیمیت و اتفاقی که نظیرش تا کنون‌در تاریخ‌دیده نشده است بملتهای کوچك مساعدت خواهند کرد و بقول نخست وزیر بریتانیا کشورهای بزرك خدمت میکنند نه رهبری این موضوع که شاید علت صلح طولانی و پردوامی بشود ملل کوچك‌را ازمشکلات اقتصادی نجات خواهد داد و در نتیجه این قبیل ملل شکمشان سیر تر

وساعات استراحتشان زیاد تر خواهد شد . اصل دیگری که موجب تحریک امیدواری ماست این است که برطبق تصمیمات متخذه در «انجمن یالتا» برعلیه تجاوز یا اجتماع وسائل تجاوز تدابیر گران بهائی در نظر گرفته شده است که بر اثر آن تدابیر در آینده موضوع کشمکش بر سر تفوق از بین خواهد رفت و دنیا در یک فضای توفانی و پر از مشکلات خصمانه زندگانی نخواهد کرد امروز بیشتر دانشمندان برای احتراز از وقوع جنگ جدید و جلوگیری از انهدام بقایای تمدن چندین هزار ساله بشر اصلاح وضع تربیت میلیونها فرزندی که در دامان فلسفه فرمانروائی پرورش یافته اند لازم میدانند ما امیدواریم که بپای خون میلیونها جوانی که در میدانهای نبرد ریخته شده بنای عدالت و دادگستری استوار گردد و میهن ما در سایه یک اتحاد بزرگ از مصائب و سختیهای اجتماعی و اقتصادی برهد وظیفه حکومتها در راه دعوت مردم باتحاد و اتفاق بسیار دشوار وقابل ملاحظه است ونکتهٔ آن حکیم بزرگ اجتماعی حکومتی که میخواهد برای ملت مفید باشد باید بهروسیله که هست بسته‌های مختلف ملت تلقین کند که لازمست اتحاد طبقاتی را جانشین رقابت های داخلی نمایند دنیا که امروز فوائد عملی این اتحادرا در نزد بعضی ملل مشاهده میکند قطعا در آینده آنرا بیشتر مورد استقبال قرار خواهد داد .

اسیر

درمصر و هندوستان درباغ وحش شیرهای زیادی دیدم ولی یکی بزرگتر از دیگران بود گوئی روز اول است که اسیر گشته زیرا هنوز تغییراتی در حال او دیده نمیشد.

قفس این شیر بسیار محکم و دارای میله های پولادی ضخیمی بود ، قامت او ازیکنفر بلند قد رساتر و چشمهای بزرك و نگاههای نافذش با یالهای بلند که گردن او را میپوشانید در نخستین نگاه و برخورد هر بیننده را مجذوب میکرد . وقار این جانور بجای ترس تولید حس رقت در من نمود . میدانید چرا ؟ زیرا او اسیر بود !

در برابر یك اسیر بالاترین مرتبه تأثر و احساسات رقت و پست ترین آن نفرت است . چرا من باین اسیر رقتی دردل حس کردم اینك بشرح آن میپردازم :

هنگامیکه من به قفس نزدیك شدم گوئی این جانور از توجه من بی بأسارت خود برد و با پهلوی راست خود بمیله ها فشار آورد ، من در همانجا معنی سعی و کوشش را فهمیدم ولی افسوس که این فشار سخت تأثیری در میله های پولادین قفس ننمود . بیچاره حیوان برگشته با پهلوی چپ همین عمل را تکرار کرد ولی چه سود ! . . . ناگهان ایستاد . من چنین پنداشتم که در برابر ناتوانی خود دم از شکست خواهد زد و بیکار خواهد نشست امانه ! این بار دیدگان بزرك خود را بستهٔ دهانرا از میان دو میله پولادی قفس بر آسمان افراشته مانند تندری که از افق تیره و تار بگوش رسد نعره برکشید و این منظره و صحنه شگفت انگیز اسارت در دل من تولید «رقت» نمود . گرچه این جانور در قفس اسارت با نظر بیقیدی بمن نگاه میکرد هیچگونه حسی در دل من برنمیانگیخت .

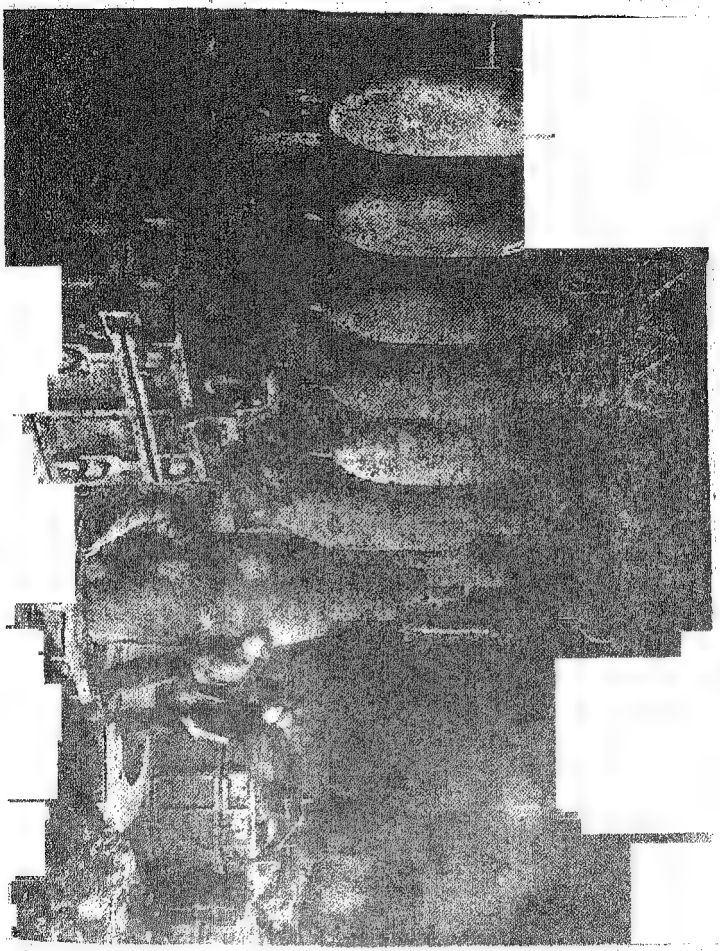

بهای سنگین وزن که ایونی ها را بزانو درآورد

در خصوص نقشهٔ صلح جهان
یك سر بازکشته شده امریکائی صحبت مینماید

رابرت اوبستر برك که بیش از نوزده سال‌نداشته‌وچندی قبل در جبهه جنك کشته شد عقاید و ایده‌های بزرگی برای‌صلح جهان داشته است . امروز عقاید او راجع به آرامش‌عمومیت یافته و همه امریکائیان آنرا پذیرفته اند .

امیلی تافت دوگلاس از اهالی شیکاگو که درامریکانماینده هم‌هست از آنجائیکه تصور میکرد عقاید او عمومیت دارد چندی قبل نقشه اش را در واشنگتن منتشر ساخت .

***

نقشه او مدت کمی قبل از برداشتن زخم در جبههٔ آلمان در روز بیست و هفتم نوامبر سال گذشته بنا بر آنچه آسوسیاتد پرس میگوید ، نوشته شده بود رابرت یکی ازدبیلمه‌های دبیرستان آموندسن بود فقط یکسال در ارتش خدمت میکرد . شش ماه از این مدت را در خارج از امریکا و چهار ماه بود که‌به‌جبهه قدم گذارده بود در ماه آخر به درجه سرجوخگی رسید و پس از فوت در بلویك بخاك سپرده شد .

نقشه او از اینقرار است :

۱ ـ هیچ قسمتی از دنیا نمیتواند از نواحی دیگرمجزاباشد

۲ ـ بایستی یك معامله دوستانه بازرگانی‌بین‌ملل انجام یابد

۳ ـ در زمینه تعلیم و تربیت باید برای تمام‌یك سهم معینی در نظر گرفت این آموزش و پرورش باید اجباری باشد و در دانشگاهها یك عقیده تدریس گردد .

٤ هر ملتی باید حق آنرا داشته باشد که نوع حکومت خویش را تعیین نماید ... ولی طوری تنظیم شود که بحقوق ومرز های دیگران تخطی نکند .

٥ ـ موضوع تسلیحات باید حدی داشته و از جمع ملل یك نیروی شهرتانی بزرك تشکیل گردد .

٦ ـ یك محکمه بین المللی دائما تشکیل ومشغول رسیدگی بداوری و صلح جوئی باشد .

٧ ـ عده معینی از پزشك های حاذق دنیا برای بهبودی اوضاع طبعی جهان باید باهم کار کنند .

دریاسالار جسترمیتز فرمانده نیروی دریائی امریکا در اقیانوس آرام کهاخیرا بجای دریاسالار کینگ فرمانده کل نیروی دریائی شده است .

انگلستان
درزیر آتش بمب

درمیان کتب زیادی که دراطراف اوضاع واحوال انگلستان در جنگ کنونی نوشته شده ، هیچکدام شیرین تر و در عین حال روان تر وفریبنده تر از کتابی نیست که مؤلف آن (بن رابرت سن) بنام « انگلستان در زیر آتش بمب » با بیان شیوا و پر مغز خود و ضمیت انگلستان و مردم آن سرزمین را در زیر آتش موزان بمب مجسم نموده باشد .

نامبرده یکی ازمخبرین جراید امریکاست که بعنوان نمایندگی عده ای از جریده نگاران آنجا در تابستان ۱۹۴۱ رهسپار لندن گردیده و در اثر ثبت یک سلسله وقایع حیرت انگیز و مناظر جانشراشی که با چشم خود دیده وغریو رعدآسای طیارات دشمن را با گوش خود شنیده ، مظالم انسانی را در برابر چشم ما روشن وردرین حال جانبازی، فداکاری وشهامت مردمان آنسرزمین رااز روی اطلاعات صحیح ومنطق معقول خود بعالمیان معرفی میسازد .

هنگامیکه در تابستان گذشته ، مرا از لیسبون بانگلستان پرواز دادند ، در میان فرودگاه سبز و خرمی که مملو از گلهای رنگارنگ وهواپیماهای گوناگون بود فرود آمدم .

اشخاصیکه در آن نقطه مجتمع بودند و بمجرد فرود آمدن هواپیما به زمین ما را احاطه نمودند عموماً خلبانان رشیدی بودند که در لباس آبی رنگ مخصوص نیروی هوائی سلطنتی انگلستان ، گردا گرد ما جلقه زدند و اولین چیزی که توجه مرا آنها مرا بخود جلب کرد ، قیافه های بشاش و سیمای جالبی بود که این

جوانان باکمال خونسردی ، در عین حال جدی و آماده بهرکاری به خود گرفته بودند .

در آنروز در اثر شکست فرانسه ، سواحل آن مملکت در تصرف آلمانیها هجوم ناگهانی دشمن ، انگلستان را هرآن تهدید مینمود و در اثراینگونه نگرانی های فوق العاده من انتظارداشتم قیافه ساکنین این سرزمین راخارج از حالات عادی و اوضاع طبیعی مشاهده نموده ؛ یك نوع انقباض و گرفتگی را در وجنات آنان احساس نمایم .

اما برخلاف حدس من ، تمام مکانیسین های مملکت در کارخانجات مخصوصی باکمال خونسردی مشغول بستن سوارکردن پیچ و مهره کردن و مرتب کردن موتور های گوناگون بوده چکش و جرانقال آنان گوش فلك را کرمیساخت .

کارگران بآزادی ازمحفظه هائی که درزیرآن هواپیماها محافظت میشود با عجله زیادی مشغول رفت وآمد بودند اتفاقاً یکی از آنها هم با آلت مخصوصی که در دست گرفته گلهای سرخ باغچه را مثل اینکه در ماورای جزیرهٔ انگلستان و اقیانوسها ابداً وقایعی رخ نداده باشد مشغول وچین چیدن شده بود و در هر موقعیکه هنیانان سرویس چای خوری نظیف و مرتبی را در جلو میز ما قرار دادند .

درحال بانخود گفتم : خدایا رحم کن ! انگلستان اگربخواهد اینطورها کار کند و در برابر ایستادگی و مقاومات دشمن اینگونه دفاع نموده فعالیت های جنگی ازخود ابراز ندارد گمان نمیکنم آخرین سرنوشت بانظرف او باشد .

صبح آنروز ، من به «والدورف هوتل» همان مهمانخانه‌ای که قبلا برای اقامت من در لندن در نظر گرفته شده بود واردشدم

یکنفر خدمتکار بأمور رسیدگی اطاق من‌برای پائین آوردن پرده‌ها واختفای پنجره‌های شیشه پرداخته و پس ازانجام کارهای محوله ، از من سئوال کرد آیا آقا ماسك ضد گاز دارند ؟

من جواب دادم هنوز موفق بدریافت آن نشده ام . بالحن ملایم و مؤدبی جواب داد : بسیار خوب از طرف مدیر مهمانخانه یکی برای شما فرستاده خواهد شد که تا مدتی که موفق‌بدریافت ماسکهای دولتی نشده اید ، از آن استفاده نمائید . ماسکهای ضد گاز در مملکت مامجانی است .

خدمتکارهنوزسخن‌خودرابپایان نرسانده‌بودمرا دراطاق تاریك و مملو از آثار هولناك جنك تنها گذارد . ظلمتی که پرده های سیاه دریچه ها در داخل اطاق ایجاد نموده بود ،بیکنوع‌خفقان‌قلبی دچارم ساخت و من تا آنروز معنای راحتی ، آزادی وروشنائی را در مواقع عادی درك نکرده بودم.

با کمال عجله سر و صورت خودرا صفادادەبقسمت تحتانی عمارت که برای محل ناهار خوری تعیین شده بود ، سرازیرشدم وبرای توضیح بایستی اضافه نمایم مدت زمانی را که‌درانگلستان اقامت داشتم با اینگونه سالنهای غذاخوری تحت الارضی زیاد سر و کار پیدا میکردم حقیقة منظرهٔ هولناکی بود . انسان مرك را بالمعاینه در برابر چشم خود میدید و بلا جهت در آن مقبره زیر زمینی یکنوع اضطراب ترس و آشوبی را در خود احساس کردم در صورتیکه ترس و واهمه من ابداً موضوعی نداشت ؛ زیرا محل اختفا کاملا از آسیب بمباردمان طیارات دشمن مصون و تا آنروز هم هنوز انگلستان با آن بمبارانهای هولناك مواجه نشده بود فردای روز ورود پس از معرفی و ثبت نام در دفتر شهربانی در نقاط مرکزی شهر لندن بتفرج پرداختم . سربازان

مشغول کشیدن سیمهای خار دار سراسر کوچه ها و بدینوسیله وسائل دفاعی عمارات‌را از صیت کندن گودال و ایجاد پناهگاهها و غیره فراهم میآوردند . بالای پشت بام عمارات ، در صحن فضای خانه ها ؛ جوانان ، پیرمردان بقرا گرفتن تعلیمات نظامی مشغول و تشکیلات مأمورین دفاعی داخلی انگلستان هم در شرف تاسیس بود .

یکنوع جدیت و مقاومت خستگی ناپذیری در هوا ، زمین کوچه ها و عابر عمومی و سراسر و معملات و معلومات در هر جا و هر چیز و هر کس محسوس میگردید .

از دریچه اطاق من عبارت زیبرا بلکه نفر از ساختمان مقابل از یکدسته از خلق و پشتون چرخیل اقتباس و برروی دیوار مقابله خود نوشته بود :

رفقا ! پس چرا انتظار ؟ بیائید دست بدست یکدیگر داده بسوی کار و عمل ، بطرف جنگ و دفاع از وطن ، انجام وظیفه عمل مقدس و جانبازی رو آوریم بالاخره هر یک از ما در صفوف مختلف میلیون جنگی ما خودرا بدست داریم که مرکز از آن روی دیوار یکی از مقابل با حروف خیلی درشت و برجسته کلمات مرگ بر جان هر کار [illegible]

[illegible] آب را [illegible] جلوگیری [illegible] و [illegible] انداختن [illegible] و [illegible] خیلی [illegible] بکنند

هرآدمی بود که من اینرا میکردم و اگر میتوانستم همین حالا میرفتم بجبهه ولی چه کنم که نمیتوانم زیرا از دست و پای خود مطلقاً نمیتوانم بروم .

تمام افراد مملکت ؛ با هول و هراس زائد الوصفی مشغول رفت و آمد و هر آن مترصد ظهور طیارات دشمن در آسمان مملکت و قرار گرفتن زیر آتش سوزان بمب بودند .

در پلیموت « لارد استور» دادستان آنجارا ملاقات کردم فامیل نامبردهٔ فوق العاده مؤدب ، مهربان و عموماً با کمال گرمی و محبت از من پذیرائی نمودند .

«نانسی استور» خانم دادستان بمن چنین گفت : چهار نفر پسران ما در سربازخانه داوطلب خدمت و مشغول تعلیمات نظامی هستند ، من بعضی اوقات متفکرم کدامیك از ما بایستی پیشقدم میدان جنك باشیم پسرها ، پدرشان یا من .

آنشب را سر میز غذا ؛ استورها و چندنفردیگرازمهمانان تمام گفتگویشان در اطراف سقوط پاریس و چقدر متأسف بودند از اینکه بفاصلهٔ یکساعت تمام ، اوضاع دگرگون و بیك طرفة العین ، امیدها مبدل بیأس و نا امیدی کامل در اثر سقوط فرانسه در سراسر انگلیس حکم فرما گردیده بود . میگفتند دیگرمتفقی برای ما باقی نمانده پشتیبان و حامی ما از میان رفت !

ولی در برابر آنهمه تحسراتی که از انهدام فرانسه ابراز میشد ؛ بمن چنین گفتند متأسف نباشید «ما انگلیسها دارای احساسات عالیه و سرشاری هستیم که بالمآل خواهیم دانست در چه نقطه ساکن و جای پای ما درکجا قائم و مستحکم است »

آری همین احساسات عالیه و شخصیت نژادی عجیب وغریب بود که بمالل غیر معلوم انگلستان را منحصراً در عین یأس وتنهائی منفرداً وادار بفعالیت نمود !!

یك میلیون دلار برای اقتصاد پس ازجنك چین

وزارت اقتصاد خارجهٔ امریکا یك میلیون دلار برای نقشه صنعتی نمودن چین تخصیص داده است .

نقشهٔ پنج ساله این عمل را چهل نفر از متخصصین امریکا طرح وبرنامه اش‌را تدوین نموده اند . عجالتاً برای ملاحظه دولت چین به‌آن کشور فرستاده شده است .

متخصصین نامبرده ادعا میکنند که تا بحال کشیدن چنین نقشه‌ای برای‌ایشان سابقه نداشته‌است . زیرا فقط ازدیاد صنایع‌فعلی چین در نظر نبوده ، بلکه آنان با نبروی ابتکار خویش کاری‌کرده و قالبی ریخته اند تا بتوان بدانوسیله آیندهٔ صنعتی چین را تأمین نموده و کشور نامبرده بتواند احتیاجات خود را در داخله رفع کند .

۰۰۰ بازرخانه

متخصصین نامبرده در جواب یك خبر نگار گفته بودند « این طرح منظور کامل و اصلی ما نیست . دولت چین برای صنعتی نمودن کشور خود از ما کمکی خواست . این برنامه و طرح تجدید اظهار شده ما است .

بااین برنامه تقریب به مقاومتی ۳۰۰ کارخانه مختلف میتوان در کشور چین بکار انداخت . و برای حمل و نقل داخلی بایدسرمایه جدیدی بمبلغ یك میلیارد دلار درنظر گرفت .

چین با طرح و سرمایهٔ امریکائی میتواند در مدتی چون شیمیائی ، کارخانه ، تخمیر خمیر ، استخراج معدن ، جلوگیری از سرمایی یخبندان آب رود خانه ها و غیره وارد اقدامات گردد .

کار برای ۷۰۰ هزار نفر

درنتیجهٔ بکار انداختن طرح فوق بیش ازهفتصد هزار نفراز چینیها بکار واداشته خواهند شد . ولی هنوزمعلوم نیست که باهزینه یك میلیاردی که جهت حمل و نقل داخلی ممکنست تخصیص داده شود چند صد هزار نفر کارخواهند گرفت .

دراینجا باید ذکری ازنام «دونالد نلسن» که در مسافرت بچین نموده وشخص رابط بین دو کشور میباشد و بعلاوه پیشنهادات مفیدی هم نموده است ، کرد .

چشمهای الکتریکی برای جلوگیری از تخلفات رانندگان

در امریکا آلتی اختراع شده که وقتی آنرا درکنار جاده قرار دهند میتوانند سرعت سیر اتومبیلی راکه میگذرد دقیقاً معین کنند این آلت چشمانی الکتریکی دارد که حرکت اتومبیل رابخودی خوددیده سرعت آنرا بدستگاه خودکار خودخبرمیدهد وآن دستگاه میزان سرعت را ثبت مینماید . ازاینرو میتوانند از رانندگان متخلفی که درجاده ها بیش ازاندازه معمولی حرکت میکنند ممانعت نمایند .

« داد »

ترجمه : آقای مسعود برزین

از مجله دولوت لیوزتریون

چطور از حیوانات در جنگ استفاده میکنند؟

جیب طبیعت « قاطر »
از جیپ بشر زرنگتر است !

اعطاء جایزه به دو کبوتر قاصد ، هنگام حمله بر سواحل غربی اروپا بهترین دلیل مدعای فوق بوده و باید قبول نمود که باوجود پیشرفت خارق‌العادهٔ ماشین وموتور معهذا حیوانات هنوزهم نقش مهمی‌را در آئرهٔ جنگ بازی میکنند .

مدال افتخار بیکی معروف بوده وازطرف باشگاه‌سگ‌ها که مربوط بخدمات متفقین‌است اعطاء میگردد . این‌گروپ مخصوصاً برای حیوانات مریض از طرف بهداری عمومی بر پا گشته است و مدال آن به تنها بحیوانات جنگ برمیگردد از قبیل کبوتر ، سگ اسب وغیره داده میشود ، بلکه باشخاصی هم که اینان را برای این امر تربیت میکنند ، تعلق میگیرد واز نظر تنگناهایی‌ها میتوان آنرا « مدال صلیب ویکتوریا برای حیوانات » دانست و تا بحال اقلا هفتاد بار اعطاء شده است . علاوه بکبوترانی که بکبوترهای پیغام‌رسان

جنگ حیوانات و پرندگان در جنگ دنیا بحال دلچسپ بوده و از وقتی که نیروهای برق آغاز گردید از این مخابرات برای ارسال خبر استفاده میشود از بین حیوانات آنها چیزی اطلاع از وضعیه با تردیک خیلی بیشتر میتوان مستفید گشت . از قبیل آنها برای حمل بار و آذوقه و سپس از سرعتشان برای گشت بمنظور استفاده میشود .

گنجشك

افسانه اینکه چطور غاز های کاپیتولین رم را از حمله ناگهانی گالها در سال ۳۹۰ قبل از میلاد نجات دادند تقریباً فراموش‌شده و فقط عده کمی از آن مطلع اند . ولی آن داستان که یك پرنده با زدن نوك خود برروی طبل درسال ۱۶۹۰ بعد از میلاد قراول انگلیسی را از خواب بیدار و سربازان آنکشور را برای حمله ایرلندی ها در جنك بوین آماده نمود هرگز از خاطر ها محو نخواهد گشت .

هنوز کودکان ایرلندی جشن گنجشك را درروز « سنت‌اسفن برپا میکنند و درحین انجام مراسم دبگر جسد یك گنجشك را بر روی طبقی گذارده پیشاپیش صفوف خود حرکت میدهند .

در بین داستانهائی که مربوط باین روز میدانند افسانه‌ایست که مربوط به یك گنجشك بوده و آن هم یك پاسدار رومی را بیدار میکند ودرنتیجه هموم سربازان‌را ازخطر هلاك نجات‌میبخشد .

حال کار نداریم که کدامیك از این افسانه ها صحیح تر و بحقیقت نزدیکتر است . بلکه مقصود از ذکر داستان فوق فقط آنستکه یادی از مساعدت پرندگان کوچك شده و بنقش مهم آنها بی میبریم .

قناری

پرندگان با تشخیص خطر به بشر کمك نموده و فعلا ازقناری در زیر دریائی برای خبر از حملهٔ نیروی هوائی استفاده میکنند . زیرا وقتیکه دیده بانهای ساحلی هم از یافتن خبر از حملهٔ هوا بیما عاجز باشند این پرنده ناچیز بطور بخصوصی آواز‌خوانده وسربازان را مطلع میسازد .

سابق براین از موش سفید هم همین استفاده میشد . ولی چون خبر او آنقدرها فوری و حساس نبود قناری جای آنرا گرفت .

سگ

سگها نقش بزرگی را در جنگ فعلی داشته اند از سگ‌های معروف آمریکائی بنام « سگهای دفاع » یا (ك - ۹) استفاده زیاد میشود . که بعضی از آنها عبارتند از : پاسداری ، امر بری ، راهبانی ، یافتن محل مین ، حمله بر افراد منفرد و غیره .

درانگلستان بتجربه ثابت شده است سگ‌های پلیس «لساتیان که در بوکشیدن وشنیدن بی مثال هستند برای تخریب های هوائی خوب بوده و آنانی را که در زیر آوار مانده اند زود پیدا میکنند . بعلاوه چون خیلی سبك هستند به محلهائی میروند که اگر انسان یا گذارده ممکن است استقامت سنگینی را نداشته باشد و زود خراب شوند .

قاطر

قاطر را باید از جمله حیوانات دنیا دانست بدون تردید اونقش مهمی مخصوص در ارتش ، میسیل و بخصوص در نقاط کوهستانی ایتالیا بدون قاطر و کمکهای مؤثر او کاری از پیش نمیرفت . بعلاوه قسمت اعظم عملیات و پیشرفت در دره مربوط باین حیوان صبور و باربر پیشه است .

مزیت چنین حیواناتی بر سایر موتور آنست که کوچکتر ، ساده و توانائی بیشتر دارد . اگر یکی قاطر برانمانی حرکت میکند بیش از آنکه بتواند سرباز و مخصوصاً اونقل و آن میتواند تأثیر بسزائی دارد .

از آنها برای حمل توپ ، تفنگ ، مسلسل ، خواربار و دیگر لوازم زخمی جای جنگ در نواحی کوهستانی بخوبی استفاده میشود .

شتر :

در اینجا باید ذکری هم از شتر نمود ، اگر چه در تمام نقاط از آن کار نمیتوان کشید ولی فایدهٔ خیلی خوبی در نبرد حبشه داشتند . هیلاسلاسی با کمك آنها از راه سودان انگلیس و مصر بیش رفته تاج و تخت خودرا دوباره بدست آورد .

اهمیت شتررا باید ازآن قسمت که دیر بدیر احتیاج بآب دارد بخاطر داشت این خاصیت در جنگهای صحرائی افریقا فوق العاده جالب توجه است که در عین حمال سبب شجاعت و استقامت سربازان هم واقع میگردد ، شتر قادر است که بارزیاد و سنگین را از صحراهای ریگزار بدون ذره ای اظهارالم برده واولین مستخدم بشر درچنین نواحی بوده وبا وجود استفاده زیاد از هواپیماهای غول آسای فعلی شتر اهمیت خویش را از دست نداده است .

شتر بهترین وسیله حمل ونقل بار میباشد نه تنها برای بار حاضراست بلکه جهت سواری نیز از آن استفاده میشود . بعضی از ارتش ها دارای سواره نظام شتر سوارسبك هستند . عشائری که قادر در نواحی کوهستانی مهم است شتر هم در صحراو دشت قابل اهمیت میباشد .

در این روزها هواپیما و تانك سبك جای شتر را گرفته و در میدان های جنگ هر جا که موتورهای عراب شده ویرمصرف تانك دیده میشود اشکلت بی گوشت شتر نیز جلب نظر میتمایند

اسب نیز بنوبهٔ خود سعی بگردن بشرداده زیرا هم توانائی حمل برداشته وهم برای سرعت سواره نظام‌دروقت حمله‌بکار برده میشود . ولی‌چون امروزاصولا قسمتهای مختلفه ارتش‌ها مکانیزه شده این حیوان نیز تا حدی اهمیت خودرا ازدست داده است .

هر کسی از نقش مهم سواره نظام درجنگ‌های گذشته اطلاع و به آن اذعان دارد . ولی باید گفت و قبول‌هم‌داشت‌که روزبروز عقب رفته و هر قدر که بروسایل موتوری افزون گردد ازاهمیت اسب و سایر حیوانات کاسته میشود .

مساعی قزاق هارا در نبرد روسیه نمیتوان فراموش کرد زیرا هنگامیکه موتور و تانك از شدت سرما قادر بحرکت نبودند سربازان نامبرده بکمك اسب های خود که از کوچکی‌باهم بزرك شده و باهم خیلی دوست و رفیق هستند از نواحی‌یخ‌بسته‌ورودخانه عبور کرده بطور ناگهان بر سر آلمانی هاخراب میشدند .

متفقین از اسب در ایتالیا و برمه و آلمانی ها هم دریکسال اخیر برای حمل نفت و بنزین جهت وسائل موتوری جبهه خود از آن استفاده مینموده اند .

فیل :

فیل زمانی مورد استفاده بود ولی حال درمسائل جنگی‌چندان مفید نمیباشد در برمه برای ساختن پل و حمل بارهای فوق‌العاده سنگین بکار برده میشود .

متفقین از حیوانات دیگر مثل از عنکبوت برای تبدیل تار هم استفاده مینمایند .

خلاصه اینکه هرقدرپیشرفت‌وسائل موتوری عملی‌شویم بایدبه حیواناتی که سابقاً خدمات مهم انجام داده اند بی‌توجه نباشیم . اگر چه امروز هم قابل استفاده هستند ولی کم کم از صحنه خارج شده میرود تا روزی بکلی هم بمیرند .

در زندان تبهکاران جنگ

گورینگ وربین تروپ زندان خودرا شخصاً جاروب میکنند دریاسالار دونتز ازهم غذا شدن بااشتراليز امتناع دارد.

ماند فورد (لوکزامبورگ) بقراراظهار خبرگزاری امریکا اطاق زندانهائی که در آن سران نازی زندگانی مینمایند وقریب چند ماه است که از بازداشت آنها میگذرد بطوری تهیه شده است که کلیه وسائل انتحار از دست آنها خارج شده است.

مثلاً اطاق ربین‌تروپ بزرگترین سیاستمدار آلمان و وزیر خارجه دولت نازی دارای یك تختخواب سفری ویك تشك کاهی میباشد برای آنکه این بازداشت شدگان انتحار نکنند سیمهای برق از اطاقهای آنها عبور نداده اند.

شیشهٔ پنجره این اطاقها بوسیله نرده های آهنی از دسترس زندانیان خارج شده‌است.

بطوریکه این اشخاص بوسیله شیشه وشکستن پنجره نتوانند انتحار کنند.

همچنین اطاق آنها فاقد آئینه است ولی باید دانست که هر وقت زمامداران نازی بخواهند صورت خود را بتراشند وسائل اصلاح از قبیل تیغ و صابون و سایر چیز ها دراختیارآنها گذاشته میشود ودرحضور نگهبان صورت خودرا اصلاح میکنند.

زمامداران نازی‌که روزی برمیلیونها نفر حکومت میکردند وشاید عده ای ازجان ودل‌آرزوی تقرب بآنها وخدمتگزاریشانرا داشتند امروز از داشتن یك خدمتکار محرومند.

کلنل آندرس فرمانده بازداشتگاه زمامداران فاشیست‌بطوریکه اظهار میدارد «گورینگ و روبین ترپ هنوز هم شخوت و غرور خودرا از دست نداده اند با آنکه هر روز صبح اطاق خود را جاروب میکنند معهذا باز هم تکبر از آنها دور نشده است»

کلنل آندرس در پاسخ سؤال یکی از روزنامه نگاران راجع باین بازداشتگاه میگوید :

« اینجا زندان است باین جهت زندانیان از داشتن کلیه وسائل راحتی و آسایش محروم هستند در عین حال قوانین و مقرراتی داریم که با کمال احترام آنرا اجرا میکنیم » کلنل آندرس در جواب سؤال یکی دیگر از مخبرین راجع بطرز معاشرت زمامداران نازی بایکدیگر گفت :

« روزیکه من ژولیوش اشترالیژ را وارد این زندان کردم دریاسالار دونیتز از رو برو شدن با او خود داری کرد ، هنگامیکه ژولیوس اشترالیژ بسر میز غذای همگانی رفت ، دونیتز میز را ترک گفت و از هم غذا شدن با او خود داری کرد . من در این وقت باین آقایان نصیحت کرده ودستوردادم که اکنون دیگر نه نیروی دریائی و نه نیروی زمینی و نه نیروی هوائی وجود دارد ، حتی میتوانم بشما بگویم که کشوری بنام آلمان آن طوریکه فکر میکنید دیگر در بین نیست بنا بر این خوبست شماها با یکدیگر بسازید و اوامر زندان را اطاعت کنید »

کلنل آندرس سؤالی که یکی از روزنامه نگاران راجع بچگونگی وسائل تفریح بازداشتیها از او نموده چنین پاسخ داد :

« با اینکه اینجا زندان است و اینها نازی هستند معهذا از بعضی وسائل تفریح محروم نمیباشند . اینها میتوانند یک دیگر را ملاقات کرده باهم صحبت کنند ، اینها نیز مخیرند هر وقت بخواهند از بازداشتگاه خود قدم زده گردش کنند . مخبرین میتوانند عکسهائیرا که برای آنها لازم میدانند تهیه کنند ، اینها وسائل تفریح آنهاست ولی باید بدانید که اینها بهتر از این غذاها که میخورند و این منزلها که در آنها بسر میبرند نیستند و من آنها را بهمان طریق که خودم زندگی میکنم نگاه میدارم »

نگارش : آقای د . فوروزی

یکی از جلسات تاریخی
مجلس شورای ملی انگلستان

روز سپتامبر شنبه ۲۸ ۱۹۳۸ یکی‌از روز های تیره و وحشتناک تاریخ اروپاست فریاد سهمگین هیتلر که‌در بامداد این‌روز در اروپا طنین افکند در گوش ملل جهان مانندصاعقهٔ مرگ اثر کرد هیتلر میگفت : یا باید چکوسلواکی تسلیم شود یا اینکه‌بقوهٔ‌قهریه بزانویش در خواهم آورد فرانسه و انگلستان که ضمن پیمانی‌دست وفا داری وهم عهدی بچکوسلواکی داده بودند چون یار وفا دار خود را با عفریت جنك رو برو دیده و بتکاپو افتاده بودند . هیجان فوق العاده ای درپاریس ولندن حکمفرما بود . ماسکهای ضد گاز بسرعت در میان مردم تقسیم میشد . اطفال شهررا ترك میکردند . هیولای جنك و وحشت بر سرساکنین‌ایندوشهر بزرك بال گسترده بود کمی بیش از نیمه شب به‌نیروهای‌دریائی انگلیس فرمان داده شد که خودرا برای نبرد آماده کنند . بیش از یك گام با جنك فاصله نبود بنیه سیاستمداران هیتلرخودرابرای جنك آماده کرده بود و دیگر هیچ راه چاره ای بنظر نمیرسید . روزولت و موسولینی هردو پیغامهائی حاکی از علاقه‌خود بهای صلح بهیتلر مخابره کردند ولی آتشی که در درون پیشوای آلمان زبانه میکشید هیردم رو بفزونی میتهاد در ۲۳ سپتامبر همین سال نمایندگان انگلستان در جامعه ملل بالیتوینف نماینده روسیه راجع بحملهٔ احتمالی آلمان بچکوسلواکی صحبت کرده بودند لیتوینف گفته بود که در صورت حملهٔ آلمان بچك دولت روسیه‌حاضر خواهد بود که بلافاصله با ستادهای ارتش فرانسه و انگلستان تماس یابد . متن گفتار لیتوینف بلندن و پاریس مخابره‌شده بود ولی زمامداران انگلستان روسیه‌را نادیده انگاشته بودند امروز یعنی ۲۷ سپتامبر

مسئله روسیه نیز یکی از غوامض امور بود - انگلیسیها از خود میپرسیدند اگرما وارد جنگ شویم روسیه چه خواهد کرد؟ دوساعت و نیم بعد از ظهر روز چهار شنبه ۲۸ سپتامبر ۱۹۳۸ جلسه مجلس شورایملی انگلستان با حالتی آشفته و متشنج تشکیل شد-نمایندگان یکی بعد از دیگری با حالی غمگین و افسرده وارد میشدند و بر جای خود می نشستند جمعیت زیادی در تالار گرد آمده بود همه میخواستند از سرنوشت جهان خبر یابند همه آمده بودند که به بینند دولت انگلستان در قبال زورگوئی آلمان چه تصمیم اتخاذ خواهد کرد...

در این حین نخست وزیر چمبرلن وارد شد- قیافه نخست وزیر را غبار غم و کدورت فراگرفته بود — بنظر میرسید که افکار و خیالاتی اورا بشدت رنج میدهد چشم همه بسوی او دوخته شد - چمبرلن رشته سخن را بدست گرفت — با متانت و آرامی داستان مذاکرات انگلستان را با آلمان و کوششهائی را که برای ابقای صلح نموده بود بیان کرد. سکوت عمیق حضار وقیافه محزون و مکدر او وضعی عجیب بدین منظره بخشوده بود چمبرلن گاه گاه سخن خود را قطع میکرد و با نگاهی مأیوسانه بامضاء فیه مینگریست - نمایندگان باشنیدن داستان دراز او گوش میدادند، چمبرلن میگفت:

« من به نزد چانکلر برلن رفتم تمام این بود که میتوانم با دیپلوماسی بالنسبت دیگر از جنگ آینده جلوگیری کنم ولی در این ملاقات فهمیدم که هیتلر جز با اقرار بحق آلمان حاضر بمذاکره نمیشود و ما لابد برای جلوگیری از جنگ چگونه با مجبور کردیم که استحکامات دفاعی و قسمتی از سرزمین خود را بهیتلر واگذارند من تصور میکردم که دیگر

آتش حرص هیتلر فرو نشسته است با خیالی آرام بگرسپرك پرواز کردم ولی دیدم که آتش آز هیتلر تیز تر شده است هیتلر میخواست که تمام سرزمین چك را چون لقمه ای لذیذ و گوارا فرو دهد ـ ما میخواستیم کاری کنیم که چکوسلواکی بتواند لااقل قسمتی از ذخائر ارتش و منابع گرانبهای خود را عقب بکشد شما میتوانید تصور کنید که بچهٔ حیرت و سرگردانی دچار شده بودم ٭

سخن چمبرلن باینجا که رسید جنبشی در صفوف نمایندگان مشهود شد و صداهائی بملامت شقفت و همدردی برخاست .

«ضربت سخت و شدیدی بمن خورده بود»

باز لرزش دیگری پیکر تماشاچیان را فرا گرفت — چمبرلن تکانی بخود داده و عینکش را جا بجا کرد سپس کاغذهائی را که در پیش رو گسترده بود پس و پیش کرد و باز شروع بسخن کرد : همه با اشتیاق خارج از حد منتظر بودند که نخست وزیر وقایع دوازده ساعت اخیر و تصمیم خودرا بیان کند — میهمانی مجلس را فرا گرفته بود — چمبرلن وارد مطلب شد و گفت :

دیروز صبح ٭٭٭٭

در این هنگام صدائی در گریدورها شنیده شد — لرد هالیفاکس که با شوق فراوان بسخنان نخست وزیر گوش میداد از جای خود بلند شد و خارج گردید یکدقیقه بعد یك قطعه کاغذ دست بدست بصندلی وزیر دارائی رسید — سرجان سیمون بلافاصله نگاهش بر افکند — بلافاصله آن را به نخست وزیر داد — چمبرلن در این هنگام لب از سخن گفتن فرو بسته بود — وضع اسرار آمیزی سالن را فرا گرفت — چمبرلن باز عینك خودرا تکان داده بخواندن

کاغذی که سرجان سیمون بدو داده بود مشغول شد — همه میدیدند که چهرهٔ چمبرلن آن بآن تغییر میکند چشمان خموده اورا برق شعف و شادمانی فرا میگیرد — چین های فراوانی که بر پیشانی او گره افکنده بود دیده میشد که بتندی محو میشود - سرانجام چمبرلن شروع بسخن کرد — چند دقیقه ای را به بیان وقایع ۱۲ ساعته اخیر گذراند سپس چنین گفت :

«اکنون میخواهم موضوع بسیار مهم دیگری را باطلاع مجلس شورایملی برسانم هم اکنون از پیشوای آلمان بمن نامه ای رسیده است که مرا دعوت نموده بامداد فردا با او در مونیخ ملاقات کنم — موسولینی و دالادیه نیز برای شرکت درمذاکرات دعوت شده اند — موسولینی دعوت هیتلررا پذیرفته است — یقین دارم که دالادیه نیز دعوت پیشوای آلمان را رد نخواهد کرد — جواب من هم که بدعوت هیتلر معلوم است ۰۰۰۰۰۰ شور و شعفی غارق- آمیز در مجلس پدیدار شد — درظرف چند دقیقه سرنوشت جهان دیگرگون شده بود همه خیال میکردند که انگلستان با آلمان وارد جنگ خواهد شد ولی اکنون میدانند که چمبرلن برای مذاکره بمونیخ میرود — فریادهای شادمانی و تعجب که کمتر در تاریخ مجلس انگلستان نظیر دارد از همه مجلس برخاست . همه نمایندگان از روی صندلی های خود بلند شده دست میزدند — چمبرلن در میان فریادهای شادمانی نمایندگان از مجلس خارج شد — بدین ترتیب یکبار دیگر خطر جنگ و خونریزی برای چند صباحی شکست خورده بود .

احمد گوچك

غانه جاسوس‌سازی

—«»—

گلیس !

تی و پشت هم اندازی ومهارت

دنیا بقدرجاسوسی محتاج مهارت وزبردستی

زبر دست که میتوانند سالیان دراز در

کشور خود کار کنند حقاً شایسته هرگونه

جاسوسی‌داردولی اداره جاسوسی‌انگلیسها

ن این اداره تاکنون هزاران جاسوس

که در سراسر دنیا مشغول خدمت بدولت

اتفاق افتاده است که یکی ازاین جاسوسها

ز انتخاب کردن اشخاص برای جاسوسی

ر اینست راه تجاربی اندوخته که او را

لا» (اقیانوس کبیر) یکروز رئیس اداره

ه ساله ای را دید که تشنیص داد مستعد

ست . پدر این پسر یکنفر نیمه وحشی بود

از پدرش بمدنیت نزدیك شده بود یك

و مثل وحشیان هوش غریزی سرشاری

مش « نورنالا » وبنیه مزاجی اومتوسط

بود .

رئیس اداره احتکار افیون که استعداد این کودک را دید او را زیر نظر خود گرفت و مدت چند ماه سه چهار زبان بومی و زبان هندی را باوآموخت . نورنالاشروع بکارکرد و نخستین وظیفهٔ او مبارزه با قاچاقچیان افیون بود . نورنالا استعداد و مهارت شایانی نشان داد و رئیسش گزارشی از هوش و قابلیت او بلندن فرستاد باو دستور دادند زبان انگلیسی را باین کودک بیاموزد ، نورنالا پس از آموختن زبان انگلیسی سمت جاوه و سنگاپور رفت ومنطقهٔ جاسوسی و فعالیت خود راشروع بررسی نمود . هنگامیکه جنگ جهانگیر گذشته شروع شد نورنالا مأمور جاسوسی درسنگاپور گشت وظیفه ای که بعهده او گذاشته بودند خیلی دشوار بود. چون آلمانها در سنگاپور یک عده جاسوس از نژاد چینی داشتند که از رفت و آمد کشتیهای انگلیسی باخبر شوند تمام قدرت مقتضی میخواستند از کشتیهای انگلیسی غرق و تابود سازند . نورنالا مشغول مبارزه با این جاسوسها شد و چند دسته از فعالیت ایشان جلوگیری کرد.

در اواسط جنگ بود که اداره اسکاتلند یارد — جاسوسی انگلیسی تلگرافی زیر را بلندن اخبار کرد تا مأموریت بسیار بزرگی بعهدهٔ او بگذارد مضمون تلگراف این است مأمورین جاسوسی انگلیسی از مهمه آن مأموریت برگشتند که باطلاع عده ای از سنگاپور اخبار دادند.

مأموریت او کشف قاچاقچیان افیون بود که درلندن مشغول شده بودند و میخواستند تریاک را در انگلیس رایج سازند .

نورنالا هنوز یارد سال انگلیسی نشده بود که مستور داد بمحض ورودش بسنگاپور آنرا دستگیر نمایند و هم برابر دستور یکدسته قاچاقچی افیون را با معاونین تریاک دستگیر کرده اند .

چند هفته بعد ناگهان در جراید لندن خبری درج شد باین مضمون که آن قاچاقچی زبردست در ضمن رفتن بمحکمه از دست مأمورین فرار کرده ودیگردستگیرنشده است.

فردا شب آن روز که این خبر درج شد ـ تورنالا ـ در خیابان چینیها شروع بقدم زدن کرد و با چند نفر چینی آشنائی پیدا کرد بطرز محرمانه بایشان حالی کرد قاچاقچی گدائی که از زندان فرار کرده است منم وحالا میخواهم مجدداً مشغول کارشوم

شب آنروز یکنفر چینی بسراغ اوآمد تا بهمراهی اوقاچاق فروشی کند تورنالا بالاخره تمام قاچیان راشناخت ووسیله ای فراهم کرد که یك شب تماماً در یك رستوران حاضرشوند و همه رابدست پاسبانان سپاردیس از آن رهسپار جبهۀ فرانسه شد تا خاتمه جنك که مجدداً بسنگاپور رفت.

صد ها نفر از مأمورین اداره جاسوسی انگلیس در سراسر دنیا مشغول پیدا کردن اطفال باهوش هستند که قابلیت جاسوسی داشته باشند این کار یك فن مخصوص سلیقه و تشخیص کاملی لازم دارد و از عهده همه کس بر نمیآید که بتواند اشخاص مستعد را انتخاب نماید

معمولا اطفالی که برای جاسوسی انتخاب میشوند در یکی از آموزشگاههای مخصوص تحصیل میکنند تادرفن خودماهر گردند.

احمد کوچك

داستان احمد کوچك راشاید شنیده باشید این شخص یکی از زبردست ترین جاسوسان انگلیس بود در هرکشوری میرفت لباس وآداب آنجا را میپوشید و رعایت میکرد میگفتند در شش زبان شرقی و غربی مهارت کامل دارد که عیناً مثل اهالی آن محل حرف میزند.

پس از جنگ استقلال ترکیه در پیرامون این جاسوس هیاهوی بزرگی برخاست و تا چندی اسم و کارهای او در جراید اروپا درج میشد تا آنکه بدست ترکها اعدام گردید .

زندگانی این شخص سراسر با خیانت بود در محکمه ای که برای محاکمه او در آنکارا تشکیل شد اعمال گذشته خود را شرح داد واعتراف کرد که میخواسته است مصطفی کمال پاشارا بکشد

این شخص بطوریکه خودش در ضمن محاکمه اعتراف کرد در آموزشگاههای مذهبی هندوستان تحصیل کرده و پس از آن بانگلستان رفته و دردانشگاه لندن تحصیلای عالی خود را بپایان رسانید . دردانشگاه لندن زبان انگلیسی را بحد کمال آموخته و در ادبیات فارسی وعربی وترکی مهارت شایان یافت .

پس از پایان تحصیلات وارد کار شده و در هندوستان فعالیت زیادی داشت . از هندوستان عازم کابل شده و حبیب الله خان (پسر امان الله خان) را کارد زده و ازآنجا بترکیه رفت .

این شخص اعتراف کرد که معتقد بوده است متفقین تمام سرزمین آناطولی را متصرف خواهند شد و نهضت ملیون ترک را از میان خواهند برد ولی در حدس و عقیده خود راه خطا رفته و اینک گرفتار ترکها شده است!!

دولت ترکیه بدستور مصطفی کمال پاشا یک نسخه ساختگی از یک روزنامه ترکی چاپ کرد که براز اخبار دروغی مبنی برفتوحات یونانی ها و شکست ترکها بود مقصود از این روزنامه آن بود که جاسوس نامبرده بمسکو شود و اسرار خودرا بگوید .

اسمعیل کوچک مدتی که در زندان توقیف بود غالباً ازمقصدی زندان تقاضا میکرد روزنامه برای او بیاورند مقصدی زندان بدستور

اولیای امور برای او روزنامه میآورد و چند روز هم آن روزنامه ساختگی را برای او آورد و چنین وانمود میکرد که از این کار خود بسیار نگران و پریشان خاطر است و میترسد اولیای زندان مطلع و مخصوصاً این که او برای یکنفر زندانی روز نامه‌میآورد.

متصدی زندان مخصوصاً اینکار را میکرد که جاسوس در این باره شکی نداشته باشد.

بالاخره نقش ترکها در این بازی برضد جاسوس گرفت و احمد کوچك که بشکست اطمینان داشت رازهای خود را فاش‌کرد وبخیانت خوداعتراف نمود. محکمه آنکاراو را محکوم باعدام‌کرد و حکم درباره این جنایتکار اجرا گردید.

اختراعات جدید

دوچرخهٔ تلمبه زن

از این ببعد دیگر لازم نیست دوچرخه را با دست تلمبه زده وهوا بوسیله فشار داخل لاستیك دور چرخ نمود زیرا تازگی یك تلمبه بصورت یکی از پیچ های عادی درچرخ تعبیه شده که چرخ هنگام چرخیدن هوا را بدرون لاستیك تزریق میکند. فائده دیگر این اختراع آنست که اگر در لاستیك سوراخ پدیدار شود ولی بطوری نباشدکه کمتر از مدت سه دقیقه هوای آن بکلی خارج گردد تلمبه خودکار آن را دائماً پراز باد نگاه خواهد داشت بهای آن هم بیش‌ازبیست وپنج شیلینك نیست لکن هنوز زمامداران امور نظامی اجازه فروش آنرا نمیدهند.

مسئله حمل و نقل هوائی
در دنیای پس از جنگ

هواپیمائی موضوعی است که در دنیای پس از جنگ اهمیت بسزائی خواهد یافت زیرا بدلائل متعدده استفاده ئی که از آن در زمان صلح میشود بمراتب بیشتر از موقع جنگ است.

هواپیمارا مخترعین آن بخاطر افزودن آلتی کشنده برادوات جنگ اختراع نکردند. بلکه منظور و مقصود معینی داشتند که بدبختانه ما امروزه آنرا کنار زده از وجود طیارات سوءاستفاده میکنیم لذا باید زخم هائی را که هم اکنون از وجود آن ها بوجود میآید با خودمان شفا و التیام بخشیم با استفاده از هواپیما برای حمل و نقل در زمان صلح کمک شایانی بازدگانی و داشتن کالاهای متساوی در سراسر جهان خواهیم بود آنچه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان بستگی کاملی به هواپیما و طرز استفاده از آنرا دارد. برای تغییر وضعیت عمومی و تعادل جهان بیک دنیای آرام زحمات و فعالیت های زیاد لازم است که با بکاربردن هواپیما بر سرعت حمل افزوده شده و اگر پس از جنگ گذشت چندین سال نکوشیم که تا اوضاع را بحال عادی برگردانیم پس از این جنگ بیش از ۱۲ تا ۱۵ سال کار نخواهیم داشت.

حمل و نقل هوائی استفاده های بزرگ دیگری هم دارد که بهترین آنها لذت از مسافرت و سرعه سوئی در وقت است. زیرا هوائی سریع و مجهز بهترین جاذبه برای مسافری است که هواپیما با سرعت فوق العاده خود در آن حرکت مینماید.

ولی نباید فراموش کرد که هواپیمائی و بخصوص استفاده

طیارات برای حمل و نقل کالای بازرگانی هنوز در (درگاه) عمارت زندگی خود قرار گرفته است . بنا براین نباید انتظارات فراوانی از آن داشت و یا آنچه تا بحال اتومبیل و یا کشتی حمل میکرد ، آن نیز با خود ببرد .

بازرگانان جهان با بی تابی بی نظیری انتظار اختتام جنگ را داشتند تاهرچه زودتر با سرعت زیاد شغل خود را که تقریباً دو دوران جنگ راکد مانده بود - صرفنظر از بازرگانی جزئی داخلی - شروع نموده و آنچه را بخواهند با یك تلگرام پس از حد اکثر ٤٨ ساعت بدست بیاورند ، زیرا این دسته از مردم بیش از دیگران ارزش وقت را دانسته و در زندگانی بازرگانی با تجربه بآنها ثابت شده که همه چیز را بغیر از وقت میتوان بدست آورد یا با پول خرید اگرچه عدهٔ زیادی از اشخاص بدبین که همیشه طرف بد هر چیز را میگیرند آنقدر ها بموضوع حمل و نقل عمومی خوشبین نیستند و یکی از دلایلشان اینست که خرج ساختمانی هواپیمای یك کمپانی در عرض یکماه سقوط کند کمپانی مزبور ورشکست خواهد شد ، ولی در جواب آنها باید گفت که با پیشرفت ساختمان طیارات این نقیصه مرتفع شده و همانطور که کشتیهای بالدار غرق میشد و آنها اهمیتی بدان نمیدادند از سقوط یکی دو هواپیما هم از جا در نمیروند .

دیگر از دلایل منفی بافان مذکور نداشتن خلبان خوب است خوشبختانه در جواب این دلیل آنان فقط کافیست که از ایشان خواهش کنم از خلبانان فعلی کشور ها سان ببینند . دیگر چیزی نمانده که عده خلبانان ارتش باندازه افراد نیروی زمینی آن بشود چه ، با تشکیل اینکه نیروی هوائی رل مهمی را در جنگ های فعلی بعهده دارد ، کشورهای جهان بدون استثناء بتربیت خلبانان

زیاد و ماهر همت گمارده و با بهترین وجهی در آموزش آنها دقت کرده تشویقشان می نمایند .

نسل آینده یعنی نسلی که پس از ما بر روی کار میآید و زمام امور جهان را بدست میگیرد. جوانانش مثل ما از دیدن هواپیما تعجب نخواهد کرد . زیرا هرچه باشد موضوع پرواز برای آنها هیچ نوع تازگی ندارد.

از آنجائیکه هواپیما از بهترین وسائل تفریح است شکی نیست که فعالیت و اوقات بیشتری مصروف آن گردد . هیچ بعید نیست که زمانی برسد که تمام مردم ، همانطور که امروز راندن اتومبیل را میدانند ، آنوقت هم هواپیما برانند . چون متخصصین این فن مشغول آزمایش های دقیق برای ساختن هواپیمای بزرگ تر، سبک تر ، و در عین حال محکم تر هستند ، بعید نیست که روزی به آرزوی خود رسیده و آنچه را سالها برروی آن کار و تجربه نموده اند تحویل جامعه دهند .

در اول مقاله گفتم که ممکن است ارزش ساختمان یک هواپیما زیاد شده ودر نتیجه قابل استفاده برای هر کاری نباشد . ولی درموقع تحریر آن سطور موضوع رقابت را فراموش کرده بودم .

رقابت بهترین وسیله ئی هست که در نتیجهٔ آن هواید هنگفت نصیب عامه و توده میگردد همانطور که زمانی قیمت اتومبیل بحدی زیاد بود که فقط اشخاص میلیونر میتوانستند از آن خریده و استفاده نمایند و امروزه بحدی ارزان گشته که همه قادر به تهیه آن هستند بهمان نحو هم کارشناسان هواپیماسازی رقابت نموده محصول خودرا هرچه بهتر و ارزانتر خواهند فروخت .

اگرچه برای ساختن و پرداختن هر چیزی مدتها وقت لازم است ولی در مورد مسئله حمل و نقل هوائی این موضوع صدق نمیکند . زیرا جنگ بهترین آزمایشگاه هواپیما بوده و آنچه امتحان و تجربه لازم بود در این چند سال بعمل آمده است .

نگارش : سرهنك دوم ادیهن

از میدان جنك

نینا !

امروز هنگامیکه در فرودگاه (۳۶) از هواپیمایم‌فرودآمدم افسری بسوی من دویده روزنامه ای بدستم داد . در آنجا عکس و شرح افتخارات خودرا مشاهده کردم . نوشته بود :

« ... ژان ، ادیهن سرگرد اسکادران ۱۷ چندین ساعت متوالی بی باکانه بر فراز خاك دشمن پرواز کرده ، یازده هواپیمای دشمن را سرنگون و مواضع آنان را باخاك یکسان‌نموده است .»

چه خوب بود ! اگر میدانستم هنگام خواندن این عبارت فکری کرده ای ؟

شاید بخود بالیده‌ای ، زیرا مردی که سالها دوست ودلداده تو بوده امروز باین افتخار بزرك رسیده است .

شاید هم با خواندن این روزنامه و دیدن عکس من از جدائی ما که تو خودموجب آن گردیدی ،سخت پشیمان شده‌رنجها کشیده باشی ؛ از تو چه پنهان ، از این‌تصور دومی من بیشتر خرسند میشوم .

راستی از بمباران **خاك دشمن** چه میفهمی ؟

این مردمیکه امروز آنان را جز بنام دشمن نمیتوانیم وما سربازان جان خود را برای بی خانمان کردن آنان بخطر مرك میاندازیم کیانند ؟

هیچ گمان میبری که اینهمه درجه ، مدال و افتخارات خیره کننده ازبمباران آن جنگلهای زیائیکه تابستان (۱۹۳۶) را درآنجا با هم بسر بردیم ؛ نصیب من شده است ؟

هیچ میدانی آن کلبه های روستائی را که در آنشب مهتاب فراموش نشدنی در یکی از آنها تا بامدادان بیدار بودیم و امروز خاك دشمن می نامیم ؛ چطور بیرحمانه درهم شکسته ام؟

هیچ میدانی چه آتشی بخانمان میزبانان مهربانیکه آنشب آنهمه محبت بما کردند ، وامروز آنان را دشمنان خود مینامیم ، زده ام ....

نه ! نمیایم بیهوده گفتم این سخنان مستانه را که بیاد تو در میان یاد داشتهایم نوشته ام ، برای سربازی چون من ؛ شرم آوراست نینا ! یك روز هم که باز بیاد تو افتادم . می بینی چقدر ساده و کودکانه فکر میکنم .

نه نینا ترا فراموش کرده ام ،

گرچه بارها خواسته ام که بتو بفهمانم : تورا دیگر دوست ندارم و نتوانسته ام ؛ بگذار که امروز بگویم : من تورا دوست نمیدارم .

راستی نینا ! خواهش میکنم که این بار دیگر باور کنی !

ترجمه ـ آسمان

تعداد تراکتور در انگلستان

در انگلستان بالغ بر ۱۲۰۰۰۰ تراکتور پیشه‌ور کار است . در حقیقت برای هر ۱۰۰ جریب زمین یك عدد از آنها کار میکند . بیشتر صنعت کشاورزان این کشور ازهر کشور دیگر بیشتر انواع ماشینها را دارند . دولت آنها در داخله مملکت ساخته شده است ، مقدار محصول از قرار هر نفری سه برابر بیشتر از محصول هر سه کارگر آلمان میباشد .

گزارش یك سرباز

روی میدان جنك که رنك قرمزی داشت دوستانم یکی پس از دیگری میافتادند و جان میدادند ولی من همانطور پیش میتاختم ، میرفتم تا انتقام آنهارا از دشمنان بگیرم .

ما از باغها و خندقها و کوهها میگذشتیم و از دهکده هائی که‌ویران شده بودند عبورمیکردیم ولی دستم برروی دلم بود زیرا عکس مقدس مادرم در آنجا قرار داشت هر وقتی که خسته میشدم و قیافهٔ افسردهٔ اورا میدیدم دوباره نیرو میگرفتم و به پیشروی میپرداختم .

راه دوری نرفته بودیم که برج بلندی از دور پیدا شد ولی ناگهان برج هنگامی که‌مرا دید بنشانه روی پرداخت فقط من صدای مرك آور تفنك را شنیدم و سپس بآرامی بدون اینکه صدائی بکنم بزمین افتادم .

از دور صدای شیپور شنیده میشد و حمله با شدت تمام ادامه داشت من میدیدم که خون گرمی از زخمهایم در جریان است .

حدس میزدم که مرك روی آور میشود ولی مفتخر بودم که جزو شهدای راه میهن شمرده میشدم در اینهنگام خواب یا درست بیهوشی غلبه کرد هنگامیکه بهوش آمدم خودرا نزد رفقایم یافتم که با نظر نگرانی بمن مینگریستند .

آه ! چه اندازه شاد بودم موقعی که شنیدم دشمن سرکوب شده است !

دوشیزه جوان !

زن گنده و قطوری که شال بزرگی از فلانل بخود پیچیده بود در تاریکی باو بر خورده و با ترس و لرز تمام فریاد کرد :

— آی کیه آنجا ؟

- منم ، گفت دوشیزه جوان که بر روی پله های پلکان عمارتی نشسته بود ، منم ، پولیا ! .

- پس چرا فرار نمیکنی ؟ مگر صدای سوت خطر رانمی . شنوی ؟ الان بکله‌ات بمب میریزند .

- منتظر همانها هستم . . . با آرامی جواب داد پولیا .

- چه نیازی بانتظار آنها داری ؟ زود خودت را نجات بده و برو در پناهگاه .

- وظیفه و خدمت من چنین ایجاب میکند : برو ، برو ، مادر جان ، ممکن است خطری برای شما رخ دهد . . . .

- بسیار خوب ، میروم ، ولی به بین ، دختر . تو که ازهیچ چیز بیم نداری روی پلکان چگونه میمانی ! . . .

- نه این است که من از چیزی بیم ندارم ؛ بلکه من نگهبان هستم ! .

پولیا همینطور در روی پلکان نشسته بود و با چشمان درشت خود بدقت و حساسیت تامی فضا را جستجو و کاوش میکرد در آسمان اشعهٔ نورافکنها یکدیگر را قطع مینمودند موشکها میترکیدند و دسته های اشعه مرخ از آنها در فضا پراکنده میگردید ، خطوط

زرین گلوله ها در گنبد نیلگون آسمان حرکت میکردند و بالاتر از اینها در اعماق فضای لایتناهی غرش نا منظم هواپیماهای دشمن بر فراز شهر لنینگراد شنیده میشد .

پولیا خود را جمع کرده و با اضطراب و دقت تمام منتظر نعره‌های وحشتناك و انفجار های عظیم و حریق و شعله هائی بود که میبایستی عنقریب حادث شوند زیرا او موظف بود که بمحض وقوع آنها فوراً محل امکنه ای را که بمب اصابت مینماید بستاد دفاع محلی اطلاع دهد .

گود مصنوعی جدید

یکنفر زن متخصص در علم شیمی مسمات به الکساند - اشلومرا) کارمند مؤسسه کشاورزی علمی شوروی اخیراً از خاك برك کودی تدارك نموده که در نتیجهٔ آن بر محصولات غلات وبقولات بین‌صدی بیست وسی‌افزوده شده ومشارالیها این اقدام را ازنظر وقوع جنك نموده زیرا کود های‌معدنی حالیه وجود ندارد نام این کود (از وتوجن) میباشد و یك پوند آن‌برای رشوه‌دادن به ده جریب زمین غله و یاسه‌جریب زمین بقولات مکفی میباشد .

ترجمه : اقای جهانگیر حاجیعلیلو

سر جوخهٔ کوچك

سربازان ناپلئون او را میپرستیدند و بعد از جنك «اولمی» بواسطهٔ محبتی که نسبت باو داشتند اورا «سرجوخه کوچك» لقب داده بودند . بناپارت ، بعد از یك گردش که عادت داشت نصف شب بخیمه خود بر میگشت ، تاریکی زیاد بود ناگاه خود را در نگهبانی یافت . نگهبان همینکه سیاهی را دید تفنگش را نشانه‌روی نموده فریاد زد « بایست ! » ناپلئون فهمید از صدایش که اوتازه وارد است بدینجهت خواست او را امتحان کند : جواب داد ، دوست من ، افسر هستم . . . خوب . . . در این حال باید اسم شب را دانسته باشی .

ـ عجب ! راستی آنرا نمیدانم به ! در اینصورت دور شو و الا آتش میکنم ! ـ صدا نکن ! من بشما میگویم که . . هنگامی که شما « سرجوخه کوچك » خواهید شد ، نخواهید گذشت بصدای اینها سربازی از خیمه بیرون دوید و همینکه بناپارت را شناخت فریاد زد چه اتفاق است ! ؟ نگهبان بیچاره که مبهوت شده بود گفت : آه هیچ دیگر نابود شدم .

ناپلئون جواب داد : نه دوست من ، آفرین ! بر خلاف تو کمی سیاه بچشم میخورد ، دراین خلاها بگیر ، فردا بخیمه من بیا پس از این از تو مواظبت خواهم نمود .

یکنفر عضو شرکت نفت ایران و انگلیس متفقین را از یک خطر حیاتی نجات داد

چرچیل نگران و مضطرب شده بود زیرا گزارش های رسمی نشان میداد که تعداد خلبانهای انگلیسی که هنگام فرود آمدن در فرودگاههای انگلستان تلف میشوند بیش از خلبانهائی است که در آسمان کشور دشمن بضرب گلوله توپ یا مسلسل آلمانها بهلاکت میرسند.

این وضع بی اندازه وخیم و خطرناك بود. بیشتر اوقات آسمان انگلستان از طبقات ضخیم مه پوشیده شده بودبطوری که خلبانهای انگلیسی نمیتوانستند مواقع بازگشت از مسافرت جنگی فرودگاه خودرا بیابند و بی خطر بزمین بنشینند.

خلبانان انگلیسی با بمب و نوار های دراز فشنك بکشور دشمن میرفتند و پس از بمباران و نبرد خونین هنگامی که بمیهن خود باز میگشتند در آغوش کشور خویش و برفراز فرودگاه خودطعمه هلاکت میشدند دولت بریتانیا و مخصوصاً چرچیل حق داشتند که ازاین خطر بزرك نگران باشند وخواب ازچشمشان ربوده شود.

ماه دسامبر ۱۹٤٤ بود میلیونها سرباز متفقین درقارهٔ اروپا میجنگیدند ولی مارشال روندشتدت فرمانده زبردست آلمانی که باوضاع جوی انگلستان آشنائی کامل داشت ازطبقات مه که آسمان آن کشور را پوشیده است مطلع بود فرصت را مغتنم یافته و حملهٔ بسیار سختی را شروع کرده بود.

وضع جبههٔ متفقین خطرناك شده بود و اگر نیروهوائی متفقین جداً وارد میدان نمیشد و خطوط ارتباطی آلمانها رابمباران نمیکرد احتمال قوی داده میشد که مارشال کار آزمودهٔ آلمانی

جبههٔ متفقین را بشکافد و نیروی متفقین را بدو قسمت تجزیه نماید و هریك را جداگانه درهم شکند ولی مارشال آلمانی از این نکته غافل بود که دانشمندان انگلیسی این دفعه هم ارتش متفقین را نجات خواهند داد و با اختراع تازه ای نقشه‌های برلین را باطل خواهند کرد .

مارشال آلمانی از اختراع جدید که‌بنام (فیدو)موسوم‌شده بود اطلاع نداشت و هرگز منتظر نبود و احتمال نمیداد که در آن فصل که سراسر انگلستان از مه پوشیده شده و هوا برای پرواز مساعد نیست ناگهان بادسته های بزرك هواپیمای متفقین روبرو شود و خطوط پشت جبهه اش بمباران گردد .

ولی در این صحنه هم بالاخره پیروزی نصیب علم وصنعت گردیده انگلیس ها کمال سعی را داشتند که رازاین‌اختراع‌جدید مکتوم بماند فقط پس از خاتمه جنك بود که فرماندهان آلمانی‌نام (فیدو) را شنیدند و مارشال روندشتدت فهمید چه چیز باعث‌شکست او شده است .

فیدو نظیر یك عملیات سحر آمیزی است که طبقات ضخیم مه را میشکافد و بهواپیما اجازه میدهد در نامساعد ترین هوانیز مانند روزهای آفتابی بهار و تابستان پرواز کند وسالم بفرودگاه باز آید در طی همان نبرد که سرنوشت نهائی آلمان راتعیین‌نمود با آنکه در وسط فصل زمستان و در بدترین هوابودیکروز سیصد هواپیمای بمب افکن از انگلستان پرواز و بطرف‌شهر(سان‌ویت) حرکت نمود و مراکز مهم و نقاط حساس ارتباطی آلمانها را منهدم ساخت .

عملیات سحری (فیدو) با همه اهمیتی که دارد خیلی ساده است . اساس این اختراع آن است که چهارلوله گاز بر یك با دیگری پنجاه یارد فاصله دارد در اطراف فرودگاه نصب میکنند در این لوله ها بنزین میریزند و بوسیله ماشین آن را میفشارند

وقتی این بنزین مشتعل شود شعله نیرومند سفیدی از آن خارج میگردد که دود ندارد .

حرارت این شعله ها قطرات شبنم را که مایه واصل مه است مبدل ببخار میسازد و فضای فرودگاه را پاك و برای فرود آمدن هواپیما مساعد میکنند .

این عصای سحر آمیز نه فقط متفقین را در بلوبك نجات داد بلکه اساسا انقلاب مهمی در اصول نبرد هوائی ایجاد نمود .

فیدو در طی جنك های جبهه دوم بحساب دقیق ۱۰۶۰ خلبان متفقین را نجات داد و هواپیما هائی که قیمت آن تقریبا ۵۰ میلیون دلار بود ازنابودی رهائی بخشید .

اگر فیدو بفریاد متفقین نمیرسید معلوم نبود جنك بچه‌صورتی خاتمه مییافت .

بطوریکه گفته شد مه های آسمان انگلستان بیش از توپها و مسلسلهای ارتش آلمان بنیروی هوائی متفقین آسیب میزد . در یك مسافرت شبانه بخاك آلمان تعداد تلفات انسانی و مادی که در موقع بازگشت خلبانان بفرودگاه وارد میشد بیش ازتعدادی بود که در آسمان دشمن وارد شده بود :

یك شب چرچیل با قیافه غمناك و نگاههای یأس‌آمیز وخیره دراطاق خود راه میرفت . سیگارمیکشید وحلقه‌های‌دود سیگاررا بهوا میفرستاد برای‌مقاومت درمقابل این‌آفت بزرك چاره‌ای‌میاندیشید ولی دفع این آفت درحدود توانائی او نبود فقط دانشمندان میتوانند باطبیعت مبارزه کنند چرچیل پس از ساعتی قدم زدن و تفکر پشت میز خود نشست و نامه ای به «ژفری لوید» رئیس دفتر محرمانه موسوم بدفتر جنك نفت نوشت «... عزیزم ۰ باید بهر قیمت که ممکن باشد چاره ای اندیشید .

واقعاً خیلی زشت و خجلت آور است که خلبانان جوان ما سالم و پیروز مندانه از خاك آلمان باز گردند و در فضای وطن

برفراز فرودگاه طعمه مرگ شوند. نه پیش از توپهای آلمانی خلبانان مارا درو می کند و هواپیماهای مارا نابود میسازد.

فرداشب یك جمعیت چهار صد نفری از علمای انگلیسی در اطاق بزرگ دفترمحرمانه‌حضور یافتند وبرای دفع نه مشورت‌نمودند.

راهنمای متعددی بنظرشان میرسید که هیچ یك موردپسند و تصویب اکثریت واقع نشد.

متوسل شدن بامواج‌شدید، صوت‌جریان الکتریك، جرقه‌های برقی مواد شیمیائی که‌رطوبت را جذب میکند وخیلی‌چیزهای دیگر مطرح گردید ولی هیچ یك نمیتوانست منظور اصلی را تامین کند. بایستی وسیله‌ای پیدا کنند که هم مؤثر باشد و هم عملی و اگرنه در علم خیال خیلی کارها میتوان انجام داد.

دکتر رانکین یکی از اعضای مهم شرکت نفت ایران و انگلیس پیشنهاد کرد که یکرساله علمی که پیش ازجنك‌ازطرف آلمانها انگاشته شده مورد توجه معمار واقع‌شود. آن‌رساله‌مربوط باستعمال یك صف از مشعلهای بزرك برای گرم کردن یك منطقه وسیع بود.

آلمانها این رساله را برای استفاده کشاورزی نوشته بودند و در زمستان از سرمای منطقه اروپا آسیب میدیدند ولی دکتر رانکین عضو هیئت مدیره شرکت نفت ایران و انگلیس از آن رساله بنفع خود استفاده کرد.

این ابتکار علمی آلمانها هم مانند سب اتمی، بیوداستفاده متفقین شد و بر ضد دشمنان بکار رفت.

تمام تصمیمی که مربوط بگرفتن ممکن رضایت بخش بود چند هفته بعد از تشکیل در انگلستان نصب شد و زمانیکه نیروی هوائی برای اولین دفعه در جنگ از برگت فیلم پیدا شده بود پرواز نمود و بفرودگاه باز گشت.

شیوه‌ی مثل فراندار برای یك اختراع شیمیائی در دوره صلح قسمت بسیار مهمی انجام خواهد داد و جانوربدون‌خون‌نظیر رابکامل و ترقی شایانی نایل خواهد نمود.

اشعهٔ مرگ!

اگر ژاپنیها موفق شده بودند اشعهٔ مرگ را اختراع کنند خیال میکنید ژاپن فتح میکرد یا امریکا با بمب اتمی ؟!

در حقیقت ژاپنیها در این راه یعنی اختراع اشعهٔ مرگ خیلی زحمت کشیدند ولی کمبنه مدت مدیدی وقت لازم داشت تا اینکه موفق باین اختراع شوند - یك افسر عالی رتبه در ستاد ژنرال مك ارتور اظهار داشته است که پنج سال و نیم بود ژاپنیها برای کشف اشعهٔ مرگ آزمایش نمودند و در پایان جنگ فقط موفق شده بودند یك خرگوش را در مسافت سی یاردی و در ظرف صدقیقه بکشند ژاپنیها معتقد بودند تحقیقات آنان بیشتر بموفقیت آنان بود و در ۱۹۴۵ مبلغ یك میلیون برای اینکار اعتبار منظور داشته بودند و با اینکه آنها موفق نشدند ولیکن دانشمندان امریکائی معتقدند که بناچار پیشرفت فنی شگفت انگیزی قسمت این تحقیقات خواهد بود و بیش از آنکه بصورت سلاح با ارزش در آید دنیای علم و دانش از آن استفاده خواهد کرد .

اساسی که تحقیقات علمی بر آن استوار است از اینکه مرگ امواج نوری تولید کوتاه مر سیم را با یك قوهٔ فوق العاده زیاد در یك نقطه متمرکز ساخت تأثیرات فیزیولوژی شگرفی در حیوانات بخصوص از جمله انسان خواهد نمود که منتهی بمرگ آن میشود . در آزمایش هائی که بعمل آمده است خرگوش و میمون مورد آزمایش قرار گرفته اند یکی از آزمایش کنندگان خودرا در معرض آزمایش قرار داد و دچار خستگی و سر درد گردید و ۲۴ ساعت بتلا بود .

جاسوسی
نقش بزرگی در این جنگ بازی نموده

« پس از جنگ بین المللی اول آلمانی‌ها اذعان نمودند »
« که جاسوسی انگلیس وبعبارت دیگر «اینتلیجنت سرویس» این »
« کشور یکی از ارکان اصلی شکست متحدین بود . »
« اخیراً نیز امریکائیان اظهار داشته اند که تصمیم‌دارند »
« یك نیروی جاسوسی نظیر انگلستان برای خود تشکیل دهند »
« که از هر حیث تعلیمات انگلیسی در آن مجری گردد . »
« این دو امتیاز را انگلیس‌ها افتخار بزرگی دانسته‌وبدان »
« میبالند . اینك دراین مقاله چند نمونه از آن را برای مزید »
« اطلاع خوانندگان ذکر مینمائیم . »

« دیروز هواپیماهای اسپیتفایر انگلیسی بیکی ازهدفهای
اساسهٔ انتقامی «و ۲» آلمان حمله بردند این حمله از کارخانه‌های
بزرك این‌اسلحه است که درپن دوپیمانستان قرار گرفته ... چند
قطار راه آهن نیز هدف واقع شد ... کاخ شاه بزرك لیوفارین
بر اثر زمینلرزه دواخ روز از آخر هفته گذشته خوابیده بود »

نظیر این گزارش در روزهای پیاپی از مراکز مهم و
حساس زیاد میرسد و دلیل که داده و نمونه پایان پذیرفته است
باید دید که این حملات ما و مراکز دیگری که چنین مهمی برای
آلمان داشت چطور کشف میشد و خلبانان انگلیسی چطور تمام
نقاط را کنترل و دقیقاً عمل خود را میکردند ؟

دوربین عکاسی

چطور معلوم میشد که یك قطار حامل تسلیحات جنگی در

فلان ساعت از فلان ایستگاه حرکت نموده و بفلان شهر میرود ؟ چه کسی دریافت که کارخانه لیوفارین چند روزی کار نمیکرد !

درست است که دوربین‌های حساس طیارات انگلیسی تصاویر بسیار حساس و جالب توجهی از این نقاط بر میداشتند ولی آیا از عکس‌هم فهمیده میشد که مثلا ماشین کارخانه حرکت مینماید؟ . . . دوربین قویتری ازاین دستگاه ها لازمست که داخل کارخانه ها را ببیند و اطلاعات لازمه را مجسم سازد همین جاست که انسان جواب تمام این سئوالات و پرسش ها را فقط در یك کلمه «اینتلیجینس» جاسوسی و ضد جاسوسی مییابد در این کلمه هزاران بلکه ده ها هزار نفر مرد و زن وجود دارد که فقط بخاطر میهن و کسب پیروزی جان شیرین خودرا درخطر انداخته و از فداکاری کوتاهی نمی نمایند چه بسا که یك حرکت کوچك یك کلام حرف و یا یك نگاه روح جوانی را از جسدش جدا میسازد.

جاسوس شرافتمند

شاید شما باین عمل نام «جاسوسی» گذاریدولی زمانیکه صحبت ازمیهن و فداکاری پیش میآید درمییابید که کلمهٔ «جاسوس» در مورد این دسته صدق نمی نماید زیرا اینان حاضرند بوضع مخصوصی بمیهن خود خدمت نمایند . جاسوس کسی است که از طرف دولتی در کشوری دیگر مشغول کار شود ویا گرفتن پول ازهر دو طرف بنفع مملکت ثانی خدمت نماید .

مهمترین اخبار و اطلاعات از همین مردان و زنان بدست میآید و با وجود آنکه زندگیشان را در دست گرفته و هرلحظه با خطر و ناراحتی زیست میکنند هرگز مبالغ افتخار دریافت نمیدارند و کمتر کسی است که نام آنها را بداند و یا خودشان را از نزدیك بشناسد . بدلایل خاصی که ذکر آنها از حوصلهٔ این مقاله خارج است کمتر نام یا داستان ایشان در

مطبوعات منعکس میگردد آنوقت نیز فایده‌ئی نصیب عامل آن نمیشود، زیرا دیگر مدتها از مرگ او گذشته است.

پنج بچه داشت

یکسال قبل از پایان جنگ مطبوعات آلمان نازی بیش‌ازچهل نفر را بعنوان «خدمت بدشمن» یعنی خدمت بمتفقین چاپ کرده و در ضمن متذکر گشتند که تمام آنها اعدام شده اند.

ولی ذکری از آن نشده بود که چه کرده اند چطور اسیر گردیدند و بدون تردید عدهٔ از آنها در خدمت «اینتلیجنس» نبوده اند زیرا فلسفهٔ گفتاری آن بود که برای مجازات از اعمال یک جاسوس هیچ مانعی ندارد که نفر دیگر هم فداشوند.

درجزء آن اسامی نام (فلورا ترابی) هم خوانده میشد در حالیکه نامبرده دارای پنج بچه است و هیچکدام از آنها بسن بلوغ هم نرسیده اند. فلورا را جاسوسهٔ انگلیسی خوانده شده و بهمین دلیل هم در مونیخ او را اعدام نموده.

حقایق چیست؟

وقتیکه صحبت از جاسوس بمیان میاید انسان بیاد «کارل اوتسی» و یا «ماتاهاری» و یا «لورا» میافتد زیرا تقریباً بر آنها از فیلمهای هالیوود یا میگیرد این را هم باید در نظر گرفت که اولین شرط جاسوس نگردد، داشتن چهره ناشناس است.

در این میان اما از زنان جاسوس بزرگ نام برده نشده است. در قرن جاسوسان طی دو جنگ بزرگ همین یا نیگاتیو، زیرا با اینکه گزارشهای کوچک و غیر مستقیم جاسوسان کوچک را گرفته و به ستاد ارتش میفرستادند آنچیزی که جاسوس بزرگ از آن بیرون میاورند

آنروزهائیکه جاسوس اسناد بزرگ سیاسی یا گزارشهای مهم نظامی کشور یا ارتش را بدست آورده بود گذشته است

ولی اینرا هم نمیتوان انکار کرد که ممکن است پارهٔ اوقات خبر بسیار مفیدی بر حسب اتفاق بدست انسان افتد .

یك خبر کوچك :

مثلاً مارشال هوائی (مدهورست) که از استادان اینتلیجنس سرویس میباشد تعریف میکند که چطور در اوائل جنك یك انگلیسی در ایتالیا مسافرت میکرده و در راه آهن با چند افسر آلمانی و ایتالیائی شروع بصحبت میکند و آنها باو میگویند که هواپیماهای آلمانی فقط به (شتلاندز) مسافرت میکنند و اصولا بجنوب نمیروند .

این امر برای آن فرد انگلیسی مفهومی نداشت و چون عین مکالمهٔ خود را برای مقامات مربوطه در انگلستان تلگراف کرد ، علماء فن دریافتند که آلمانها مشغول یك سری تشعشعات رادیوئی میباشند حال اگر بگوئیم که این خبر کوچك جان یك میلیون نفررا از خطر مرك حتمی نجات داد اغراق نگفته ایم .

فعالیت بزرك

مهمترین نقشی را که جاسوسان بازی کردند اطلاعاتی بود که راجع به « بمب موشك » دادند (داستان کامل این اتفاق تحت اسم جوك دقیقه که سرنوشت جنك را تغییر داد در همین شماره درج شده است) .

اگرچه سال گذشته و پلیس خونخوار آلمان از مدتی قبل عدم اقدامی را که حتی ذرهٔ سوء ظن راجع بایشان داشتند از منطقه بیه موشك دور نمودند معهذا جاسوسان انگلیسی حتی اصلی را بلندن رساندند که در چه روز ، چه ساعت ، در کدام عمارت

از ساختمان های بیه موند و حتی چه اطاقی قریب به پنج هزار نفر از علماء ، شیمی دانها ، فیزیك دانها ، مهندسین و ژنرال های محور گرد هم جمع میآیند تا جلسهٔ بزرگی راجع باسلحهٔ مخوف (و ۲) بمب هائی نظیر آن داشته باشند .

خوشبینی نمکوس :

گشتاپوی آلمان بفعالیت خود میبالید و هیچ نوع خطری برای آن عده احتمال نمیرفت . ولی در همان لحظه ئی که اینان دور میز نشسته و صحبت مینمودند ناگهان طیارات نیروی هوائی انگلیس برفراز آن عمارت بپرواز درآمده و آنرا سخت بمباران کردند .

نتیجه !

میدانید نتیجه چه شد ؟ کشته شدن یکعده زیاد از این ۵۰۰۰ نفر که در جزء آنها بایه ژنرال (فون کاسیر کلینتسکی) وژنرال (جشونك) رئیس ستاد نیروی هوائی آلمان بقتل رسیده را نام برد .

بطیارات نیروی هوائی انگلیس مدال لیاقت داده شد ولی آیا آن چاسوسان هم که اینکار را انجام میدادند موفق باخذ مدال و افتخار گردیدند ؟

معلوم نیست . زیرا جسد آنها با قیمه جسد گان در بمباران از این دنیا رخت بربسته بود .

چند نمونه از فعالیت جاسوسان انگلیسی

اگر گفته شود که یکی ازدسته‌های مخصوص ارتش انگلیس دراین جنك نقش بسیار مهم و مؤثری را بازی کرد مطمئنا چیزی جز حقیقت بیان نگشته است . چه ، برائرمساعی همین دسته بود که ساعت بساعت دقیقه بدقیقه ارتش، افسران وستاد های لشکر متفقین ازکلیهٔ اتفاقات اطلاع حاصل مینمودند . این اعمال بحدی سریع انجام میبافت که حتی گیرنده های خبر نیز بیچاره وخسته شده ازفعالیت آندسته که مأمور این کار بودند د ر تعجب میماندند . در مدت یازده ماه جنك در جبهه های غرب اروپا بیش از ۷۰۰ هزار از این خبر های کو چك بـه ستاد ارتش های دوازدهم و بیست و یکم رسید .

مهمترین خبر از کنار گوش دشمن رد شده بدست متفقین میرسید و برای اینکار رادیو های دهنده بخصوصی ساخته شده بود که نظیرش درهیچ کشوری ازجهان دیده نمیشود . بعلاوه زمینکه دربین دهندگان خبر وارتش وجود داشت غیر قابل فهم بود واگر برفرض محال ایستگاهی درآلمان این رمز را در دفتر خود ثبت مینمود کسی قادر نبود که آنرا کشف کند و در حقیقت مفتاح آن باین زودیها بدست نمیآمد .

هر وقت که موقعیت جدیدی روی میداد فوراً با چتر نجات بمحل انداخته میشد . چه بسا که این(محل) پشت جبهه دشمن وخیلی هم فعال نالته بود .

این مأمورین درتاریکی شب یا برزمین گذارده و با دستگاه

رادیوتی خیلی کوچك وظیفه خود را انجام میدادند بعلاوه در هر روز رمز بخصوصی بکار میرفت فقط دارندگان دستگاه میدانستند که درچه روز چه رمزی را باید مخابره کرد .

هنگامیکه افراد فعال این دسته‌ها از دونکرك باز خوانده شدند فوراً در سواحل انگلیس پخش گشتند زیرا دولت بریتانیای کبیر در یافته بود که ممکنست آلمان بر جزیره اش حمله نماید . هر یك از این عده وظیفه داشتند که کوچکترین فعالیت دشمن را دایر بر پیاده نمودن سرباز باطلاع مرکز خود در لندن برسانند .

در بارك سنت جیمز در لندن فعالیت عدیده‌ی از این حیث مشاهده میگردید . چه چندین نفر در پشت دستگاه قرار گرفته و آنچه از فلوریدن که میرسید تلگرافیکردند یا تلگرافیکردند و سپس جوابش را مخابره مینمودند .

بعلاوه اینها کبوترهای نامه‌بر نیز داشتند و بدانوسیله هم استفاده عالی مینمودند . سرهنگ ما کینزی میگفت : ما همه نوع احتیاطی برای کار خود کرده و حتی یك ماشین کوچك مولد برق هم داشتیم تا اگر بسبب انفجار بمبها برق شهر لندن قطع گردید بتوانیم بوظایف خود ادامه دهیم .

در اوائل سال ۱۹۴۰ یکی از این دسته جاسوسی به پولان فرستاده شد و او بزودی تشریف فرمایان اسر آلمانی ما گردیدند و با آنان کار را شروع نمودند . چون زمان سپاه بر فشردن دسته‌ها از این کار گذشته ما از در آن حرکت نمودند و مقداری اشیاء زائدی همانند یك جوفه از آنها تهیه گشته و هنوز هم کوچکترین نمونه‌ای از آنها موجود نیست در نوامبر ۱۹۴۲ بر دشمن واقع‌شده خیلی رفته که پس

از انجام وظیفه خویش و همکاری با ارتش هفتم انگلستان به‌ارتش آن کشور گرویدند .

مهمترین نقش ایشان در افریقا آن بود که بصحبت های داخلی تانکها گوش فرا داده و طرز حرکت موتوریزه آلمان را دریابند و بستاد خبر دهند . در عین حال که هوا ابر و مه آلود بود بتانك های خویش دستور حرکت میدادند و بهمین وسیله بود که در هر دقیقه ستاد ارتش انگلیس از موقعیت موتوریزه خویش مطلع بوده و آنها را برای حمله و پیشرفت هدایت مینمود

درچند ماه اول سال ۱۹٤٤ یك عده جدیدی برای کارهای چتر نجات تربیت شدند . چندین نفر از آنها از شرکت کنندگان در حملهٔ (دی‌یپ) بوده و بقیه نیز از این افراد داوطلب وفداکار انتخاب شده بودند که پس از دیدن تعلیمات لازمه وارد نیروی هوائی مخصوص و در پشت جبهه فرد میآمدند . ولی صرف نظر از تمام فعالیت های آنها ، باید گفت که از ژوئن ۱۹٤٤ بزرگترین کار ایشان آغاز گردید ، چه باید حملهٔ نهائی و از بین بردن آلمان شروع میشد .

برخی از ایشان قبل از حملهٔ بر اروپا در فرانسه« ریخته» شدند و بقیه نیز با سایر افراد حمله کننده بدان کشور باگذاردند جزئی ترین اخبار حمله توسط همین دسته به ستاد میرسید . باید اطمینان داشت که اگر زرنگی و مهارت این دسته نبود بدون تردید در پیشرفت کار نکت و کندی زیاد حاصل میگردید بعضیها نام این دسته‌ها را « سربازان وام واجاره» بین انگلیس وامریکا لقب دادند زیرا بهترین وسیله ارتباط دو ارتش این مملکت معظم بودند . وقتیکه ژنرال آیزن‌هاور از ستاد لشکر دوم انگلستان بازدیدی بعمل آورد در تمام مدت از چابکی افراد این دسته تعریف و توصیف میکرد . چون از منت گذری در خواست کمك از

این جهت نمود بیش از بیست و چهار ساعت نگذشت که یک هیئت کامل از سرباز و افسر از اسکاتلند احضار و در اختیار او گذارده شد.

امریکائیان مایل بودند که نیز از این دستجات ترتیب دهند ولی تا بخود جنبیده و ترتیباتی دادند وقت گذشت زیرا دیگر احتیاج مبرمی بایشان احساس نمیگشت

اگر کسی وارد اطاق کار ژنرال‌ه (کیرار) رئیس این دسته‌ها میگردید سرش از تعجب شروع بدوار کرده و دهانش باز میماند چه، بر اثر ازدیاد نقشه و علائم زیاد انسان سر گیجه میگرفت و مهمتر آنکه اگر دقت هم میکرد چیزی دستگیرش نمیگردید. فقط شخص ژنرال بود که از هر نقطه یا علامت بمقصودی پی‌برده و بدانوسیله از موقعیت هر یك از افراد خود در نقاط مختلف اروپا و افریقا اطلاع حاصل مینمود

دیگر از بزرگترین فعالیت این دسته رساندن خبر از کوچکترین حرکت موتوریزه و وسائل حمل و نقل ارتش آلمان بود در (آردن).

متفقین بهیچ وجه از اردوهای زیر و شصت آلمان که در آن میلیون‌ها نفر بدرود زندگی گفته اطلاع نداشتند ولی این افراد خود را بدان نقاط رسانده اخبار لازم را میفرستادند. آخرین وظیفهٔ آنها رساندن خبر الحاق ارتش ملی شوروی و امریکا و انگلیس بود. ارتش امریکا چندین نفر از آنها را بسلی که تصور میشد الحاق صورت میگرفت گسیل داشت و بیان اطلاعی که سربازان شوروی نظامیان امریکائی و انگلیس را ایستجا آن نزدیکی ملاقات کردند.

اکنون که برلین سقوط کرده است برای مرخص شدن با هواپیما بمسکو، برن، کپنهاگ و ورشو و پراگ و آمستردام فرستاده شدند و البته فعلا نه بکار نمیآیند.

شاید روزی بزحمتی دیگر از روی احتیاط آنان بر داشته و مورد استفاده بجهانیان ثابت نمایم.

آمارهائی از نتایج جنگ

بانك تنظیمات بین المللی اخیراً چهاردهمین گزارش سالیانهٔ خودرا انتشار داده است .

دراین گزارش آمارهای جالب توجهی از خسارات جنگ اخیر نظر را جلب میکند .

مثلا از روی این آمارها معلوم میشود که بازرگانی خارجی کلیهٔ کشورها طی جنگ مختل شده و سازمان و وضع اساسی خودرا از دست داده است همچنین بشهادت این آمارها میزان زاد و ولد در زمان جنگ تقریبا در تمام کشورهای جهان فزونی یافته است .

همچنین معلوم میشود که میزان دیون عمومی در کلیهٔ کشورها بموجب حیرت آوری بالا رفته و مصارف جنگی باعث شده است که این افزایش از ۲۵۰ در صد بمیزان ۹۳۰ در صد برسد .

اینك چند رقم جالب توجه از این آمار ها را ملاحظه میکنید :

بازرگانی خارجی :

در سال ۱۹۳۹ مجموع داد و ستد دنیا به ۴۶ میلیارد دلار بالغ شد پس از پنج سال جنگ و خونریزی این رقم تقریبا بنصف تنزل یافت یعنی بمیزان ۲۵ میلیارد دلار رسید .

اتحاد جماهیر شوروی که بیش از کشورهای دیگر از صدمهٔ

نازی ها آسیب دید طی این مدت در حدود هشتاد در صد تجارت خودرا با سایر کشورها از دست داد .

کشورهای متحدهٔ امریکای شمالی فقط بمیزان چهل در در صد از رقم تجارت بین المللی شان کاسته شد ولی از حیث تنزل بازرگانی خارجی در درجهٔ دوم ممالک دیگر قرار میگیرد .

در درجهٔ اول از این حیث یعنی از حیث خسارت پولی امپراتوری انگلستان متضرر شده یعنی هیچ کشور باندازهٔ وی مبلغ بازرگانی خارجیش تقلیل نیافته است

اینها که گفتیم راجع به شکست تجارت خارجی متفقین بود ، این شکست و تنزل در کشورهای محور و یارانشان آنها خیلی بیشتر و جدی تر از خسارات متفقین و دول بیطرف بوده است ، مثلا ژاپن و آسیای شرقی شوروی و سه در صد متبادلات بازرگانی خارجی خودرا از دست داده و از حیث مالی مبلغ ۹ میلیارد دلار از تجارتشان در ۱۹۴۴ نسبت به ۱۹۳۹ کاسته شد زیرا در آخرین سال قبل از جنگ مبادلات بازرگانی خارجی این کشورها ۱۲ میلیارد دلار بود

در مورد آلمان و کشورهای اشغال شده با تنزل بسیار مهمی نیست زیرا در ۱۹۳۹ یکی بازرگانی خارجی این کشورها ۲۷ میلیارد دلار بود ولی در سال آخر جنگ با در حدود میلیارد دلار تنزل کرد .

زراعت و دام

زراعت عمومی دچار یک بحران است که در تمام کشورها زیاد مشهود است طی این جنگ این بحران در کشورهای مهم بالخصوص آلمان و بالکان افزایش قابل ملاحظه‌ای حاصل کرده است .

در سوئد نسبت این افزایش بیش از همه ممالك است زیرا میزان ولادت در سال ۱۹۳۹ تعداد۱۴ر۹ از هر هزار نفر بود ولی این رقم در زمان جنك به ۱۹ر۳ رسید .

در آلمان با وجود اقداماتی که دولت در راه تکثیر نسل بکار می بست در ۱۹۳۹ از هر هزار نفر ۱۹ر۶ بچه بوجود میآمد ولی درزمان جنك یعنی تا ۱۹۴۳ به ۱۶ بچه از هر هزار نفر تنزل یافت .

واه‌های ملی

در آلمان و در بریتانیای کبیر مالیات ها در ۱۹۴۳ بحد اعلای خودرسید ولی در ممالك متحد امریکای شمالی و در ژاپن درآمد مالیات ها تا ۱۹۴۴ هم رو بافزایش میرفت .

در کشور های اشغال شده بیش از پنجاه در صد مخارج عمومی صرف پرداخت هزینه‌های اشغال‌میشد یعنی بمصرف‌مهاجمین و اشغالگران میرسید .

قرض داخلی آلمان در آغاز جنگ ۱ر۳ میلیارد دلار بود تا پایان ۱۹۴۴ تقریباً در حدود پنجاه برابر افزون شد بحتی بمبلغ ۵۰ میلیارد رسید .

قرض کشورهای متحد امریکا در آغاز سال ۱۹۴۴ بمبلغ ۴۴ میلیارد دلار بود در پایان همان سال به مبلغ ۱۸۵ میلیارد دلار بالغ شد .

ژاپن در ۱۹۳۹ فقط سه میلیارد دلار قرض داشت ولی در ۱۹۴۴ بمیزان قرضش تا پانزده میلیارد دلار افزون شد .

درانگلستان‌هم میزان قرض خیلی بالا رفت چنانکه در آغاز جنك این کشور ۲۸ر۵۲۰ میلیارد دلار مقروض بود ودر۱۹۴۴ بمبلغ ۷۳ر۲۷۰ میلیارد دلار ترقی یافت .

ترجمه : آقای مسعود پرزین

تلخیص از کتاب « ژاپن »

آتیهٔ ژاپن
عکس العمل بد رفتاری زمامداران سابق آن کشور چیست؟

ژاپن با امضاء نمودن تسلیم بلاشرط خود بوضع قابل توجهی دچار آمده است زیرا اعلامیهٔ قاهره و سپس پوتسدام او را از آنچه صاحب است ممنوع داشته . ژاپن از این پس نباید نیروهای هوائی و دریائی و زمینی زیاد داشته باشد آنچه جزیره و خاك بغیر از کشور اصلی خود بدست آورده باید بصاحب اصلیاش رد کند ، در حقیقت تا موقعی که ملل متفق با بی جا و دخالت ژاپن نیز باینحالت باقی خواهد ماند .

این مالت و برنامه‌ای که متفقین برای ژاپن کشیده‌اند کمر او را چنان خم کرده که کشور نمیتواند در آتیه نمیتواند توانست فکر جهانگیری و غلبه بر انسام دیگر بپروراند زیرا دست او از همه چیز کوتاه گشته و در آتیه باید تمام همّ و وقت خود را صرف بهبود اوضاع داخلی و تجارتی خود بنماید .

ولی این را باید دانست که ژاپن زندگی اخیر خود را بوضع اسرارآمیزی گذرانده و باید بیش از این پس یکی از ملل ضعیف و خفته شرق نباشد و دول بزرگ نیز در آینده در وضع دول معظم درنخواهد آمد .

سئوال باید پرسید که با وجود تمام سعی متفقین بر ژاپن و با اینهمه خواست اصلی اینان برای این کشور از نقطه نظر نظامی و جنگی چه خواهد بود ؟

ولی قبل از آنکه این سیاست روشن گردد باید در آتیه وضع کار و روش مردم آن مملکت را در مورد مؤسسات سیاسی دید چه خواهد بود! آیا این ملت زرد پوست که از جنك و ستیز خوشوقت بوده و خونخواری و آزار افراد بشر را از صفات ممیزهٔ خویش میدانند در آینده حاضر خواهند شد که از این رفتار دست بردارند! آیا این ملتی که سالیان دراز زیر یوغ بیدادگری باسم وزیرورئیس و غیره روزگاری بد و ناشایست میگذرانند مایلند از این پس تحولی بزرك بزندگی خود دهند یا هنوز هم ترسیده و باید دولتی ظالم و جابر داشته باشند.

قدری مسلم آنست که حکومتهای دیکتاتوری این چند صد ساله و آنانیکه دور امپراتور را گرفته و در سایه نام او آنچه را که میخواستند انجام میدادند ملت را سخت از خود ترسانده و بهیچوجهی بایشان آزادی نمیدادند ادامه این وضعیت برای ایشان ناشایست و خطرناك بوده باید هر طور که باشد دولتی دلسوز بر روی کار آورد که با دقت و ممارست زیاد باوضاع داخلی مملکت و نحوه زندگی ملت خود وارد و به بهبود آن همت گمارد.

بزرگترین اصلی را که در اداره امور ژاپن باید در نظر داشت آنست که ملت زرد پوست ژاپن، بنا بر قضاوت تاریخ و شواهدی که در دست است نمیتواند یعنی لایق آن نیست که دولتی دموکرات داشته باشد. این موضوع برهمه مسلم است و هرگاه کمی دقت کنیم در خواهیم یافت که ملل شرقی جهان دارای سوابقی همچون ملل غرب بوده و تردیدی ندارد که باید دارای حکومتهای مختلفی هم باشند.

متفقین که خود هرا خواه آزادی و دموکراسی هستند بی شك مایل و مصمم اند که دولتی دموکرات در ژاپن بروی کار باشد تا از هر حیث چرخ سیاست جهان براحتی بگردش در آید. ولی اول باید دید آیا ملت ژاپن مایل است و یا قابلیت آنرا دارد که

با روش دموکراسی صرف اداره شود؛ و بر فرض داشتن قابلیت آیا در این کار تجربه هم دارد.

احزاب سیاسی در ژاپن وجود خارجی نداشته است. واصولا کسی را یارای دم زدن از حزب نبوده است. لذا اگر هم پیشنهاد تشکیل حزب بایشان گردد کسی آن تجربیات و آزمایش های لازمه را برای ایجاد حزب ندارد. مطمئنا آن احزابی که ملل انگلوساکسون یا سایر کشور های اروپائی و امریکائی دارند در ژاپن تشکیل نخواهد شد. بلکه همانطور که مرور زمان نشان خواهد داد؛ در این مملکت جریان امر بطریق دیگر بوده و راه نوینی پیدا میگردد.

از بعضی لحاظ میتوان بآتیه یک ژاپن آزادمنش امیدوار بود زیرا نه تنها علائمی از نیرو های ذهنی که ممکن بود مزاحمت متفقین را فراهم سازند وجود ندارد؛ بلکه در مقابل تاریخ چند ساله اخیر ژاپن نشان میدهد که اشخاص آزادیخواه در آن مملکت زیاد بوده که برخی از ایشان را دولت وقت از بین برده و پاره هنوز هم زنده میباشند.

[illegible] زندانهای [illegible] آزاد ساخته اند و شاید [illegible] در آینده انجام داد. در بین سالهای [illegible] دموکراسی دارای [illegible] از احزاب [illegible] آنها [illegible] آزادی [illegible] خارج است [illegible]

[illegible]

چیزی و عدم رضایت مردم را آزار و اذیت خواهد کرد که کسی حاضر نخواهد بود بسخنان وعاظ گوش فرادهند ویا در حزبی نام نویسی نمایند. زیرا همه باید شکم خویشتن راسیر کرده وکاری کنند که از کمی پوشش وبدی هوا بامرك دست بگریبان نگردد.

با تمام این تفاصیل هنوز هم نمیتوان گفت که چه تحولات و تغییراتی در اوضاع ژاپن بوجود خواهد آمد. مطمئناً پس از چند سال باید از تجربیات زمامداران و محافل مسئول متفقین در ژاپن استفاده کرده کشتی آنکشور را به بهترین وجهی هدایت و برای دنیای آزاد نوین آماده ساخت.

کلیات مصور حشقی

تألیف جدید مؤلف گلهای رنگارنگ

که وعده انتشار آنرا داده بودیم در ۵۰۰ صفحه باقلم بزرگ ویکصد گراور که از حیث ابتکار تدوین آن و نفاست چاپ نیز جالب توجه میباشد منتشر گردید. مراکز فروش آن در تهران کتابفروشیهای ابن سینا (شاه آباد) و مهر (خیابان فردوسی) وغیره است. درشهرستانها هم بجایگاههای فروش گلهای رنگارنگ مراجعه شود. بها با کاغذ اعلی ۱۲۰ ریال وکاغذ متوسط ۱۰۰ ریال است. از هر کجا ۱۰ جلد بخواهند و وجه آنرا ارسال دارند یك جلد بلا عوض داده میشود و هزینه ارسال آن بعهده این بنگاه که ناشر آنست خواهد بود.

تهران - بنگاه مرکزی

یک جزیره درمیان فوجات هیتلر

آبهای نیلگون دریاچه کنستانس مرز میان دو تیره ازنژاد آلمان است که یکی در کمال خوشبختی و رفاهیت زندگی میکند دیگری سالهای دراز است در آتش بدبختی میسوزد .

این دریاچه دو کشور را که یکی آلمان و دیگری سویس است از هم جدا میسازد .

ولی سکنهٔ هر دو ساحل این دریاچه از نژاد (آلمان) هستند که قسمتی از آنها یعنی سکنه یکطرف کنستانس دارای حکومت دموکراسی هستند وسکنه طرف دیگر تحت حکومت بربن میباشند .

میان این دو برادران هم نژاد از زمین تا آسمان فاصله است

آلمانیهای سویس از حیث ـ سعادت ـ امنیت اجتماعی و آسایش فرق بزرگ میکنند .

جنگ سختی [illegible] ولی آلمانهای تحت دولت برلن [illegible] بدبختی ایمان را [illegible] و منکر انسان از قسمش [illegible]

[illegible] حکم دولت [illegible] سیاه [illegible] این دو تیره [illegible]

آلمانهای [illegible] صدور از کوشش [illegible] و [illegible] سرشار یافته و میراث عمومی را در یک زندگی [illegible] ولی

آلمانیهای سویس با عشق بدموکراسی و آزادی پرورش یافته و در یك کشور دموکرات تربیت شده اند پرتو عدالت و مساوات افق روحشان را روشن ساخته و ازسر چشمه‌آزادی و بشردوستی سیراب گردیده‌اند تفاوت میان این دو تیره یعنی آلمانیهای آلمان و آلمانیهای سویس بحدی زیاد است که اگر اشتراك زبان نبود یك مرد بیگانهٔ محال بود تشخیص دهد و باور کند که این دو ملت از یك نژاد هستند اکنون باید دید این تفاوت فاحش از کجا آمده است.

تقریباً ششصد سال پیش ، شش‌قرن قبل از دورهٔ پرآشوب کنونی ما ، سکنه خود را بر سر دو راهی اساسی یافتند . و خوشبختانه راهی را که بطرف دموکراسی منتهی میشد انتخاب کردند این ملت که از سه نژاد فرانسوی آلمانی ایتالیائی تشکیل شده در این شش قرن همان راه را ادامه داده اند . من شخصاً در یکی‌از قصبات سویس شاهد جریان روشنی از این دموکراسی ششصد ساله بودم و بچشم خویش طرز انتخابات سالیانه سویس‌را دیدم . این صحنهٔ جذاب که من تماشا کردم مظهر کامل روحیات ومدنیت سویس میباشد ، روحیات وطرز تفکر اجتماعی هرملت‌را از جریان انتخابات آن ملت میتوان تشخیص داد . اکنون آن صحنه را برای شما نقاشی میکنم تا شما هم از تماشای این پرده جذاب لذت برید و در تقدیر و تحسین از این دموکراسی سعادت بخش با من شریك و هم‌آواز گردید .

اطراف میدان بزرك قصبه را سیم‌کشی کرده بودند فقط اشخاص وارد محوطه داخل سیم‌کشی میشدند که حق انتخاب کردن داشتند . کودکان و زنان در پشت سیم ها ایستاده بودند . گوئی این مدرسه ای بود که اصول دموکراسی را بایشان میآموخت .

انتخاب کنندگان آینده از حالا برای شرکت در انتخابات آینده تمرین میکردند . در وسط میدان میزی برای ناطقین گذاشته بودند که دو شمشیر برهنه روی آن دیده میشد این کار بموجب یک سنت باستانی صورت میگرفت و شمشیر علامت آن بود که باید برای حفظ دموکراسی فداکاری کرد مردم جمع شده بودند تا شهردار آیندهٔ خودرا انتخاب نمایند شهردار که مدت خدمتش منقضی میشد اعمال خود را شرح داد و گزارش جامعی از خدمات خویش بمردم تقدیم نمود دست های مختلف هریک کاندید خود را معرفی کرده نوبت برای رأی گرفتن رسید مردم باانگشت بلند کردن رأی خودرا اعلام نمودند . برخی تغییرات که بایستی در قوانین صورت گیرد مطرح و بتصویب رسید برای تقدیم پول جمع شد و مبلغی اختصاص یافت . خلاصه آنکه مردم جمع شدند ودر یک جلسه مستقیماً سرنوشت یکساله خودرا تعیین نمودند وباافتخار خاطر بی کارخود رفتند .

در سال ۱۸۹۱ بود که روش مراجعه بآراء عمومی در سویس برقرار شد از آن سال تا امروز دولت سویس در هر موضوع مهمی که پیش آید حاکمیت را مستقیماً بآراء عمومی میگذارد . حتی قوانین هم که بتصویب رسیده باشد اگر سی هزار نفر از اشخاص که حق انتخاب کردن را دارند بخواهند که بایستی بآراء عمومی مراجعه شود ، در این روش دیگر تغییر و تجدید نظر امکان ندارد . کسی نمیتواند با پول رأی هیئت را خریداری نماید . کسی نمیتواند هیئت را با بلوف خود مرعوب سازد روزی که قرار شد همه مسائل مهم آراء عمومی مراجعه شود عده ای از امریکائیها تصور کردند که این روش آنها را بیچاره خواهد کرد و بیشتر سرمایه مردم که قبلاً زود صاحب ثروت میشدند و کمتر اهل منطق و برهان هستند قوانین مضحکه بتصویب کنند و از این رژیم تقلید مضحکی گرفته شود این تصور بعضی امریکائیها بوده ای از اهالی سویس

هم سرایت کرد و نزدیك بود از این روش چشم بپوشند ولی تجربه نشان داد که ترس و تردیدشان بیجا بوده است . مثلا در سال های پس ازجنك بین الملل اول که بحران سراسر اروپارا فراگرفته بود سویس هم گرفتار کسادی و بحران اقتصادی شد و ملت را بفکر چاره جوئی انداخت .

عده ای از مردم سویس پیشنهاد کردند که مالیات تازه ای بر سرمایه های هنگفت بسته شود ، با آنکه این مالیات جدید فقط شامل صدی شش نفر میشد که دارای مکنت سرشار بودند در موقع مراجعه بآراء عمومی رد شد و ملت آن را نپذیرفت چون ناطقین و مطبوعات اظهار داشتند که مالیات تازه ولو آنکه فقط بر صدی شش نفر یعنی یك شانزدهم ملت تحمیل شود خلاف مصلحت است ملت آن پیشنهاد را نپذیرفت و بالنتیجه مالیات جدیدی وضع نگردید !

با آنکه سویس هم مثل امریکای شمالی دارای دو مجلس عوام و سنا است . دولت یعنی قوه اجرائیه خیلی کمتر ازامریکا زیر نفوذ پارلمان است . در سویس ملت مستقیماً حکومت میکند و با آنکه پارلمان دارد همه قضایای مهم باید بآراء عمومی مراجعه گردد . دولت سویس مرکب از هفت وزیر است که هر یك بنوبت مقام نخست وزیری را عهده دار میشوند . در سویس بنسبت جمعیتش بیش از تمام ممالك دنیا روزنامه منتشر میشود مطبوعات با چشم دقیق مراقب کارمندان دولت هستند و در اعمال ایشان نظارت میکنند . مردم سویس پول خودرا بیهوده خرج انتخابات نمیکنند . مهمترین مبلغی که تا کنون خرج انتخابات شده پنجاه لیره بوده است ! آنهم فقط یك بار اتفاق افتاد که یك حزب در ملی انتخابات پنجاه لیره خرج کرد و مورد ملامت ملت واقع شد که چرا اسراف و ولخرجی کرده است !

روزی که جنگ بین الملل اول شروع شد کسانی تصور میکردند شیرازه وحدت ملی سویسیها گسیخته خواهد شد .

آلمانیهای سویس بطرف آلمان و فرانسویهای سویس بطرف فرانسه متمایل خواهند شد و در کشور سویس میان این دو نژاد جنگ خواهد شد ولی حوادث نشان داد که وحدت ملی سویس بیش از آنچه تصور شود قوی و محکم است نه آلمانیهای سویس و نه فرانسوی های سویس هیچ یك خللی در اساس وحدت ملی راه ندادند .

جنگ بین المللی دوم شروع شد و بیشتر مفسرین اخبار و معلمین بر موز سیاست معتقد بودند که آلمانیهای سویس فریفته تبلیغات آلمان بزرك میشوند و برای شرکت در رایش بزرك بآلمان میروند یا قسمتی از سویس را ضمیمه آلمان میسازند ولی باز هم حوادث نشان داد که اشتباه کرده اند .

همهٔ افراد ملت سویس از پیر و جوان زن و مرد چه مطالب نازیها و مرام دیکتاتوری بودند و کشور سویس مانند یك جزیره در میان دریای توفانی بر پای ایستاده و در مقابل تمایلات آلمانها جز آنچه برای ملت بود مقاومت کرد .

آلمانها که در سالهای اول جنگ دائما پیروزی خودشان بهر طرف دارای بودند و در سر راهشان چه ویران میساختند سویس را نمیتوانستند بگیرند و میدانستند مرز آن کشور تمام شدنی برای سویس جاده فولاد و اسلحه سازی را تشویق کردند و بسیاری از کارخانجات مهمات سازی به آنجا منتقل شد و اگر بخواهند بکشور سویس حمله کنند چه خسارات فراوانی را بآنها وارد خواهد شد که مدتها زمینی قابل توجهی نداشته و صدمات فوق

برکت صنعت و در سایه مهربانی و خوشرفتاری باسیاحان خارجی زندگی میکنند چنین کشوری را مسخر کردن کار مفیدی نیست.

در سویس فرماندهی عالی دائمی وجودندارد. این کشور اصلا محتاج بوجود ژنرال ها نیست و پولش را در این راه صرف نمیکند افسران ارتش سویس از درجه سرهنگی بالاتر نمیروند فقط درموقعی که حادثه مهمی پیش آید یاخطری متوجه کشور گردد یکنفررا تادرجه سرتیپی ترقی میدهند که فرمانده کل ارتش گردد وقتی که اوضاع بحال عادی بازگشت نمودبی کارسابق خود میرود.

درجنگ اخیر وقتی آلمانها کشور سویس را تهدید کردند ژنرال ژیزان که فرمانده کل ارتش شده بود افسران را احضار کرد و گفت «اگر بیگانگان خواه آلمان و خواه ارتش دیگری بکشور ما حمله کردند ما تا آخرین نفس مقاومت خواهیم کرد شما هم خودرا برای جانبازی مهیا سازید ... » مردم سویس میدانستند این آقای ژنرال بمحض آنکه اوضاع بحال عادی برگشت و خطر احتمالی مرتفع شد فورا بشغل سابقش که گله داری است باز میگردد همینطور هم شد، مردم سویس بیش از هر ملت دیگری مالیات میپردازند.

سویسی ها مخصوصا برای جلوگیری از تورم پول و جلوگیری از ایجاد فاصله میان طبقات ملت متوسل بوضع مالیاتهای تصاعدی شده اند که نمیگذارد افراد سرمایه دار از وضع خود جنبه سوء استفاده کنند و موجب هنگفت ببرند.

سویس هم مانند همه ممالک دنیا موجبه با مشکلات زیاد است ولی ملتی که تا ایندرجه عاقلانه زندگی کرده و بر همه مشکلات غالب گشته سرانجام مشکلات فعلی را نیز مرتفع خواهد ساخت و بار دیگر زندگانی برفاه و پرتنعم را از سرخواهد گرفت.

«از معلومات خارجی»

چگونه بمب پرنده را پرواز دادند ؟
استادهٔ آلمانها از یك بنگاه انگلیسی

در دامنه تپه ایکه پوشیده از درختان تنومند و باروربود و دختران زیبا دست بدست هم داده ودر کوره راهی که بیالای تپه منتهی میشد قدم میزدند ، اینسوزان و فلور ، که شوران نامزدی را میگذراندند در کنار جاده چمن زاری یافته وزیرسایه درختی بزمین نشستند و سر گرم راز و نیاز عاشقانه شدند . وقت بسرعت میگذشت بدون اینکه آندو متوجه اطراف خود باشند ، درحدود ساعت شش و نیم بالآخره هوا تاریك شده بود آندو همانطور در زیر درخت نشسته بودند که ناگهان صدای پائی توجه آنهارا جلب کرد .

زن از جای برخاسته اطراف را نگاه میکرد موقعیکه نزد فلور بازگشت گفت فرزندم همان افسر آلمانی است که برای گرفتن اجازه بایستگاهی که در بالای تپه ساخته میرود . زانجهت برای اینکه دیده نشوند بالطبع تصمیم گرفتند درختی گشیده و غرور یاک که بازدیک بود از کنار آنها عبور کرده و بایستگاه رود .

آنطور که گفته بود کار را تمام کرده و آهسته بدون اینکه متوجه حرکت آنها شود بسته عبارت برمیگشت ، در آن موقع او هم بدختر نگاه مخصوصی انداخته و گذشت این پاکوبی مختصر دیده نشود ، که بلافاصله میخواست یکربع ساعت بدون آنکه بتواند استفاده ای از تعقیب خود ببرد از پشت درخت دور شده و از نظر ناپدید شد .

همان وقت در دهکده ای که در زیر آن تپه واقع شده و تا ساحل فرانسه بیش از چند میل فاصله نداشت ، عدهٔ زیادی از دهاتی ها در یگانه مهمانخانه آنجا جمع شده و از هر دری صحبت میکردند .

در یك گوشهٔ سالن چند جوان دور میز پیر مردی نشسته بودند که از طرز رفتار و گفتارشان معلوم بود که جوانها شاگرد مدرسه و پیر مرد استادشان میباشد . یکی از شاگردان میگفت من چند روز است که در رفتار فرریك همین شخصی که لباس افسران آلمانی بتن دارد دقت میکنم ؛ تا کنون نتوانسته ام خودرا قانع سازم که او خدمت نظام را انجام داده‌است ،چندین روز و شب متوجه حرکاتش بودم ، هر روز در ساعت معینی ببالای تپه رفته مدتی در آنجا باقی میماند و همیشه سعی دارد که در آن ساعت خودرا بآنجا برساند .

حتی یك روز که ساعتش کار نمیکرد و نمیتوانست درست وقت را تشخیص دهد یك وقت از من ساعت را سئوال کرد ، چون فهمید که ۸ و چهل و پنج دقیقه است بدون‌آنکه کلاهش را بردارد از اطاق خارج گردید و یکراست بطرف تپه روان شد . من میتوانم قسم بخورم که او افسر نیست ؛ زیرا خوب‌یاد دارم که در نوویه گذشته « نوویه ۱۹۴۰ » که هواپیماهای متفقین دهکده مارا بمباران کردند بدون اینکه در صدد خارج شدن از خانه بوده و بفکر باشد که دیگران را نجات داده واز آمدن هواپیما آگاه سازد در اطاق خود خوابیده بود .

کتابهائی که در اطاقش مشاهده کردم تمام مربوط بعلم فیزیك وهواشناسی بوده هیچ یادداشت تاریخی وجنگی دیده نمیشد موقعیکه آن جوان باینجا رسید ، در مهمانخانه باز شد و ژان و

فلور وارد شدند. ژان یکراست بطرف میز آن عده آمده آنچه را که دیده بود شرح داد و ساعت یازده گذشته بود، که همه بی کار خود رفته و مهمانخانه خلوت گردید.

پیرمرد استاد که جزء دسته میهن پرستان بود، و در این دهکده برعلیه آلمانها کارشکنی میکرد، چون بخانه خودرسید مدت نیم ساعت در اطاق دفترش مشغول نوشتن بود و آنچه را که در مهمانخانه شنیده بود بمرکز میهن پرستان ارسال داشت آنهاهم با وسائلی که در دست داشتند بانگلستان فرستادند زیرا مأمورین انگلیسی از آنها خواسته بودند که کوچکترین خبری را بآنها اطلاع دهد؛ برای اینکه بیشتر حوادث و رازهای مهم را از روی اخبار بی اهمیت میتوان کشف کرد.

چند روز بعد اداره جاسوسی انگلستان در باره یکافسر آلمانی اطلاعاتی بدست آورد که در ایستگاه گیرنده رادیو باخبار انگلستان گوش میدهد.

اداره ضد جاسوسی، پس از دریافت این خبر ابتداء باین فکر افتاد که ستاد آن افسر برای فرستادن اخبار مهمترین بوسیله رمز خبرهای دیگری نیز برای او فرستاد برگردد.

مدت چند روز در نظر بود که جریانات مهمه دقت کردند ولی موفقیتی حاصل نگشت. بالاخره یکی از کارمندان پیشنهاد کرد که فرستنده را تحت مراقبت گیرند تا که برای چند روز از ساعت استعمال آنرا پیدا و برای نمایند.

بنگاه پخش اخبار موافقت کرد و ساعت فرستادن اخبار را بآنها اطلاع داد. مدت چند روز بدین طریق عمل کردند، تا از فرانسه خبر رسید که در کارخانه آلکاتل یکی از کارمندان درمیان

ساعت‌هائیکه بایستگاه میرفت وهم اکنون نیز خانه خودرا ترك مینماید.

از رسیدن این خبر به مأمورین اداره ضدجاسوسی واضح و آشکار گردید که افسر آلمانی از اخبار استفاده نمیکند ؛ پس بطور یقین چیز دیگری طرف نظر او میباشد . از این جهت بچندین نفر از دانشمندان و اهل خبره رجوع کردند ؛ یکی از پروفسورهای معروف انگلستان پس ازمدتی تحقیق ؛ عقیدهٔخودرا اظهار داشت که بعدها صحت آن معلوم گردید .

دومی گفت : این شخص همانطوریکه فرانسوی‌ها میگویند افسر نیست بلکه یکی از دانشمندان ومهندسین زبردست آن کشور میباشد و از اخبار رادیو لندن هم استفاده نمیکند ، بلکه مؤسسه «بیك بی» درهمان ساعت اوضاع جوّی ، بخصوص وزیدن بادهای مختلفرا در انگلستان منتشر میسازد ومیداند که آلمانها مشغول تهیه اسلحه ای هستند که بدون خلبان پرواز دهند .

هواپیمائی که خلبان داشته باشد ، میتواند جریان باد مقاومت کرده و بدون انحراف بمقصد برسد ، ولی این‌دستگاهی که در دست اختراع میباشد باد درآن مؤثر است وخط سیررا تغییر میدهد .

این عقیدهٔ مورد پسند واقع شد و «بیك بی» در برنامهٔ خود تغییراتی داد ، تادر ۱۶ ژوئن ۱۹۴۴ گوینده رادیولندن پرواز اولین بمب پرنده را باطلاع رسانید در ضمن اظهار داشت که «بیك بی» از این تاریخ بواسطه مشکلات جنگی و ترس از بمباران تعطیل خواهد شد .

مردم لندن هرچه فکر میکردند ، نمیتوانستند رابطه بین آنهارا پیدا کنند ، فقط مأموریت اداره ضدجاسوسی و پروفسور از ملت متبحی آگاه بودند و میدانستند که چگونه آلمان از یك بنگاه انگلیسی استفاده مینمود .

هیتلر را زنده میدانم

«گلوگشتادت» واقع در کنار رود خانهٔ «الب» چهل و پنج کیلومتری «هامبورگ» بطرف دریا حرکت کرده است.

قایق موتوری مزبور در حدود ۹۰ تن وزن ظرفیت داشته یک موتور باروغن سنگینی مجهز بوده وراکبین آن مواد غذائی برای مصرف چند هفته بادودستگاه فرستنده رادیو همراه داشته‌اند.

بلافاصله کشتی های انگلیسی برای تعقیب و تحقیق خط سیر و هدف این قایق بحرکت آمدند، ولی تجسسات آنها درجزایر کوچك دریای شمال بی نتیجه ماند ومجبور بمراجعت گشتند.

اما اداره آگاهی انگلستان همچنان تحقیقات خودرا ادامه میدهد.

از طرف چرچیل!

در همین موقع که زمزمهٔ زنده بودن هیتلر قوت میگیرد: خبر کشف یك توطئه جدید از طرف های نظمی نازیها در آلمان شایع میشود.

رادیوی نیویورك چنین اعلام کرد که امریکائیان توانسته‌اند در شهر «فرانکفورت ام ماین» کشف کرده و بر اثر آن پنج نفر از طرفداران نازی را بازداشت نموده و ششصد کیلوگرم باروت بدست آورده اند.

همچنین رادیو مزبور اضافه کرد که سازمان وسیع نازیها که تاکنون بوجود آن پی نبرده بودند بر اثر این کشف متلاشی شده است.

بالاخره از سازمان نامبرده گفته شده که عده‌ای از نازیها در آلمان وجود دارند و مقامات متفقین نیز خواسته اند که از این سازمان را کشف کنند ولی وجود آن را سخت میدانند.

بنظر میرسد که عده‌ای از نازیها تن از تنهای متعصب

با لباس مبدل ! اکنون در شهر ها و کوچه های آلمان میگردند و نقشهٔ تجدید عظمت آلمان را میکشند .

نازیهای مزبور بلباس کارگران خارجی یا اسرای خلع سلاح شده درآمده و بفعالیت خود ادامه میدهند . بطوریکه گفته میشود این سازمان وسیع، بوسیله شخص هیتلر اداره میگردد ودارای ستادی است که بادسته های مختلف نازیها تماس گرفته و میخواهد آلمانی ها را در تشکیلات بازرسی متفقین در آلمان واردکند .

هنگامیکه (هاینریش بوتگر) یکی از چهل نفر خرابکاران نازی در «دورتموند» دستگیر گردید در اطاق وی جامه دانی بدست آمد حاوی مقدار زیادی پول و جواهرات بود که چندین میلیون مارک قیمت داشت همچنین ۵۰۹ بطری لیکور در اطاق او کشف گردید که نیمی از آنها ساخت کشور های دیگر اروپا بود وی مدعی بود که آنهارا خریده است .

همین طور موقعی که (ژرژبوزن) را در «اسن» بازداشت مینمودند ، وی خواهش کرد باو اجازه داده شود پیامی باین مضمون بجای بگذارد : « تمام وعده‌های ملاقات فردای مرا برهم بزنید .

اینها و امثال اینها آیا نشان این نیست که ملت آلمان از رخوتی که بلافاصله پس از شکست بدان دچار شده بود میخواهد خارج شود ؟

مقامات متفقین برای آنکه زیارتگاهی بجهة آلمانیها درست نکرده باشند محل دفن «هیملر» رئیس سابق گشتاپو را از همه مخفی نگاهداشتند ، مبادا یکنفر ناشناس بر گوری صلیب چوبی سیاهی قرار داده است و همین صلیب آیا بمنزلهٔ علامت و نشانی بشمار نمیآید ؟

بالاخره آیا ملت آلمان در انتظار حوادث آینده ، خودرا حاضر نمیکند که در پیرامون مرکزی گرد آید و فعالیت تازه ای برای تجدید قدرت آلمان آغاز کند ؟

از مطبوعات فرانسه

تصادم دو زیردریائی انگلیسی و آلمانی با یکدیگر

هنگامیکه تحت البحری انگلیسی بنام سراف در زیرآب برای حمله بیك زیردریائی آلمانی فرو رفت در عمق ۶۰ پائی دریا تصادم بآن زیردریائی نمود. تفصیل این حادثه یکی ازشگفتترین حوادث زیردریائی جنك کنونی بشمار میرود که اخیراً راز آن از طرف انگلیسها فاش گردیده است. شب هنگام که زیردریائی سراف روی آب آمد یك زیردریائی دشمن را بفاصله ۱۰۰ یارد در سمت راستش دید که تمام قوای خود را متوجه زیردریائی انگلیسی نمود

فرماندهٔ زیر دریائی انگلیسی اظهار داشت که ما در یك عمق زیادی بین ۵۰ پا و تا آنجائیکه بوسیله پرسکوپ (لوله زیردریائی که بوسیله آن میتوان در دریا را دید) میتوانستیم استفاده نمائیم زیر آب رفته و این دفعه تمام قوای خود را از دست دادیم. بلافاصله متوجه تصادم زیردریائی دشمن گردیده و بوسیلهٔ لوله‌های اژدرافکن خود را آماده نمودیم بطوریکه زیردریائی آلمانی در حدود ۲۰۰ یارد بما نزدیك شده و ما آنرا بوضوح میدیدیم. بلافاصله زیردریائی انگلیسی [illegible] زیردریائی آلمانی [illegible] که انگلیس [illegible] ۱۹۱۱ [illegible] را تحت [illegible] در [illegible] این [illegible] یکی از [illegible] زیردریائی [illegible]

سلاح ضد بمب اتمی
توپ جدیدی که امریکا برای حفظ نیروی دریائی خود از بمب اتمی میسازد

وزیر دریاداری امریکا اعلام نمود که : اکنون یك توپ جدید و بدیعی در امریکا ساخته و تکمیل گردیده است مقصود از تدارك این سلاح همانا حفظ نیروی دریائی امریکا از حملات هوائی مجهز با بمبهای اتمی میباشد .

بُرد این توپ دریائی پنجاه هزار پا میباشد و تأثیر آتش آن بواسطه دستگاه مخصوص (راد) را اینستکه تمام اطراف هواپیمای حامل بمب اتمی را بایك باران دائمی آتش ازهرسو احاطه میکند !

اسرار بمبهای ششپری آلمان
در تابوت مردگان در یکشهر آلمانی
کشف گردیده است

دریك مقبره‌ئی خارج ازشهر «لوبك» درآلمان سیلهٔ قوی الاده شگرفی که آلمانها برای اختفاء اسرار سلاح بمبهای ششپری آلمان بکار زده بودند کشف گردیده است . ازمقبره مذکور شش تابوت بیرون آوردند که درمیان آنها تمام نقشهای توپوتلهٔ وبمبهای ششپری آلمان با تفصیل و جزئیات بدست آمده که . نقشه های مذکوره را در درون آن تابوتها پنهان کرده بودند .

هیچکس بیشتر از کشیشی که نماز بر جنازه میت گذاردو اشخاصی که جنازه را مشایعت میکردند دچار حیرت و استعجاب نشدند و دسته های گل که برای نثار بروی جنازه آورده بودند ازدست ما افتاده پایمال گردید .

اگر اعتراضات شخصی بنام دکر واشی که خود مدیر اینکار نبودهیچگاه این نقشه‌های نفیس کشف نمیشد و باین شرط اعتراف کرد که با زنش که در منطقه متصرفی روسها توقف داشت ملاقات نماید ولی ملاقات آنها طولی نکشید فقط شخص مذکور درزندان بسر میبرد .

کتابهای رنگارنگ

ازشماره آینده بافتخار بزرگ ، الوان ، مسرور ، مطالب گوناگون ، موضوعهای جالب توجه ، اشعارات تازه هرماه انتشار خواهد یافت که خوانندگان وفادار ما هرگز فراموش نکنند از ملاقات بامطالب تازه و بدیع هر روز انتظار آن تحفه گرانبها که بدست خواهد آورد دوره یکساله آنرا مرکس داشته باشد چه برای کسیکه خواهد دانست - چه علاوه مجموعه گلهای رنگارنگ یک بار دوره مارف الطرف اخبار بشمار خواهد رفت که هیچ وقت از دست نخواهد داد و هرکس از مطالعهٔ آن بسیار مسرور خواهد گردید . بنابراین اینکه بهترین هدیه از برای خانواده های خانداری بهترین یادگار از برای اطفال خود بفرستید مجموعه گلهای رنگارنگ است که باید بدست هر خانواده برسد و در هر خانه باید یافت شود .

سوء تفاهم

ایالت «نبال» یکی از استانهای مستقل هندوستان است که طبق قرارداد مخصوص، روابط سیاسی با دولت انگلستان دارد و سربازان بومی آنجا که بنام «گرخاس» نامیده میشوند در ارتش انگلستان مشغول خدمت و بشجاعت و بی‌باکی معروف میباشند.

یکی از حکایات شیرینی که از تهور سربازان گرخاسی نقل مینمایند این است که عدهٔ از آنها را برای فراگرفتن تعلیمات هوائی و تمرینات پرشی وفرود آمدن توسط پاراشوت (چترنجات) با هواپیما بوسط آسمان منتقل و چنین در نظر گرفته شده بود که از ارتفاع ۱۵۰۰ متری خودرا بزمین پرتاب نمایند.

قبل از شروع بعملیات وکیل باشی دسته ای که از خود گرخاسها بود نزد افسر فرمانده آمده محکم پاهارابرزمین کوفته دست راست خودرا بعنوان سلام نزدیك پیشانی بالا برده و گفت:

جناب سروان خیلی معذرت میخواهم نه آنکه تصورفرمائید افراد من ترسو و از جانبازی و فداکاری در راه نیل مقصود بیم وهراسی داشته باشند خیر اینطور نیست ولی چون برای دفعهٔ اول است خواهشمندم اجازه بفرمائید مسافتی که برای آنان در نظر گرفته شده به ثلث تقلیل داده شود.

فرمانده مسافتی را که شما برای آنان قائل شده‌اید ممکن است پاراشوت باز نشود — پاراشوت ؟!!! وکیل باشی باحدقه‌های گشاد و دهان باز که منتهای تعجب اورامدلل میساخت سئوال کرد:

بیخشید جناب سروان افراد تصور میکردند ابداً از این چیزها درکار نبوده وبایستی بدون اسباب وآلات پرش دست خالی خودرا بزمین پرتاب نمایند!

آیونهو
یا شوالیه بیخانمان

پیش کدریك رفته و باو گفت : پیر مرد ضعیف و دخترش جوان و زیبا است و رفیق آنها مریض و در خطر مرك میباشد . بنا بر این اجازه بدهید با ما بیایند . کدریك موافقت کرد و برای اینکه یهودی سوار شود گورث را از اسبی که سوار بود بزیر آوردند و وامبارا گول زده و گفت که خانمرا حمل کند و بعد دستهایش را رها کرده و با دست و با خنجر کمی دور شد و فرار کرد .

بار هارا دوباره مرتب کردند و تمام براه افتادند .

جاده بقدری تنك بود که بیش از دو نفر نمیتوانستند پهلوی یکدیگر اسب برانند . بعد از آن جاده از دره باین رفت و در آنجا روضه کوچکی با ساختمانهای مفصل و گل آلود جاری بود و در کنار رود درختان کوچکی روئیده بود . کدریك و اتلستان که در جلو اسب میراندند منظر جاده گشودرا در آنجائی تنك برای اجرا دیدند و بسوئه پیش رفتند . سپس از روضه گذشتند ولی در روضه دیگری صدای اژدها و دشمن بگوش رسید . جاده کشف گردید و یهودیانکه پشت هستند و فریاد میکردند : « من ژوز ـ انگلستان پایند » بقدری غوغا کردند که کوچکترین صدائی نتوانستند از یاران بشنوند . امبار پیر اژدهارا دستگیر شده ولی او خنجری از دست یکی از یهودیها گرفته و بگوشش

میکرد بلکه اربابش راآزاد کند . بالاخره فهمید که کاری نمیتواند از پیش برد و در میان درختان پریده و فرار اختیارکرد .

معذلك ، آن مسخرهٔ شجاع بمحض آنکه کمی دورشد فکر کرد که خوبست برگردد و با اربابش که فوق العاده بوی محبت داشت اسیر شود . پیش خود گفت : هرکس تا اسیر است میخواهد آزاد شود و چون آزاد شد میخواهد خود را باسارت اندازد . بمحض آنکه در میان جنگل مخفی شد صدائی باو گفت : وامبا ! صدا را شناخت و گفت : گورث ! بلا فاصله خوك چران از میان درختان در آمد و گفت : چه شد که تورا در اینجا میبینم ؟

ارباب و خانم من و تمام دیگران بدست مردانی که ملبس بلباس سبز بودند دستگیر شدند .

گورث گفت : تو شمشیر داری و شجاع هم هستی . ما نفری دو نفریم ولی بابك حمله ناگهانی ممکن است کار بزرگی بکنیم بیا برویم .

همانطوریکه داشتند میرفتند شخص سوّمی ظاهر شد . از لباسش وامبا خیال کرد که یکی از یاغیان است که اربابش را گرفته اند . سپس درنور کمی که آنجا بود قیافه لاکسلی را تشخیص داد واوهمان کسی بود که درمسابقه تیراندازی جایزه را ربود .

وی گفت : مقصود از اینکار ها چیست ؟ چه کسی غیر از یاغیان جرئت دارد دراین جنگل بغارت مشغول گردد و مردمانرا اسیر کند .

وامبا گفت : ممکن است بروید و ببینید که آنها از مردان خودتانند یا نه زیرا آنها بقدری شبیه شیاطند مثل سیبی که نصف کرده باشند .

من الان میروم و میفهمم . همینجا بمانید تا برگردم .

بعد از چند لحظه لاکسل مراجعت کرد . وگفت : آنها را دیدم و فهمیدم که از ما نیستند و مقصدشان را فهمیدم . برای ما سه نفر حماقت است که بآنان حمله بریم ولی امید وارم چندی طول نکشد که نیروئی که با آنان مقابله تواند کرد گرد آورم . کدریك ساکسونی آنقدر حامی دارد که اورا کمك کنند .

این را گفت و باقدمهای بلند در میان جنگل براه افتاد وخوکچران و مسخره هم ویرا تعقیب نمودند .

فصل پانزدهم
گردآوری یاغیان برای جنك

لاکسلی و دو رفیقش بعد از سه ساعت راه رفتن بفضای آزادی رسیدند که درمیان جنگل قرار داشت و عرض آن میدان درخت بلوط بزرگی روئیده بود . در زیر آندرخت چهار پنج نفر مرد ملبس بلباس سبز خوابیده بودند و چند نفر دیگر اینطرف و آنطرف قدم میزدند ومراقب آنها بودند .

بمحض آنکه نزدیك شدند چند نفر از خفتگان بیدار شدند . آنهائیکه خواب بودند از خواب پریده و با کمانهای خود بطرف آنها گرد اول رفتند ولی رابنها آن سه نفر را شناخته بودند خوش آمدگفتند و احترام گذاردند و برای رفتن آنها از جای خود برخاستند و تعظیم کردند .

اولین پرسش این بود : میگر کجاست ؟

یکنفر جواب داد که او درهمان نزدیکی است و بمحض آوردن چیزی مشغول میگردد .

باز لاکسلی پرسید : آیا تنها است ؟

یکنفر جواب داد که بله تنها است و لاکسلی را تعقیب نماید .

سر دستهٔ یاغیان پاسخ داد : بدکاری نیست پس فرایرتاك کجا رفته ؟

درکلبه اش درکومپانهورست میباشد . (معلوم شد اسم کشیش فرایرتاك است) .

لاکسلی گفت : من بآنجا خواهم رفت . شما هم باطراف رفته و تمام رفقا و هرکس دیگری را که میتوانید جمع اوری کنید و درسپیده دم همینجا یکدیگر را ملاقات خواهیم نمود . دونفر ازشما شتابان بطرف جاده ایکه به تورکویلستون قلعهٔ فرانت دوبوف میرود روان شوید . چند لرد جوان که بلباسها شبیه ما ملبس میباشند چند نفری را دستگیر کرده و بقلعه میبرند . برای آنکه نام یاغیان بیدی برده نشود باید آنها را تنبیه نمائیم .

سپس لاکسلی ودو رفیقش راه خود را بطرف کلبه متروك کومپانهورست ادامه دادند . چون بهمان فضای جلوکلبه که آنوقت روشن شده بود رسیدند وامبا بگوش گورث گفت : آنمرد مقدس بمحراب نمازی میخواند .

دوسه رفیق زاهد بامهمانش درکلبه داشتند سرودی رامیخواندند (ازترجمه شعر آن صرف نظر شد) بالاخره لاکسلی بادق البابهای مکرر عیش آندو را منقص کرد .

شوالیه با عجله اسلحه اش را در بر کرد و تارك دنیا علامات عیش را مخفی میکرد .

صدائی از خارج گفت : ای کشیش دیوانه ، در را بروی لاکسلی باز کن .

تارك دنیا بشوالیه گفت : خطری متوجه نیست . سپس دررا باز نمود .

لاکسلی گفت : ای زاهد چرا رفیق باده گساری را راه ندادی ؟ مگر دیوانه شده ای که شوالیه ایرا که نمی شناسی راه

میدهی ؟ مگر وعده های خود را فراموش کرده ای ؟ زود نماز را کنار گذار و اسلحه برتن کن زیرا ما بتمام یاران خود احتیاج داریم .

زاهد بسرعت خرقه اش را در آورده و لباس سبزی برتن کرد وموقعیکه مشغول آنکار بود لاکسلی شوالیه‌را بخارج برد و چنین خطاب کرد :

شما کسی هستید که در روز دوم مسابقه پیروزی را احراز کردید . بیهوده انکار نکنید .

شوالیه گفت : بالفرض هم که چنین شما راست باشد چه‌فایده از این حرف عاید میشود ؟

در اینصورت من شما را جزو دستهٔ خود خواهم کرد یك دسته اشخاص نادرس که خود را بهتر از آنچه هستند نشان میدهند تعجب زائدة ما کسولی (کسوپاك) و ایستراوند و رفیقش اتلس تاین را دستگیر کرده و بقلعه ایکه تورکیلستون نام دارد در نزدیکی جنگل است برده اند . از شما که یك شوالیهٔ مهربان و مرد انگلیسی هستید میپرسم که آیا ما را در نجات دادن آنان یاری مینمائید ؟

شوالیهٔ جوان جواب داد : برحمدهٔ من است که با شما یاری کنم . ولی میخواهم بدانم که شما کیستید که از من چنین مساعدت مینمائید ؟

من دستهٔ سیاه هستم و گمان میکنم بزرگ من رابشناسید . من ریچارد کنان هستم و میدانم هیچ کس نیست که بتواند دوست بهتری از شما پیدا کند . لاکسلی گفت : من شما را خوب میشناسم . شوالیه گفت : دیگر چرا تعلل میکنید ؟ هر چه زودتر ما باید بقلعه برسیم و شما یاری نمائید . لاکسلی گفت : من با شما یاری خواهم کرد ولی باید بدانم که شما چه کسانی را میخواهید نجات دهید .

شوالیه گفت : بیرون آمدن و آمدن صورت یك بانوی درآمده و با شکیبائی بسیار و تحمل گفتار سخت بود . لاکسلی گفت :

بیای زاهد دیگر انهم بیایند که اگر بخواهیم قلعهٔ رژی نالد فرانت دوبوف را فتح کنیم باید تمام عده قلیل خود را جمع آوریم .

شوالیهٔ سیاه پوش گفت : فرانت دوبوف ! کسیکه در جلو پادشاه برعایای وی حمله برد چه شخص پستی است مگر بتازگی دزدهم شده است ؟

زاهد گفت : دزد ! بگمان من دزدی که از آن بدتر نباشد براو شرف دارد .

فصل شانزدهم

دژتور کویلستون

مردان مسلحی که کدریك و همراهانش را دستگیر کرده بودند باعجله پیش میرفتند . تاریکی همه جارا فرا گرفته و جاده‌های جنگل بخوبی معلوم نبود . چند مرتبه راه راگم کردند و موقعیکه طلوع فجر آغاز شد مطمئن شدند که بجاده اصلی رسیده اند .

بوا ـ ژیلبرت به دوبراسی گفت : حالا موقعی است که ازما جدا شوید . میدانید که بعداً باید نقش شوالیهٔ نجات دهنده را بازی کنید .

دوبراسی گفت : تادستگیر شدگان را بسلامت بقلعهٔ فرانت دوبوف نرسانیم من شمارا ترك نخواهم کرد . سپس در آنجا بشکل اصلی خود در آمده و در مقابل لیدی راونا حاضر شده و باو خواهم گفت که تمام این کارهائی که گناه آنها بگردن من است برای خاطر عشقی است که بشما دارم .

بوا ـ ژیلبرت مقدس جوابداد : دوبراسی ، چه چیز سبب شده است که نقشه خودرا تغییر دادید ؟ امید وارم که ازمن بدگمان نشده باشید .

دوبراسی گفت : نه . بنابر میل خودم اینکار لیدی راونا را برای خود دستگیر کرده ام اگر بگیرید کمال بی انصافی است .

مقدس حوابداد : پس حالا خوبست حقیقت من بمحبوبهٔ شما کاری ندارم وثروت آی‌مانك را هم قسمت میکنیم زیرا وی درمقابل هیچ قلعه اش را باخ ولی خانم محبوب بهودی را بعنوان غنیمت برای دیگرسختی نگفتند و بمحله یهود میرفتند تا خیابانی که درختان عظیم داشت رسیدند و تورکا نرانت دربوف نمایان گشت .

وقتی بجلوی قلعه رسیدند دوبراسی سه سر داشت دیدبان کماندران که روی حصار قلعه بودند با قلعه را فروگذاردند و آنهارا بدرون قلعه هدایت کرد بالطاقی رفتند و درآنجا غلام حاضری با این مانند که هیچکس بآن پی نبرد . سپس مستحفظین قلعه بآنان گفتند لیدی راونا جدا شده و بالطاق دیگری میرود هیچ ممکن نبود . بالجمله آنها را بالطاقیکه سنجوانی بنام لیدی راونا بانتظار آنها بود راهنمائی کردند .

[illegible]

ربوده را بدانگاه بالطاق دیگری برسند .

فصل هفدهم

شهامت ربه کا

دو نفر قراول ربه کا را برده و در اطاق کوچکی ازبرجهای دوردست قلعه انداختند. درآن اطاق پیرزنی را یافت که نخریسی میکرد و یکی از آهنگهای انگلیسی را زیرلب زمزمه میکرد.

یکی از قراولان به پیرزن گفت: ای پیرزن، باید ازاین اطاق بیرون بروی. اربابمان امر کرده است که اطاق را خالی کنی وبرای این مهمان زیبابگذاری.

پیرزن گفت: آه، یك موقعی حرفم بقدری نفوذ داشت که بهترین مردان مسلح را ازمیان شما ازخدمت خارج میکردم ولی حال بایستی که بفرمان بیشخدمتی مثل شما برخاسته و بیرون بروم.

قراول دومی گفت: دولریکای مهربان. بس است دیگرواجع بابنکار دلیل نیاور و برخیز و خارج شو. یکوقتی هم دوران توبود ولی مدتها است خورشید جوانی تو غروب نموده است!

پیرزن گفت: خدا شما را خیر ندهد! خدا کند که مثل سگی کشته شوید! ولی من تا نخنایی را تمام نکنم از اینجا بیرون نخواهم رفت.

قراولان گفتند: حرفهای خود را بارباب بزن. سپس بیرون رفته وبپرزن را با ربه کا بحال خود گذاردند. پیرزن نگاهی باغضب به ربه کا کرده گفت: خدا میداند که دیگرچه عمل شیطانی مخفیانه ای را میخواهند انجام دهند؟ ولی میتوان حدس زد. از چشمان سیاه و گیسوان آبنوسی، پوست بدن سفید میتوان حدس زد که برای چه کاری اینجانم را باین بیغوله فرستاده اند. اینجانم بیگانه هم میباشد سپس پرسید: شما اهل کجا هستید؟ چراجواب نمیدهید؟ چرا گریه میکنید ولی حرف نمیزنید؟

ربه کا گفت : برای رضای خدا بمن بگوئید که دراینجا بامن چگونه رفتار میشود ؟

پیرزن جواب داد : بس گوش دهید . من موقعیکه فرانت دوبوف پدر ارباب کنونی قلعهٔ رژینالد این دژ را تسخیر نمود زن جوانی بودم بزیبائی دوبرابر شما . پدرم با هفت برادر از این قلعهٔ اطاق باطاق دفاع کردند . سپس تماما مردند ومن بدست فاتح اسیر گشتم .

ربه کا گفت : اینجا راه فراری ندارد ؟

پیرزن سرخاکستری خودرا تکان داده گفت : ازاینجا بهیچ جا بجز بدره مرگ فرار نمیتوان کرد . . . تخریبی من تمام شد . حالا نوبت شماست .

بعد خندهٔ از روی بی اعتنائی کرده از اطاق خارج شد و دربه رابابت سرخود قفل نمود .

ربه کا فشردی طبیعی وطبعی بر از دهنش نیامده داشت . آنحالتی که وی بدان دچار شده بود متوای شر علی لازم داشت . اولین توجه وی بار هوئی اطاق معطوف گردید . سپس اطاق را گشت وهیچ راه مخفی ودری را ندید . تنها یک پنجره بالای برج باز میشد و در آنجا پرتگاهی بارتفاع صد ها متر تابای صخور قلعه میرسید . هیچ امید نجاتی برای وی نبود .

بعد از چند دقیقه تنهائی در برج با خشونت باز شد . دربان با قیافه وحشتناک که مانند نقاب سیاهی بود بآستانهٔ در ظاهر گردید . کلاهی بزرگ صورتش را کاملا پوشانیده بود . او با اشاره بربه کا فهماند که بدنبالش برود . ربه کا بدون مقاومت کمربند شمشیر خود را برداشته و بدنبال مرد حرکت نمود . بنظر او اینگونه بهتر از بی حرکتی بود .

این بار دربان براه افتاد و ربه کا بدنبال او . این مرد بدون گفتار بود ولی بوضوح آشکار بود که اشاره ها خیلی برای او عادت است .

ربه‌کا هم بزبان فرانسه گفت : پس شما یاغی نیستید . از بچگی بك نجیب زاده نورماندی بوده اید آیا بمن رحم خواهید کرد :

آنمرد که بوا - ژیلبرت بود صورت را آشکار ساخته گفت : حدس شما صائب است من یاغی نیستم ودرعوض آنکه این جواهرات را از شما بگیرم اگر تسلیم من شوید سر وروی شما را با جواهر پرخواهم کرد . شما اکنون اسیرمن هستید . پس بمن تسلیم شوید و شما را بعظمتی خواهم رساند که خانمهای نورماندی بپای شما نرسند .

ربه‌کا گفت : بشما تسلیم شوم ! ای شوالیهٔ نامرد ! من از شما متنفرم : خدای ابراهیم راه فرارو ابرای من باز کرده است حتی اگر از گودال شرمندگی باشد .

وقتی اینحرف را زد پنجره را باز کرده ولحظه ای بسیکنار برج جائیکه هیچ فاصله ای بین او وپرتگاه مخوف نبود ایستاد.

سپس گفت : اگر یك قدم آنطرف بگذارم از بالای برت خواهم شد و بدن من در روی سنگهای پائین خورد شده و پیش از آنکه تسلیم شما شوم از شکل انسان خارج خواهم شد .

شوالیهٔ کمی مکث کرد وعزم راسخ وی که تاکنون رحم و شفقتی بآن راه نیافته بود برای چند لحظه بتحسین از شجاعت وی پرداخت .

سدای کرناتی از جلوی درب قلعه شنیده شد آن صدا سه مرتبه با چنان قوتی زده شد واعلام داشت که دشمن در جلوی قلعه حاضر شده در لحظه ای میخواهد برج و باروی قلعه را مانند پرکاهی ازبین بردارد .

بوا - ژیلبرت گفت : آن کرناتیکه زده شد معلوم میکند که واقعای رخ داده که بحضور من احتیاج دارند خدا حافظ . انشاءالله فوری مراجعت خواهم کرد .

فصل هجدهم

یک کشیش عجیب

موقعیکه بوا ـ ژیلبرت بتالار قلعه وارد شد دوبراسی را که قبلا آنجا بود ملاقات کرد . چندی طول نکشید که فرانت دوبوف هم بآنان پیوست . فرانت دوبوف گفت : راستی این صدای امتی از چه بود . کاغذی از خارج آورده اند و اگر اشتباه نکرده باشم با حروف ساکسونی نوشته شده . بعد چون نمیتوانست کاغذ را بخواند آنرا به دوبراسی داد . دوبراسی که او هم نمیتوانست آنرا بخواند گفت : آنچه من خیال میکنم آنست که این کاغذ موضوع اسرار انگلیسی دربرداشته .

بوا ـ ژیلبرت گفت کاغذرا بمن بدهید . بعد کاغذ را گرفته و چنین خواند :

« از طرف والسا مخبره نمبر ۲۱ معروف کدوبک دوبرادروود : کوریت خوش بودن کدوبک امیرته : ومتعلقین آنها سواتها سیاه پوش مرا بزودی لاکسلی .

به رزیدانس فرانت دوبوف و متعلقین ایشان :

نظر باینکه بموجب سند ارثی ما کدوبک ولیدی راونا والدین آنرا در کودکی از دست داده و بسرپرستی آنان بموجب متشخص آن سند ... و دختر وی را مستگیر کرده اید .

بنابراین تقاضا داریم که اشخاص نامبرده را طی یکساعت آزاد بفرستید و در صورت ... ما خواهیم ... توانیم خود را مرفه احتمال شما نمودن نبود .

کلیه ... بنام ... خواهد بود این روز مقدس نوشته شده و در صورت ... بزرگ مرتکب مجازات مرگ والک ... شوالیه سیاه پوش ... والتا ـ کوریت ـ رابرت لاکسلی »

شوالیهٔ ها آن کاغذ عجیب را خواندند وباتحیر هرچه تمامتر بیکدیگر خیره شدند .

دوبراسی اولین کسی بود که باشلیك خنده سکوت راشکست و بوا ـ ژیلبرت هم باخنده ویرا جواب گفت فرانت دوبوف معلوم بود که از این خنده و خوشحالی بیموقع و نابجا اوقاتش تلخ شد .

سپس گفت : بشما اخطار میکنم که این خنده بیموقع را بهتراست ترك نموده و بمشورت در اطراف اینموضوع بپردازید .

سپس بیکی ازخدمه خود گفت : آیا فهمیده ای که آنهائیکه اعلان جنك بما داده اند چقدر قوه دارند بپیشخدمت جوابداد : اقلا دویست نفر در جنگل گردآمده اند .

فرانت دوبوف گفت : با واگذار کردن قصر خود بشما دردسری برای خودفراهم کردم .

بوآژیلبرت گفت : خیلی شرم آورست . آقای شوالیه بگذارید مردان خود را جمع کرده و آنان را شکست دهیم . یك شوالیه حتی یك سرباز هم برای بیست نفر ازاینقبیل اشخاص کفایت میکند

فرانت دوبوف جواب داد : اگرآنها دهاتیهای جنوب بودند این حرف راست بود ولی آنها دهقانان انگلیسی هستند که برآنها غیر از قوه مزیتی نداریم ولی همین برتری برایمان کافی است . شما گفتید حمله کنیم ؟ ما حتی قشونی که با آن بتوانیم از قلعه دفاع کنیم نداریم . قشون اصلی من در شهریورك است وهرچه دراینجا قشون داریم متعلق بآقای دوبراسی هستند . وتماماً چهل پنجاه نفر حاضر داریم .

بوآژیلبرت گفت : از همسایگان خود امداد بطلبید و خواهش کنید که مردانشانرا جمع کرده وبنجات سه تن شوالیه که از طرف یك سفیر و یك خوك چران در قلعهٔ نجیب زاده فرانت دوبوف مورد حمله واقع شده اند بشتابند .

فرانت دوبوف گفت : پیغام مرا که بآنان خواهد رسانید ؛ حمله کنندگان تمام جاده ها را تحت نظر دارند . آقای بوآ - ژیلبرت شما قادرید که این کاغذ را بنویسید پس من دیکته میکنم و شما بنویسید . این کاغذ که الان میگویم جواب حمله کنندگان است .

بوا - ژیلبرت قلم بردست گرفته و چنین نوشت :

« آقای رژنالد فرانت دوبوف و متحدین ایشان از غلامان قبول مبارزه نمیکنند و اگر حقیقتاً شخصی که خود را شوالیهٔ سیاه پوش میخواند ادعای افتخار شوالیهٔ بودن را داراست باید بداند که با این اتحاد با غلامان خود را خوار ساخته است و اما راجع باسیران ، ما قسم کرده ایم که امروز پیش از ظهر آنان را بقتل رسانیم و بنابراین خواهش داریم کشیش بانجا بفرستید که آنها گناهان خودرا در برابر اوقرار نموده و باخدای خود صلح نمایند »

باین کاغذ آنها خیال داشتند کشیش را بقلعه خواست و بوسیله وی کاغذی باطمینان و آشتیان برای طلب کمک بفرستند .

کاغذ را تا کرده و بنامه رسان که بیرون در منتظر بود دادند . وی نامه را پیش حمله کنندگان برد . چونکه درمیان دستهٔ آنان کسی فرانسوی نمیدانست شوالیهٔ سیاه پوش آنرا گرفته و خواند سپس مطالعه آنرا برای رفقا شرح داد .

وامبا فریاد کرد : کیریلک نمیدانم بخدا قسم که آقای شوالیه سیاه اشتباها خواسته است دیکته فرانسه گفت ؛ نه ، نه لابد من هم میدانم چیزی را که در کاغذ نوشته بود گفتم .

فرانت گفت : پس بخدا که ما نامه را بدلخواه خود تغییر میکنیم .

وامبا جواب داد : ما چیزی نداریم که با آن اینکار را انجام دهیم .

لاکسلی گفت : این تهدید ایشان فقط حقه ای است که میخواهند فرصتی بدست بیاورند و الا آنها جرئت چنین کاری را ندارند .

شوالیهٔ سیاه پوش گفت : دلم میخواست که کسی بین ما پیدا شود که بقلعه رفته و بفهمد که قوهٔ آنان چه اندازه است . راستی آنها کشیش خواسته اند که بفرستیم . شاید این زاهد مقدس بتواند برود و اطلاعاتی را که لازم داریم برایمان تحصیل نماید .

تارك دنیا در پاسخ گفت : آقای شوالیهٔ ، بشما میگویم که موقعیکه لباس مقدسم را کنده و اسلحه در بر کردم کشیش بودن و تقدس و دانستن زبان لاتین و تمام این چیز های من از بین رفته است .

شوالیه سیاه پوش گفت : میترسم که میان ما کسی نباشد که بتواند نقش کشیش را بازی نماید :

و امبا کسی صبر کرده سپس گفت : بعقیدهٔ من یك احمق در هر کاری باید احمق باشد و گردن خود را درراه مخاطراتیکه عاقلها از آن رو گردانند بگذارد و بنابر این من حاضرم .

شوالیهٔ گفت : احسنت ای رفیق خوب بس لباس پوشیده و برو و باربابت پیغام ده که اطلاعی از وضع درون قلعه بما بفرستد . عده آنها کم است و احتمال دارد که بایك حمله ناگهانی و ماهرانهٔ ما از پا در آیند . فقط باید مواظب باشیم که کسی خبری از عده ما و سایر اطلاعات بقلعه نبرد .

لاکسلی گفت : بقدری مراقبم که حتی پرنده ای هم نمیتواند اخباری از ما بقلعه ببرد .

و امبا بعد از مدت کمی با لباسهای مذهبی ملبس گشته و بآنان گفت : پوکس وابی سکوم (۱) سپس با قدمهای موقرانه که شایسته کشیشها میباشد سوی مأموریت خویش رهسپار گشت .

---

(۱) این جمله بزبان لاتین بمعنی آنست که «آرامش باتو باشد»

کتابفروشی فردوسی

« اراک »

مرکز فروش گلهای رنگارنگ و نشریات بنگاه مربی

این کتابفروشی در سال ۱۳۱۰ شمسی در اراک تأسیس شده و با تمام کتابفروشی های معتبر مرکز طرف محاسبه و معامله جاری است.

در انجام مراجعات مطبوعاتی سایرین هم (باستثناء جرایید یومیه) با قید هرگونه تضمینی که بخواهید حاضر است و غیر از کتابفروشی : مجلات . نوشت افزار . باسمه و عکس های مختلف . وارد ات و صادرات فروش را انجام میدهیم .

صاحب : سید حسن داوری

چاپ آگهی ها

در گلهای رنگارنگ بنفع اعلان دهندگانست زیرا این کتاب هرماهه درتهران در سه‌هزار نسخه چاپ میگردد و شماره های آن همیشه در دست خوانندگان باقی میماند.

یکبار آگهی در گلهای رنگارنگ بمنزلهٔ صد ها آگهیست که بارها دراوراق پیدوام چاپ گردیده‌ودرزوایای فراموشی‌فرو رود.

دستمزد چاپ آگهی: تمام صفحه ۲۰۰ ریال - نیم صفحه ۱۰۰ ریال ربع صفحه ۵۰ ریال‌است. بااینهمه مزایا معهذا حق‌الطبع آگهی ها در گلهای رنگارنگ ارزانتر از روزنامه هاست.

بآگهی‌های دائمی تخفیف داده میشود و برای آزمایش هم شده یکبار آگهی های خودتانرا برای طبع و نشر در گلهای رنگارنگ ارسال دارید.

نشانی: خیابان سعدی - روبروی گرمابه ایران - کوچه فاریاب - خانه دوم دست راست - شماره تلفن ۵۱۰۸ بنگاه مرای

جایگاه فروش گلهای رنگارنگ درتهران.

۱ - کتابفروشی ابن سینا	شاه آباد (چهار راه مخبرالدوله)
۲ - « جهان نو	بین‌چهار راه‌شیخ‌هادی وچهار راه‌پهلوی.
۳ - « زمانی	خیابان بوزرجمهری چهارراه گلوبندک.
۴ - « پاس	خیابان امیریه برابربازارچهٔ شیخ هادی.
۵ - کتابفروشی خاور	شاه آباد جنب کوچه حمام وزیر.
۶ - « تهران	لاله زار جنب کوچه پشت شهرداری.
۷ - بنگاه دیده‌بان	« « اول کوچهٔ ناموس

صنایع کارخانه
لوازمات
فنی
طبی
COFFRE FORTS ININFLAMMABLE
LITS
INSTRUMENTS TECHNIQUES MEDICAL

CALL No. { ACC. No. ۷۹۳۵

AUTHOR

TITLE

MAULANA AZAD LIBRARY
ALIGARH MUSLIM UNIVERSITY

RULES:—

1. The book must be returned on the date stamped above.
2. A fine of Re. 1-00 per volume per day shall be charged for text-books and 10 Paise per volume per day for general books kept over - due.